امامت

جلد ۲

بحار انوار



علامه محمد باقر مجلسی

بسم الله الرحمن الرحيم

امامت

نویسنده:

محمدباقر بن محمدتقی علامه مجلسی

ناشر چاپی:

اسلامیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی ، محمد باقربن محمدتقی ، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه جلد هفتم بحارالانوار: امامت / تالیف محمدباقر مجلسی ؛ مترجم موسی خسروی .

مشخصات نشر : تهران : کتابفروشی اسلامیه ،۱۳۶۳.

مشخصات ظاهری : ۵ ج.

شابک : دوره ۹۶۴-۴۸۱-۰۹۸-۸ : ؛ ۲۰۰۰۰۰ ریال : دوره، چاپ چهارم ۹۷۸-۹۶۴-۴۸۱-۰۹۸-۵ : ؛ ج. ۱ : ۹۶۴-۴۸۱-۱۸۱-X ؛ ج. ۲ : ۹۶۴-۴۸۱-۱۸۲-۸ ؛ ج. ۲، چاپ چهارم ۹۷۸-۹۶۴-۴۸۱-۱۸۲-۱ : ؛ ج. ۳ : ۹۶۴-۴۸۱-۱۸۳-۶ ؛ : ج. ۳،چاپ چهارم ۹۷۸-۹۶۴-۴۸۱-۱۸۳-۸ : ؛ ج. ۴ : ۹۶۴-۴۸۱-۱۸۴-۴ ؛ ج. ۴، چاپ چهارم ۹۷۸-۹۶۴-۴۸۱-۱۸۴-۵ : ؛ ج. ۵ ، چاپ چهارم ۹۷۸-۹۶۴-۴۸۱-۱۸۵-۲ : ؛ ج. ۵ : ۹۶۴-۴۸۱-۱۸۵-۲

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج. ۱ (چاپ اول؟: ۱۳۵۷).

یادداشت : ج. ۲ - ۵ (چاپ چهارم: ۱۳۸۷).

یادداشت : عنوان عطف: بحارالانوار.

یادداشت : کتابنامه .

مندرجات : ج. ۵. امامت

عنوان عطف : بحارالانوار.

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۱ق.

موضوع : امامت

شناسه افزوده : خسروی ، موسی ، ۱۳۰۴ - ، مترجم

رده بندی کنگره : BP۱۳۵ /م۳ ب۳۰۴۲۱۱۲۷۵ ۱۳۶۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۰-۵۲۱۹

جلد دوم

بخش بیست و سوم ائمه علیهم السلام ابرار و متقین و سابقون و مقربین و شیعیان آنها اصحاب یمین و دشمنانشان فجار و اشرار و اصحاب شمالند

کنز جامع الفوائد: جابر بن یزید از حضرت باقر علیه السلام در باره آیه:

«فَسَلامٌ لَکَ مِنْ أَصْحابِ الْیَمِینِ» نقل کرد که اصحاب یمین شیعه هستند.

خداوند به پیامبرش میفرماید: «فَسَلامٌ لَکَ مِنْ أَصْحابِ الْیَمِینِ» یعنی تو از اصحاب یمین در سلامت و آسایشی فرزندانت را نمیکشند.

کنز: محمّد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام میرساند که در باره آیه: «وَ أَمَّا إِنْ کانَ مِنْ أَصْحابِ الْیَمِینِ. فَسَلامٌ لَکَ مِنْ أَصْحابِ الْیَمِینِ» فرمود آنها شیعیان و محبین ما هستند.

کنز: فضل بن شاذان سند را بحضرت باقر علیه السلام میرساند که فرمود خداوند عزیز میفرماید هیچ دعاکننده ای متوجه درگاه من نشده که محبوبتر

باشد

نزد من از آن کسی که دعا میکند و از من درخواست مینماید بحق محمّد و اهل بیتش کلماتی را که آدم از خداوند تلقی نمود این بود که گفت:

«اللهم انت ولیی فی نعمتی، و القادر علی طلبتی، و قد تعلم حاجتی فاسألك بحق محمّد و آل محمّد الا ما رحمتنی و غفرت زلتی».

خداوند بآدم خطاب نمود: آدم! من ولی نعمت تو هستم و قادر بر انجام درخواستت میباشم و حاجتت را نیز میدانم اما چه شد که از من بحق محمّد و آل او درخواست نمودی؟

عرضکرد: پروردگارا وقتی روح در من دمیدی سر بجانب عرش بلند کردم دیدم در اطراف فرش نوشته است: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» فهمیدم محمّد گرامی- ترین مخلوق نزد تو است آنگاه که اسماء بر من عرضه شد در میان گروهی از اصحاب یمین که از پیش من عبور کردند آل محمّد و پیروان آنها را مشاهده کردم فهمیدم آنها مقربترین مردم در نزد تو هستند فرمود: راست گفتی آدم! شیخ طوسی رحمه اللَّه علیه باسناد خود از حضرت باقر و آن جناب از پدر و از جدش نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله بعلی علیه السلام فرمود توئی آن کس که خداوند احتجاج کرد بوسیله تو در ابتدای آفرینش انسانها وقتی که آنها را بصورت شبح در آورد، بایشان فرمود من پروردگار شما نیستم؟. گفتند چرا. فرمود: محمّد رسول خدا است گفتند: آری گفت علی امیر المؤمنین است؟

تمام مردم از روی تکبر و عناد این مطلب را رد کردند مگر گروه کمی که بسیار کمند آنها و هم ایشان اصحاب یمین هستند.

کنز

الفوائد: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد در باره آیه: «إِنَّ الْأَبْرارَ لَفِي نَعِيمٍ، وَ إِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» فرمود ابرار ما هستیم و فجار دشمنان ما.

کنز الفوائد: سعید بن عثمان خزار گفت از ابو سعید مدائنی شنیدم میگفت:

«كَلَّا إِنَّ كِتابَ الْأَبْرارِ لَفِي عِلِّيِّينَ، وَ ما أَدْراكَ ما عِلِّيُّونَ، كِتابٌ مَرْقُومٌ» نامه علیین بخیر و نیکی رقم یافته، در آن رقم بمحبت محمّد و آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله زده اند.

امامت، ج ۲، ص: ۴

کنز الفوائد: جابر بن عبد اللّه از پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله در باره آیه: «وَ مِزاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ» نقل کرد فرمود عالیترین آشامیدنی است که در بهشت وجود دارد که محمّد آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله از آن مینوشند هم آنها مقربین و سابقون هستند.

رسول اللّه و علی بن ابی طالب و فاطمه و خدیجه صلوات اللّه علیهم و فرزندان آنها که از نظر ایمان پیروانشان بوده اند این نهر از بلندیهای قصر بهشتی آنها فرو میریزد.

و روایت شده از حضرت باقر علیه السلام که تسنیم بهترین آشامیدنی موجود در بهشت است که محمّد و آل محمّد از خالص آن مینوشند اما برای اصحاب یمین و سایر ساکنان بهشت مخلوط و آمیخته می شود.

مناقب آل ابی طالب: ج ۳ ص ۱۷۰- محمّد بن حنفیه از حسن بن علی علیه السلام نقل کرد که فرمود هر چه در قرآن مجید لفظ: «ان الابرار» هست بخدا سوگند جز علی بن ابی طالب و فاطمه و من و حسین کسی دیگری را منظور نکرده اند زیرا ما پاکان و نیکان از نظر پدرها و مادرانیم و دلهای ما شیفته

اطاعت خدا و نیکوکاری است و از دنیا و علاقه بآن بیزار است و در تمام فرائض و واجبات خدا را اطاعت نموده ایم و بیکتائی او ایمان داریم و پیامبرش را تصدیق نموده ایم.

حضرت صادق علیه السلام در مورد آیه: «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ» فرمود مائیم سابقون و ما هستیم آخرون.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در باره آیه «کَلَّا إِنَّ کِتابَ الفُجَّارِ لَفِی سِجِّینٍ» فرمود فجار کسانی هستند که در حق ائمه علیهم السّلام تبهکاری کردند و بر آنها ستم روا داشتند.

کنز: شیخ طوسی رحمه اللّٰه علیه از ابن عباس نقل میکند که گفت از پیامبر اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله در مورد آیه: وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ پرسیدم فرمود آنها علی و شیعه او هستند که سبقت به بهشت می گیرند و مقرب پیشگاه پروردگارند

امامت، ج ۲، ص: ۵

که مورد لطف و عنایت او قرار دارند.

کنز جامع الفوائد: محمّد بن زید از پدر خود نقل کرد که از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم از آیه: فَأَمَّا إِنْ کانَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ فَرَوْحٌ وَ رَیْحانٌ وَ جَنَّهُ نَعِیمٍ فرمود: این آیه در باره امیر المؤمنین و ائمه پس از اوست صلوات اللّٰه علیهم اجمعین.

کنز جامع الفوائد: محمّد بن حمران گفت: بحضرت باقر علیه السلام عرضکردم معنی آیه: فَأَمَّا إِنْ کانَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ چیست فرمود: مقربین کسانی هستند که در نزد امام منزلت و مقامی دارند.

گفتم: این آیه وَ أَمَّا إِنْ کانَ مِنْ أَصْحابِ الْیَمِینِ فرمود کسانی هستند که پشتیبان امامت هستند در مورد این آیه پرسیدم وَ أَمَّا إِنْ کانَ مِنَ الْمُکَذِّبِینَ الضَّالِّینَ فرمود مکذبین و گمراهان کسانی هستند که منکر امامند.

تفسیر قمی: ۷۱۶- از کلبی

و او از حضرت باقر علیه السلام در باره آیه كَلَّا إِنَّ كِتابَ الفُجّارِ لَفِي سِجِّينٍ فرمود: منظور فلانی و فلانی است «وَ ما أَدْراكَ ما سِجِّينٌ» تا «الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ» کسانی که روز قیامت را منکرند مراد اولی و دومی است.

«وَ ما يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ. إِذا تُتْلى عَلَيْهِ آياتُنا قالَ أَساطِيرُ الْأَوَّلِينَ» تکذیب قیامت نمیکند مگر هر ستمگر تبهکار که وقتی آیات خدا بر آنها خوانده می شود میگویند: اینها افسانه های قدیمی است منظور اولی و دومی هستند که پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم را تکذیب می کردند تا این قسمت آیه «ثُمَّ يُقالُ هذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ» بعد بآنها گفته می شود اینست همان پیامبری که تکذیبش می کردید.

خطاب به اولی و دومی و پیروان آنها است «كَلَّا إِنَّ كِتابَ الْأَبْرارِ لَفِي عِلِّيِّينَ. وَ ما أَدْراكَ ما عِلِّيُّونَ. كِتابٌ مَرْقُومٌ. يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ» تا این قسمت آیات «عَيْناً يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» فرمود منظور پیامبر اکرم و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین هستند. «إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا» مجرمین در این آیه اولی و دومی و پیروان آنهایند «كانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ. وَ إِذا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغامَزُونَ» که آنها در مورد

امامت، ج ۲، ص: ۶

پیامبر اکرم چشمک بهم می زدند این آیات در باره اولی و دومی است.

تفسیر قمی: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود خداوند ما را از بالاترین مرتبه علیین آفرید و دلهای شیعیان ما را از سرشت ما آفرید اما بدنهای ایشان را از مرتبه ای پائین تر، دلهایشان هوادار ما است چون از سرشت ما آفریده شده بعد این آیه را تلاوت نمود: «كَلَّا

إِنَّ كِتابَ الْأَبْرارِ لَفِي عِلِّيِّينَ. وَ ما أَدْراكَ ما عِلِّيُّونَ» تا «يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ. يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ. خِتامُهُ مِسْكٌ» فرمود آبی است که وقتی مؤمن می آشامد بوی مشک از آن استشمام می کند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس شرابخواری را برای غیر خدا ترک کند خداوند او را از رحیق مختوم می آشاماند عرضکرد یا بن رسول اللّه هر که ترک شراب- خواری برای غیر خدا هم بکند؟! فرمود: آری بخدا قسم اگر برای حفظ جان خویش ترک کند «وَ فِي ذلِكَ فَلْيَتَنافَسِ الْمُتَنافِسُونَ» باید در چنین ثواب و پاداشی هر چه بیشتر سبقت بگیرند که مؤمنین جویای آن هستند «وَ مِزاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ» فرمود: عالی ترین آشامیدنی اهل بهشت است که از قسمت بالای قصرهای بهشتیان بر آنها فرو میریزد و آن چشمه ایست که مقربین از خالص آن می آشامند و مقربین پیامبر اکرم و خدیجه و علی بن ابی طالب و بازماندگان آنهایند که ملحق بایشان می شوند چنانچه در این آیه می فرماید: «أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ».

فرمود: مقربین از خالص نهر تسنیم می آشامند، اما بقیه مؤمنین از مخلوط آن.

علی بن ابراهیم می گوید: سپس مجرمین را معرفی می کند که مؤمنین را استهزاء میکنند و بر آنها می خندند و چشمک میزنند فرموده است «إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ» تا «فَكِهِينَ» فرمود: مسخره میکنند «وَ إِذا رَأَوْهُمْ» یعنی وقتی مؤمنین آنها را می بینند «قالُوا إِنَّ هؤُلاءِ لَضالُّونَ»

امامت، ج ۲، ص: ۷

می گویند اینهایند گمراهان.

خداوند می فرماید: «وَ ما أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حافِظِينَ» سپس می فرماید «فَالْيَوْمَ» یعنی روز قیامت «الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ. عَلَى الْأَرائِكِ يَنْظُرُونَ هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ» مؤمنین بکفار می خندند بر تکیه گاه های بهشتی خود تکیه زده اند و تماشا میکنند «هَلْ

ثُوِّبَ الْكَفَّارُ ما كانُوا يَفْعَلُونَ» آیا کفار را بسزای کردارشان رسانیده اند.

کـافی: ادریس بن عبـد اللَّه از حضـرت صـادق علیه السـلام نقـل کرد که از تفسـیر آیه «مـا سَـلَکَکُمْ فِی سَـقَرَ. قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَـلِّینَ» می پرسـند چه شـد که شـما جهنمی شدید می گویند: ما نمازخوان نبودیم فرمود: منظور اینست که ما از پیروان ائمه که در این آیه اشـاره می فرمایـد نبودیم «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ. أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ» مگر نه اینست که هر کس زودتر خود را بمحل اجتماع برای اسبدوانی نرساند مردم مصلی باو نمی گویند پس منظور از «لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ» یعنی ما از اتباع و پیروان سابقین نبودیم.

توضیح: راغب در مفردات خود می گوید معنی «لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ» یعنی از پیروان پیامبران.

کنز جـامع الفوائـد: ابن عبـاس در بـاره آیه «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» آیا قرار میـدهیم کسانی که ایمان و عمل صالح دارند منظور علی و حمزه و عبیده است «کَالْمُفْسِدِینَ فِی الْأَرْضِ» مانند تبهکاران در زمین مراد عتبه و شـیبه و ولید اسـت «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِینَ» یا قرار میدهیم متقین را یعنی علی «کَالْفُجَّارِ» مانند تبهکاران منظور فلانی و یاران او است.

کنز جامع الفوائد: ابن عباس گفت: سبقت گیرندگان سه نفرند:

۱- حزقیل مؤمن آل فرعون که سـبقت بسوی موسـی گرفت. ۲- و حبیب دوست یاسـین که سـبقت بسوی عیسی گرفت. ۳- و علی بن ابی طالب که سبقت بسوی محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلّم گرفت و هم او بهترین سبقت گیرندگان است.

امامت، ج ۲، ص: ۸

کنز الفوائد: سلیم بن قیس از حسن بن علی علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرد که در باره آیه «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ. أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ» فرمود من

جلوتر از تمام سبقت گیرندگان بسوی خدا و پیامبرم و من مقرب ترین مقربان خدا و پیامبرم.

کنز جامع الفوائد: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السلام در باره آیه «کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ رَهِینَهٌ. إِلَّا أَصْحابَ الْیَمِینِ» هر کسی در گرو اعمال خویش است بجز اصحاب یمین فرمود: آنها شیعیان ما اهل بیت پیمبرند.

کنز جامع الفوائد: جابر جعفی از حضرت باقر از آباء گرامش نقل کرد که پیامبر اکرم بعلی علیه السلام فرمود: یا علی آیه «کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ رَهِینَهٌ. إِلَّا أَصْحابَ الْیَمِینِ فِی جَنَّاتٍ یَتَساءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِینَ. ما سَلَکَکُمْ فِی سَقَرَ» فرمود مجرمین در آیه کسانی هستند که منکر ولایت تواند «قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ. وَ لَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکِینَ وَ کُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخائِضِینَ» اصحاب یمین بآنها میگویند: نه بواسطه آنچه میگوئید ساکن جهنم نشده اید بگوئید چه چیز باعث سکونت جهنم برای شما شده میگویند: «کُنَّا نُکَذِّبُ بِیَوْمِ الدِّینِ حَتَّی أَتانَا الْیَقِینُ» ما بیوم الدین تکذیب میکردیم تا یقین برای ما آمد. اصحاب یمین میگویند همین موجب جهنمی شدن شما شده، ای شقاوتمندان. یوم الدین همان روز میثاق است چون منکر شدند و تکذیب ولایت ترا کردند و بر تو ستم روا داشته تکبر ورزیدند.

توضیح: طبرسی می نویسد: حضرت باقر علیه السلام فرمود: ما و شیعیانمان اصحاب یمین هستیم.

بخش بیست و چهارم ائمه علیهم السلام سبیل و صراط هستند و شیعیان آنها در راه و صراط استوارند

در تفسیر منسوب بامام حسن عسکری و معانی الاخبار: ص ۱۴، مینویسد که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در باره آیه «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ» فرمود منظور اینست که پیوسته ما را موفق بدار نسبت به آنچه در گذشته توفیق داده ای تا اطاعت از دستور تو بنمائیم در آینده از عمر خود.

صراط مستقیم دو نوع

است: یکی صراط دنیا و دیگری صراط آخرت اما صراط مستقیم در دنیا آن روشی است که نه غلو و زیادی داشته باشند و نه کوتاهی نمایند میانه رو باشند و گرایش بباطل نداشته باشند اما طریق دیگر همان راه مؤمنین است بجانب بهشت که مستقیم است که انحراف بجانب جهنم ندارد و نه بجای دیگری غیر جهنم فقط مستقیم رهسپار بجانب بهشت می شوند.

حضرت صادق علیه السلام در باره آیه «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ» فرمود یعنی ما را راهنمائی کن براه مستقیم که منظور راهنمائی کن براهی که برساند ما را

امامت، ج ۲، ص: ۱۰

بمحبت تو و دینت و باز دارد از آنکه پیرو هوای نفس خویش باشیم یا از آراء خود پیروی کنیم و هلاک گردیم.

تفسیر امام و معانی الاخبار: از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نقل میکند در باره آیه: «صِراطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» یعنی بگوئید ما را هدایت فرما به راه کسانی که نعمت دادی بایشان بتوفیق در راه دین و فرمانبرداری از خود و آنها کسانی هستند که خداوند در این آیه معرفی کرده وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولئِكَ رَفِيقاً.

عین همین مطلب از امیر المؤمنین علیه السّلام نیز نقل شده آنگاه فرمود اینها کسانی هستند که بآنها نعمت مال و صحت بدن داده شده گر چه همه اینها از نعمت های آشکار خدا است.

مگر نه اینست که گروهی از کسانی که مشمول نعمت مال و سلامتی بدن هستند کافر یا فاسقند شما را تشویق نکرده اند که تقاضای راهنمائی شدن به راه چنین اشخاصی را بکنید بلکه

دستور داده اند تقاضای راهنمائی براه کسانی که نعمت ایمان بخدا و تصدیق پیامبر و ولایت نسبت بآل پاک او دارند و اصحاب برگزیده و نیکو کارش بکنید و تقیه نمائید تا از شر مردم و دشمنان خدا و کفر آنها در امان باشید باین طور که با ایشان مدارا نمائید و وادار نکنید آنها را که در پی آزار شما باشند و حقوق برادران مؤمن خویش را بشناسید.

همانا هر بنده خدا از زن و مرد که ولایت نسبت به محمّد و آل او و اصحابش داشته باشد دشمن با دشمنان ایشان باشد خود را از عذاب خدا در حصن و دژی محکم قرار داده و هر بنده ای از زن و مرد که مدارا کند به بهترین وجه مشروط بر اینکه با این مدارا داخل در کار باطل نگردد و حقی را از دست ندهد خداوند نفس او را تسبیح قرار خواهد داد و عملش را پاک میکند و باو بینائی و بصیرت در کتمان

امامت، ج ۲، ص: ۱۱

سرما خواهد داد و خشم خود را فرو میبرد وقتی سخنی ناهنجار از دشمنان ما میشنود چنین کسی ثواب آن شخص را خواهد برد که در خون خود غوطه ور شود در راه خدا.

هر بنده ای که توجه بحقوق برادران مؤمن خود بنماید و با تمام کوشش حقوق ایشان را ادا نماید و بقدر امکان از ایشان کوتاهی نکند و گذشت داشته آنها را عفو نماید و پی گیری از خطا و لغزش آنها ننماید و چشم پوشی کند خدا باو در روز قیامت میفرماید بنده ی من تو حقوق برادران را ادا کردی و از خطا و لغزش آنها پی گیری نکردی من کریمتر

و باسخاوت تر و شایسته ترم در باره گذشت و بخشش من داوری را بخودت واگذار میکنم در مورد وعده پاداشی که بتو داده ام و از فضل خویش اضافه مینمایم و پی گیری از کوتاهی تو در مورد حقوق خویش نخواهم نمود.

فرمود خداوند آنها را به محمّد و آل و اصحاب او ملحق میکند و از بهترین شیعیان ایشان قرارشان میدهد.

معانی الاخبار: مفضل گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع بصراط پرسیدم فرمود صراط راه بسوی معرفت و شناخت خدا است و دو نوع صراط داریم یکی در دنیا و دیگری در آخرت صراط دنیا امام است که اطاعت او واجب است هر کس او را بشناسد و از دستوراتش پیروی نماید از صراط آخرت که پلی است بر روی جهنم خواهد گذشت هر کس او را نشناسد پایش در صراط جهنم خواهد لغزید و میان جهنم خواهد افتاد.

معانی الاخبار: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده در باره آیه: اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ.

فرمود منظور امیر المؤمنین و معرفت اوست دلیل بر اینکه مراد امیر المؤمنین است این آیه است: وَ إِنَّهُ فِی أُمِّ الْكِتابِ لَدَيْنا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ که امیر المؤمنین علیه السّلام در ام الکتاب (فاتحه الکتاب) ذکر شده یعنی همان اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ.

امامت، ج ۲، ص: ۱۲

معانی الاخبار: ثمالی از حضرت علی بن الحسین نقل کرد که فرمود بین خدا و حجتش پرده ای نیست و نه از برای خدا در مقابل حجتش حجابی است ما ابواب خدا و صراط مستقیم و گنجینه دانش او و مترجم وحی خدائیم ما پایه های توحید خدا و جایگاه اسرار اوئیم.

معانی الاخبار: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که راجع باین

آیه پرسیدم: وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید.

فرمود میدانی راه خدا چیست؟ گفتم: نه بخدا، مگر از شما بشنوم فرمود راه علی و فرزندان او است هر که در راه ولایت او کشته شود در راه خدا کشته شده و هر که در ولایت علی بمیرد در راه خدا مرده.

معانی الاخبار: حنان بن سدیر از جعفر بن محمّد صلوات اللَّه علیه در این آیه از سوره حمد: صِراطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ نقل کرد که فرمود منظور محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم و ذریه او است.

تفسیر قمی: آیه أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ فرمود صراط مستقیم امام است از او پیروی کنید وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ پیروی از غیر امام نکنید فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ که موجب اختلاف و تفرقه شما در باره امام خواهد شد.

ابو بصیر: از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه: هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ.

فرمود ما راه مستقیم هستیم هر که از راه ما امتناع ورزید آن راه های دیگر است (که موجب کفر می شود) آنگاه خداوند میفرماید: ذلِکُمْ وَصَّاکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ این سفارش خدا بشما است تا موجب پرهیزگاری شما گردد.

تفسیر قمی: إِنَّ اللَّهَ لَهادِ الَّذِینَ آمَنُوا إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ خدا هدایت می کند مؤمنین را براه مستقیم می نویسد منظور راه امام است که مستقیم است.

تفسیر قمی: إِلی صِراطِ الْعَزِیزِ الْحَمِیدِ مینویسد: صراط راه واضح است و امامت ائمه علیهم السّلام.

امامت، ج ۲، ص: ۱۳

تفسیر قمی: ابن رئاب گفت: امام فرمود بخدا قسم مائیم که خداوند مردم را باطاعت ما ملتزم نموده

هر کس میخواهد از هر طرف برود چاره ای جز در خانه ما ندارند.

بخدا قسم ما همان راهی هستیم که باید از آن پیروی کنید، سوگند به خدا ما صراط مستقیمیم.

تفسیر قمی: وَ إِنَّکَ لَتَدْعُوهُمْ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ تو آنها را براه مستقیم دعوت میکنی فرمود ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام وَ إِنَّ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ کسانی که ایمان بآخرت ندارند از راه منحرفند یعنی از امام انحراف دارند.

تفسیر عیاشی: از حضرت باقر نقل میکند: «وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ» فرمود: آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم آن راهی هستند که خداوند بآن راهنمائی میکند.

تفسیر فرات: ابی بریده گفت: در خدمت پیامبر اکرم نشسته بودیم آن جناب بجانب علی علیه السّلام اشاره نموده، این آیه را خواند وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ تا آخر آیه مردی عرضکرد: یا رسول اللّه مگر منظور از آیه این نیست که خدا این راه را بر تمام راهها برتری داده (یعنی اسلام را).

پیامبر اکرم فرمود: این ستمی است که تو در باره علی روا می داری اما آنچه گفتی که خداوند اسلام را بر سایر ادیان برتری داده صحیح است اما این آیه موقعی نزول یافت که من از جنگ اولی تبوک بازمی گشتم. عرض کردم پروردگارا من علی را همچون هارون برادر موسی در میان امت خود به جانشینی گذاشتم جز اینکه پیامبری بعد از من نیست خداوند تصدیق گفتار مرا نمود و وعده مرا اجرا کرد نام علی را در قرآن برد چنانچه نام هارون برده شد تو خود نیز در قرآن خوانده ای آنگاه پیامبر اکرم آیه ای

را از قرآن خواند که هارون نام برده شده بود فرمود: خداوند سخن مرا تصدیق کرد با این آیه هذا صِراطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ اینست راه من که مستقیم است آن راه همین علی است که نشسته است

امامت، ج ۲، ص: ۱۴

نصیحتش را بشنوید و گوش کنید هر که مرا دشنام دهد خدا را دشنام داده و هر که علی را دشنام دهد بمن دشنام داده.

تفسیر فرات: ابو مالک اسدی گفت: بحضرت باقر علیه السّلام گفتم: منظور از این آیه چیست: وَ أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ تا آخر آیه امام علیه السّلام دست چپ خود را گشود و با دست راست دایره ای در شعاع آن دست زد آنگاه فرمود: ما راه مستقیم هستیم از آن پیروی کنید از راههای دیگر نروید که شما را منحرف میکند بطرف راست و چپ آنگاه با دست خود خط کشید. «۱»

تفسیر فرات: حمران گفت از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم در باره این آیه میفرمود: وَ أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ علی بن ابی طالب و ائمه علیهم السّلام از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام است که راه خدا هستند هر که از آنها روی برگرداند داخل در سایر راهها شده که در آیه به آن اشاره گردیده.

مناقب: عبد اللَّه بن عباس در باره آیه: اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ گفت یعنی بگوئید خدایا ما را راهنمائی کن به محبت پیامبر اکرم و اهل بیتش.

تفسیر ثعلبی: و کتاب ابن شاهین از مسلم بن حبان و او از ابی بریده در باره آیه اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ نقل می کند که آن صراط محمّد و آل اوست.

اعمش

از ابو صالح و او از ابن عباس در مورد آیه فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِيِّ به زودی خواهید فهمید کدام یک در راه راست قرار گرفته اید.

گفت بخدا قسم منظور محمّد و اهل بیت اوست وَ مَنِ اهْتَدی هر که هدایت یابد مراد اصحاب محمّد است.

خصائص: اصبغ از علی علیه السّلام نقل کرد و در کتابهای ما جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که در باره آیه وَ إِنَّ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّراطِ لَناكِبُونَ

امامت، ج ۲، ص: ۱۵

فرمود: یعنی از ولایت ما انحراف دارند.

حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: فَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلى وَجْهِهِ أَهْدى آیا کسی که بر روی زمین افتاده راه میرود در راه واقعی است یعنی دشمنان آل محمّد أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ یا کسی که راست و استوار در راه مستقیم حرکت میکند فرمود: منظور سلمان و مقداد و عمار و یارانش هستند.

در تفسیر است که وَ أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً منظور قرآن و آل محمّدند صلی اللّه علیه و آله.

کشف: از مطالبی که نوشته است: عز المحدث حنبلی در باره آیه: اهْدِنَا الصِّراطَ اینست که بریده از صحابه پیامبر اکرم گفت: آن راه محمّد و آل اوست.

کنز جامع الفوائد: علی بن یوسف بن جبیر در کتاب نهج الایمان مینویسد:

صراط مستقیم علی بن ابی طالب علیه السّلام است زیرا ابراهیم ثقفی در کتاب خود سند به بریده اسلمی میرساند که پیامبر اکرم فرمود: أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ من از خدا درخواست کردم این راه را اختصاص به علی بن ابی طالب دهد خداوند پذیرفت.

کنز الفوائد: هشام

بن حکم گفت: حضرت صادق این آیه را هذا صِراطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ خواند و صراط را بعلی اضافه نمود (یعنی علی بن ابی طالب راه استوار دین است که انحراف بردار نیست).

حریز از حضرت صادق علیه السّلام سؤال کرد که در باره آیه یا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (ای کاش با پیمبر همگام می شدم) فرمود: منظور علی بن ابی طالب علیه السّلام است.

تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود: هر بنده ای از زن و مردم که در ظاهر بیعت با امیر المؤمنین علی علیه السّلام کند ولی در باطن آن بیعت را بشکند و بر نفاق خویش باقی بماند، موقعی که عزرائیل برای قبض روح او می آید جهنم با تمام عذابهای گوناگونش در مقابل دیده و دل او مجسم میگردد همچنین

امامت، ج ۲، ص: ۱۶

بهشت را نیز با تمام منازلش می بیند اگر بر ایمان و عقیده اش در باره علی ثابت میماند (بجانب بهشت میرفت).

ملک الموت باو میگوید: نگاه کن به بهشت که هیچ کس جز خدا ارزش و اهمیت و قدرش را نمی داند اگر بر ولایت علی برادر پیامبر ثابت میماندی برای تو آماده بود و روز قیامت رهسپار بآنجا می شدی اما چون بیعت را شکستی و مخالفت نمودی اینک جهنم و عذابهای گوناگون آن و لهیب های فروزان و مارهای کام گشاده و عقربهای دم برافراشته و درندگان با پنجه های گشاده و دیگر عذابهای آن جایگاه تو است و باید بدانسوی روی، در این هنگام میگوید: «یا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا» ای کاش می پذیرفتم دستور پیامبر و ولایت علی علیه السّلام را و از دست

نمی دادم.

کنز الفوائـد: ابو الخطاب از حضـرت صادق علیه السّـلام نقل کرد که فرمود: بخدا قسم خداوند در کتاب خود با اشاره نفرموده در این آیه «یا وَیْلَتی لَیْتَنِی لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَلِیلًا» در مصحف علی علیه السّلام چنین است:

«یا ویلتنا لیتنی لم اتخذ الثانی خلیلا»

کاش دومی را بعنوان دوست انتخاب نکرده بودم و بزودی آشکار خواهد شد.

کنز الفوائـد: از حضـرت بـاقر علیه السّـلام نقل میکنـد که فرمود: یَوْمَ یَعَضُّ الظَّالِمُ عَلی یَدَیْهِ یَقُولُ یا لَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلًا. یا وَیْلَتی لَیْتَنِی لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَلِیلًا روزی که ستمکار دست خود را بدندان میگزد و میگوید: ای کاش همگام با پیمبر می شدم وای بر من کاش فلان کس را بدوستی نمی گزیدم فرمود: این حرف را اولی بدومی می گوید.

کـافی: باسـناد خود از جابر نقل می کنـد که حضـرت باقر علیه السّـلام از امیر المؤمنین نقل کرد که در ضـمن خطبه ای فرمود: جـامه خلافت را آن دو شـقی و بـدبخت بر تن خود آراسـتند و آنچه را که حق ایشان نبود از من گرفتنـد و از روی گمراهی و نادانی رهسپار این راه شدند. آینده ای بسیار بد در پیش دارند و چه خطرها که برای

امامت، ج ۲، ص: ۱۷

خود آماده کردنـد یک دیگر را لعنت خواهنـد نمود و از هم بیزار می شوند وقتی هم را ملاقات کنند بدوست خود می گوید: کاش من از تو بقدر فاصله مشرق و مغرب دور می بودم چقدر دوست بدی بودی آن بدبخت نابکار در جوابش میگوید:

کاش ترا بـدوستی برنمی گزیـدم مرا از راه علی منحرف کردی بعـد از اینکه راهنمائیم بر آن راه کردند شـیطان انسان را خوار میکند فرمود: من همان ذکری هستم که

در آیه میفرماید: لَقَدْ أَضَلَّنِی عَنِ الذِّکْرِ بَعْدَ إِذْ جاءَنِی و همان راهی هستم که منحرف از آن گردید و ایمانی که نسبت بآن کافر شدند و قرآنی که از آن فاصله گرفتند و دینی که آن را تکذیب کردند و صراطی که از آن منحرف شدند تا آخر خطبه که در روضه کافی نقل شده.

تفسیر قمی: حریز از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که این آیه را چنین خواند: اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ. صِراطَ من أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ و غیر الضالین. «۱»

فرمود: مغضوب علیهم ناصبیان هستند و ضالین یهود و نصاری.

دو روایت دیگر که ابن اذینه نقل میکند میفرماید: ضالین کسانی هستند که شک در امام دارند و عارف بامام نیستند.

تفسیر قمی: جابر جعفی گفت: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: جبرئیل بر پیامبر اکرم این را آیه چنین نازل کرد: و قال الظالمون گفتند: ستمگران حق آل محمّد: إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُوراً. انْظُرْ کَیْفَ ضَرَبُوا لَکَ الْأَمْثالَ فَضَلُّوا فَلا یَسْتَطِیعُونَ سَبِیلًا شما پیرو مرد دیوانه ای هستید ببین چگونه برای تو مثل میزنند و گمراه شده اند دیگر نمیتوانند براه علی بر گردند فرمود: علی است آن راهی که در این آیه اشاره شده.

مناقب: از حضرت صادق در باره آیه: وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ نقل شده که

امامت، ج ۲، ص: ۱۸

فرمود: ما سبیل و راه هستیم برای کسی که پیرو ما باشد و ما راهنمای بسوی بهشتیم و ما دستاویزهای اسلامیم.

و باز از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده در باره آیه: وَ الَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا فرمود: این آیه در باره آل محمّد و پیروان آنها است.

و نیز از حضرت صادق علیه السّلام

در معنی آیه: وَ اتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنابَ إِلَيَّ فرمود: پیروی کن راه محمّد و علی علیهما السّلام را.

مناقب: محمّد بن مسلم از حضرت صادق در مورد آیه: إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا کسانی که گفتند پروردگار ما خدای یکتا است سپس استقامت ورزیدند در باره ائمه طاهرین یکی پس از دیگری: تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلائِكَةُ بر آنها وارد میشوند.

مناقب: زید بن علی در باره آیه: وَ عَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ گفت راه ما أهل بیت راه میانه است و راه آشکار و واضح است.

کافی: سلام بن مستنیر از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه قُلْ هذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي فرمود منظور پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین و اوصیاء بعد از آن دو است.

توضیح: دعوت کننده پیامبر اکرم است و مراد از تابعین در آیه، وَ مَنِ اتَّبَعَنِي امیر المؤمنین و اوصیا هستند که در گفتار و کردار پیرو پیامبر بودند.

کنز الفوائد: زید بن موسی از پدر خود از موسی بن جعفر از آباء گرام خود در باره آیه: إِنَّ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّراطِ لَناكِبُونَ کسانی که ایمان بآخرت ندارند از راه منحرفند فرمود از ولایت ما اهل بیت انحراف دارند.

کنز جامع الفوائد: فضیل بن یسار از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که این آیه را خواند: أَ فَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلى وَجْهِهِ أَهْدى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلى صِراطٍ

امامت، ج ۲، ص: ۱۹

مُسْتَقِيمٍ فرمود بخدا قسم منظور علی و اوصیا هستند.

توضیح: بیضاوی مینویسد مکبا یعنی پیوسته میلغزد و بصورت بر زمین می افتد برای ناهمواری راه و پست و

بلندی بهمین جهت در مقابل آن (سویا) آورده یعنی کسی که راست و آسوده و محفوظ از افتادگان است بر صراط مستقیم که از هر نظر هموار است راه میرود.

برای خداشناسی و مشرک مثال زده بدو نفر که در این دو راه در حرکت هستند، بعضی گفته اند مکب شخص کور است که بواسطه نابینائی بزمین میخورد و سویا شخص بینا و بعض دیگر نیز می گویند مراد از کسی که (یَمْشِی مُکِبًّا) شخصی است که برو در آتش می افتد و «یَمْشِی سَوِیًّا» کسی که با دو پای خود بجانب بهشت رهسپار می شود.

تفسیر فرات: حسین بن سعید باسناد خود از جعفر بن محمّد علیه السّلام در مورد آیه قُلْ هذِهِ سَبِیلِی أَدْعُوا إِلَی اللَّهِ عَلی بَصِیرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِی فرمود: ولایت ما اهل بیت است که هر کس منکر شود گمراه است و بر علی علیه السّلام خورده نمی گیرد مگر شخص گمراه.

تفسیر فرات: زید بن علی گفت: پیامبر اکرم در باره آیه: قُلْ هذِهِ سَبِیلِی أَدْعُوا إِلَی اللَّهِ فرمود: من و کسانی که پیرو من باشند از اهل بیتم که پیوسته یکی پس از دیگری مردم را دعوت بسوی راه و روشی که من داشته ام مینمایند.

کافی: ثمالی از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که خداوند به پیامبرش وحی نمود: فَاسْتَمْسِکْ بِالَّذِی أُوحِیَ إِلَیْکَ إِنَّکَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ فرمود:

یعنی تو بر ولایت علی هستی و علی همان صراط مستقیم است.

توضیح: قراء سبعه صراط را با تنوین و حالت رفع خوانده اند و (علی) را بفتح لام اما یعقوب و ابو رجاء و قتاده و ضحاک و مجاهد و قیس بن عباده و عمرو بن میمون (علی) بکسر

لام و حالت رفع يا تنوين خوانده اند تا صفت باشد براى صراط.

امامت، ج ۲، ص: ۲۰

و مرحوم طبرسى در مجمع البيان روايت را نسبت بحضرت صادق داده (علىّ) خوانده است اما ظاهر روايت اينست كه على مجرور است نه مرفوع چنانچه قبلا ذكر شد.

اين مطلب را تأييد ميكند آنچه در طرائف نقل كرده از محمّد بن مؤمن شيرازى باسناد خود از قتاده از حسن بصرى كه گفت آيه را اين طور ميخواند:

هٰذا صِرٰاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ بحسن گفتم معنايش چيست گفت مى گويد اين راه على بن ابى طالب و دينش راه و دين مستقيم است بآن چنگ بزنيد كه راهى آشكار و بدون انحراف است.

كنز جامع الفوائد: حماد بن عيسى نقل ميكند كه يكى از اصحاب از امير المؤمنين عليه السّلام نقل كرده كه در باره آيه: وَ مِنَ النّٰاسِ مَنْ يُجٰادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لاٰ هُدىً وَ لاٰ كِتٰابٍ مُنِيرٍ ثٰانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ فرمود: منظور اولى است كه جانب خود را بر ميگرداند بطرف دومى و جريان چنين بود وقتى پيامبر اكرم صلى اللّه عليه و آله و سلم امير المؤمنين را بعنوان امامت براى مردم معرفى نمود او گفت بخدا قسم هرگز اين را وفا نخواهيم كرد براى او.

كنز جامع الفوائد: جابر جعفى از حضرت باقر عليه السّلام در باره آيه:

وَ لٰكِنْ جَعَلْنٰاهُ نُوراً نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشٰاءُ مِنْ عِبٰادِنٰا قرار داديم او را نورى كه هدايت ميكنيم بوسيله او هر كس را بخواهيم از بندگان خود. فرمود منظور على بن ابى طالب عليه السّلام است و در باره آيه: إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ فرمود تو هدايت ميكنى بولايت

علی بن ابی طالب علیه السّلام.

کنز: جابر بن یزید از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه فَاسْتَمْسِکْ بِالَّذِی أُوحِیَ إِلَیْکَ نقل کرد که فرمود یعنی چنگ بزن بآنچه بتو وحی شده در باره علی بن ابی طالب.

کنز جامع الفوائد: ضحاک گفت وقتی قریش دیدند پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم

امامت، ج ۲، ص: ۲۱

علی را بزرگ مینماید و پیوسته برایش احترام میکند شروع به بدگوئی از آن جناب نمودند گفتند محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم دیوانه علی شده خداوند این آیات را نازل کرد:

ن وَ الْقَلَمِ وَ ما یَسْطُرُونَ قسمی است که خدا میخورد. ما أَنْتَ بِنِعْمَهِ رَبِّکَ بِمَجْنُونٍ وَ إِنَّ لَکَ لَأَجْراً غَیْرَ مَمْنُونٍ تا إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِیلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ مراد از سبیل در این آیه علی بن ابی طالب علیه السّلام است.

بخش بیست و پنجم استقامت در راه ولایت است

کنز جامع الفوائد: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: إِنَّ الَّذِینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا نقل کرد که فرمود یعنی کسانی که پیروی از خدا و پیامبر را تکمیل نموده اند با ولایت آل محمّد و بر این راه استوار بودند.

تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلائِکَهُ بر آنها در روز قیامت ملائکه نازل می شود: أَلَّا تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّهِ الَّتِی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ.

آنها کسانی هستند که وقتی در روز قیامت برانگیخته شدند همین که وحشت زده میشوند ملائکه پیش آنها می آیند و بایشان می گویند نترسید و محزون نباشید ما با شما بودیم در دنیا اینک بهمراه شما هستیم تا وارد بهشت شوید مژده باد شما را به بهشتی که وعده شما شده.

کنز: محمّد بن مسلم

از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: إِنَّ الَّذِینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا نقل کرد که فرمود استوار در راه ائمه علیهم السّلام یکی پس از دیگری باشند.

امامت، ج ۲، ص: ۲۳

کنز جامع الفوائد: ابو بصیر گفت از حضرت باقر علیه السّلام راجع بآیه:

إِنَّ الَّذِینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا پرسیدم فرمود بخدا قسم آیه همان راهی را می گوید که شما می پیمائید و این هم اشاره بهمان است: وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً.

اگر آنها در راه ائمه علیهم السّلام استقامت بخرج دهند از آب خوشگوار به آنها می آشامانیم.

پرسیدم آقا! ملائکه چه وقت بر آنها نازل میشوند و میگویند نترسید و اندوهگین نباشید و مژده باد شما را به بهشتی که در انتظار شما است ما دوستان شمائیم در دنیا و آخرت فرمود هنگام مرگ و روز قیامت.

تفسیر منسوب بامام حسن عسکری علیه السّلام مینویسد: امام علیه السّلام از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم نقل کرد که فرمود: مؤمن پیوسته از آینه قیامت بیمناک است و یقین ندارد که آیا مقام خشنودی و رضای خدا را دریافت خواهد کرد یا نه تا هنگام مرگ و آمدن ملك الموت.

جریان چنین است که ملك الموت در هنگام شدت بیماری و کمال ناراحتی او از رها کردن اموال و خانواده و گرفتاریهای دیگر می آید.

مؤمن بواسطه جدا شدن از زن و زندگی حسرت و اندوه فراوان دارد چون آرزوهایش نقش بر آب شد.

ملك الموت باو میگوید این چه اندوه و ناراحتی است که داری آیا عاقل ناراحت می شود بواسطه از دست دادن پشیزی بی ارزش در صورتی که بجای آن میلیونها برابر

دنیا باو ارزانی داشته اند.

در پاسخ میگوید: نه.

ملک الموت اشاره باو میکند که نگاه کن ببالای سرت. محتضر درجات بهشت و قصرها که از حد آرزو هم بالاتر است می بیند.

فرشته مرگ باو می گوید اینجا منزل تو است و نعمت پایدار و اموال و

امامت، ج ۲، ص: ۲۴

خانواده و خویشاوندانت در اینجایند هر کدام از خویشاوندان و خانواده ات صالح باشند در اینجا با تو خواهند بود آیا راضی هستی بجای مال و ملک دنیا این نعمت ها را دریابی میگوید بخدا قسم مشتاقم و حاضرم.

فرشته مرگ باو میگوید: اینک تماشا کن محتضر نگاه میکند محمّد و علی و پیشوایان معصوم از فرزندان پیامبر و علی را در اعلی علیین مشاهده میکند. فرشته باو میگوید: می بینی آنها را پیشوایان و رهبران تو هستند آنها در آنجا همنشین و مأنوس با تو خواهند بود حالا حاضری بجای کسانی که اکنون در دنیا از آنها مفارقت میکنی این همنشین ها را انتخاب نمائی. میگوید: بخدا سوگند آری اینست تفسیر آیه ای که خداوند میفرماید: إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلائِكَةُ أَلَّا تَخافُوا کسانی که موحد و خدا شناسند و استقامت در راه ائمه دارند ملائکه بآنها میگویند: از آینده ناراحت نباشید ما رفع نگرانیهای شما را کرده ایم: وَ لا تَحْزَنُوا و اندوهگین نباشید از زن و بچه های خود و اموالی که میگذارید آنچه در بهشت مشاهده میکنید بجای آنها است که در دنیا میگذارید: وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّهِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ مژده باد شما را به بهشتی که در انتظارتان هست اینست قصرهای بهشتی و اینهایند که همنشین و مأنوس با شما خواهند بود (ائمه گرام علیهم السّلام) نَحْنُ أَوْلِياؤُكُمْ فِي

الْحَياهِ الدُّنْيا وَ فِي الْآخِرَهِ وَ لَكَمْ فِيها ما تَشْتَهِي أَنْفُسُكَمْ وَ لَكَمْ فِيها ما تَدَّعُونَ

نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ما دوستان شما هستيم در دنيا و آخرت در بهشت هر چه ميل داشته باشيد و هر چه بخواهيد هست، آنجا منزلگاهى است كه پروردگارى بخشنده و مهربان آماده كرده است.

توضيح: مرحوم طبرسى در تفسير اين آيه: إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ميگويد:

يعنى كسانى كه موحد و خدا شناسند بزبان و با قلب و تصديق انبيا را مى كنند ثُمَّ اسْتَقامُوا يعنى پايدار در راه توحيد يا اطاعت پروردگارند.

محمّد بن فضيل گفت: از حضرت رضا عليه السّلام راجع باستقامت پرسيدم فرمود:

امامت، ج ۲، ص: ۲۵

همان راهى است كه شما مى پيمائيد.

تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلائِكَةُ فرشته ها برايشان نازل ميشوند يعنى هنگام مرگ از حضرت صادق عليه السّلام نيز روايت شده.

بعضى گفته اند: ملائكه باستقبال آنها مى آيند موقعى كه از قبرها خارج ميشوند و مژده خداوند را بايشان ابلاغ ميكنند يعنى در قيامت گفته اند و بعضى هنگام مرگ و در قبر و بعد از بر انگيخته شدن أَلَّا تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا يعنى بآنها ميگويند از عقاب خدا نترسيد و مبادا اندوهگين باشيد از پاداش و ثواب.

بعضى معنى كرده اند كه نترسيد از آينده بعد از مرگ و محزون نباشيد بر زن و فرزند و اموالى كه ميگذاريد نَحْنُ أَوْلِياؤُكُمْ

يعنى ما ياران و دوستان شما هستيم فِي الْحَياهِ الدُّنْيا

كه عهده دار رسانيدن لطف و عنايات پروردگاريم بشما وَ فِي الْآخِرَهِ

و از شما جدا نمى شويم تا داخل بهشت شويد. بعضى گفته اند شما را حفظ ميكنيم در دنيا و هنگام مرگ و در آخرت از حضرت باقر عليه السّلام روايت شده.

در بخش نزول ملائكه بر ائمه

علیهم السلام تأویل دیگری در مورد آیه خواهد آمد.

کنز: سماعه گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم در باره آیه: وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَهِ لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقاً میفرمود: یعنی اگر پایدار باشند بر ولایت که در موقع میثاق خداوند از فرزندان آدم گرفت عالم اشباح لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقاً یعنی از آب صاف خوشگوار بآنها می آشامانیم.

توضیح: یعنی بر سرشت و طینت آنها آب خوشگوار میافشانیم نه آب تلخ و شور چنانچه در اخبار طینت گذشت.

کنز: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم در مورد آیه وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَهِ لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقاً یعنی آنها را بعلم و دانش مدد میکنیم علمی که از ائمه علیهم السّلام بیاموزند.

امامت، ج ۲، ص: ۲۶

کنز: برید عجلی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع بآیه وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَهِ پرسیدم فرمود: یعنی ولایت: لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقاً یعنی میچشانیم بآنها علم زیادی که می آموزند از ائمه علیهم السّلام گفتم: پس معنی این قسمت چیست:

لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ تا بیازمائیم آنها را در این مورد یعنی تا بیازمائیم منافقین را در این مورد.

و جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَهِ لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقاً لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ فرمود خداوند میفرماید: اشباح آنها را درون آب گوارا می گذاریم تا بیازمائیم آنها را در باره علی و از این آزمایش منافقین کفر ورزیدند به آنچه خدا در باره ولایت علی دستور داد.

توضیح: مرحوم طبرسی می نویسد: «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَهِ» یعنی طریق ایمان «لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً» یعنی آب زیاد از آسمان این مطلب بعد از آن بود که هفت سال از باران محروم

بودنـد بعضـی گفته انـد آب گـوارا را بعنوان مثـال فرموده یعنی در دنیـا نعمت را بر آنهـا توسـعه میـدهیم «لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ» یعنی تا بیازمائیم آنها را باین سبب.

برید عجلی از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که در تفسیر آیه فرمود:

ما آنها را از علم زیاد بهره مند میکنیم که از ائمه علیهم السّلام بیاموزند. پایان ...

استعاره گرفتن. لفظ آب را برای علم معمول است زیرا علم سبب حیات روح است همان طور که آب سبب حیات بدن است.

بخش بیست و ششم ولایت ائمه صدق است و صادقین و صدیقین و شهداء و صالحین آنهایند

آیات: سوره توبه آیه ۱۱۹ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ تفسـیر: مرحوم طبرسـی مینویسد: در مصحف عبد اللَّه و قرائت ابن عبـاس من الصـادقین است همین نیز از حضـرت صـادق نقـل شـده سـپس میگویـد: یعنی کسانی که در گفتار راستگویند و دروغ نمیگویند معنای آیه اینست که بر مذهب کسانی باشید که در گفتار و کردار خود دروغ نمیگویند و با آنها مصاحبت و همنشینی کنید خداوند راستگویان را در سوره بقره توصیف نموده وَ لكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ تا أُولئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.

خداوند دستور داده از آنها پیروی کنید بعضی گفته اند: منظور از صادقین کسانی هستند که خداوند در این آیه آنها را ستوده: رِجالٌ صَـدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضـى نَحْبَهُ که منظور حمزه بن عبد المطلب و جعفر بن ابی طالب وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ علی بن ابی طالب علیه السّلام است.

امامت، ج ۲، ص: ۲۸

کلینی از ابو صالح از ابن عباس نقل میکند در تفسیر كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ یعنی با علی و اصحاب او باشید.

جابر از حضرت صادق علیه السّلام نقل

میکند: کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ یعنی با آل محمّد باشید.

تفسیر قمی: وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً فرمود: منظور از نبیین پیامبر اکرم و صدیقین علی علیه السّلام و شهداء حسن و حسین علیهم السّلام و صالحین ائمه وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً قائم آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم.

کنز: شیخ طوسی رحمه اللّه علیه در کتاب مصباح الانوار باسناد خود از انس نقل میکند: که روزی با پیامبر اکرم نماز صبح را خواندیم در این موقع آن جناب رو بجانب ما برگردانید من عرضکردم: یا رسول اللّه برای ما این آیه را تفسیر بفرمائید: فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً فرمود: منظور از پیامبران منم و صدیقین برادرم علی اما شهداء عمویم حمزه و صالحین دخترم فاطمه و اولاد او حسن و حسین علیهم السلام ...

بصائر: برید عجلی گفت: از حضرت باقر علیه السّلام معنی: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ را پرسیدم فرمود: از صادقین ما را قصد کرده.

بصائر: احمد بن محمّد گفت: از حضرت رضا علیه السّلام تفسیر آیه: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ را پرسیدم فرمود: صادقین ائمه علیهم السّلام هستند که گفتارشان با عمل در فرمانبرداری خدا برابر است.

تفسیر فرات: اصبغ بن نباته گفت: علی بن ابی طالب علیه السّلام بمن فرمود:

من میخواهم حدیثی را بگویم عرضکردم: پس چرا نمی فرمائی فرمود: این حرف را برای گفتن همان حدیث زدم آنگاه

فرمود وقتی خداوند تمام جهانیان از

امامت، ج ۲، ص: ۲۹

گذشتگان و آیندگان را جمع کند گرامی ترین آنها هفت نفرند از ما فرزندان عبد المطلب.

از همه مردم گرامی تر پیامبرانند که پیامبر ما گرامی ترین انبیاء علیهم السّلام است بعد از انبیاء بهترین افراد اوصیاء هستند که وصی پیامبر ما گرامی ترین اوصیاء است بعد از آنها شهداء برتر از همه هستند. حمزه سید الشهداء است و جعفر که با دو بال خود بهمراه ملائکه پرواز میکند که بهیچ شهیدی قبل از او این امتیاز داده نشده، این مقامی است که خداوند به محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم عنایت فرموده آنگاه این آیه را قرائت کرد: فَأُولئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولئِكَ رَفِيقاً ذلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَ كَفى بِاللَّهِ عَلِيماً آنگاه دو سبط پیامبر اکرم حسن و حسین و مهدی علیهم السّلام آن جناب را از نژاد کسی که خدا خواسته است از اهل بیت پیامبر قرار داده.

تفسیر فرات: سلیمان دیلمی گفت: خدمت حضرت صادق بودم که ابو بصیر داخل شد و نفس نفس میزد همین که در جای خود قرار گرفت حضرت صادق علیه السّلام باو گفت: ابو محمّد! این نفسهای بلند از چیست.

عرضکرد: فدایت شوم یا بن رسول اللَّه سنم زیاد شده و ناتوان و فرتوت شده ام اجلم نزدیک است نمی دانم عاقبت کار در آخرت چگونه خواهم بود امام علیه السّلام فرمود: ابا محمّد تو هم اینحرف را میزنی.

عرضکرد: چطور این حرف را نزنم. سخنی را عرضکرد بعد امام علیه السّلام فرمود: خداوند در کتاب کریم خود میفرماید: فَأُولئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ

عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولئِكَ رَفِيقاً منظور از نبيين رسول خدا صلى اللَّه عليه و آله و سلم و ما در اين آيه صديقين و شهداء و شما صالحين هستيد خود را بزيور صلاح و پاكى بيارائيد همان طور كه خداوند بشما اين لقب را عنايت نموده.

امامت، ج ۲، ص: ۳۰

مناقب: تفسير ابو يوسف: يعقوب بن سفيان از ابن عمر نقل ميكند كه گفت:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ خداوند بصحابه دستور مى دهد كه از خدا بترسيد وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ با راستگويان باشيد يعنى با محمّد و اهل بيتش باشيد.

توضيح: سيد بن طاوس مى نويسد: در تفسيرى كه منسوب بحضرت باقر عليه السّلام ديدم كه در باره آيه: وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ مى فرمايد: با على بن ابى طالب و آل محمّد صلوات اللَّه عليهم باشيد در اين قسمت آيه مى فرمايد: مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضى نَحْبَهُ كه منظور حمزه بن عبد المطلب است وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ على بن ابى طالب عليه السّلام است خداوند مى فرمايد: وَ ما بَدَّلُوا تَبْدِيلًا و مى فرمايد: اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ كه منظور در اينجا آل محمّدند صلى اللَّه عليهم.

توضيح: استدلال باين آيه براى اثبات امامت ائمه معصومين عليهم السّلام بين شيعه معروف است.

محقق طوسى در كتاب تجريد نقل كرده: طريق استدلال چنين است كه خداوند تمام مؤمنين را امر مى كند كه با صادقين باشند و اين مطلب معلوم است كه منظور اين نيست كه در ميان صادقين از نظر بدن و جسم باشيد بلكه منظور اينست كه طريقه و روش آنها و عقايد و افعال

و گفتارشان را از پیش بگیرید این مسلم است که خداوند دستور عمومی نمی دهد از کسی پیروی کنند با اینکه جایز باشد کار ناپسند و فسق و معصیت از او سر بزند با اینکه خود از چنین کارها نهی نموده.

بناچار باید صادقین در این آیه معصوم و محفوظ از خطا باشند تا بتوان در تمام امور پیرو آنها شد.

و نیز تمام امت اجماع دارند بر اینکه خطاب قرآن عمومیت برای تمام

امامت، ج ۲، ص: ۳۱

زمانها دارد اختصاص بیک زمان مخصوص ندارد.

پس لازم است در هر زمان معصومی وجود داشته باشد تا مؤمنین آن زمان پیرو او باشند.

اگر گفته شود شاید مؤمنین امر شده اند پیروی کنند از صادقین زمان پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم در این صورت لزوم بودن معصوم در هر زمان ثابت نمی شود.

در جواب می گوئیم چاره ای نیست از اینکه صادقین بلفظ جمع در قرآن ذکر شده متعدد باشند نه یک نفر وقتی قائل بتعدد صادقین شدیم باید همان اعتقاد شیعه امامیه را بپذیریم.

زیرا بین امامیه کسی معتقد نشده که در زمان پیامبر معصومین متعدد بوده اند با خالی بودن سایر زمانها از معصوم با اینکه چنین احتمالی از ظاهر لفظ آیه هم بعید است دنباله این استدلال در بخش نصوص بر امیر المؤمنین علیه السّلام خواهد آمد.

جای تعجب از امام و پیشوای اهل سنت فخر رازی است که همین مطلب را قبول کرده بعد طفره رفته است و اثبات بعید بودن می کند سپس حمله مینماید باز اقرار می کند دو مرتبه انکار می نماید و اصرار می ورزد.

آنجا که در تفسیر این آیه می نویسد: خداوند بمؤمنین دستور داده که با صادقین باشند وقتی بودن با صادقین

واجب شد بناچار باید صادقین وجود داشته باشند زیرا بودن با چیزی فرع وجود داشتن آن چیز است.

این دلیلی است بر وجود صادقین در هر زمان و همین مطلب نیز ثابت می کند که تمام امت هرگز بر باطل نیستند بناچار بر هر چه اطباق و اجماع نمودند باید حق باشد همین دلیل بر حجت بودن اجماع است.

اگر گفته شود چرا نمیتوان گفت که معنی: كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ این

امامت، ج ۲، ص: ۳۲

باشد که روش صالحین را از پیش بگیرید چنانچه شخصی بفرزندش می گوید با صالحین باش، همین معنی را دارد ما این حرف را قبول داریم ولی می گوئیم این امر فقط در زمان پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم وجود داشته و معنی آیه این می شود که با پیامبر باشید دیگر دلالت بر وجود صادقی در سایر زمانها ندارد این را هم قبول میکنم اما چرا جایز نیست آن صادق همان معصومی باشد که زمان تکلیف هرگز خالی از وجود او نیست طبق عقیده شیعه جواب از اشکال اول اینست که كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ امر بموافقت صادقین و نهی از مفارقت آنها است این مطلب نیز مشروط بوجود صادقین است هر چه واجب تکمیل نشود مگر بآن چیز آنهم واجب است.

پس این آیه دلالت دارد بر وجود صادقین و اما آنچه مدعی شد: که آیه معنیش اینست که روش صادقین را بپذیرید می گوئیم این خارج شدن از ظاهر لفظ آیه است.

(زیرا ظاهر آیه اینست که با آنها و بهمراه ایشان باشید).

اما آنچه ادعا کرد که آیه اختصاص بزمان پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم دارد در جواب می گوئیم این مطلب بچند

دلیل باطل است:

اول- اینکه با تواتر آشکار از آئین پیامبر ثابت شده که تکلیف های قرآن متوجه تمام مکلفین است تا روز قیامت امر و دستور این آیه هم مانند سایر دستورات است.

دوم- صیغه و ریخت آیه شامل تمام اوقات است زیرا استثناء صحیح نیست.

سوم- چون زمان معینی در آیه ذکر نشده نمی توان گفت حمل کردن آیه را بر یک زمان معین بهتر و صحیح تر است از حمل آن بر سایر زمانها یا باید گفت مربوط به هیچ زمانی نیست در این صورت معنی آیه تعطیل می شود که این باطل است یا مربوط بتمام زمانها است که منظور ما نیز همین است.

امامت، ج ۲، ص: ۳۳

چهارم- این قسمت آیه یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ امر می کند آنها را بتقوی و این امر شامل کسی می شود که می تواند غیر متقی هم باشد در صورتی غیر متقی است که جایز الخطا باشد.

پس آیه دلالت می کند که شخص جایز الخطا باید پیروی کند از کسی که عصمت او واجب است و آنها همان کسانی هستند که آیه صادقین بایشان لقب داده و حکم این دستور دلالت دارد بر اینکه واجب است جایز الخطا پیرو معصوم باشد تا این پیروی او از معصوم مانع از خطایش گردد، این حکم در تمام زمان ها هست پس لازم است که صادقین نیز در هر زمان باشد.

ادعای او که گفت چرا جایز نیست بودن مؤمن با معصوم موجود در هر زمان.

در جوابش می گوئیم ما نیز اعتراف داریم باینکه باید در هر زمانی معصومی وجود داشته باشد جز اینکه ما معتقدیم معصوم مجموع امت هستند ولی شما می گوئید آن معصوم یکی از امت است.

ما می گوئیم:

قسم دوم (معصوم یک نفر باشد) باطل است.

زیرا خداوند بر هر یک از مؤمنین واجب کرده با صادقین باشند این کار در صورتی برایش امکان دارد که بشناسد صادق کیست.

زیرا کسی که نمی داند صادق کیست اگر امر کنند باو با صادق باش این تکلیف بچیزی است که از قدرتش خارج است چون ما یک شخص معینی را نمی شناسیم که متصف بصفت عصمت و علم باشد و این مطلب را نیز نمی دانیم که چنین فردی واجب است که باشد.

پس ثابت می شود که کُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ امر به بودن با شخص معین نباشد.

وقتی این مطلب باطل شد میماند همان نظری که ما گفتیم که با تمام امت باشیم و دلیل است بر اینکه قول تمام امت صحیح و حق است و از این که

امامت، ج ۲، ص: ۳۴

می گوئیم اجماع حجت است منظورمان همین است.

ستایش خدائی را سزا است که حق و واقعیت را بر قلم دشمنان خود جاری می کند ملاحظه فرمودید چگونه ثبات ادعای امامیه را با تمام کوشش و جدیت نمود و بچه دلیل آن را بعقیده خود ناصحیح شمرد و خود را به نادانی از این استدلال زد.

کار او شبیه کسی است که خود را میان دریائی ژرف و خروشان بیاندازد باین امید که برای نجات خود چنگ به شیارهای موج خواهد زد اینک ما اشاره می کنیم بمقداری از یاوه سرائی ها و انحرافش. گفتار او به چند دلیل باطل است:

اول- خود اعتراف نمود که خداوند این دستور را داده تا امت از خطا محفوظ باشند.

در هر زمان اگر آنچه مدعی شده که معنی آیه اجماع است صحیح باشد چگونه می توان علم باجماع پیدا کرد در این زمانها

که دانشـمندان در شـهرها پراکنده هستند آیا هیچ عاقلی تجویز می کند اطلاع بر عقاید یکایک از مسلمانان را در چنین زمانی اگر بگویـد منظور اجمـاعی است که در زمانهـای سـابق بـدست آمـده این نیز باطـل است بـدلیل آنکه گفت بایـد در هر زمان معصومی وجود داشته باشد که از خطا جلوگیری کند.

دوم- ما این مطلب نادرست را قبول می کنیم که اجماع بوجود می آیـد و در همین زمانهم می توان علم بآن پیـدا کرد باز این اجماع تحقق نمی یابد مگر در مقدار کمی از مسائل چگونه می تواند از خطا جلوگیری کند.

سوم- این مطلب از آیه کاملا مشـهود است: آنهائی که بایـد با صادقین باشـند غیر از خود صادقین هسـتند بنا بر آنچه او مدعی شد هر دو یکی خواهند شد.

چهارم- اگر منظور از صادق در آیه کسی است که فی الجمله صادق باشد

امامت، ج ۲، ص: ۳۵

شامل تمام مسلمانان می شود.

زیرا آنها در کلمه توحید لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ صادقند بناچار، یا مراد کسی است که در تمام گفتار صادق باشد.

قسم اول صـحیح نیست بـدلیل آنکه لازم می آیـد مأمور به پیروی از یک یک مسـلمانان باشـند چنانچه از ظاهر جمع با الف و لام «الصادقین» استفاده می شود.

به ناچار باید قسم دوم صحیح باشد و آن هم موجب عصمت خواهد بود.

اما آنچه او مدعی شد که منظور از صادقین مجموع مسلمانان از نظر مجموع بودن است.

زیرا آنها از جهت اجتماع دروغگو نیستند این احتمال را کردی هم که بزبان عرب آشنا نیست نمی دهد.

پنجم- دلیلی که نقـل کرد برای بطلاـن ادعای شـیعه در معرفت امام مردود بودن آن کاملا ظاهر است زیرا هر نادان و گمراه و دین ساز می تواند همین

ادعا را بکند برای عدم لزوم پی گیری از حق و گردن نهادن بشرایع، یهودان می توانند بگویند اگر محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم پیامبر می بود ما بنبوت او پی می بردیم ما می دانیم آشکارا که چنین علمی را نداریم همین طور سایر کفار و گمراهان این یاوه سرائیها فقط از تعصب و دشمنی و تقصیر در پی گیری از حق بوجود می آید اگر پرده های تعصب و دشمنی را از روی چشم کنار بزنند و دقت در دلائل امامت ائمه علیهم السّلام و معجزات و اخلاق پسندیده و شخصیت عالی آنها بکنند بحق و واقعیت پی خواهند برد و جای شک و تردیدی برای ایشان نمی ماند همین یک آیه کافی است با همان استدلالی که خود فخر رازی کرد بر لزوم امام در هر عصر و زمانی.

امالی: دعبل از حضرت رضا و آن جناب از آباء گرام خود از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه: فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ كَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جاءَهُ چه کسی ستمکارتر از آن شخصی است که بر خدا دروغ ببندد و راستی و واقعیت را تکذیب نماید وقتی با آن روبرو شد. فرمود: صدق در این آیه ولایت ما

امامت، ج ۲، ص: ۳۶

اهل بیت است.

توضیح: شاید منظور امام علیه السّلام مهمترین افراد صدق از دستوراتی که پیامبر آورده باشد نه اینکه صدق اختصاص بولایت فقط دارد.

کنز: ابو ایوب انصاری گفت: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم فرمود: صدیقین سه نفرند: حزقیل مؤمن آل فرعون و حبیب صاحب یاسین و علی بن ابی طالب علیه السّلام علی از همه آنها بهتر است.

کنز

الفوائد: عباد بن صهیب از جعفر بن محمّد علیه السّلام از آباء گرام خود نقل کرد که فرمود: فرشته ای بنام محمود بر پیامبر نازل شد که دارای بیست هزار سر بود پیامبر اکرم از جای حرکت کرد تا دستش را ببوسد فرشته گفت: نه نه یا محمّد تو در نزد خدا گرامیتر از تمام اهل آسمانها و زمین هستی پیامبر اکرم دید بین دو کتف او نوشته است: لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ علی الصدیق الاکبر.

پیامبر اکرم پرسید محمود! از چه وقت این نوشته بر شانه تو هست؟ گفت:

دوازده هزار سال قبل از خلقت پدرت آدم.

توضیح: مرحوم طبرسی از عیاشی نقل می کند که منهال قصاب گفت بحضرت صادق عرضکردم دعا کن خدا شهادت را روزی من نماید فرمود مؤمن شهید است بعد این آیه را خواند: وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ ....

حارث بن مغیره نیز گفت خدمت حضرت باقر علیه السّلام بودیم فرمود کسانی که از شما عارف باین امر هستند و منتظرند و آرزوی پاداش نیک دارند بخدا قسم مانند آن کسی است که بهمراه قائم آل محمّد جهاد کرده بعد فرمود بخدا قسم مانند کسی است که با پیامبر اکرم بوسیله شمشیرش جهاد نموده برای مرتبه سوم فرمود بخدا قسم مانند کسی است که در خیمه پیامبر اکرم بدرجه شهادت رسیده در باره شما یک آیه در قرآن هست عرضکردم کدام آیه فرمود: وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ.

امامت، ج ۲، ص: ۳۷

آنگاه فرمود: به خدا قسم در نزد

خدا صادقین و شهداء محسوب شوید.

امالی صدوق: مبارك غلام حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که آن جناب فرمود مؤمن بدرجه کمال ایمان نمیرسد مگر اینکه در او سه خصلت باشد:

یک روش از پروردگارش و یکی از پیامبر و دیگری از امامش.

اما روشی که از خدا باید داشته باشد کتمان سرّ و راز پوشیدن است خداوند در این آیه می فرماید: عالِمُ الْغَیْبِ فَلا یُظْهِرُ عَلی غَیْبِهِ أَحَداً، إِلَّا مَنِ ارْتَضی مِنْ رَسُولٍ.

روش پیامبر مدارا کردن با مردم است فرموده: «خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِینَ».

اما روش امام- شکیبائی در گرفتاریها و ناراحتی ها است خداوند می فرماید:

وَ الصَّابِرِینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِینَ الْبَأْسِ أُولئِکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.

توضیح: آیه در قرآن چنین است: لَیْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلائِکَهِ وَ الْکِتابِ وَ النَّبِیِّینَ وَ آتَی الْمالَ عَلی حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ وَ السَّائِلِینَ وَ فِی الرِّقابِ وَ أَقامَ الصَّلاهَ وَ آتَی الزَّکاهَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصَّابِرِینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ.

این خبر دلیل است که آیه در باره آنها نازل شده اخبار گذشته نیز آن را تأیید می کند.

بخش بیست و هفتم در تأویل آیه أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِم

تفسیر قمی: ابراهیم بن عمر یمانی از حضرت صادق علیه السّلام در تفسیر آیه:

قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ نقل کرد که فرمود منظور پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام هستند.

توضیح: شاید منظور ولایت ائمه یا شفاعت آنها باشد یا معنی قدم کسی که از نظر عزت و شرافت مقدم است که تأیید همان معنی اول است.

کلینی: از یونس نقل می کند که

حضرت صادق در باره آیه: وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ فرمود ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام است.

مرحوم طبرسی مینویسد: ابن اعرابی گفته قدم کسی که در شرافت مقدم باشد، ابو عبیده و کسانی گفته اند هر کس در کار خوب یا بد بر دیگران سبقت بگیرد در نزد عرب او دارای قدم است می گویند فلانی قدمی در اسلام دارد بعد گفته أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ یعنی پاداش نیکو و مقامی بلند دارند بواسطه اعمالی که مقدم داشته اند، بعضی گفته اند منظور شفاعت حضرت محمّد است در قیامت و همین از حضرت صادق روایت شده.

روایت دیگری نیز هست که منظور در ذکر اول برای آنها سعادت و خوشبختی یاد شده

امامت، ج ۲، ص: ۳۹

بخش بیست و هشتم حسنه و حسنی ولایت است و سیئه دشمنی و عداوت با ائمه علیهم السّلام است

تفسیر عیاشی: شریف گفت از حضرت باقر علیه السّلام که چون او در میان فرزندان محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم ندیده ام شنیدم در مورد آیه: مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها هر که یک حسنه انجام دهد ده برابر پاداش میگیرد.

فرمود حسنه ای که در این آیه فرموده ولایت ما اهل بیت است و سیئه عداوت و دشمنی با ما خانواده کنز جامع الفوائد: ابو عبد اللَّه جدلی گفت امیر المؤمنین علیه السّلام بمن فرمود یا ابا عبد اللَّه میدانی حسنه ای که هر کس دارای آن باشد از وحشت روز قیامت در امان است و هر که سیئه ای را کسب کند برو در آتش افکنده می شود، چیست؟

گفتم: نه، فرمود حسنه دوستی ما خانواده است و سیئه عداوت با ما اهل بیت.

در روایت دیگر میفرماید: حسنه دوستی با ما خانواده و سیئه بغض و کینه با ما است.

این روایت

را ابن بطریق در عمده از تفسیر ثعلبی و در مستدرک از حافظ ابو نعیم نقل میکند.

امامت، ج ۲، ص: ۴۰

کنز الفوائد: عمار ساباطی گفت خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم عبد اللَّه بن ابی یعفور از این آیه سؤال کرد: مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنْها وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ یَوْمَئِذٍ آمِنُونَ فرمود میدانی حسنه چیست؟ حسنه معرفت امام و اطاعت اوست که اطاعت او از جانب خدا واجب شده.

با همین سند از عمار نقل شده که امام فرمود حسنه ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام است.

کنز: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسید: مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنْها وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ یَوْمَئِذٍ آمِنُونَ وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَکُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النَّارِ فرمود حسنه ولایت علی علیه السّلام و سیئه بغض و دشمنی با اوست.

امالی: از عمار ساباطی نقل میکند که بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم ابو امیه یوسف بن ثابت برایم نقل کرد که شما فرموده اید:

«لا یضر مع الایمان عمل و لا ینفع مع الکفر عمل»

با داشتن ایمان عمل زیان نمیرساند و با کفر نیز عمل سودی ندارد.

فرمود ابو امیه از منظورم پرسید که از این حرف چیست، منظورم از این سخن آن بود که هر کس عارف بمقام امام از آل محمّد باشد و او را دوست بدارد سپس هر چه مایل است برای خود از اعمال خیر انجام دهد از او پذیرفته می شود چندین برابر باو پاداش خواهند داد با معرفت از کار خوب بهره مند می شود، منظورم این بود.

همین طور است که خداوند اعمال مردم را نخواهد پذیرفت در صورتی که دوستدار و طرفدار امام ستمگری

باشند که از جانب خدا تعیین نشده.

عبد اللَّه بن ابی یعفور گفت مگر خداوند در این آیه نمیفرماید: مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْها وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ پس چگونه سود نخواهد برد کسی که عمل صالحی انجام دهد با دوست داشتن پیشوایان جور.

حضرت صادق صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود میدانی حسنه ای که در آیه است منظور چیست؟

امامت، ج ۲، ص: ۴۱

یعنی معرفت امام و اطاعت از او خداوند در این آیه فرموده: وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَهِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ از سیئه منظورش انکار امامی است که از جانب خدا تعیین شده.

آنگاه حضرت صادق علیه السّلام فرمود هر کس روز قیامت با ولایت امام ستمگر وارد محشر شود بستگی با خدا ندارد و منکر حق و ولایت ما خاندان است خداوند او را در آتش جهنم سرازیر میکند.

تفسیر قمی: عبد الاعلی از ابو الخطاب نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: فَأَمَّا مَنْ أَعْطى وَ اتَّقى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنى فرمود یعنی تصدیق ولایت کند فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرى وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنى وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنى یعنی تکذیب ولایت کند فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرى .

توضیح: شاید بنا بر تفسیر امام علیه السّلام منظور عقیده نیکو است بیشتر مفسرین به وسیله و ثواب تفسیر نموده اند.

مناقب: بصحت رسیده که امام حسن علیه السّلام در ضمن سخنرانی خود فرمود ما از خانواده ای هستیم که خداوند مودت ما را واجب نموده بر هر مسلمان در این آیه میفرماید: قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبى و این آیه وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً اقتراف

و بدست آوردن حسنه مودت ما خانواده است.

عکبری در فضائل الصحابه از ابن عباس نقل میکند که گفت بدست آوردن حسنه مودت و محبت با آل محمّد صلی اللّٰه علیه و آله و سلم است.

حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام در مورد آیه بَلی مَنْ کَسَبَ سَیِّئَهً فرمود یعنی کسی که کینه با ما داشته باشد: وَ أَحاطَتْ بِهِ خَطِیئَتُهُ فرمود یعنی شرکت در خون ما کند.

حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فرمود حسنه حب ما و معرفت حق ما است و سیئه بغض و ادا نکردن حق ما است.

امامت، ج ۲، ص: ۴۲

تفسیر فرات: اسحاق بن عمار گفت حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلا یُجْزی إِلَّا مِثْلَها فرمود حسنه و سیئه چیست، عرضکردم بفرمائید، فرمود حسنه پنهان نمودن و سیئه افشا و پرده دری از حدیث ما است.

تفسیر فرات: عبد اللّٰه بن الحسین گفت: «وَ أَحاطَتْ بِهِ خَطِیئَتُهُ» یعنی پرده دری از حدیث ما و مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ حب و علاقه بما است و سیئه بغض و کینه با ما خانواده است: تفسیر فرات: حضرت صادق علیه السّلام این آیه را قرائت نمود: مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها فرمود در صورتی کار نیک را با ولایت انجام دهد ده برابر می شود و اگر گناهی انجام دهد معادل همان کیفر می شود و اما این آیه: مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنْها وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ یَوْمَئِذٍ آمِنُونَ حسنه ولایت و حب ما است وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَکُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النَّارِ نیز کینه اهل بیت است که از آنها هیچ عملی

را از خیر و خوبی نمی پذیرد و در آتش جهنم پیوسته خواهند بود عذابشان تخفیف داده نمیشود.

تفسیر فرات: از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنى نقل کرد یعنی تکذیب ولایت علی نمود: فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرى یعنی آتش ما يُغْنِي عَنْهُ مالُهُ إِذا تَرَدَّى یعنی سودی نخواهد بخشید او را علمش وقتی مرد إِنَّ عَلَيْنا لَلْهُدى یعنی علی راه هدایت است وَ إِنَّ لَنا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولى فَأَنْذَرْتُكُمْ ناراً تَلَظَّى فرمود وقتی قائم آل محمّد با شمشیر قیام کند از هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را میکشد لا يَصْلاها إِلَّا الْأَشْقَى، الَّذِي كَذَّبَ کسی که تکذیب ولایت کند وَ تَوَلَّى و از آن گریزان باشد: وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى یعنی مؤمن الَّذِي يُؤْتِي مالَهُ يَتَزَكَّى آن کسی که علم را باهلش می رساند: وَ ما لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزى احدی را نزد او مکافات نیست فقط برای نزدیک شدن بخدا وَ لَسَوْفَ يَرْضى بزودی خشنود می شود فرمود وقتی پاداش را مشاهده کند.

امامت، ج ۲، ص: ۴۳

کنز: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد فَأَمَّا مَنْ أَعْطى یعنی خمس وَ اتَّقى بپرهیزد از حکومت و دوستی با طاغوتان وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنى تصدیق ولایت کند فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرى یعنی هر کار خوبی را که تصمیم بگیرد برایش فراهم میکنیم: وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ یعنی بخل در خمس بورزد: وَ اسْتَغْنى یعنی خود رأی باشد و باولیاء خدا مراجعه نکند وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنى تکذیب ولایت کند: فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرى یعنی هر کار بدی را که تصمیم بگیرد برایش آماده میکنیم اما این قسمت آیه: وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و

سلم فرمود هر کس پیرو او باشد: الَّذِی یُؤْتِی مالَهُ یَتَزَکَّی فرمود امیر المؤمنین است این آیه بهمان نظر دارد وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ و این قسمت آیه وَ ما لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَهٍ تُجْزی او پیامبر اکرم است که احدی را نزد او نعمتی نیست که باید پاس او را بدارد بلکه نعمت او بر تمام جهانیان جاری است.

کنز: محمّد بن فضیل از موسی بن جعفر علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه:

وَ لا تَسْتَوِی الْحَسَنَهُ وَ لَا السَّیِّئَهُ پرسیدم فرمود حسنه ما خانواده ایم و سیئه بنی امیه.

کنز جامع الفوائد: سوره بن کلیب از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود این آیه بر پیغمبر اکرم نازل شد: ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ عَداوَهٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ.

فرمود: بمن دستور تقیه دادند ده سال پنهانی ارشاد میکردم تا دستور دادند آشکارا امر رسالت را اعلان کند علی علیه السّلام نیز همین طور دستور داشت پنهانی انجام دهد تا امر باعلان نمودند، سپس هر یک از امامان بامام دیگری همین سفارش را میکرد و آنها در تقیه بودند تا قائم ما قیام نماید که در آن موقع دیگر تقیه نخواهد بود و شمشیر از نیام کشیده می شود چیزی از مردم نمیگیرد و نه بآنها چیزی میدهد مگر با شمشیر.

امامت، ج ۲، ص: ۴۴

توضیح: ابن بطریق در عمده از تفسیر ثعلبی باسناد خود از ابن عباس در باره آیه وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً فرمود مودت با آل محمّد صلی اللّه علیه و آله است.

ابن مغازلی نیز روایت کرده از سدی همین روایت را فقط در آخر

آن افزوده است: وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى رضايت و خشنودى محمّد صلى اللَّه عليه و آله و سلم اين است كه اهل بيتش را داخل بهشت نمايد.

بخش بيست و نهم ائمه نعمت خدايند و ولايت داشـتن شـكر اين نعمت است و آنها فضل و رحمت اويند و نعيم همان ولايت است نعمت بزرگ خدا بر مردم بوسيله آنها است

آيات: سوره ابراهيم أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْراً وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ، جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَها وَ بِئْسَ الْقَرارُ.

تكاثر: ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ.

تفسير: مرحوم طبرسى در آيه: بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ ممكن است منظور اين باشد كه آيا توجه نميكنى باين كفار كه نعمت خدا را به محمّد صلى اللَّه عليه و آله و سلم شناختند يعنى حضرت محمّد را با نبوت شناختند بعد كافر باو شدند بهمين جهت تبديل نمودند بجاى سپاس و شكر بكفر.

از حضرت صادق عليه السّلام روايت شده كه فرمود: بخدا قسم ما نعمت خدا هستيم كه بر بندگان ارزانى داشته هر كه رستگار شود بوسيله ما رستگار شده.

ممكن است منظور تمام نعمت هاى خدا باشد بطور عموم كه ببدترين وجه آن را تبديل كرده اند. اختلاف كرده اند در اينكه آيه مربوط بچه اشخاصى

امامت، ج ۲، ص: ۴۶

است. از امير المؤمنين و ابن عباس و ابن جبير و ديگران نقل شده كه آنها كفار قريش بوده اند پيامبرشان را تكذيب كردند و آغاز جنگ و دشمنى با او نمودند.

مردى از امير المؤمنين عليه السّلام راجع باين آيه پرسيد فرمود: منظور دو گروه تبهكار قريشند بنى اميه و بنى مغيره اما بنى اميه كه تا مدتى خواهند بود ولى بنى مغيره در جنگ بدر كارشان ساخته شد.

وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ يعنى قوم خود را بورطه هلاك كشاندند كه آنها را بجنگ بدر كشاندند بعضى هلاكت را بمعنى آتش جهنم گرفته اند بواسطه اينكه آنها را

دعوت بکفر کردند.

و در باره آیه: ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ بعضی گفته اند منظور از نعمت ها خوراکی و آشامیدنی و چیزهای دیگر از احتیاجات است بعضی گفته اند امنیت و صحت این معنی از حضرت باقر و صادق علیه السّلام روایت شده.

عیاشی: باسناد خود در حدیث طویلی گفته است: ابو حنیفه از حضرت صادق علیه السّلام راجع بهمین آیه پرسید امام فرمود: بنظر تو نعمت چیست.

ابو حنیفه گفت: خوراکی و آب سرد. فرمود: اگر خدا ترا در روز قیامت نگه دارد و از هر خوراک و آشامیدنی که مصرف کرده ای یک یک سؤال کند باید مدت زیادی آنجا توقف کنی عرضکرد: پس نعیم در آیه چه معنی دارد؟

فرمود: ما اهل بیت آن نعمتی هستیم که خدا بر مردم ارزانی داشته بوسیله ما با یک دیگر الفت گرفتند با اینکه قبلا با هم اختلاف داشتند و بوسیله ما دلهای آنها را بهم نزدیک نمود و با هم برادر شدند با اینکه قبلا دشمن یک دیگر بودند و بوسیله ما آنها را باسلام هدایت کرد اینست نعمت پایدار، خداوند از آنها خواهد پرسید راجع باین نعمت که بآنها داده و آن پیامبر و عترت اوست.

امامت، ج ۲، ص: ۴۷

زمخشری: در تفسیر خود راجع بآیه: بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْراً یعنی سپاس نعمت خدا را کفر نمودند زیرا شکری که بر آنها واجب بود بجای آن کفر قرار دادند یا منظور اینست که خود نعمت را کفر کردند یعنی از بین بردند باین معنی که وقتی کفران آن نعمت نمودند از بین برده اند و بدون نعمت شدند بواسطه کفر خود بعد خبری که از امیر المؤمنین علیه السّلام نقل شد راجع

بدو گروه تبهکار بنی امیه و بنی مغیره عینا نقل کرده از عمر جز اینکه بنی مغیره را بر بنی امیه در تفصیل مقدم داشته، میگوید لفظ جهنم دار البوار را توضیح میدهد.

عیون اخبار الرضا: محمّد بن یحیی صولی از ابن ذکوان قاسم بن اسماعیل او از ابراهیم بن عباس صولی که گفت روزی در خدمت علی بن موسی الرضا علیه السّلام بودیم آن جناب فرمود: در دنیا نعمت حقیقی وجود ندارد بعضی از دانشمندان حاضر در مجلس گفتند چگونه خداوند میفرماید: ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ اما این نعیم در دنیا آب سرد است حضرت رضا علیه السّلام با صدای بلند فرمود: شما این طور آیه را تفسیر میکنید و چند قسم نعمت را میشمارید بعضی میگویند:

آب سرد. دیگری غذای خوب میداند و گروهی خواب خوش میشمارد.

پدرم از پدر خود حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد در موقعی که اقوال مختلف شما در مورد نعمت خدمتش عرض شد راجع بآیه: ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ آن جناب غضبناك شده فرمود: هرگز خدا از بندگان خود در مورد چیزی که بآنها تفضل نموده نمیپرسد و منت بر آنها نمیگذارد منتگذاردن برای نعمت از مردم زشت است چگونه میتوان چیزی را بخدا نسبت داد که انجام آن از مردم صحیح نیست، اما نعیم حب ما خانواده و موالات ما است که خدا بعد از توحید و نبوت از آن سؤال میکند زیرا وقتی بنده حق این نعمت را بجا آورد او را بجانب بهشت جاوید می برد.

پدرم از پدر خود از محمّد بن علی و ایشان از پدرش علی بن الحسین و آن جناب از پدرش حسین

بن علی و آن جناب از پدرش علی نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: یا علی

امامت، ج ۲، ص: ۴۸

اول چیزی که بعد از مرگ از شخص می پرسند شهادت لاـ إِلهَ إِلَّا اللَّهُ و مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ و اینکه تو ولی مؤمنینی بواسطه مقامی که خدا و من بتو داده ایم هر که چنین اعترافی داشته باشد و زندگی خود را بر آن ادامه دهد به بهشت رهسپار می شود نعمتی که زوال ندارد.

ابن ذکوان پیش از اینکه من چیزی بگویم گفت: من این حدیث را بچند جهت برای تو گفتم: یکی- اینکه از بصره پیش من آمده ای. دوم- اینکه پسر عمویت این حدیث را بمن ارزانی داشته. سوم- اینکه من پیوسته اشتغال بعلم لغت و اشعار داشتم و اعتنائی بچیز دیگر نمیگذاشتم در خواب پیامبر اکرم را دیدم مردم بایشان سلام میکردند جواب میداد وقتی من سلام کردم جواب نداد.

عرضکردم: مگر من از امت شما نیستم؟ فرمود: چرا، ولی چرا حدیث نعیم که از ابراهیم شنیده ای برای مردم نمیگوئی. صولی گفت: این حدیث را مردم از پیامبر اکرم نقل کرده اند جز اینکه لفظ نعیم و آیه و تفسیر آن نیست.

روایت کرده اند: اول چیزی که از بنده سؤال میکنند روز قیامت شهادت بتوحید و نبوت است و موالات با علی بن ابی طالب علیه السّلام.

تفسیر قمی: يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَها فرمود: نعمت اللَّه ائمه علیهم السّلام هستند و دلیل بر این مطلب آیه: أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْراً حضرت صادق علیه السّلام فرمود: بخدا قسم ما هستیم نعمت خدا که بر بندگان ارزانی داشته بوسیله ما رستگار شده هر کس رستگار گردیده.

مناقب: حضرت

صادق و باقر علیهما السّلام در باره آیه: أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْراً فرمودند: نعمت خدا پیامبر است زیرا امت خود را متوجه ائمه علیهم السّلام میکند که سبب ارشاد آنها میشوند: وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ این معنی فرمایش پیامبر اکرم است که فرمود: مبادا بعد از من کافر شوید و بجان یک دیگر بیفتید.

دین بنا شده بر پیروی از پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم: قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي

امامت، ج ۲، ص: ۴۹

و پیروی از کتاب خدا بدلیل این آیه: وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ و پیروی از ائمه علیهم السّلام از اولاد پیامبر بدلیل: وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسانٍ.

پیروی از پیامبر موجب محبت می شود: يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ و پیروی از قرآن موجب سعادت: فَمَنِ اتَّبَعَ هُدايَ فَلا يَضِلُّ وَ لا يَشْقى پیروی از ائمه سبب بهشت می شود.

امالی: عمر بن راشد از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در باره ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ فرمود: ما نعیم هستیم و در باره آیه: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً فرمود: ما حبل و ریسمان پیوسته بخدائیم.

تفسیر قمی: ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ یعنی از ولایت دلیل بر این مطلب آیه: وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ یعنی از ولایت بازخواست می شود.

احمد بن ادریس از احمد بن محمّد از مسلمه بن عطا از جمیل از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که من از آیه: لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ پرسیدم فرمود: این امت بازخواست خواهند شد از آنچه بایشان ارزانی شده بوسیله پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم و سپس اهل بیت آن جناب.

تفسیر قمی: جابر گفت: مردی

خدمت حضرت باقر علیه السّلام این آیه را خواند:

وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَ باطِنَةً فرمود: اما نعمت ظاهری پیامبر اکرم و آنچه برای مردم از معرفت خدا و توحید آورده اما نعمت باطنی ولایت ما خانواده و پیوند محبت با ما است و گروهی اعتقاد به نعمت ظاهر و باطن هر دو داشتند و گروهی نعمت ظاهری را معتقد بودند اما به نعمت باطنی اعتقاد نداشتند خداوند این آیه را نازل کرد: یا أَيُّهَا الرَّسُولُ لا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قالُوا آمَنَّا بِأَفْواهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ پیامبر ما مبادا اندوهگین شوی از کسانی که بسرعت جانب کفر را از پیش میگیرند از کسانی که بزبان ایمان دارند ولی در دل ایمان ندارند.

پیامبر اکرم از نزول این آیه شادمان گردید زیرا خداوند بزرگ ایمان آنها

امامت، ج ۲، ص: ۵۰

را نپذیرفت مگر با پیمان ولایت و محبت اهل بیت.

اکمال الدین: محمّد بن زیاد ازدی گفت: از مولایم موسی بن جعفر علیه السّلام راجع بآیه: وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَ باطِنَةً پرسیدم فرمود: نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غائب است.

محاسن برقی: عمرو بن ابی نصر گفت: مردی از بصریها نقل کرد حسین بن علی علیه السّلام و عبد اللَّه بن عمر را دیدم طواف خانه کعبه میکردند از پسر عمر پرسیدم وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ معنی آن چیست.

گفت: خداوند دستور میدهد که هر نعمتی بتو دادیم بازگو کن بمردم بعد همین سؤال را از حسین بن علی علیه السّلام کردم فرمود امر کرده که نعمت های دینی خود را بدیگران بازگو کند.

محاسن برقی: ابو حمزه گفت: خدمت حضرت صادق علیه

السّلام بودیم با چند نفر دستور داد غذا آوردند تاکنون چنان غذائی از نظر طعم و خوشبوئی ندیده بودم خوردیم تا سیر شدیم بعد بر ایمان خرما آوردند از صفا و زیبائی خرما بیکدیگر تماشا میکردیم مردی گفت: فردای قیامت از شما بازخواست خواهد شد نسبت باین نعمتی که استفاده کردید در خدمت فرزند پیغمبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم حضرت صادق علیه السّلام فرمود: خدا بزرگتر و کریم تر از آن است که نعمتی به شما عنایت نماید و او گوارایتان گردد آنگاه بازخواست نماید ولی بازخواست خواهد کرد از نعمتی که ارزانی داشته بر شما بوسیله محمّد و آل محمّد صلوات اللّٰه علیهم.

تفسیر عیاشی: علی بن محمد بن میثم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: مژده باد شما را ببزرگترین نعمت خدا بر شما این آیه: وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها بر کنار گودالی از آتش بودید خداوند از آن شما را نجات داد.

این نجات بخشی از آتش لطفی است از جانب خدا و هرگز خداوند همه و بخشش خود را بازپس نمیگیرد.

امامت، ج ۲، ص: ۵۱

تفسیر عیاشی: ابن هارون گفت: هر وقت حضرت صادق علیه السّلام نام پیامبر را میبرد میفرمود: پدر و مادر و خویشاوندان و فامیلم فدایش باد در شگفتم از عرب چگونه ما را بر دوش خود بر نمیدارند با اینکه خداوند در این آیه میفرماید:

وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها بخدا سوگند بواسطه وجود پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم نجات یافتند.

مناقب: حضرت باقر در باره آیه: ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ فرمود:

یعنی امنیت و سلامتی

و ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام.

در روایت بعد از کتاب تنویر نقل میکند که حضرت باقر و صادق علیهما السّلام فرمودند:

«نعیم» ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام است.

دو روایت در باره: وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَ باطِنَةً یکی نعمت ظاهری را به پیامبر و نعمت باطنی را بائمه علیهم السّلام و دیگری نعمت ظاهر را بامام ظاهر و نعمت باطن را بامام غایب تفسیر نموده و دو روایت در مورد: بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْراً ذکر شده تبدیل کنندگان نعمت بکفر بنی امیه و بنی مخزوم و در یکی تمام قریش تعیین شده.

و چهار روایت در تفسیر: ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ است که در یک روایت فرموده: نعیم ما هستیم و میوه تلخ کافر است که از جهت رفع تکرار ترجمه نشده.

تفسیر عیاشی: عمرو بن سعید گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع باین آیه پرسیدم: الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْراً وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ فرمود: شما در باره تفسیر آن چه میگوئید؟

گفتم: منظور دو گروه تبهکار از قریش هستند بنی امیه و بنی مخزوم فرمود صحیح است آنها تمام قریشند خداوند به پیامبر خود خطاب کرد که من قریش و ابر سایر عرب برتری دادم و نعمت خود را بآنها ارزانی داشتم و پیامبر را بجانب ایشان ارسال نمودم نعمت مرا تبدیل کردند و پیامبرم را تکذیب نمودند.

امامت، ج ۲، ص: ۵۲

کنز جامع الفوائد: ابو خالد کابلی گفت خدمت حضرت باقر علیه السّلام رسیدم برایم غذائی آورد که خوشبوتر از آن نخورده بودم فرمود غذای ما چگونه بود؟

عرضکردم: فدایت شوم چقدر خوشبو و لذیذ بود جز اینکه در اندیشه یک آیه از قرآن

شدم گوارایم نشد فرمود کدام آیه گفتم: ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ.

فرمود: بخدا قسم از این غذا بازخواست نخواهید شد امام علیه السّلام چنان خندید که دندان های مبارکش آشکار شد فرمود میدانی نعیم چیست؟

گفتم: نه.

فرمود ما آن نعیمی هستیم که از شما راجع به آن بازخواست خواهند نمود.

تفسیر فرات: ابو حفص صائغ گفت از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم در مورد آیه: ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ فرمود ما نعیم هستیم که در قرآن ذکر شده آنگاه این آیه را قرائت کرد: وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِی أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِ موقعی که گفتی به آن کس که خدا به او نعمت داده و تو نیز به او نعمت داده ای.

تفسیر فرات: حنان بن سدیر گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم غذا آوردند خوردم اما تا آن وقت غذائی بدین مطبوعی نخورده بودم فرمود سدیر غذای ما چگونه بود؟.

عرضکردم پدر و مادرم فدایت یا ابن رسول اللّه مانند این غذا تاکنون نخورده بودم و خیال نمیکنم بعد از این هم نصیبم گردد در این موقع اشک اطراف چشمم را فرا گرفت و شروع بگریه کردم فرمود چرا گریه میکنی.

عرضکردم بیاد یک آیه از قرآن افتادم فرمود کدام آیه گفتم: ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ ترسیدم که خداوند از همین غذا مرا بازخواست کند چنان

امامت، ج ۲، ص: ۵۳

امام خندید که دندانهایش آشکار شد. آنگاه فرمود سدیر هرگز از غذای خوب و لباس نرم و بوی خوش از شما بازخواست نخواهند کرد اینها برای ما خلق شده است و ما برای استفاده از آنها مأموریم که با استفاده از این نعمتها فرمان بردار خدا باشیم.

عرضکردم: پدر

و مادرم فدایت، پس نعیم چیست؟

فرمود: حب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و خانـدانش خداونـد روز قیامت بازخواست خواهد کرد چگونه سپاس نعمتی که بر شما ارزانی داشتم از حب علی و عترتش بجا آوردید.

کنز الفوائـد: محمّـد بن سائب کلینی گفت وقتی حضـرت صادق علیه السّـلام بعراق آمد در حمیره منزل کرد ابو حنیفه خدمت امام علیه السّلام رسید و چند سؤال کرد از آن جمله پرسید فدایت شوم امر بمعروف چیست؟

فرمود: ابو حنیفه! معروف آن کسـی که معروف در میان اهل آسمان و معروف در میان اهل زمین است و او امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است عرضکردم:

فدایت شوم منکر چیست؟.

فرمود آن دو نفر که باو ستم روا داشتند در مورد حقش و مقام او را گرفتند و مردم را بر دوش او سوار کردند.

ابو حنیفه گفت: مگر منکر این نیست که شخصـی را ببینی مشـغول معصـیت خـدا است او را بـازداری امـام صادق علیه السّـلام فرمود این امر بمعروف و نهی از منکر نیست این کار خوبی است که انجام داده.

ابو حنیفه: گفت تفسیر این آیه را برایم بفرمائید: ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ.

فرمود بنظر تو چیست؟ ابو حنیفه پاسـخ داد امنیت راه و صـحت بـدن و خوراک حاضـر فرمود: یا ابا حنیفه! اگر خدا ترا در روز قیامت نگه دارد و از هر خوراکی که خورده ای و هر آبی که آشامیده ای بپرسند خیلی باید آنجا بایستی عرضکرد

امامت، ج ۲، ص: ۵۴

پس نعیم چیست؟

فرمود نعیم مـا هستیم که خداونـد بواسـطه مـا مردم را از گمراهی نجـات بخشـید و از کوری بینـا کرد و از نـادانی خـارج نمود عرضکرد فدایت شوم چگونه قرآن

پیوسته تازه است.

فرمود زیرا برای یک زمان مخصوص قرار داده نشده که موجب کهنگی آن شود اگر چنین بود قرآن از میان می رفت قبل از فنای عالم.

کنز الفوائد: داود رقی از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ نقل کرد که فرمود یعنی کدام دو نعمت مرا تکذیب می کنید شما دو نفر؟ نعمت محمّد و یا علی به واسطه آن دو، نعمت بر بندگان ارزانی داشته ام.

کافی: ابو یوسف بزاز گفت حضرت صادق علیه السّلام این آیه را تلاوت نمود:

فَاذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ فرمود میدانی آلاء خدا چیست؟ عرضکردم نه فرمود آنها بزرگترین نعمت های خدایند بر خلق و آن ولایت ما است.

توضیح: سید بزرگوار محمّد بن حسن حسینی در روایت صحیفه کامله باسناد خود از متوکل بن هارون از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده که خداوند به پیامبر اطلاع داد که اهل بیت و دوستان آنها و شیعیان چه از بنی امیه خواهند دید در موقع حکومت ایشان و این آیه را در باره آنها نازل کرد: أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْراً وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ، جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَها وَ بِئْسَ الْقَرارُ نعمت خدا محمّد و اهل بیت او هستند حب و دوستی آنها ایمان است و موجب بهشت می شود و کینه و نفاق با آنها کفر است که موجب آتش می گردد.

شاید تفسیری که امام علیه السّلام می فرماید منظورش اینست که نعمت محمّد و اهل بیت او هستند صلوات اللّه علیهم و حب و دوستی با آنها شکر این نعمت است و کینه با آنها کفران نعمت پس آنها نعمت را تبدیل بکفر کردند.

و شاید فرمایش امام که

فرمود حب و دوستی با آنها ایمان است،

امامت، ج ۲، ص: ۵۵

توضیح همین مطلب باشد که آل محمّد نعمت هستند و نعمت در آیه بآنها اطلاق شده معنی آیه چنین می شود که آنها بجای نعمتی که (محمّد و آل او هستند) دشمنانشان را قرار دادند که ریشه کفر و بیدینی بودند راضی شدند اینها خلیفه باشند از آنها بکفر تعبیر شد بواسطه مبالغه ای که در کفر داشتند.

محاسن: یکی از اصحاب در باره آیه: وَ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلى ما هَداكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ گفت: شکر معرفت است و در این آیه وَ لا يَرْضى لِعِبادِهِ الْكُفْرَ وَ إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ گفت کفر در این آیه (خلاف ائمه رفتار کردن است) و شکر ولایت و معرفت امام است.

عیاشی: حمران از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند در باره آیه وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ فرمود فضل خدا پیامبر است و رحمت او ولایت ائمه علیهم السلام.

بزودی در بخش های آیات نازله در باره امیر المؤمنین اخبار زیادی در این مورد خواهد آمد.

کافی: محمّد بن فضیل از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که گفتم: قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ در تفسیر آن فرمود بولایت محمّد و آل او شاد باشید که این بهتر از ثروتی است که دشمنان آن ها جمع می کنند.

عیاشی: ابن نباته گفت امیر المؤمنین علیه السّلام در باره آیه: قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذلِكَ فَلْيَفْرَحُوا فرمود شیعیان ما باید بواسطه ما شادی کنند این نعمت بهتر است از طلا و نقره ای که دشمنان ما گرد هم آورده اند.

مناقب: گفته اند فضل و عنایت بر سه قسم است:

۱- فضل

خدا بدلیل این آیه: وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ.

۲- فضل پیامبر بدلیل این آیه قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ ابن عباس گفته منظور از فضل در این آیه پیامبر است و رحمت امیر المؤمنین علیه السّلام.

امامت، ج ۲، ص: ۵۶

۳- فضل اوصیاء و ائمه حضرت باقر علیه السّلام أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ یا رشک می برند بر مردم به واسطه آنچه که خدا به ایشان داده از فضل خویش.

امام فرمود مردم در این آیه ما هستیم که مورد رشک دیگرانیم و آیه در باره ما نازل شده.

ابو الورد از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد در باره آیه: وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ فرمود ولایت آل محمّد است.

کنز: حماد بن عثمان از حضرت رضا علیه السّلام از پدر از جد بزرگوارش از جعفر بن محمّد علیه السّلام در باره آیه اللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشاءُ اختصاص میدهد رحمت خود را بهر کس بخواهد فرمود کسانی که رحمت خدا بآنها اختصاص دارد پیامبر اکرم و وصی اوست صلوات اللَّه علیهما خداوند هزار رحمت آفریده نود و نه قسمت آن برای حضرت محمّد و علی و عترت آنها ذخیره است و یک رحمت را برای سایر مردم گشوده.

مناقب: حضرت باقر و صادق علیهما السّلام در باره آیه: ذلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشاءُ این فضل خدا است بهر کس بخواهد می دهد و آیه: وَ لا تَتَمَنَّوْا ما فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلى بَعْضٍ هرگز تمنای فضلی که خداوند اختصاص به گروهی داده نکنید فرمودند این دو آیه در باره ائمه علیهم السّلام نازل شده.

تفسیر عیاشی: از حضرت صادق و زراره از حضرت

باقر نقل می کند:

لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ فرمودند فضل اللّه پیامبر و رحمت ولایت ائمه علیهم السلام است.

تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام: «یا بَنِی إِسْرائِیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ بنی اسرائیل! بیاد آرید نعمت مرا که بر شما ارزانی داشتم موسی و هارون را برای اجداد شما به پیامبری مبعوث نمودم آنها را هدایت به نبوت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم و جانشینی علی و امامت عترت پاکش کردند.

امامت، ج ۲، ص: ۵۷

در این مورد از شما پیمان های محکم گرفتم که اگر بآن پیمان عمل کردید فرمانروایان بهشت باشید و شایسته کرامت و خشنودی خدا شوید وَ أَنِّی فَضَّلْتُکُمْ عَلَی الْعالَمِینَ و شما را بر جهانیان در آن وقت برتری دادم یعنی این کار را نسبت باجداد شما کردم از نظر دین و دنیا برتری دادم.

اما برتری دینی بواسطه پذیرفتن نبوت حضرت محمّد و ولایت علی و خاندانش و اما در دنیا باین طور که بر سر شما سایه میافکند و برایتان شیر خشت و مرغ بریان فرستادم و از یک سنگ آب گوارا برای آشامیدن شما خارج کردم و دریا را شکافتم آنها را نجات بخشیدم و دشمنانشان را غرق کردم فرعون و همدستانش را، آنها را با این کار برتری بخشیدم بر مردم زمان خود که مخالف ایشان و مانع پیشرفت آنها بودند.

سپس خداوند میفرماید:

وقتی نسبت باجداد شما چنین کنم بواسطه قبول ولایت محمّد و آلش شایسته است که به شما افزون بدهم زیرا شما به پیمان و عهدی که داشتید وفا کردید.

کافی: احمد بن عیسی از جعفر بن محمّد از پدر بزرگوار و از جدش در

باره آیه: یَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ یُنْکِرُونَها نقل کرد که وقتی این آیه نازل شد إِنَّما وَلِیُّکَمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ.

گروهی از اصحاب پیامبر در مسجد مدینه جمع شده گفتند در باره این آیه چه می گوئید.

بعضی از آنها گفتند اگر کافر باین آیه شویم کافر بهمه آیات هستیم اگر ایمان آوریم این خود یک خواری و ذلت است که علی بن ابی طالب بر ما مسلط شود. گفتند ما میدانیم هر چه محمّد می گوید راست است ما او را دوست می داریم ولی از علی اطاعت نمی کنیم در مورد دستوری که بما داده بعد این آیه نازل شد: یَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ یُنْکِرُونَها یعنی ولایت علی علیه السّلام را می دانستند.

امامت، ج ۲، ص: ۵۸

وَ أَکْثَرُهُمُ الْکافِرُونَ بیشتر آنها بولایت علی کافر بودند.

توضیح: اکثر مفسرین می گویند: معنی آیه اینست که مشرکین نعمت های خدا را برای آنها احصا ن

بخش سی ام ائمه علیهم السلام نجوم و علامات هستند در این بخش غرائبی از تفسیر در مورد آنها و دشمنانشان ذکر می شود

آیات: سوره نحل آیه ۱۷: وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ.

تفسیر: مرحوم طبرسی مینویسد، یعنی برای شما علاماتی قرار داده نشانه هائی که بوسیله آنها راه را میشناسید بعضی گفته اند منظور از علامات کوهها است که در روز بوسیله آنها راه یابی می شود: وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ با ستاره راه را پیدا میکنند در شب منظور ستاره جدی است که راهنمای به سوی قبله است.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود ما علامات هستیم ستاره پیامبر اکرم است پیغمبر اکرم فرمود خداوند ستارگان را امان برای اهل آسمان قرار داده و خانواده مرا امان برای اهل زمین ..

امامت، ج ۲، ص: ۶۳

پایان گفتار طبرسی توضیح: بنا بر این تفسیر ضمیر «هم و فاعل یهتدون»

برگشت بعلامات دارد که ائمه علیهم السّلام هستند.

تفسیر قمی: حسین بن خالد از حضرت رضا علیه السّلام در باره آیات: الرَّحْمنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ فرمود خداوند به محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم قرآن را آموخت گفتم: خَلَقَ الْإِنْسانَ معنی انسان را آفرید چیست؟ فرمود منظور از انسان امیر المؤمنین علیه السّلام گفتم:

عَلَّمَهُ الْبَیانَ فرمود باو آموخت شرح هر چیزی را که مردم بآن نیازمندند پرسیدم الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ بِحُسْبانٍ فرمود منظور «اولی و دومی است» که بعذاب خدا گرفتارند.

عرضکردم: آقا! خورشید و ماه عذاب می شوند؟ فرمود چیزی پرسیدی درست دقت کن.

خورشید و ماه دو موجود از آفریده های خدایند که بدستور او در گردشند و اطاعت از او میکنند نور آنها از نور عرش و حرارت آن دو از حرارت جهنم است روز قیامت نور آن دو بعرش بر میگردد و حرارت آنها بآتش جهنم. دیگر خورشید و ماهی نخواهد بود.

از این آیه آن دو ملعون را قصد نموده مگر نشنیده ای که مردم از پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم نقل کرده اند فرموده است خورشید و ماه دو نورند در آتش گفتم چرا مگر باز نشنیده ای طرفداران آنها می گویند فلان و فلان خورشید این امتند و پرتو آن دو؟

در این صورت آن دو اهل جهنم و سوگند بخدا که جز این دو را از آیه قصد نکرده.

گفتم: وَ النَّجْمُ وَ الشَّجَرُ یَسْجُدانِ فرمود نجم پیامبر است که در چند مورد

امامت، ج ۲، ص: ۶۴

از آن جناب به نجم تعبیر شده یکی در این آیه: النَّجْمِ إِذا هَوی و این آیه وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ علامات اوصیاء پیامبرند و نجم خود

پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم گفتم معنی «یَسْجُدانِ» چیست فرمود یعنی پرستش می کنند و این آیه: وَ السَّماءَ رَفَعَها وَ وَضَعَ الْمِیزانَ منظور از سماء پیامبر است که بجانب خود بلندش نموده و میزان امیر المؤمنین است که برای مردم قرار داده است گفتم معنی: أَلَّا تَطْغَوْا فِی الْمِیزانِ فرمود یعنی مخالفت با امام نکنید گفتم معنی: وَ أَقِیمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ فرمود پشتیبانی کنید از امام عادل، پرسیدم از معنی: وَ لا تُخْسِرُوا الْمِیزانَ فرمود یعنی کوتاهی در حق امام نکنید و باو ستم روا مدارید این آیه وَ الْأَرْضَ وَضَعَها لِلْأَنامِ یعنی زمین را برای مردم قرار داده: فِیها فاکِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذاتُ الْأَکْمامِ خرما در بن شکوفه بزرگ می شود آنگاه از آن جدا میگردد و معنی آیه: وَ الْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَ الرَّیْحانُ حب گندم و جو و حبوبات است (عصف) گاه است و ریحان مقداری که از آنها خورده می شود معنی فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ کدام نعمت خدای خود را تکذیب میکنید شما دو نفر در ظاهر خطاب به جن و انس است ولی در باطن خطاب به فلان و فلان است.

توضیح: بیضاوی گفته است: ریحان بوئیدنی و توشه و روزی است میگویند «خرجت اطلب ریحان اللّه» خارج شدم در جستجوی روزی خدا و نجم گیاهی است که میروید از زمین و ساقه ندارد.

تفسیر قمی: ابو بصیر گفت از حضرت صادق علیه السّلام معنی آیه رَبُّ الْمَشْرِقَیْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَیْنِ را پرسیدم فرمود مشرقین رسول خدا و امیر المؤمنین علیهما السّلام و مغربین امام حسن و امام حسین علیهما السّلام هستند و مانند چنین تعبیری در بسیاری از آیات

هست مانند: فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكَما تُكَذِّبانِ که منظور از آلاء محمّد و علی هستند.

تفسیر قمی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه وَ السَّماءِ وَ الطَّارِقِ نقل کرد که فرمود منظور از سماء در این آیه امیر المؤمنین علیه السّلام است و طارق

امامت، ج ۲، ص: ۶۵

و مراد آن ملک و فرشته ایست که از جانب پروردگار نیز و ائمه علیهم السّلام می آید و حوادث شبانه روز را می آورد و کمک برای آنها است گفتم: و النَّجْمُ الثَّاقِبُ چیست فرمود پیامبر اکرم است.

تفسیر قمی: ابو بصیر گفت از حضرت صادق علیه السّلام معنی این آیه را پرسیدم:

وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها فرمود شمس پیامبر اکرم است که بوسیله او خدا دینش را آشکار نموده گفتم وَ الْقَمَرِ إِذا تَلاها فرمود امیر المؤمنین علیه السّلام است.

گفتم معنی وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها فرمود امام از فرزندان فاطمه علیها السّلام است که راجع بدین پیامبر که از آنها سؤال شود آشکار میکنند و توضیح میدهند برای سئوال کننده گفتم معنی آیه وَ اللَّيْلِ إِذا يَغْشاها فرمود منظور پیشوایان و جور و ستم است که مقام ائمه را بخود اختصاص داده اند و جایی که شایسته امام است گرفته اند آنها پرده بر روی دین پیامبر کشیده اند بظلم و ستم اینست معنی وَ اللَّيْلِ إِذا يَغْشاها معنی تاریکی شب میپوشاند روشنائی روز را وَ نَفْسٍ وَ ما سَوَّاها فرمود یعنی آفرید آن را و صورت بخشید آیه: فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها یعنی باو شناساند کار زشت و زیبایش را بعد او را مخیر گردانید تا هر راهی را خواست اختیار کند: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاها یعنی رستگار است کسی که نفس

خویش را پاک کند: وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسَّاها بدبختی است کسی که نفس خود را بگمراهی وادارد.

کنز الفوائد: از سلیمان دیلمی همین حدیث را نقل میکند جز اینکه در تفسیر: وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها میفرماید منظور قائم آل محمّد است.

بیضاوی در معنی دَسَّاها میگوید یعنی او را ناقص نمود و نفس خود را در پرده جهل و فسق قرار داد.

تفسیر قمی: محمّد بن مسلم گفت از حضرت باقر علیه السّلام پرسیدم معنی:

وَ اللَّيْلِ إِذا يَغْشى فرمود لیل در این آیه دومی است که ستم روا داشت بر امیر المؤمنین در مقامی که متعلق باو بود و آن جناب دستور داشت که صبر

امامت، ج ۲، ص: ۶۶

کند تا دولت آنها منقضی گردد فرمود: وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّى منظور از نهار قائم از ما خانواده است وقتی قیام کند بر دولتهای باطل پیروز می شود قرآن برای مردم مثال میزند و خطاب به پیامبر و ما است معنی آن را جز ما نمی دانند.

کنز جامع الفوائد:

فضل بن عباس از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها منظور از شمس امیر المؤمنین است وَ ضُحاها نور بخشی آن قیام قائم است وَ الْقَمَرِ إِذا تَلاها حسن و حسین هستند وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها قیام قائم وَ اللَّيْلِ إِذا يَغْشاها ابو بکر و عمر است که پرده بر روی حق کشیدند.

اما آیه: وَ السَّماءِ وَ ما بَناها آسمان محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم است که مردم از نظر علم بجانب او میروند و آیه: وَ الْأَرْضِ وَ ما طَحاها منظور از ارض شیعه است وَ نَفْسٍ وَ ما سَوَّاها مؤمنی است که از

جور مخالفین پنهان است اما عقیده اش درست است: فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها آشنا بحقیقت هست و از باطل تمیز میدهد قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاها رستگار است نفسی که خدا آن را پاك قرار داده وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسَّاها بیچاره است کسی که خدا او را گمراه نموده.

و معنی این آیه: كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْواها فرمود ثمود گروهی از شیعه هستند.

خداوند در این آیه می فرماید: وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْناهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمى عَلَى الْهُدى فَأَخَذَتْهُمْ صاعِقَةُ الْعَذابِ الْهُونِ ما ثمود را راهنمائی کردیم گمراهی را اختیار کردند بکیفری دردناك و خوارکننده مبتلا شدند.

منظور شمشیر است وقتی که قائم قیام کند، این آیه: فَقالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ منظور پیامبر اکرم است.

ناقَةَ اللَّهِ وَ سُقْياها مراد از ناقه اللَّه امام است که فهم و علم او از خدا است و وَ سُقْياها یعنی در نزد امام چشمه گوارای علم است: فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوها فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاها منظور در رجعت خواهد بود وَ لا يَخافُ عُقْباها نمی ترسد اگر مانند آن تکرار شود.

امامت، ج ۲، ص: ۶۷

توضیح: این نوع تأویلها جای استبعاد نیست از بطن آیات زیرا قصه های ذکر شده در قرآن برای آن است که مردم متوجه شوند و تکرار شبیه آن نشود و یا مردم را تحریض بکارهای خوب کند در روایت که فرمود گروهی از شیعه هستند منظور غیر دوازده امامی ها از قبیل زیدیها (یا اسماعیلیها).

تفسیر این آیات با مختصر تغییری از کافی نیز نقل شده.

از مناقب نیز نقل شده که حضرت صادق و باقر علیهما السّلام در توضیح وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها فرمود شمس پیامبر اکرم وَ الْقَمَرِ إِذا تَلاها علی بن ابی طالب است:

وَ النَّهارِ إِذا

جَلَّاها امام حسن و امام حسین و آل محمّدند وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشاها ابو بکر و عمر و بنی امیه و پیروان آنهایند.

معانی الاخبار: جابر بن عبد اللَّه گفت پیامبر اکرم فرمود پیرو خورشید باشید وقتی غائب شد از ماه پیروی کنید وقتی ماه غائب شد پیرو زهره، پس از زهره پیرو فرقدان. عرضکردند یا رسول اللَّه خورشید و ماه و زهره و فرقدان کیانند.

فرمود خورشید منم و علی ماه است و فاطمه زهره و فرقدان حسن و حسین هستند.

در روایت بعد همین فرمایش پیامبر را انس بن مالک نقل می کند که پس از نماز صبح پیامبر اکرم فرمود و در آخر اضافه مینماید که فرمود کتاب خدا و پیشوایان از یک دیگر جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند.

امالی شیخ: در ص ۳۲۹- نیز همین روایت را از جابر بن عبد اللَّه انصاری با توضیح بیشتر نقل می کند که از جهت اختصار از ترجمه صرف نظر شد.

تفسیر قمی: وَ النَّجْمِ إِذا هَوی فرمود نجم پیامبر اکرم است (إِذا هَوی) وقتی در شب او را به آسمان سیر دادند و او در هوا قرار داشت.

کنز جامع الفوائد: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم فرمود مثل من میان شما همچون خورشید است و مثل علی مانند ماه وقتی خورشید غروب کرد بوسیله ماه راهنمائی پیدا می کنید.

کنز جامع الفوائد: مجاهد از ابن عباس در باره آیه وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها نقل کرد که شمس پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم است وَ الْقَمَرِ إِذا تَلاها علی بن ابی طالب

امامت، ج ۲، ص: ۶۸

است وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها حسن و حسین وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشاها

بنی امیه هستند.

سپس ابن عباس گفت: پیامبر اکرم فرمود وقتی خدا مرا به نبوت مبعوث نمود پیش بنی امیه رفتم و آنها را برسالت خود دعوت کردم.

گفتند دروغ میگوئی تو پیامبر نیستی بعد بپیش بنی هاشم رفتم به آنها نیز گفتم من پیامبرم علی بن ابی طالب بمن ایمان آورد آشکارا و پنهان و ابو طالب از من حمایت کرد آشکارا و ایمان آورد پنهانی.

آنگاه خداوند پرچم خویش را توسط جبرئیل فرستاد در میان بنی هاشم بزمین کوبید و شیطان پرچم خود را فرستاد در میان بنی امیه کوبیده شد پیوسته آنها با ما دشمنند و پیروان ایشان دشمن پیروان ما هستند تا روز قیامت.

تفسیر قمی: هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِها فِی ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ گفته است نجوم آل محمّد هستند.

کنز جامع الفوائد: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد در باره آیه:

فَلا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ فرمود مشارق انبیاء هستند و مغارب اوصیاء.

توضیح: از انبیاء بمشارق تعبیر شده زیرا پرتو هدایت آنها بر اهل دنیا میدرخشد و اوصیاء بمغارب تشبیه گردیده اند.

زیرا بعد از وفات انبیاء دانش آنها در دل اوصیاء غروب می کند، از دل آنها مردم استفاده میبرند باندازه قابلیت و استعداد خود.

کنز: ابن نباته از علی علیه السّلام نقل کرد که روزی ابن کوّاء از این آیه سؤال نمود: فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ فرمود خداوند قسم بهیچ کدام از آفریده های خود نمی خورد، اما خنس چنین است.

خداوند گروهی را ذکر کرده که پرده بر روی علم اوصیاء کشیده اند و مردم را دعوت بدشمنی آنها نموده اند و معنی (خنس) یعنی پوشانده اند.

ابن کوّاء گفت: و الْجَوارِ الْکُنَّسِ فرمود یعنی ملائکه علم

را بجانب پیامبر می برند جمع میکنند آن علم را اوصیاء از اهل بیت بطوری که بر آنها

امامت، ج ۲، ص: ۶۹

احدی جز خودشان اطلاع ندارد و معنی «کنسه» یعنی بر می دارند و پنهان می کنند.

گفت: وَ اللَّيْلِ إِذا عَسْعَسَ فرمود یعنی شب روی آورد با تیرگی اش این مثال را خداوند زده نسبت بکسی که ولایت را ادعا نماید برای خود و از صاحبان اصلی جلوگیری کند گفت این آیه وَ الصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ فرمود منظور اوصیاء هستند یعنی علم آنها درخشان تر و آشکارتر از دمیدن صبح است.

توضیح: اکثر مفسرین خنس را به سیارات غیر از ماه و خورشید تفسیر نموده اند.

کنز: ام هانی گفت از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم:

فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ، الْجَوارِ الْكُنَّسِ فرمود منظور امامی است که پنهان می کند خود را در سال ۲۶۰.

سپس ظهور خواهد کرد مانند شهاب درخشنده در شب تاریک اگر زمان او را درک کنی چشمت روشن می شود ام هانی!
کنز: جابر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: وَ الْفَجْرِ نقل کرد که فرمود منظور قائم است.

شبهای ده گانه ائمه علیهم السّلام هستند از امام حسن تا امام حسن عسکری وَ الشَّفْعِ امیر المؤمنین است با فاطمه علیها السّلام وَ الْوَتْرِ خدای یکتا است که شریکی ندارد وَ اللَّيْلِ إِذا يَسْرِ حکومت حبتر (کنایه از ابا بکر) که تا دامنه قیام قائم ادامه دارد.

توضیح: شاید اینکه ائمه را تعبیر بلیالی کرده اند از جهت مخفی بودن ایشان و مغلوب شدنشان در حکومتهای ظلم باشد.

سپس از تفسیر فرات روایتی در مورد وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها مانند تفسیرهای قبل نقل می کند از ابن عباس و حضرت باقر و امام حسین علیه

السّلام همه شمس را به

امامت، ج ۲، ص: ۷۰

پیامبر دو قمر را به علی و نهار را بقائم تفسیر نمودند و لیل را به بنی امیه و پس از آن جریان دعوت بنی امیه و بنی هاشم و پرچم خدا و پرچم شیطان نقل می شود که در آخر حدیث میفرماید: «وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها» ائمه از اهل بیت هستند که مالك زمین می شوند در آخر الزمان و بر جهان عدل و داد میگسترانند یاور آنها مانند یاور موسی است بر فرعون و دشمن آنها مانند یاور فرعون علیه موسی است.

و پس از آن ده روایت در مورد آیه: وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ که نجم پیامبر اکرم و علامات ائمه علیهم السّلام است با مختصر اختلافی از تفسیر قمی و تفسیر امام حسن عسکری و تفسیر عیاشی نقل می کند.

در آخر مینویسند: حضرت رضا نقل کرد که پیامبر اکرم به علی علیه السّلام فرمود تو نجم بنی هاشمی و در روایت دیگر تو یکی از علامات هستی.

بخش سی و یکم ائمه حبل اللّه متین و دستاویز استوار هستند و آنها چنگ بخدا زده اند

آیات- سوره بقره: فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی لَا انْفِصامَ لَها.

آل عمران: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا.

و این آیه: ضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذِّلَّهُ أَیْنَ ما ثُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ.

تفسیر: طاغوت شیطان و بتها و هر معبودی جز خدا و هر فرمانروای باطلی غیر اولیاء خدا است ائمه علیهم السّلام از دشمنان خود در بیشتر از روایات و زیارات کبیر بجبت و طاغوت ولات و عزی کرده اند در بخش جوامع آیات نازل شده در باره ائمه علیهم السّلام خواهد آمد که حضرت صادق علیه السّلام میفرماید دشمن در

قرآن مجید بنامهای فحشاء و منکر و بغی، و اصنام و اوثان و جبت و طاغوت نامیده شده اند عروه دستاویز و انفصام قطع شدن است.

مرحوم طبرسی مینویسد: در معنی حبل اللّٰه چند قول نقل شده:

۱- حبل اللّٰه قرآن است ۲- دین اسلام ۳- آنچه ابان بن تغلب از

امامت، ج ۲، ص: ۷۲

حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده که فرمود: ما حبل اللّٰه هستیم که در این آیه ذکر شده: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً بهتر است که حبل را بر تمام این معانی حمل کنیم و آنچه این مطلب را تأیید میکند روایتی است که ابو سعید خدری از پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم نقل میکند که فرمود مردم! میان شما دو ریسمان گذارده ام اگر چنگ بآن دو بزنید پس از من گمراه نخواهید شد یکی از دیگری بزرگتر است کتاب خدا که ریسمان پیوسته از آسمان بزمین است و عترت من اهل بیتم آن دو از یک دیگر جدا نمیشود تا در حوض بر من وارد شوند.

طبرسی: در تفسیر آیه إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ مینویسد یعنی بعهدی از جانب خدا و عهدی از مردم.

توضیح: در کتاب احوال امیر المؤمنین علیه السّلام خواهد آمد که منظور از حبل در هر دو آیه امیر المؤمنین علیه السّلام است.

کنز جامع الفوائد: صاحب نهج الایمان در تأویل آیه: فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقى نوشته است.

حدیثی را بحضرت رضا علیه السّلام نسبت میدهد از کتاب نخب المناقب که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود هر که دوست داشته باشد چنگ بدست آویز محکم بزند چنگ بزند بحب علی بن

ابی طالب.

در همان کتاب از حسین بن جبیر نقل میکند و سند را بحضرت باقر علیه السّلام میرساند که در آیه إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ فرمود: حبل خدا قرآن است و حبل مردم علی بن ابی طالب علیه السّلام.

در کتاب عمده: از ابان بن تغلب نقل میکند که حضرت صادق فرمود:

ما حبل اللّٰه هستیم که در این آیه فرمود: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا.

مناقب: ابو الجارود از حضرت باقر و زید بن علی علیه السّلام در باره آیه:

فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقى نقل کرد که فرمود مودت ما اهل بیت است.

امالی: ابو حفص صائغ از حضرت صادق علیه السّلام در باره: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ

امامت، ج ۲، ص: ۷۳

فرمود ما حبل اللّٰه هستیم.

در تفسیر قمی مینویسد: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ توحید و ولایت است.

در روایت ابی الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در مورد وَ لا تَفَرَّقُوا نقل میکند که فرمود چون خداوند میدانست امت پس از پیامبر اختلاف خواهند کرد و متفرق میشوند بهمین جهت از تفرقه نهی کرد چنانچه امت های پیش را نیز نهی نموده دستور داد بآنها که اجماع در ولایت آل محمّد کنند و متفرق نشوند.

دو روایت دیگر از کنز نقل می شود که عروه الوثقی مودت اهل بیت است.

امامت، ج ۲، ص: ۷۴

بخش سی و دوم حکمت، معرفت امام است

تفسیر قمی: علی بن قصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که عرض کردم فدایت شوم تفسیر این آیه چیست: وَ لَقَدْ آتَيْنا لُقْمانَ الْحِكْمَةَ بلقمان حکمت آموختیم. فرمود یعنی معرفت امام زمان خودش.

محاسن برقی: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام در مورد این آیه

سؤال کردم: وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَهَ فَقَدْ أَوتِیَ خَیْراً کَثِیراً هر که دارای حکمت شود باو خیر و خوبی فراوان داده شده.

فرمود اطاعت و فرمانبرداری از خدا و معرفت امام است.

تفسیر عیاشی: ابو بصیر گفت از حضرت باقر شنیدم در تفسیر آیه وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَهَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً فرمود معرفت امام و پرهیز از گناهان کبیره ای که خداوند وعده آتش داده.

عیاشی: سلیمان بن خالد از حضرت صادق نقل کرد که فرمود حکمت عبارت است از معرفت و بصیرت در دین هر کدام از شما فقیه در دین باشد حکیم است، از مردن هیچ کس در جهان شیطان خوشحال نمیشود باندازه خوشحالی از مردن یک فقیه.

بخش سی و سوم ائمه علیهم السلام صافون و مسبحون و صاحب مقام معلوم و حاملین عرش و سفرای کرام هستند

تفسیر قمی: یحیی بن مسلم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه: وَ ما مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقامٌ مَعْلُومٌ هر کدام از ما دارای مقامی معلوم هستیم.

فرمود این آیه در باره ائمه و اوصیاء از آل محمّد صلوات اللَّه علیهم نازل شده.

در تفسیر فرات از دو طریق دیگر همین روایت را نقل می کند.

تفسیر قمی: شهاب بن عبد ربه گفت از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میفرمود شهاب! ما شجره نبوت و گنجینه رسالت و محل رفت و آمد ملائکه و پیمان و تعهد خدائیم ما ودیعه های خدا و حجت اوئیم ما صفوف درخشانی از نور اطراف عرش بودیم ما خدای را تسبیح میکردیم اهل آسمانها از تسبیح ما تسبیح می نمودند تا بسوی زمین آمدیم.

در اینجا ما نیز تسبیح خدای را نمودیم اهل زمین از تسبیح ما به تسبیح

امامت، ج ۲، ص: ۷۶

مشغول شدند ما صافون و مسبحون هستیم «۱».

هر که بعهد و پیمان ما وفا

کند بعهد و پیمان خدا وفا کرده و هر که با ما پیمان شکنی کند با خدا پیمان شکنی کرده.

کنز الفوائد: علی بن ابی طالب علیه السّلام در ضمن خطبه ای فرمود ما آل محمّد انواری بودیم اطراف عرش خدا دستور داد تسبیح کنیم ما که تسبیح کردیم ملائکه از تسبیح ما بتسبیح مشغول شدند.

سپس بزمین آمدیم باز خدا دستور تسبیح به ما داد شروع به تسبیح کردیم اهل زمین از تسبیح ما بتسبیح مشغول شدند ما صف زنندگان و مسبحین هستیم.

کنز الفوائد: ابن مهران از عبد اللّه بن عباس تفسیر این آیه را پرسید:

وَ إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ.

ابن عباس گفت ما در خدمت پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم بودیم که علی بن ابی طالب علیه السّلام وارد شد همین که چشم پیامبر اکرم به او افتاد در چهره اش تبسم نمود.

فرمود: مرحبا بکسی که خدا او را چهل هزار سال قبل از آدم آفرید عرض کردم یا رسول اللّه آیا ممکن است پسر قبل از پدر باشد.

فرمود: آری خداوند من و علی را قبل از آدم آفرید به فاصله همین مدت.

نوری آفرید و بدو قسمت تقسیم نمود مرا از نیم آن و علی را از نیم دیگر آفرید قبل از آفرینش تمام اشیاء سپس اشیاء را آفرید و آنها تاریک بودند نور

امامت، ج ۲، ص: ۷۷

آنها از نور من و علی است.

سپس ما در طرف راست عرش قرار گرفتیم بعد ملائکه را آفرید ما تسبیح کردیم ملائکه بعد تسبیح نمودند، ما تهلیل گفتیم آن ها بعد به تهلیل مشغول شدند.

ما تکبیر گفتیم سپس آنها تکبیر گفتند این تسبیح و تهلیل و تکبیر ملائکه بواسطه

تعلیم من و علی بود این مطلب در علم سابق خدا بود که داخل جهنم نشود دوستدار من و علی و داخل بهشت نگردد کینه تو ز من و علی.

خداوند ملائکه ای را آفرید که در دست آنها آفتابه هائی پر از آب حیات بود از بهشت هر یک از شیعیان علی که دارای طهارت ولادت و پدر و مادری طاهرند پرهیزگار پاکیزه مؤمن بخدا هنگامی که تصمیم دارد یکی از آنها با همسر خود بیامیزد فرشته از آن فرشتگان که آفتابه های آب حیات را در دست دارند می آید و از آن آب در ظرفی که آنها آب می نوشند می ریزد آنها می آشامند از این آب ایمان در دل آنها پرورش می یابد مانند روئیدنیها آنها دارای قدرت ایمانی نسبت بخدا و پیامبر و جانشین او علی و دخترم زهرا و حسن سپس حسین آنگاه پیشوایان از نژاد حسین علیه السّلام هستند.

عرضکردم یا رسول اللّه ائمه علیهم السّلام کیانند، فرمود: یازده نفر از فرزندان منند که پدر آنها علی بن ابی طالب علیه السّلام است.

سپس پیامبر اکرم فرمود ستایش خدای را که محبت علی و ایمان بولایت او را سبب دو چیز قرار داده:

۱- سبب دخول بهشت.

۲- سبب نجات از آتش.

تفسیر قمی: الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ کسانی که حامل عرشند، یعنی رسول خدا و اوصیاء بعد از او که حامل علم خدایند وَ مَنْ حَوْلَهُ یعنی ملائکه یُسَبِّحُونَ

امامت، ج ۲، ص: ۷۸

بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا تسبیح بحمد خدا می کنند و ایمان باو دارند و استغفار می کنند برای شیعیان آل محمّد: رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَةً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تابُوا.

می گویند خدایا تو که بهر چیز دانا

و رحمتت همه چیز را فرا گرفته ببخش کسانی را که از ولایت فلان و فلان و بنی امیه برگشتند: وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ و پيرو ولايت على و ائمه شدند وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحِيمِ، رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

منظور از خویشاوندان صالح در آیه کسانی است که دوستدار علی هستند وَ قِهِمُ السَّيِّئاتِ وَ مَنْ تَقِ السَّيِّئاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ آنها را از گناه نگهدار هر که از گناه نگه داشته شود.

خدایا تو او را در روز قیامت مورد رحمت خویش قرار داده ای وَ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ این رستگاری بزرگی است برای کسی که نجات یافته از ارتباط با فلان و فلان.

سپس میفرماید: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا یعنی بنی امیه يُنادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمانِ می گویند خشم خدا بزرگتر است از خشم شما بر خود زیرا شما را دعوت بر ولایت علی کردند فَتَكْفُرُونَ کافر به آن شدید.

کنز: ابو ایوب حذاء از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد در مورد آیه:

بِأَيْدِی سَفَرَةٍ. كِرامٍ بَرَرَةٍ.

فرمود آنها ائمه علیه السّلام هستند.

تفسیر قمی: كَلَّا إِنَّها تَذْكِرَةٌ یعنی قرآن فِی صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ، مَرْفُوعَةٍ بلند است نزد خدا: مُطَهَّرَةٍ، بِأَيْدِی سَفَرَةٍ در دست ائمه است كِرامٍ بَرَرَةٍ بزرگوار و نیکوکارند.

امامت، ج ۲، ص: ۷۹

توضیح: بیضاوی «سَفَرَةٍ» را نویسندگان از ملائکه یا انبیاء می شمارد.

کنز: محمّد بن مسلم گفت: از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم میفرمود آیه: الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یعنی محمّد و علی و حسن و حسین و ابراهیم و اسماعیل و موسی و عیسی صلوات اللّه علیهم

اجمعین.

تفسیر قمی: إِنَّ الَّذِینَ عِنْدَ رَبِّکَ یعنی انبیاء و رسل و ائمه علیهم السّلام لا یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِهِ وَ یُسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ یَسْجُدُونَ از عبادت خدا تکبر نمی ورزند و تسبیح مینمایند و او را سجده می کنند.

توضیح: مشهور بین مفسرین در مورد این آیه ملائکه است ولی این تأویل نیز جای استبعاد ندارد.

زیرا بودن ملائکه نزد پروردگار بواسطه قرب معنوی است که این درجه در انبیاء و ائمه علیهم السّلام کاملتر است.

کنز جامع الفوائد: جابر جعفی گفت از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم میفرمود:

وَ قالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمنُ وَلَداً سُبْحانَهُ بَلْ عِبادٌ مُکْرَمُونَ گفتند خدا برای خود فرزند اختیار نموده منزه است او بلکه بندگانی گرامیند، در این موقع امام اشاره بخود نمود: لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ که پیشی در سخن بر او نمی گیرند تا این قسمت و هُمْ مِنْ خَشْیَتِهِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ از بیم پروردگار هراس دارند.

توضیح: بنا بر این تأویل شاید اشاره بعقیده کسانی است که معتقد به خدائی امیر المؤمنین علیه السّلام و ائمه شدند با اینکه آنها دارای فرزند بودند.

منظور از عِبادٌ مُکْرَمُونَ همان کسانی هستند که آنها به خدائی ایشان اعتقاد داشتند.

ممکن است چنین معنی شود که آنها ادعا می کردند خدا ملائکه را فرزند خود قرار داده خداوند خویش را منزه از این نسبت نموده آنگاه می فرماید بلکه خدا بندگانی گرامی دارد که آنها را برگزیده و ایشان کمال اطاعت و انقیاد و کوچکی را دارند در این صورت ممکن است منظور از عباد یا ائمه

امامت، ج ۲، ص: ۸۰

باشند و یا کسانی که ائمه علیهم السلام را نیز شامل شود از ملائکه و پیامبران و اوصیاء.

اعتقادات صدوق: ص ۸۲- اما عرش که عبارت

از علم است حاملین آن از پیشینیان چهار نفر و از دیگران نیز چهار نفرند.

از پیشینیان نوح، ابراهیم، موسی و عیسی است.

اما چهار نفر دیگر پس از نبوت خاتم صلی اللَّه علیه و آله و سلم حضرت محمّد و علی و حسن و حسین علیهم السّلام چنین روایت شده است با سندهای صحیح از ائمه علیهم السّلام.

بخش سی و چهارم ائمه علیهم السلام اهل رضوان و درجات عالی هستند و دشمنانشان مستوجب سخط و عقوباتند

مناقب: عمار ساباطی گفت از حضرت صادق علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم: أَ فَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوانَ اللَّهِ كَمَنْ باءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ، هُمْ دَرَجاتٌ عِنْدَ اللَّهِ.

فرمود کسانی که پیرو خشنودی خدا بودند ائمه علیهم السّلام هستند آنها بخدا قسم عمار! درجات برای مؤمنینند بمقدار ولایت و معرفت ایشان نسبت بما پاداش آنها چندین برابر می شود و خدا درجات آنها را هر چه عالی تر می نماید.

از کافی نیز همین روایت نقل شده.

کنز: جابر بن یزید گفت: از حضرت باقر علیه السّلام معنی این آیه را پرسیدم:

ذلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا ما أَسْخَطَ اللَّهَ وَ كَرِهُوا رِضْوانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمالَهُمْ این به آن واسطه بود که پیرو خشم خدا شدند و دوست نداشتند خشنودی خدا را اعمال آنها بهمین جهت از میان رفت.

فرمود دوست نداشتند علی را که پیرو رضای خدا و پیامبر بود و خدا ولایت

امامت، ج ۲، ص: ۸۲

او را واجب نمود در روز بدر و حنین و بطن نخله و روز ترویه و در باره او بیست و دو آیه نازل شد در آن حجی که جلو پیامبر را گرفتند و نگذاشتند انجام دهد در جحفه و در غدیر خم.

تفسیر قمی: ذلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا ما أَسْخَطَ اللَّهَ بواسطه پیروی از آنچه موجب خشم خدا

است یعنی موالات فلان و فلان ستمگران امیر المؤمنین علیه السّلام فَأَحْبَطَ أَعْمالَهُمْ یعنی کارهای نیک آنها از میان رفت.

کنز الفوائد: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که گفتم این آیه لَقَدْ رَضِیَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِینَ إِذْ یُبایِعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَهِ خدا خشنود گشت از مؤمنین موقعی که با تو بیعت کردند زیر درخت، پرسیدم آنها چند نفر بودند فرمود هزار و صد نفر، گفتم علی علیه السّلام در میان ایشان بود.

فرمود: آری علی اشرف و سرور ایشان بود.

کنز: عبد الرحمن بن سالم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که آیه:

یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ، ارْجِعِی إِلی رَبِّکِ راضِیَهً مَرْضِیَّهً، فَادْخُلِی فِی عِبادِی، وَ ادْخُلِی جَنَّتِی در باره علی ابن ابی طالب علیه السّلام نازل شده.

ابن فرقد گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید زیرا آن سوره حسین علیه السّلام است بآن سوره کمال اشتیاق را داشته باشید خدا شما را رحمت کند.

ابو اسامه که حضور داشت عرضکرد چه شد که این سوره اختصاص بحضرت حسین علیه السّلام یافت فرمود مگر این آیه را نشنیده ای در آن سوره یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ، ارْجِعِی إِلی رَبِّکِ راضِیَهً مَرْضِیَّهً، فَادْخُلِی فِی عِبادِی وَ ادْخُلِی جَنَّتِی منظور از نفس مطمئنه حسین علیه السّلام است چون او دارای نفس مطمئن و راضی و مرضی بود.

و اصحاب او از آل محمّد علیهم السلام راضی از خدایند و خداوند نیز روز قیامت از ایشان راضی است این سوره در باره حسین بن علی و پیروان او و پیروان آل محمّد است هر که ادامه دهد خواندن سوره فجر را با حضرت

حسین علیه السّلام خواهد بود در بهشت

امامت، ج ۲، ص: ۸۳

همان درجه ای که او هست خداوند عزیز و حکیم است.

صدوق: باسناد خود از سدیر نقل می کند که بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم آقا فدایت شوم آیا مؤمن مردن را کراهت دارد؟ فرمود: نه وقتی فرشته مرگ برای قبض روح او می آید ناراحت می شود، ملك الموت باو میگوید ای دوست خدا! ناراحت نباش بآن خدائی که محمّد را بحق برانگیخته من بتو از پدر مهربان مهربانترم چشم بگشا و نگاه کن، در این موقع پیامبر اکرم و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و ائمه علیهم السّلام برایش مجسم میشوند میگوید اینها رفیق های تو هستند آنها را مشاهده میکند آنگاه خطاب می شود بنفس او: یا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ای نفسی که اطمینان به محمّد و اهل بیت او داشتی: ارْجِعِي إِلى رَبِّكِ راضِيَةً بر گرد بسوی خدا با خشنودی ولایت «مرضیه» خوشحال از ثواب: فَادْخُلِي فِي عِبادِي داخل بندگانم محمّد و اهل بیت او بشو وَ ادْخُلِي جَنَّتِي داخل بهشت شو. در آن موقع چیزی برایش بهتر از این نیست که هر چه زودتر روحش خارج شود و بآن صدا برسد.

بخش سی و پنجم ائمه علیهم السّلام معنی «الناس» در قرآن هستند

تفسیر فرات: حسین بن علوان از جعفر و او از پدرش از جد بزرگوارش نقل کرد که مردی بپا خاست و از علی علیه السّلام درخواست نمود که ناس و اشباه ناس و نسناس را تفسیر کند حضرت علی علیه السّلام رو بامام حسن نموده فرمود جواب او را بده. امام حسن فرمود سؤال از ناس کردی رسول خدا ناس است بدلیل اینکه خداوند در این آیه میفرماید: ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفاضَ النَّاسُ

یعنی بازگردید از همان جا که مردم بازگشته اند که منظور پیامبر اکرم است و ما از او هستیم. از اشباه ناس پرسیدی آنها شیعیان ما هستند و ایشان از ما محسوب میشوند.

اما سؤال از نسناس کردی آنها این جمعیت انبوهند که افراد این آیه بشمار میروند: أُولئِکَ کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ.

توضیح: مرحوم طبرسی در باره آیه: ثُمَّ أَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النَّاسُ مینویسد بعضی گفته اند منظور از ناس سایر عربند همین مطلب از حضرت باقر روایت شده و بعضی گویند مراد ابراهیم است چون او امام و پیشوا بود بمنزله امت است که به تنهائی لفظ ناس در باره اش گفته شده، بعضی نیز ابراهیم و اسماعیل

امامت، ج ۲، ص: ۸۵

و اسحاق و پیامبران بعد از ایشان را گفته اند از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده.

بعضی نیز گفته اند منظور آدم است. قولی دیگر نیز هست که مراد دانشمندان وارد بدین هستند که مردم را تعلیم میدهند.

از کافی همین روایت نقل شده بجای امام حسن امام حسین علیه السّلام آورده شده است و در اشباه ناس که میفرماید شیعیان ما هستند و آنها از ما بشمار میروند این آیه را استدلال میکند فَمَنْ تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی هر که پیرو من باشد از من محسوب می شود از قول ابراهیم در قرآن.

توضیح: جزری گفته: نسناس گویند. یأجوج و مأجوج هستند و گفته اند گروهیند بصورت مردم که در یک جهت شبیه و در یک جهت مخالف آنها از بنی آدم نیستند و بعضی میگویند از بنی آدمند از همین قبیل حدیثی که نقل شده دسته ای از قوم عاد با پیامبر خود مخالفت کردند خداوند آنها را مسح نموده و بصورت نسناس

در آورد هر مرد آنها دارای یک دست و یک پا است از یک طرف بـدن ماننـد پرنـده چنگک بزمین میزننـد و چون چهار پایان چرا می کنند نون نسناس مکسوره است که گاهی فتحه داده می شود نسناس.

تفسیر قمی: وَ قالَ الْإِنْسانُ ما لَها نوشته است: مراد از انسان امیر المؤمنین علیه السّلام است.

بخش سی و ششم ائمه علیهم السّلام دریا و لؤلؤ و مرجانند

کنز الفوائـد: جـابر از حضـرت صـادق علیه السّـلام در آیه: مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیانِ فرمود علی و فاطمه است بَیْنَهُما بَرْزَخٌ لا یَبْغِیانِ فرمود یعنی علی علیه السّـلام بر فاطمه سـتم روا نمیـدارد و نه فاطمه بر علی یَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ خارج می شود از آن دو لؤلؤ و مرجان یعنی حسن و حسین علیهما السّلام.

از ابو سـعید خدری در کنز الفوائد همین روایت نقل شده بدو سـند یکی از ابو سـعید خدری و دیگری از ابن عباس در روایت ابن عبـاس بَیْنَهُمـا بَرْزَخٌ لاـ یَبْغِیـانِ را تأویـل به پیـامبر اکرم نموده در آخر روایت سوم که از کنز نقـل می شود از ابا ذر غفاری میگوید: چه کس مانند این چهار نفر علی و فاطمه و حسن و حسین را دیده؟

دوسـتدار آنها نیست مگر مؤمن و کینه توز آنها نیست مگر کافر مؤمن بحب آل محمّـد باشـید مبادا کفر پیشه کنیـد بکینه اهل بیت که مستوجب آتش خواهید شد.

توضـیح: مرحوم طبرسی مینویسد: دو دریا یعنی دریای شور و شیرین که باهم برخورد می کنند ولی مخلوط نمی شود یکی در دیگری معنی مرج یعنی فرستاده و گسیل داشت.

از سلیمان فارسی و سعید بن جبیر و سفیان ثوری نقل شده که دو دریا

امامت، ج ۲، ص: ۸۷

علی و فاطمه هستند بین آن دو فاطمه ایست بَیْنَهُما بَرْزَخٌ محمّد

صلی اللَّه علیه و آله و سلم است: يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ حسن و حسین هستند.

جـای تعجب نیست که علی و فـاطمه دو دریـا باشـند بواسـطه گسترش فضـل آنها و کثرت خیرشان. دریا را که دریا نامیـده اند بواسطه وسعتش بوده روزی پیامبر اکرم سوار اسبی شد او را راه برد بعد تعریف کرد: این اسب را دریائی یافتم.

از خصال همین روایت نقل می شود مینویسـد: حضـرت فرمود علی و فاطمه در دریائی از علمنـد بسـیار عمیق که هیچ کدام بر دیگری تجاوز و ستم روا نمی دارند.

مناقب: ابو صالح از ابن عباس نقل کرد که فاطمه زهرا علیها السّلام از گرسنگی و پوشاک گریه کرد: پیامبر اکرم فرمود: فاطمه جان قـدر شوهر خویش را بـدان، بخـدا قسم او آقای دنیا و آخرت است و بین آن دو را اصـلاح نمود خداونـد این آیه را نازل کرد مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ یعنی من که خدایم گسیل داشتم دو دریا را علی بن ابی طالب دریای علم و فاطمه زهرا دریای نبوت هر دو بهم متصل شدند من این اتصال را بین آنها بوجود آوردم.

بعـد میفرماید: بَيْنَهُما بَرْزَخٌ لا يَبْغِيانِ بین آن دو پیامبر اکرم فاصـله و مانع است که جلوگیری از حزن و اندوه علی برای دنیا و از ستیزه نمودن فاطمه علیها السّـلام با شوهرش برای دنیا میکنـد فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ ای گروه جنیان و انسانها ولایت علی بن ابی طالب و حب فاطمه زهرا را تکذیب می کنید؟! لؤلؤ حسن علیه السّـلام و مرجان حسـین است زیرا دانه های لؤلؤ بزرگتر از دانه های مرجان است.

از کتاب عمده از سفیان ثوری نیز نقل شده که دو دریا علی

و فاطمه و لؤلؤ و مرجان حسن و حسین هستند.

ثعلبی همین را نقل کرده از سعید بن جبیر و گفته است: بَیْنَهُما بَرْزَخٌ یعنی حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم.

بخش سـی و هفتم ائمه علیهم السّلام ماء معین و بئر معطله و قصر مشیدند- ابر و باران و سایه و میوه جات و سایر منافع ظاهری بعلم و برکات آنها تفسیر شده

تفسیر قمی: در آیه: قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ نوشته است یعنی اگر امام شما غائب شود چه کسی میتواند امامی مانند آن بیاورد.

محمّد بن جمهور از فضاله بن ایوب نقل میکند که از حضرت رضا علیه السّلام راجع به آیه: قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ پرسیده شد فرمود ماؤکم یعنی ابواب شما که منظور ائمه علیهم السّلام است که ابواب اللَّه بین خدا و خلقند فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ یعنی چه کسی برای شما علم امام را می آورد.

غیبت طوسی: علی بن جعفر از برادر خود موسی بن جعفر علیهما السّلام تأویل آیه: قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ را پرسید فرمود اگر امام خود را نیابید دیگر از سرچشمه زلال او آب ننوشید چه میکنید؟!

امامت، ج ۲، ص: ۸۹

از کنز جامع الفوائد: از یحیی حلبی از حضرت صادق همین روایت را نقل میکند که اگر امام شما غائب شد چه کسی امامی جدید برای شما می آورد.

توضیح: آب که کنایه از علم است بجهت اشتراك این دو در علت بودن برای زندگی است زیرا آب سبب زندگی جسم و علم سبب زندگی روح است (معین) در آیه یعنی آب جاری روی زمین.

مناقب: عبد العظیم حسنی باسناد خود از حضرت صادق نقل کرد در مورد آیه:

وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً اگر پایدار باشند

بر ولایت علی دلهای آنها را شاداب از آب ایمان میکنیم طریقه ولایت علی بن ابی طالب و اوصیاء است.

تفسیر قمی: وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ و چاه واگذار شده و قصر بلند مینویسد این مثالی برای آل محمّد است. بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ چاهی است که آب از آن برداشته نشود و آن امامی است که غائب باشد که از نور علم او استفاده نمیشود تا وقت ظهور (و قصر مشید) یعنی کاخ بلند که مثل برای امیر المؤمنین و ائمه و فضائل منتشر آنها در دو جهانست و اشاره باین آیه است: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ تا پیروز کند دین اسلام را بر همه ادیان.

محمّد بن حسن بن ابی خالد اشعری که ملقب بشنبوله است این شعر را سروده:

بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مشرف مثل لال محمّد مستطرف

فالناطق القصر المشيد منهم و الصامت البئر التى لا تنزف «۱»

در معانی الاخبار: از صالح بن سهل نقل میکند گفت قصر مرتفع امیر- المؤمنین و بئر معطله فاطمه زهرا و فرزندانش هستند که از خلافت آنها

امامت، ج ۲، ص: ۹۰

جلوگیری شد.

هفت روایت در همین مورد از بصائر و اختصاص و معانی الاخبار نقل شد که در یکی بئر معطله بامام خاموش و قصر مشید بامام ناطق تأویل گردیده.

توضیح: ابتدای آیه چنین است: فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْناها وَ هِيَ ظالِمَةٌ فَهِيَ خاوِيَةٌ عَلى عُرُوشِها وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ.

بیضاوی: گفته است و بئر معطله عطف است بر قریه یعنی بسا از چاه های آباد در بیابانها که واگذار شده و آب از آنها کشیده نمیشود بواسطه هلاک شدن مردم آنجا و کاخ های بلند که خالی از ساکنین است.

بعضی گفته اند: مراد

از چاه همان چاهی است که در کنار کوه حضرموت بود و منظور از قصر همان قصری که در قله آن کوه قرار داشت که هر دو متعلق بحنظله بن صفوان از باقیماندگان قوم صالح بود وقتی صالح را کشتند خداوند آنها را هلاک کرد و آن قصر و چاه واگذار شد. پایان کلام بیضاوی.

توضیح: بنا بر تأویل ائمه علیهم السّلام ممکن است منظور از هلاک اهل قریه هلاک معنوی باشد یعنی گمراه شدن آنها که از امام صامت و ناطق بهره نمیبردند وجه تشبیه نیز آشکار است.

زیرا تشبیه زندگی معنوی را بزندگی ظاهر نموده و منافع روحی را به منافع جسمی.

یک احتمال بعید نیز هست که واو (و بئر معطله) برای قسم باشد یعنی قسم بامام صامت اما وجه اول بهتر است.

تاکنون بارها توضیح داده شده که آنچه در امتهای گذشته بوقوع پیوسته نظیر آن در این امت هم خواهد بود.

پس هر چه در آن امت ها از هلاک و مسخ اتفاق افتاده در این امت هلاک معنوی و گمراهی و محروم بودن از علم و کمالات و مردن دلها و مسخ عقاید آنها

امامت، ج ۲، ص: ۹۱

است گرچه بصورت انسان هستند اما چون چهارپایانند بلکه گمراه تر و گرچه بظاهر در میان زندگانند اما مرده هستند و شعور ندارند چون گوش بحق فرا نمیدهند و نمی بینند و نه فهم و درک حق را دارند و از آنها کاری سر نمیزند که سودی برای آخرتشان داشته باشد.

بنا بر این تحقیق منافات بین این تأویلها و تفسیر ظاهر آیات نیست و این توجیه در بیشتر از روایاتی که مشتمل بر غرائب تأویل است جاری است.

بصائر: نصر بن قابوس

گفت: از حضرت صادق علیه السّلام سؤال کردم معنی آیه: وَ ظِلٍّ مَمْدُودٍ، وَ ماءٍ مَسْكُوبٍ، وَ فاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ، لا مَقْطُوعَةٍ وَ لا مَمْنُوعَةٍ فرمود نصر! آن طور که مردم خیال می کنند نیست منظور عالم است و آنچه از او تراوش می کند.

توضیح: این از تأویل های غریبه است. شاید منظور این است: آن طور که مردم خیال میکنند که بهشت منحصر بهمان بهشت صوری آخرت است نیست بلکه برای دوستان ائمه در دنیا نیز بهشت های روحانی است در ظل حمایت آنها و لطف گسترده ایشان در دنیا و آخرت و آبهای روان از دانش واقعی که موجب زندگی جان و مال آنها است و میوه های زیاد از معارف ائمه که فناپذیر نیست و مانعی برای شیعیان از بهره برداری آنها نمی باشد و جایگاههای بلند که موجب لذت ایشان می شود از حکمت و آداب ائمه بلکه مقربین در آخرت نیز لذت نمی برند در همان بهشت اخروی مگر با همین لذت های معنوی که در دنیا متنعم بآن بوده اند.

چنانچه بعضی از اخبار شاهد آن است و در کتاب معاد بآن اشاره شد و در کتاب عین الحیوه کامل توضیح داده ایم.

تفسیر قمی: وَ التِّينِ وَ الزَّيْتُونِ، وَ طُورِ سِينِينَ، وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ تین پیامبر اکرم است و زیتون امیر المؤمنین علیه السّلام وَ طُورِ سِينِينَ حسن و حسین وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ائمه علیهم السّلام هستند.

امامت، ج ۲، ص: ۹۲

و لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ در باره اولی نازل شده ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِينَ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ جز آنها که ایمان و عمل صالح دارند امیر المؤمنین علیه السّلام فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ یعنی در پاداشی

که به آنها داده می شود منتی گذارده نخواهد شد.

سپس خطاب به پیامبر میکند: فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ آنگاه میگوید بامیر المؤمنین أَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَحْکَمِ الْحاکِمِینَ.

کنز جامع الفوائد: ابن دراج گفت از حضرت صادق شنیدم می فرمود:

وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ تین حضرت امام حسن و زیتون حضرت حسین علیهما السلام است.

کنز: ربیع شامی از حضرت صادق نقل کرد در باره آیه وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ، وَ طُورِ سِینِینَ.

فرمود تین و زیتون امام حسن و امام حسین و طور سینین علی بن ابی طالب است پرسیدم: فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ فرمود دین در آیه ولایت علی بن ابی طالب است.

کنز: محمّد بن فضیل از حضرت رضا تفسیر همین سوره را می پرسید تا میرسد به: وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ میفرماید پیامبر اکرم است که وقتی مردم از او اطاعت کنند در امانند گفتم تفسیر لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ فرمود او ابو فصیل (ابا بکر) است چون خدا پیمان از او گرفت بخدائی خود و نبوت حضرت محمّد و ولایت اوصیاء اقرار کرد مگر توجه نمی کنی که در آیه بعد می فرماید: ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِینَ.

سپس او را انداختیم به پست ترین جاها موقعی که پیمان را شکست و نسبت به محمّد و آل او آن اعمال را انجام داد.

عرضکردم معنی إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فرمود بخدا قسم منظور امیر المؤمنین علیه السّلام و شیعه او است: فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ عرض کردم فَما

امامت، ج ۲، ص: ۹۳

یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ فرمود: نه نه این طور نگو این کفر است بخدا نه بخدا هرگز پیامبر تکذیب خدا را نکرده یک چشم بهم زدن، عرضکردم پس چگونه است فرمود:

فَما یُکَذِّبُکَ

بَعْدُ بِالدِّينِ که منظور از دین امیر المؤمنین است: أَ لَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحاكِمِينَ.

توضیح: بنا بر تأویل ائمه علیهم السلام نام تین (انجیر) استعاره برای امام حسن علیه السّلام آورده شده چون لذیذترین و بهترین میوه است و روایت شده که از میوه های بهشت است و دارای منافع و فواید زیادی است امام حسن علیه السّلام نیز از میوه های بهشت است چون از غذای بهشتی تولد یافته بعلم و دانش او دلهای مقربین تقویت و نیرو میگیرد.

نام زیتون نیز برای حسین علیه السّلام استعاره آورده شده چون زیتون یک میوه و غذا و دوا است روغن سودبخش و مفیدی دارد حسین علیه السّلام نیز میوه قلب مقربین و علوم او قدرت دلهای مؤمنین است و بنور هدایت فرزندانش تمام هدایت یافتگان هدایت شده اند خداوند نور خود را بانوار آنها مثل زده چنانچه در اخبار زیاد است.

نام طور برای امیر المؤمنین است یا بجهت آنکه صاحب طور است زیرا خداوند فضل علی و اولاد شیعیانش را برای موسی بیان کرد یا اینکه علی را تشبیه بکوه طور نموده از جهت استحکام و پایداری او در امر دین و ثباتش در راه حق و بلندی مقامش چنانچه حضرت باو گفت:

کنت کالجبل لا تحرکه العواصف

همچون کوه پایداری که طوفانهای شدید لرزش بر پیکرت نمیرساند یا از این جهت که علی پایگاهی است برای زمین بوجودش زمین استوار است مانند کوههای که پایه های زمین هستند چنانچه روایت شده: علی علیه السّلام پایه استوار زمین مسکون است یا بجهت اینکه محل درخشش انوار خدا و تجلی و افاضه فیض او است همچنان که کوه طور نیز چنین بوده یا بجهت

اینکه علی منشأ وجود امام حسن و امام حسین بوده چنانچه از طور آن دو درخت بوجود آمده.

امامت، ج ۲، ص: ۹۴

بلد امین تفسیر بمکه شد و اشاره بنام پیامبر است چون او صاحب مکه و شرافت (۱) دهنده بآن سرزمین است یا بجهت شرافت پیامبر بین مقربین و مقدسان عالم مانند شرافت مکه بر سایر سرزمینها یا بجهت آنکه هر کس به پیامبر و اهل بیت او ایمان بیاورد او از گمراهی در دنیا و عذاب آخرت در امان است چنانچه هر کس داخل مکه شود ایمن است فرموده است:

«انا مدینه العلم و علی بابها»

میتوانیم همین توضیحی که دادیم در مورد روایت علی بن ابراهیم نیز اجرا کنیم.

اما تأویل انسان بابی بکر محتمل است باین جهت که او اکمل افراد و مصداق انسان است در ظهور این شقاوت از او و موجب شقاوت دیگران شده چنانچه إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا بحضرت امیر المؤمنین تفسیر شده زیرا او مورد نزول آیه و کاملترین فرد مؤمنین است احتمال تخصیص نیز در هر دو مورد آیه انسان و إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا نیز هست که در این صورت استثناء منقطع خواهد بود و جمع برای تعظیم است یا داخل بودن سایر ائمه علیهم السّلام در آن.

بیضاوی: در باره فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ چه چیز ترا تکذیب میکند ای محمّد بعد از ظهور این دلائل در جزاء و قیامت بعضی گفته ما بمعنی من است یعنی چه کسی. برخی نیز گفته اند خطاب بانسان است بنا بر التفات. معنی آیه اینست چه چیز وادار میکند ترا بر کذب.

تفسیر فرات: همین روایت را در تأویل تین و زیتون و طور سینین از حضرت

رضا علیه السّلام نقل میکند تا آنجا که می فرماید: إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ امیر المؤمنین و تمام شیعه او هستند فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ پاداش دارند که منت بر آنها گذارده نمی شود.

حضرت موسی بن جعفر در تفسیر آیه: وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ فرمود بلد امین پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم است و ما راه آن بلد هستیم خداوند مردم را در راه آنها از عذاب

امامت، ج ۲، ص: ۹۵

در امان قرار داده در صورتی که اطاعت از پیامبر نمایند.

تفسیر قمی: إِنَّ اللَّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوی حب اینست که علم تراوش کند از ائمه علیهم السّلام، نوی مطالبی است که فاصله از آنها داشته باشد.

تفسیر: وَ الْبَلَدُ الطَّیِّبُ یَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ سرزمین پاک روئیدنیهایش خارج می شود باذن خدا.

این مثلی است برای ائمه که علم آنها بروز میکند باذن خدا وَ الَّذِی خَبُثَ لا یَخْرُجُ إِلَّا نَکِداً آنجا که ناپاک است مانند دشمنان اهل بیت علمشان بروز نمیکند مگر آلوده و فاسد.

توضیح: مرحوم طبرسی مینویسد: وَ الْبَلَدُ الطَّیِّبُ یعنی زمین که خاکش خوب است گیاه و کشت و کار آن بسیار خوب و پر رشد و پاکیزه بدون رنج و تعب بامر خدا خارج می شود. (بامر خدا را) از آن جهت فرموده تا بهتر دلالت کند بر عظمت و نفوذ اراده بدون رنج و تعب.

وَ الَّذِی خَبُثَ لا یَخْرُجُ إِلَّا نَکِداً یعنی زمینی که شوره زار و دارای خاکی بد است گیاه در آن نمیروید مگر بسیار کم که قابل استفاده نیست. پایان بنا بر تأویل امام علیه السّلام این آیه مثالی است برای طینت پاک که منشأ علوم و معارف و

طاعات و خیرات است و طینت ناپاکی که از آن توقع سودی نیست این مطلب را تأیید میکند روایتی که مرحوم طبرسی از ابن عباس و مجاهد و حسن نقل نموده که این آیه مثلی است برای مؤمن و کافر، توجه میدهد که زمین تمامش از یک جنس است جز اینکه بعضی از آنها با باران نرم می شود و گیاه خوب میروید و محصول خوب میدهد و بعضی از سرزمین ها شوره زار است که چیزی نمیروید اگر گیاهی نیز بروید قابل استفاده نیست همچنین دلها تمام گوشت و خون است بعضی نرم است که موعظه می پذیرد و بعضی سخت و سنگین است که پند و اندرز نمی پذیرد هر که دلی نرم و ملایم دارد خدای را سپاسگزاری کند.

عیاشی: مفضل گفت از حضرت صادق علیه السّلام این آیه را پرسیدم: فالِقُ الْحَبِ

امامت، ج ۲، ص: ۹۶

وَ النَّوی فرمود حب مؤمن است این آیه نیز همان است وَ أَلْقَیْتُ عَلَیْکَ مَحَبَّةً مِنِّی بر او انداختم از خود محبتی. اما نوی کافر است که دور است از حق و نمی پذیرد آن را.

توضیح: از این روایت چنین معلوم می شود که حب صفت مشبهه از محبت است که در کتابهای لغت موجود ثبت نشده در کتابهای لغت نوشته: (الحب بکسر بمعنی محبوب است و بفتح حب جمع حبه دانه بعید نیست که در اینجا جمع حبه باشد بمعنی حبه قلب) که سویدای قلب را گویند و اینکه سویدای قلب باین اسم نامیده شده چون جایگاه محبت است.

و نوی با (واو) فاصله و بعد است مانند (نأی) با همزه شاید منظور اشتقاق نباشد این تفسیری باشد برای نوی بهمان فاصله ای که در قلب

کافر است از قبول حق با اینکه احتمال دارد در اصل با همزه بوده که در اثر تخفیف با واو تلفظ شده و ابدال گردیده گرچه لغویها ذکر نکرده اند.

کافی: حضرت باقر علیه السّلام در آیه وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقاً یعنی اگر استوار بر ولایت علی علیه السّلام باشند دلهای آنها را مشروب از آب ایمان بکنیم. طریقه در آیه ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام است.

بخش سی و هشتم تأویل نحل (زنبور عسل) در قرآن بائمه علیهم السّلام

تفسیر قمی: حریز از حضرت صادق علیه السّلام در این آیه: وَ أَوْحى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ نقل کرد که فرمود ما نحلی هستیم که خداوند باو وحی کرد أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبالِ بُيُوتاً بما دستور داد از مردم عرب برای خود شیعه برگزینیم مِنَ الشَّجَرِ و از غیر عرب وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ و از بردگان آزاد و آشامیدنی رنگارنگ همان علمی است که از ما برای شما بروز می کند.

کنز جامع الفوائد: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: وَ أَوْحى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبالِ بُيُوتاً وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ فرمود زنبور چه موقعیتی دارد که باو وحی شود این آیه در باره ما نازل شده ما آن زنبور عسلیم، ما اقامت در زمین بامر خدا داریم و جبال شیعیان ما و شجر زنان مؤمنند.

این وجه را تأیید می کند زیارت جامعه ای که در کتاب مزاری دیدم در نجف اشرف با این جملات:

«اللهم صل على الفئه الهاشميه. و المشكاه الباهره النبويه و الدوحه المباركه

امامت، ج ۲، ص: ۹۸

الاحمديه، و الشجره الميمونه الرضيه، التى تتبع بالنبوه و تتفرع بالرساله و تثمر بالامامه، و تغذى ينابيع الحكمه و تسقى من

مصفی العسل، و الماء العذب الغدق الذی فیه حیاه القلوب، و نور الابصار الموحی الیه باکل الثمرات، و اتخاذ البیوتات من الجبال و الشَّجَرِ وَ مِمَّا یَعْرِشُونَ السالک سبل ربه التی من رام غیرها ضل و من سلک سواها هلک یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ فِیهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ المستمع الواعی القابل الداعی».

توضیح: قبلا بوضوح پیوست باستناد اخبار فراوانی که آنچه در قرآن مربوط بغذای جسم و نمو بدن و لذتهای جسمی است باطن این آیات در نیروی دل و غذای روح و کمالات نفسی است مانند تأویل آب و نور و روشنائی بعلم و حکمت پس جای تعجب نیست که از ائمه علیهم السّلام تعبیر بزنبور عسل کرده باشند بجهت ستمی که بر آنها کرده اند بین مردم و پنهان بودن آنچه در دل آنها است از علوم که شفای دلها و دوای سینه ها و غذای ارواح است.

بروز می کند از آنها انواع علوم و معارف و حکمت مختلف که از حد احصا خارج است استبعادی نیز ندارد که از عرب بجبال تعبیر شود بواسطه استقامت و پافشاری آنها و اجتماع قبایل و همچنین استعاره آوردن از غیر عرب بشجر چون متفرقند و منافع زیاد دارند و کاملا مطیع و با استعدادند همین طور مِمَّا یَعْرِشُونَ برای بردگان زیرا آنها ملحق شده اند و ساخته گردیده اند و جهات دیگری که مخفی نیست و همچنین تعبیر از زنان بدرخت و شجر و جهش آشکار است.

وجه اول را تأیید میکند روایتی که کلینی باسناد خود از ابن ابی یعفور از حضرت صادق نقل میکند که فرمود در دین خود تقیه را بکار برید و پنهان نمائید با تقیه دین

خود را همانا ایمان ندارد کسی که تقیه نکند شما مانند زنبور عسل میان پرندگان هستید بین مردم اگر پرنده ها بدانند چه در نهاد زنبورهای عسل است یکی را زنده نمی گذارند.

امامت، ج ۲، ص: ۹۹

اگر مردم هم بدانند چه در دلهای شما است از محبت باهل بیت پیامبر با زبان شما را نابود می کنند و در پنهان و آشکار وسایل نابودی شما را فراهم میکنند خدا رحمت کند بنده ای را که در ولایت ما استوار است.

تفسیر عیاشی: حضرت صادق علیه السّلام بمسعده بن صدقه فرمود: «وَ أَوْحى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبالِ بُيُوتاً وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ نحل ائمه هستند و جبال عرب و شجر بردگان آزاد شده وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ اولاد و برده هائی که آزاد نشده اند در صورتی که دوستدار خدا و رسول و ائمه باشند.

و آشامیدنی رنگارنگ انواع علم است که ائمه بشیعیان خود می آموزند که فِيهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ یعنی در علم شفا برای مردم است که منظور از ناس شیعیان هستند دیگران خدا می داند چه هستند.

اگر آن طور که خیال میکنند منظور همان عسلی باشد که مردم میخورند باید هر بیماری که می خورد شفا یابد چون خداوند میفرماید: فِيهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ هرگز خدا وعده خلاف نمی دهد.

بلکه شفا در علم قرآن است بدلیل این آیه وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ پس قرآن شفا و رحمت است برای اهلش بدون شك و تردید و اهل قرآن ائمه هدی هستند که در این آیه ذکر شد: ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا.

در روایت ربیع شامی از حضرت صادق علیه السّلام

در تفسیر وَ أَوْحی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ فرمود پیامبر است أَنِ اتَّخِذِی مِنَ الْجِبالِ بُیُوتاً یعنی ازدواج کن با قریش وَ مِنَ الشَّجَرِ و در عرب وَ مِمَّا یَعْرِشُونَ و در بردگان یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ خارج می شود از درون آنها یک آشامیدنی رنگارنگ فرمود انواع علوم فِیهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ که شفا برای مردم است.

از تفسیر فرات نیز روایتی نقل می شود از محمّد بن فضیل مطابق روایت مسعده بن صدقه.

بخش سی و نهم ائمه علیهم السّلام سبع مثانی هستند

تفسیر قمی: سوره بن کلیب از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود ما هستیم مثانی که خدا به پیامبر عطا نموده و ما وجه اللّه هستیم که روی زمین بین شما رفت و آمد میکنیم میشناسد ما را آن کس که شناخته و جاهل است بحق ما آنکه نادان است هر که ما را بشناسد در آینده «هنگام مرگ» بهره مند می شود و هر که جاهل بحق ما باشد باستقبال آتش سوزان میرود.

توضیح: امام فرمود هر که ما را بشناسد در آینده بهره مند می شود یا منظور دم مرگ است که منافع محبت و ولا آشکار میگردد یا معرفتی که با دلیل برایش حاصل شد در هنگام مرگ با چشم مشاهده میکند و یقین محض برایش حاصل میگردد یا بثواب های واقعی میرسد.

اما اینکه فرمود ما مثانی هستیم اشاره است باین آیه: وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ که مشهور بین مفسرین اینست که سبع مثانی سوره حمد است.

بعضی گفتند: هفت سوره بزرگ و بعضی تمام قرآن را گفته اند که بهفت

امامت، ج ۲، ص: ۱۰۱

قسمت شده مثانی توضیح سبع است از تثنیه یا ثناء گرفته شده تمام قرآن مثنی است یعنی الفاظ

و قرائت یـا قصه ها و مواعظ آن تکرار می شود و یا دارای دو جهت اعجاز و بلاغت است و ثنای پروردگار را میکنـد بصـفات عالی و اسماء حسنی میتوانیم منظور از مثانی قرآن را بگیریم یا تمام کتب آسمانی در این صورت «من» بمعنی تبعیض آمده.

امـا این قسـمت آیه وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ اگر از سـبع منظور آیـات یـا سوره باشـد عطف کل بر بعض است، یا عام بر خاص اما اگر مراد اجزاء هفتگانه قرآن باشد عطف صفتی بر صفت دیگر می شود.

این بود آنچه راجع بتفسیر ظاهر آیه گفته شده که بعضی از اخبار نیز شاهد بر آن است.

امـا تأویـل امام علیه السّـلام بطن آیه را شایـد از این جهت سـبعا و هفت هسـتند باعتبار اسـمهایشان که دارای هفت اسـمند اگر مکررات را حساب نکنیم یا باعتبار اینکه اکثر علوم از هفت نفر آنها منتشر شده بهمین جهت خداوند هفت نفر را یاد نموده در هر صورت مثانی یا از ثناء است که آنها خدا را ستایش واقعی میکنند باندازه طاقت بشری و یا از تثنیه است که آنها با قرآن دو امانت پیامبرند یا با خود پیامبر و یا اینکه دارای دو جهت هستند یکی جنبه تقدس و روحانیت و ارتباط خاص با خدا و دیگری ارتباط با مردم بواسـطه بشـر بودن و شاید تعبیر بسبع شده اند چون سبع (هفت) اگر دو برابر شود چهارده خواهد شد که مطابق با عدد معصومین است.

یا باین طور که بین کسی که باو سبع مثانی داده شده که پیامبر است با آن چه داده شد که همان سبع مثانی است.

مغایرت اعتباری فرض کنیم معطی له است از

جهت نبوت و کمالاتی که خدا باو عنایت کرده و معطی است با قطع نظر از این جهت یا واو در وَ الْقُرْآنَ بمعنی باء است یعنی با قرآن چهارده می شود اما در این وجه اشکالی است.

امامت، ج ۲، ص: ۱۰۲

ممکن است منظور از سبع در این تأویل نیز سوره باشد و منظور این اخبار آن است که خداوند منت نهاد بر پیامبر بدادن این سوره در مقابل تمام قرآن چون این سوره مشتمل بر وصف ائمه است و ستایش طریقه ایشان و بدگوئی از دشمنانشان در آیه: صِراطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ تا آخر سوره پس معنی اینست که منظور از مثانی ما هستیم احتمال داده می شود از بعضی اخبار که سبع تفسیر مثانی باشد.

در این صورت (من) به معنی (مع) یا من تعلیلیه است وَ اللَّهُ يَعْلَمُ و حججه.

تفسیر فرات: سماعه گفت از حضرت صادق تفسیر این آیه را پرسیدم:

وَ لَقَدْ آتَيْناكَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ فرمود بخدا قسم ما سبع مثانی هستیم و وجه اللَّه که میان شما قرار داریم هر که ما را بشناسد و نشناسد در پیش او مرگ خواهد بود.

صدوق: در معنی مِنَ الْمَثانِي ما مثانی هستیم میگوید یعنی ما را پیامبر قرین قرآن قرار داده و سفارش نموده که چنگ بقرآن و بما بزنید و اطلاع داده که از یک دیگر جدا نمیشوند تا در کوثر مرا ملاقات کنند.

تفسیر عیاشی: از حضرت صادق علیه السّلام در تفسیر آیه: وَ لَقَدْ آتَيْناكَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ.

فرمود این طور نازل نشده آیه چنین است وَ لَقَدْ آتَيْناكَ سبع مثانی که ما همان هستیم وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ فرزند است.

عیاشی:

از حضرت باقر در آیه: وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ نقل کرده که فرمود هفت امام و قائم.

پنج روایت دیگر در همین مورد بود که از جهت عدم تکرار ترجمه نشد.

بخش چهلم ائمه علیهم السّلام اولی النهی هستند

تفسیر قمی: عمار از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد از این آیه پرسیدم إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِأُولِی النُّهی .

فرمود: بخدا قسم ما اولی النهی هستیم، عرضکردم فدایت شوم معنی اولی النهی چیست؟

فرمود یعنی همان مطالبی که خدا به پیامبرش اطلاع داد که پس از در گذشت او چه کس ادعای خلافت میکند اولی و بعد دومی و بعد از آنها سومی و بنی امیه.

پیامبر اکرم این جریانها را به علی علیه السّلام اطلاع داد و تمام آنها مطابق اخبار خدا و پیامبر و آنچه علی علیه السّلام بما فرموده بود واقع شد که خلافت را بعد از او چه کس از بنی امیه و دیگران میگیرند این است تفسیر همان آیه که در قرآن ذکر شده: إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِأُولِی النُّهی ما اولی النهی هستیم که علم این جریان ها

امامت، ج ۲، ص: ۱۰۴

بما منتهی شده بواسطه دستور خدا صبر کردیم، ما ارکان خدا در میان مردم و نگهبانان دین او هستیم که حفظ می کنیم و پنهان مینمائیم از دشمنان خود چنانچه پیامبر پنهان بود تا اجازه هجرت باو دادند و با مشرکین جهاد کرد ما نیز پیرو راه پیامبریم تا خدا اجازه دهد باظهار دین با شمشیر مردم را دعوت بدین میکنیم و در این راه شمشیر بکار میبریم چنانچه پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم در ابتدای اسلام بکار برد.

توضیح: مشهور اینست که نهی جمع

نهیه بضم است بمعنی عقل «اولی النهی» یعنی صاحبان عقل چون عقل صاحب خود را از کار زشت باز می دارد.

اما از روایت چنین معلوم می شود که از (انتها) مشتق شده استبعادی ندارد شاهد منظور مفهوم آیه است نه مأخذ اشتقاق.

بخش چهل و یکم ائمه علیهم السّلام علماء در قرآنند و شیعیان آنها اولو الالباب

بصائر: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در آیه: قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ نقل کرد که فرمود ما کسانی هستیم که دارای علمیم و دشمنان ما نادانند و شیعیان ما اولو الالباب (خردمندان).

از بصائر و کنز جامع الفوائد و تفسیر فرات عین همین روایت نقل شده بصائر: علی بن اسباط از پدر خود نقل کرد که گفت خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودیم مردی از اهالی هیت معنی آیه: قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ را پرسید فرمود ما کسانی هستیم که می دانیم و دشمنانمان نادانند و شیعیان خردمندان. چهار روایت دیگر عین همین نقل می شود.

کافی: عمار ساباطی گفت از حضرت صادق علیه السّلام این آیه را پرسیدم: وَ إِذا مَسَّ الْإِنْسانَ ضُرٌّ دَعا رَبَّهُ مُنِیباً إِلَیْهِ فرمود در باره ابو الفصیل (ابو بکر) نازل شده او پیامبر اکرم را ساحر میدانست وقتی مبتلا به بیماری میشد (اذا مسه الضر)

امامت، ج ۲، ص: ۱۰۶

با زاری و تضرع خدا را میخواند و توبه میکرد از عقیده خود نسبت به پیامبر ثُمَّ إِذا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ اما وقتی خوب میشد. نَسِیَ ما کانَ یَدْعُوا إِلَیْهِ مِنْ قَبْلُ فراموش می کرد از توبه خود راجع بساحر خواندن پیامبر بهمین جهت خداوند میفرماید: قُلْ تَمَتَّعْ بِکُفْرِکَ قَلِیلًا إِنَّکَ مِنْ أَصْحابِ النَّارِ بگو مختصری از کفر

خود بهره مند شود با چند روز خلافت بدون استحقاق.

آنگاه حضرت صادق علیه السّلام فرمود خداوند سخن را برمیگرداند بجانب علی و فضل و مقامش در نزد خدا و میفرماید: أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّيْلِ ساجِداً وَ قائِماً يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ یا کسی که پیوسته در شبهای تار بعبادت خدا در سجده و قیام بسر می برد و امید رحمت پروردگار را دارد بگو آیا برابرند آنها که میدانند محمّد رسول خدا است وَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ و کسانی که او را ساحر و کذاب میخوانند إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ فرمود تأویل آیه چنین است.

توضیح: خواهد آمد که از ابا بکر بابی الفصیل تعبیر شده چون معنی بکر و فصیل بهم نزدیک است. سید شریف در بعضی تعلیقات خود نوشته است در کنیه گاهی معانی اصلی در نظر گرفته می شود چنانچه نقل شده که در بعضی از جنگهای مشرکین ابا بکر را صدا میزدند ابو الفصیل- پایان باید توجه داشت که این آیه از بزرگترین دلیلها بر امامت ائمه ما است بجهت اتفاق تمام امت که آنها عالم ترین افراد در زمان خود برده اند مخصوصا نسبت بخلفای هم عصر خود.

کنز: فضیل از حضرت باقر در آیه: وَ تِلْكَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ وَ ما يَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ فرمود ما عالمون هستیم.

عیاشی: جابر از حضرت باقر در آیه وَ ما أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا

امامت، ج ۲، ص: ۱۰۷

نقل کرد که فرمود تفسیر آیه در باطن اینست که علم داده نشده مگر باندکی از مردم یعنی علم داده نشده مگر به اندکی از شما.

کنز: برید از حضرت باقر نقل کرد در تفسیر

آیه بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ فرمود ما را قصد نموده.

کنز: ابن عباس در آیه إِنَّما یَخْشَی اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ گفت منظور علی است که عالم بخدا او از او میترسید و مراقب پروردگار بود و عمل بواجبات مینمود و در راه خدا جهاد میکرد و پیرو تمام دستورات بود و جویای خشنودی خدا و پیامبر بود.

بخش چهل و دوم ائمه علیهم السّلام متوسمین هستند و تمام زندگی مردم را با دیدن آنها می دانند

آیات: سوره حجر: إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ، وَ إِنَّها لَبِسَبِیلٍ مُقِیمٍ.

تفسیر: این آیه بعد از قصه لوط واقع شده. مرحوم طبرسی نوشته است در داستان لوط و هلاک شدن قوم او نشانه هائی است برای اندیشمندان. بعضی گفته اند برای هوشیاران.

متوسم: کسی است که با علامت و نشانه مطالبی را درک میکند: «توسم فیه الخیر» یعنی علامت خوبی و نیکی در او دیده شد.

مجاهد گفته است بخبر صحیح از پیامبر اکرم رسیده که فرمود:

اتقوا فراسه المؤمن فإنه ینظر بنور اللَّه

از هوشیاری مؤمن بترسید که او با نور خدا میبیند و فرموده است در میان مردم گروهی هستند که دیگران را با توسم و یک نگاه میشناسند بعد همین آیه را قرائت نمود.

از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده که فرمود ما متوسمین هستیم و راه در میان ما قرار داده شده و سبیل در آیه راه بهشت است وَ إِنَّها لَبِسَبِیلٍ مُقِیمٍ معنی آیه اینست که شهر لوط راهی دارد که مردم از آن راه در پی نیازهای خود میروند

امامت، ج ۲، ص: ۱۰۹

و توجه به آثار آن شهر نموده عبرت میگیرند منظور شهر سدوم است. قتاده گفته قریه های لوط بین مدینه و شام قرار دارد.

بصائر: عبد الرحمن بن کثیر گفت در خدمت حضرت صادق

علیه السّلام بحج رفتم در بین راه بر فراز کوه رفت و تماشای مردم کرده فرمود چقدر داد و فریاد زیاد است ولی حاجی کم است. داود رقی عرضکرد یا ابن رسول اللَّه! آیا دعای این جمعیت که میبینم مستجاب می شود.

فرمود وای بر تو سلیمان! خداوند نمی آمرزد کسی را که شریک برایش قرار دهد، منکر ولایت علی مانند بت پرست است.

عرضکردم فدایت شوم شما دوستان و دشمنان خود را میشناسید؟.

فرمود سلیمان! هر بنده ای که متولد شود در پیشانی او نوشته است:

مؤمن یا کافر.

شخص پیش ما می آید مدعی ولایت ما است و بیزاری از دشمنانمان در پیشانی او نوشته است: مؤمن است یا کافر خداوند در این آیه میفرماید: إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ ما دوست را از دشمن تشخیص میدهیم.

اختصاص: هشام از سلیمان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که مردی سؤال کرد آیا بامام داده شده آن مطالبی که به سلیمان پیامبر داده شده بود فرمود: آری و جریان چنین است که مردی از او سؤالی کرد جوابش را داد بعد مرد دیگری همان سؤال را نمود جوابی غیر از جواب اول داد شخص سوم که سؤال از همان مسأله کرد جوابی غیر از دو جواب اول داد (این تغییر جوابها به واسطه تغییر اعتقادی سئوال کننده بود که هر کدام مذهبی داشته اند بهمین جهت امام استدلال به آیه میکند).

سپس فرمود: «هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِکْ بِغَیْرِ حِسابٍ» «۱». عرضکردم: آقا خدا

امامت، ج ۲، ص: ۱۱۰

خیرخواه شما باشد مگر امام که به هر کدام جوابی داد آنها را می شناخت.

فرمود سبحان اللَّه مگر این آیه را نشنیده ای: إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ که متوسمین ائمه هستند وَ

إِنَّها لَبِسَبِيلٍ مُقِيمٍ که از ائمه علیهم السّلام هرگز خارج نمیشود.

فرمود آری وقتی امام چشم بشخصی بیاندازد او را میشناسد که دارای چه مذهب و عقیده است اگر صدایش را از پشت دیوار بشنود باز میداند صاحب صدا چه مذهب دارد.

زیرا خداوند میفرماید: وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَ أَلْوانِكُمْ إِنَّ فِی ذلِكَ لَآیاتٍ لِلْعالِمِینَ که آنها علماء هستند امام صدای هر شخص و لهجه هر که را بشنود می فهمد او اهل نجات است یا هلاکت بهمین جهت جواب هر کدام را مطابق راهی که میرود میدهد.

بصائر: محمّد بن مقرن از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که فرمود ما دارای چشمهائی هستیم که شبیه چشم مردم نیست و نوری در چشم ما است که شیطان نمیتواند در آن رخنه کند.

تفسیر عیاشی: عبد الرحمن بن سالم در آیه: لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ فرمود آنها اوصیاء از آل محمّدند.

عیاشی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود در امام علاماتی است برای متوسمین و هوشیاران و اوست راه استوار که بنور خدا می بیند و از جانب خدا سخن میگوید مخفی نیست از او چیزی که بخواهد.

اختصاص: عمرو بن شمر از جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که روزی امیر المؤمنین علیه السّلام در مسجد کوفه بود زنی وارد شد و از شوهر خود شکایت نمود.

علی علیه السّلام بنفع شوهر حکومت کرد.

امامت، ج ۲، ص: ۱۱۱

زن با خشم تمام گفت بخدا قسم در این قضاوت حق را رعایت نکردی و به عدالت رفتار ننمودی و مساوات را در نظر نگرفتی خدا از چنین قضاوتی راضی نیست.

علی علیه السّلام بدقت در

او نگاه کرده فرمود دروغ گفتی بی حیا زن بد زبان تندخو زنی که مانند سایر زنان باردار نمیشود (در خبر دیگر چون سایر زنان حیض نمی بیند).

از شنیدن این سخنان زن با ترس و وا ویلا گویان برگشت با خود میگفت پرده ی مرا که مستور بود گشادی ای پسر ابو طالب! عمرو بن حریث (مخزومی که از مخالفین علی علیه السّلام بود) از پی آن زن رفت باو گفت سخنی با علی گفتی که مرا شاد کرد اما او در جواب ترا چنان سرزنش نمود که با وا ویلا برگشتی و فرار کردی.

گفت: بخدا قسم علی واقع را بیان کرد و خبر از مطلبی داد که من آن را از شوهرم پنهان داشته بودم از وقتی با من ازدواج کرد و هم از پدر و مادرم (من مانند سایر زنان حیض نمیشوم) «۱».

عمرو بن حریث از خدمت علی علیه السّلام بازگشت و سخنان زن را نقل نموده گفت من سابقه کهانت از شما نداشتم.

علی علیه السّلام فرمود این کهانت نیست خداوند ارواح را دو هزار سال قبل از بدنها آفرید وقتی روح ها را در بدن ها ترکیب نمود در پیشانی آنها رقم زد که مؤمن است یا کافر و آنچه گرفتار خواهند شد و هر کار خوب یا بدی که انجام می دهند در یک سطح کوچکی باندازه گوش موشی آنگاه در این مورد آیه بر پیامبر اکرم نازل کرد: إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآياتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ پیامبر اکرم متوسم بود من نیز بعد از او متوسم هستم و ائمه از فرزندان من متوسمین هستند وقتی دقت

امامت، ج ۲، ص: ۱۱۲

کردم متوجه آنچه در این زن بود شدم از چهره و

پیشانیش.

کنز جامع الفوائد: عماره بن ابی معروف از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود هر کسی در پیشانیش نوشته شده مؤمن است یا کافر اما کسی جز ائمه و اوصیاء اطلاع ندارند از ایشان پوشیده نیست بعد این آیه را تلاوت نمود: إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآياتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ فرمود ما متوسمین هستیم بخدا سوگند هر کس پیش ما بیاید با همین علامت او را میشناسیم.

مناقب: از امیر المؤمنین علیه السّلام در مورد آیه: إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآياتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ نقل شده که فرمود پیامبر اکرم متوسم بود و ائمه از نژاد من متوسمین هستند تا روز قیامت وَ إِنَّها لَبِسَبِيلٍ مُقِيمٍ آن سبیل مقیم وصی پیامبر است صلی اللّٰه علیه و آله و سلم.

پایان خبر.

داود از امام باقر علیه السّلام سؤال کرد آیا شما دوستان و دشمنان خود را می شناسید؟.

فرمود: آری داود پیش ما نمی آید دشمنمان مگر اینکه در پیشانی او نوشته است کافر و نه دوست ما مگر اینکه مشاهده میکنیم در پیشانی او مسطور است مؤمن.

این است تفسیر آیه: إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآياتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ ما متوسمین هستیم داود! عیون اخبار الرضا: حسن بن جهم از حضرت رضا علیه السّلام پرسید از چه راه شما خبر میدهید چه در دل مردم هست فرمود مگر این فرمایش پیامبر را نشنیده ای:

اتقوا فراسه المؤمن فإنه ینظر بنور اللّٰه

عرضکرد: چرا.

فرمود هر مؤمنی دارای فراست و هوشیاری مخصوصی است که بنور خدا می بیند باندازه ایمان و مقدار بینش و دانش خود میبیند.

خداوند آنچه بین تمام مؤمنین منتشر نموده برای ائمه علیهم السلام همه ی آنها را داده و در قرآن فرموده است: إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآياتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ اولین متوسم پیامبر

اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم بود.

سپس علی بن ابی طالب بعد از او آنگاه حسن و حسین علیهما السّلام و بعد ائمه از

امامت، ج ۲، ص: ۱۱۳

نژاد حسین علیه السّلام تا روز قیامت ...

اختصاص: ابو بکر حضرمی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود هر انسانی در پیشانیش نوشته است: مؤمن است یا کافر این مطلب از دیده شما پنهان است ولی ائمه از آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم آن را می بینند.

هر کس وارد بر آنها شود میشناسند مؤمن است یا کافر بعد این آیه را خواند: إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ ائمه علیهم السّلام متوسمین هستند.

بصائر: اسباط بن سالم گفت خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم مردی از اهل هیت (شهری است کنار فرات) وارد شده گفت خدا خیرخواه شما باشد این آیه چه معنی دارد: إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ فرمود ما متوسمین هستیم و سبیل و راه در ما استوار است.

چند روایت دیگر در تفسیر همین آیه نقل شده که بجهت احتراز از تکرار ترجمه نشد.

بصائر: سلمان فارسی رحمه اللَّه علیه گفت شنیدم امیر المؤمنین علیه السّلام میگفت در تفسیر آیه: إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ.

پیامبر اکرم بچهره اشخاص که نگاه میکرد آنها را می شناخت و من بعد از او متوسم هستم، ائمه از ذریه من متوسمین هستند تا روز قیامت.

بخش چهل و سوم آیه وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ تا وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً در باره آنها نازل شده

مرحوم طبرسی در تفسیر آیه: یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً یعنی راه میروند روی زمین با سکینه و وقار و فرمانبردار نه با خودخواهی و خودپسندی و تکبر و تبهکاری.

«قال ابو عبد اللَّه علیه السّلام: هو الرجل الذی یمشی بسجیه التی جبل علیها لا

یتکلف و لا یتبختر.

یعنی شخصی است که در موقع راه رفتن طبق سرشت و طینت خود راه میرود نه راه رفتن ساختگی از روی تکبر.

بعضـی گفته بردبـاران و دانشـمندان که نـادانی نمیکننـد گر چه بر آنهـا نادانی شود: وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ کسانی که میگوینـد پروردگارا ببخش ما را از همسـران و فرزندان کسانی را که موجب روشـنی چشم ما شود که ببینیم مطیع خدایند در دنیا با خوبی و کردار نیک آنها خوشحال میشویم و در آخرت به بهشت رفتن ایشان.

امامت، ج ۲، ص: ۱۱۵

وَ اجْعَلْنـا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً یعنی خـدایا ما را از کسانی قرار ده که پرهیزگاران از ما بیاموزنـد و در قرائت اهل بیت علیهم السّـلام و اجعل لنا من المتقین اماما برای ما از پرهیزگاران پیشوائی قرار ده.

مناقب: سعید بن جبیر در باره آیه: وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيّاتِنا گفت این آیه اختصاص بامیر المؤمنین علی علیه السّـلام دارد در بیشتر دعاهای خود میگفت: رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا یعنی فاطمه زهرا علیها سـلام وَ ذُرِّيّاتِنا حسن و حسـین علیهما السّـلام «قُرَّةَ أَعْيُنٍ» امیر المؤمنین علیه السّـلام فرمود بخدا قسم از خدا فرزند زیبا و خوش قد و قامت نخواستم ولی تقاضا کردم فرزندی مطیع خدا و بیمناک و پرهیزگار عنایت فرماید تا هر وقت چشمم باو افتاد که فرمانبردار خدا است خرسند شوم.

گفته است: وَ اجْعَلْنـا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً فرمود پیروی کنیم به پرهیزگـاران پیش و پیروی کننـد پرهیزگـاران بعـد از مـا بمـا: أُولئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِما صَبَرُوا پاداش آنها را غرفه های بهشت قرار دادیم برای شکیبائی که کردند

یعنی علی بن ابی طالب و حسن و حسین و فاطمه.

يُلَقَّوْنَ فِيها تَحِيَّةً وَ سَلاماً خالِدِينَ فِيها حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاماً به آنها تحیت و سلام گفته می شود در بهترین جایگاه و منازل برای همیشه زندگی می کنند.

تفسیر قمی: وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْناً در باره ائمه علیهم السّلام نازل شده زراره از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد در مورد:

وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْناً فرمود ائمه در زمین با آرامش راه میروند از ترس دشمنان خود.

تفسیر قمی: سلیمان بن جعفر گفت از حضرت ابو الحسن در مورد آیه:

وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْناً وَ إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا

امامت، ج ۲، ص: ۱۱۶

سَلاماً وَ الَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّداً وَ قِياماً فرمود آنها ائمه هستند که از راه رفتن خود روی زمین بیمناک هستند.

تفسیر قمی: جعفر بن ابراهیم از حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السّلام نقل کرد که فرمود آیه: وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيَّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً در خدمت حضرت صادق علیه السّلام خوانده شد آن جناب فرمود چیز بزرگی از خدا خواسته اند که پیشوای متقین باشند عرض کرد چگونه؟

فرمود چون خداوند این طور نازل کرده: وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيَّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً.

تفسیر قمی: ابان بن تغلب گفت از حضرت صادق علیه السّلام این آیه را پرسیدم:

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيَّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً فرمود ما اهل بیت آنها هستیم.

دیگری روایت کرده أَزْواجِنا خدیجه ذُرِّيَّاتِنا فاطمه قُرَّةَ أَعْيُنٍ حسن و حسین

وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً علی بن ابی طالب است.

توضیح: از ظاهر خبر چنین استفاده می شود این دعای پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم بوده در این صورت وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً علی بن ابی طالب تفسیر متقین است احتمال میرود که دعا از هر دو باشد تطبیق شده در خبر با دعای پیامبر اما دعای حضرت علی علیه السّلام را بجهت آشکار بودن ذکر نکرده چون همسرش فاطمه و ذریه اش حسن و حسین و سایر ائمه هستند اما چون امامت در پیامبر آشکار بود مسأله امامت را در مورد حضرت علی ذکر نمود.

جای استبعاد نیست که این تأویل بنا بر قرائت اهل بیت باشد که وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ المتقین اماما که منظور این باشد قرار بده برای من از میان متقین وصی و جانشینی که احتمال عمومیت نیز هست تا شامل بقیه مؤمنین نیز بشود و

امامت، ج ۲، ص: ۱۱۷

اینکه پیامبر را نام برده بجهت ذکر اکمل افراد بوده.

از کنز دو روایت نقل میکند که آیه اختصاص بعلی علیه السّلام دارد و در روایت دیگر میفرماید مخصوص آل محمّد است که راهنمایان هستند.

در روایت سوم حضرت باقر علیه السّلام میفرماید آیات از وَ عِبادُ الرَّحْمنِ تا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاماً اختصاص باوصیاء دارد.

کافی: محمّد بن نعمان از سلام نقل کرد که از حضرت باقر پرسیدم: وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْناً فرمود آنها اوصیاء هستند که از ترس دشمنان خود چنین راه میروند.

بخش چهل و چهارم ائمه علیهم السّلام شجره طیبه هستند در قرآن و دشمنان آنها شجره خبیثه

آیات- سوره ابراهیم: أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها وَ

يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ. وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ.

تفسير: مرحوم طبرسى در مجمع البيان مينويسد: «كَلِمَةً طَيِّبَةً» توحيد است، بعضى گفته هر كلامى كه خدا بآن امر كرده آن را طيبه ناميده چون پاك و پر بركت است و براى صاحب آن موجب خيرات و بركات مى شود كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ يعنى درخت پربركت كه ريشه هايش باعماق زمين رفته و شاخه ها و ميوه هايش بآسمان بر آمده منظور مبالغه در بلندى آن است كه اصل درخت و ريشه آن در زمين و شاخه هاى آن بآسمان بالا رفته جز اينكه از ريشه ميتوان بشاخه رسيد. بعضى گفته اند منظور درخت خرما است. بعضى گفته اند درختى است در بهشت.

ابن عقده از حضرت باقر نقل كرده كه شجره پيامبر اكرم است و حديث

امامت، ج ٢، ص: ١١٩

را ادامه داده مطابق آنچه بروايت جابر خواهد آمد.

سپس مينويسد كه از ابن عباس روايت شده كه جبرئيل گفت به پيامبر اكرم، تو درختى و على شاخه آن و فاطمه برگش و حسن و حسين ميوه اش.

بعضى گفته اند: منظور درختى است كه داراى چنين مزايا است گر چه در دنيا وجود نداشته باشد اما صفت آن معلوم است و گفته اند: منظور از كلمه طيبه ايمان و شجره طيبه مؤمن تُؤْتِي أُكُلَها يعنى اين درخت ميوه خود را خارج ميكند كُلَّ حِينٍ در هر شش ماه حضرت باقر عليه السّلام فرموده در هر سال يا در هر وقت.

گفته اند معنى تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها منظور مطالبى است كه ائمه عليهم السّلام فتوى ميدهند براى شيعيان خود در حلال و حرام وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كلمه شرك است،

بعضـی گفته انـد هر کلامی که در معصـیت خـداست کَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ درخت ناپـاک که درخت حنظـل است بعضـی گفته اند درختی است که دارای چنین صـفتی باشـد که در زمین پایدار نیست، بعضـی گفته اند پیچک است که ریشه در زمین ندارد و بدرخت و گیاه می پیچد.

ابو الجارود از حضرت باقر نقل کرده که این مثلی است برای بنی امیه.

اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ یعنی قطع شـده بیکـدیگر اتصال دارد داما از زمین جـدا است ما لَها مِنْ قَرارٍ یعنی ثبات و بقائی نـدارد. ابن عباس گفته چنین درختی را خدا نیافریده مثلی است که خدا زده.

معانی الاخبار: عمرو بن شـمر از جابر نقل کرد که گفت از حضـرت باقر پرسـیدم کَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها شـجره پیامبر اکرم صـلی اللّٰه علیه و آله و سـلم و تنه آن علی علیه السّـلام و شاخه هایش فاطمه دختر پیامبر اکرم و میوه آن اولاد فاطمه زهرا است و برگهایش شـیعه هسـتند آنگاه فرمود هر گاه یکی از شـیعیان مؤمن از دنیا برود برگی از درخت فرو میریزد و اگر فرزندی از شیعیان ما بدنیا آید بر درخت یک برگ میروید.

امامت، ج ۲، ص: ۱۲۰

تفسیر قمی: همین روایت را از سـلام بن مستنیر نقل میکند باضافه اینکه پرسیدم آقا معنی این قسمت از آیه چیست تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها فرمود فتواهائی که ائمه علیهم السّلام بشیعیان میدهند در هر حج و عمره از حلال و حرام.

بصائر: ثمالی از حضـرت باقر علیه السّـلام در مورد آیه: كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها نقل کرد که

پیامبر اکرم فرمود من ریشه آن درختم و علی تنه درخت و ائمه علیهم السّلام شاخهای درخت و علم ما میوه آن و شیعیان برگهای درخت، دیگر از درخت چیزی باقیماند ابو حمزه! گفتم: نه بخدا اضافه ای در درخت نمی بینم. فرمود بخدا قسم ابا حمزه! فرزندی از شیعیان که متولد شود بر درخت یک برگ میروید و اگر یک نفر از شیعیان بمیرد برگی از آن می افتد.

توضیح: اینکه امام علیه السّلام فرمود دیگر چیزی از درخت باقی نماند یعنی مخالفین جزء شجره خبیثه هستند.

از بصائر: روایت سلام بن مستنیر مانند روایت جابر نقل می شود جز اینکه میفرماید: تنه درخت علی و عنصر آن فاطمه علیها السّلام و شاخه هایش ائمه و در سؤال از تُؤْتِی أُکُلَها کُلَّ حِینٍ بِإِذْنِ رَبِّها میفرماید مطالبی که از ائمه علیهم السّلام بشیعیان میرسد در هر سال از حلال و حرام.

بصائر: سلیمان گفت از حضرت صادق علیه السّلام راجع به «سِدْرَهِ الْمُنْتَهی» پرسیدم اصل آن ثابت است و فرعش در آسمان است فرمود پیامبر اکرم اصل آن درخت است و علی علیه السّلام قسمت بالای درخت و فاطمه تنه آن و ائمه علیهم السّلام شاخه های درخت و شیعیان برگ درختند عرضکردم فدایت شوم پس معنی (المنتهی) چیست فرمود بخدا قسم دین به آن منتهی میگردد هر که از آن شجره نباشد نه مؤمن است و نه شیعه ما.

بصائر و اکمال الدین و تفسیر فرات و تفسیر عیاشی همین روایت را نقل

امامت، ج ۲، ص: ۱۲۱

میکنند راجع به أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ که میفرماید پیامبر اکرم اصل و ریشه و امیر المؤمنین قسمت بالای آن و فاطمه زهرا تنه درخت و

ائمه شاخه های آن، آیا دیگر چیزی از درخت باقی میماند؟ ...

تفسیر عیاشی: از حضرت باقر و صادق علیه السّلام حمران نقل میکند در باره آیه: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ فرمود یعنی پیامبر و ائمه بعد از او علیهم السّلام که آنها اصل ثابت هستند و فرع ولایت است برای کسی که داخل آن شود.

توضیح: یعنی پیامبر ائمه اصل درخت هستند و فرع آن ولایت و اعتقاد بامامت کسی است که داخل در اصل شجره است هر که چنگ بفرع درخت بزند میرسد باصل آن و بجانب آسمان بلند می شود.

عیاشی: سالم اشل از پدرش و او از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد در مورد آیه ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً ... فرمود این مثلی است که خدا برای اهل بیت پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم زده و برای دشمنان ایشان این آیه است: مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ.

تفسیر فرات: ابو سلمه سراج گفت از عبد اللّه بن حسن راجع باین آیه پرسیدم أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ گفت ما همانها هستیم گفتم تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها گفت از ما خانواده هر چند گاه یک نفر قیام میکند و کشته میگردد.

در مستدرک: از کتاب فردوس باسناد خود از ابن عباس نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود من درختم و فاطمه بار آن است و علی قدرت تولیدکننده درخت و حسن و حسین ثمر و میوه درخت و دوستان اهل بیت برگ آن درختند از بهشت واقعی.

از کتاب سمعانی نیز همین روایت نقل شده.

بخش چهل و پنجم ائمه علیهم السّلام هدایت و هدی و هادیان در قرآنند

محاسن: بعضی از اصحاب در مورد آیه: وَ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلى ما هَداكُمْ گفت تکبیر یعنی تعظیم خدا و هدایت ولایت است.

قرب الاسناد: از بزنطی در یک قسمت از نامه ای که حضرت رضا برای او نوشت خداوند میفرماید: فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّما يَتَّبِعُونَ أَهْواءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَيْرِ هُدىً مِنَ اللَّهِ اگر از تو نپذیرفتند بدان که آنها پیرو هوای نفس خویشند چه کسی گمراه تر از کسی است که پیرو هوای نفس خود باشد بدون راهنمائی امامی از جانب خدا.

فرمود یعنی کسی که هوای نفس را دین خویش قرار دهد بی آنکه پیرو ائمه هدی باشد.

تفسیر قمی: وَ الَّذِينَ جاهَدُوا فِينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا در روایت ابی الجارود از حضرت باقر نقل شده که این آیه اختصاص بآل محمّد و پیروان آنها دارد.

توضیح: شاید منظور اکمل افراد تحت این آیه است همین طور است بیشتر از روایاتی که در این ابواب آمده.

تفسیر قمی: وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ این آیه اختصاص بآل محمّد و پیروان آنها دارد. تفسیر عیاشی میگوید: ائمه هستند در همین

امامت، ج ۲، ص: ۱۲۳

تفسیر نقل از یعقوب بن یزید میکند امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: یعنی امت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم.

مرحوم طبرسی در مجمع البیان در تفسیر همین آیه از ابن جریح از پیامبر اکرم نقل می کند که فرمود آیه متعلق بامت من است که بحق عدالت میگیرند و بحق عدالت می دهند باین گروه که در مقابل شما هستند نیز مانند همین را داده اند وَ مِنْ قَوْمِ مُوسى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ ربیع بن انس گفت پیامبر اکرم همین

آیه را قرائت نمود فرمود گروهی از امت من بر حق هستند تا عیسی بن مریم فرود آید.

عیاشی: باسناد خود از امیر المؤمنین علی علیه السّلام نقل کرده که فرمود قسم بآن کس که جان علی در دست اوست این امت بهفتاد و سه فرقه تقسیم می شوند که همه آنها در آتشند بجز این فرقه: وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ اینهایند که نجات می یابند.

حضرت باقر و صادق علیه السّلام فرمودند ما آنها هستیم.

بصائر: علاء بن سیابه از حضرت صادق در مورد آیه: إِنَّ هـذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ این قرآن هدایت میکند براهی که استوارتر است فرمود هدایت بامام می کند.

در تفسیر عیاشی می نویسد: هدایت بولایت میکند.

تفسیر قمی: در روایت ابی الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه:

أَ فَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدى فَما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ آیا کسی که راهنمای بسوی حق است باید پیروی شود یا کسی که خود راه را نمی داند مگر او را راهنمایی کنند این چه قضاوتی است!.

فرمود: کسانی که راهنمای بسوی حق هستند محمّد و آل محمّدند پس از آن جناب اما کسانی که راه را نمی دانند مگر اینکه راهنمائی شوند مخالفین اهل بیت پیامبر از قریش و سایر مردمند.

امامت، ج ۲، ص: ۱۲۴

توضیح: این آیه از بزرگترین دلیلها بر امامت ائمه ما علیهم السّلام است برای کسی که واقع بین باشد و گوش بحق و حقیقت دهد. بدلیل اتفاق امت بر فضل و مقام آنها که داناترین فرد زمان خود بوده اند مخصوصا امیر المؤمنین علیه السّلام که داناتر بودن ایشان غیر قابل انکار است.

تفسیر

عیاشی: عباس بن هلال از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که مردی پیش عبد اللَّه بن حسن رفت در سباله (محلی است بین بصره و مدینه) مسائلی از حج پرسید. عبد اللَّه باو گفت آنجا جعفر بن محمّد ایستاده برو از او سؤال کن که خود را حائز این مقام میداند.

آن مرد خدمت حضرت صادق علیه السّلام آمده سؤال کرد. امام علیه السّلام باو فرمود دیدم پیش عبد اللَّه بن حسن ایستاده بودی بتو چه گفت عرضکرد از او سؤال کردم گفت بیایم خدمت شما گفت اینک جعفر بن محمّد آنجا و خود را شایسته مقام امامت میداند فرمود آری من از کسانی هستم که خداوند در قرآن میفرماید: أُولئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهُداهُمُ اقْتَدِهْ آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده از آنها پیروی کنید اکنون هر چه مایلی بپرس. مرد سؤالهای خود را نمود، تمام آنها را جواب داد.

از کافی و مناقب و بصائر سه روایت نقل میکند که أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ ائمه هستند و از کنز جامع الفوائد روایتی را که امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود این امت بهفتاد و سه فرقه تقسیم می شود همه در آتشند بجز کسانی که این آیه میفرماید آنگاه فرمود آنها منم و شیعیانم.

کافی: ابو بصیر از حضرت صادق در باره آیه وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهذا وَ ما كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ فرمود روز قیامت پیامبر اکرم و امیر المؤمنین علیه السّلام و ائمه از فرزندانش را می آورند و در جایی که مردم مشاهده میکنند قرار میگیرند همین که چشم شیعیان بآنها می افتد میگویند: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

هَدانا لِهذا وَ ما كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ یعنی ستایش خدای را که ما را هدایت بولایت این خاندان کرد اگر هدایت او نبود ما این مقام راه نمی یافتیم.

امامت، ج ۲، ص: ۱۲۵

مناقب: ابو حمزه از حضرت سجاد علیه السّلام در آیه: ثُمَّ اهْتَدى نقل کرد که فرمود یعنی هدایت یافت بسوی ما اهل بیت.

در باره آیه وَ مِمَّنْ هَدَيْنا وَ اجْتَبَيْنا امام زین العابدین علیه السّلام فرمود منظور ما هستیم زید بن علی در مورد آیه وَ الَّذِينَ جاهَدُوا فِينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا فرمود ما آنها هستیم.

از ایشان نیز در باره آیه أَ فَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدى فرمود در باره ما نازل شده.

علی بن عبد اللَّه گفت مردی از حضرت صادق علیه السّلام این آیه را پرسید: فَمَنِ اتَّبَعَ هُدايَ فَلا يَضِلُّ وَ لا يَشْقى کسی که پیرو من باشد نه گمراه می شود و نه بدبخت.

فرمود یعنی کسی که معتقد بائمه باشد و پیرو دستورات آنها و از اطاعت ایشان سرپیچی نکند.

توضیح: آیه در سوره طه چنین است: قالَ اهْبِطا مِنْها جَمِيعاً بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدىً فَمَنِ اتَّبَعَ هُدايَ منظور از هدی پیامبر و کتابی است که در هر امت فرستاده می شود و پیروی از هدا متابعت اوصیا است و مصداق آن در این امت ائمه علیهم السّلام هستند کسی که معتقد بامامت آنها باشد و سرپیچی از اطاعت آنها ننماید در دنیا گمراه نمیشود از راه حق و در آخرت نیز بواسطه عذاب بدبخت نمیگردد (هدی) مصدر است که یا معنی مصدری آن منظور است و یا اسم فاعل است

بجهت مبالغه.

کنز الفوائد: محمّد بن مسلم از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد فرمود حضرت زین العابدین وقتی باین آیه از سوره مریم میرسید: وَ مِمَّنْ هَدَيْنا وَ اجْتَبَيْنا إِذا تُتْلى عَلَيْهِمْ آياتُ الرَّحْمنِ خَرُّوا سُجَّداً وَ بُكِيًّا سجده میکرد و میفرمود منظور ما هستیم که برگزیده و منتخب میباشیم.

کنز: جابر جعفی از حضرت باقر در آیه: لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ

امامت، ج ۲، ص: ۱۲۶

صالِحاً ثُمَّ اهْتَدى فرمود یعنی هدایت بولایت ما پیدا کند.

در روایت دیگر مینویسد: هدایت بولایت امیر المؤمنین پیدا کند.

مرحوم طبرسی مینویسد: لِمَنْ تابَ کسی که از شرک توبه کند وَ آمَنَ ایمان بخدا و پیامبرش آورد وَ عَمِلَ صالِحاً یعنی واجبات را انجام دهد ثُمَّ اهْتَدى سپس در ایمان پایدار باشد تا بمیرد، بعضی گفته اند شک در ایمانش پیدا نشود از ابن عباس نقل شده بعضی (ثُمَّ اهْتَدى) را چنین معنی کرده اند پیرو سنت پیامبر باشد و براه بدعت گذاران نرود.

حضرت باقر علیه السّلام فرمود سپس هدایت بولایت ما پیدا کند بخدا قسم اگر مردی تمام عمر خود را بعبادت بسر برد بین رکن و مقام بعد بمیرد بدون ولایت ما او را با سر در آتش میاندازند.

حاکم ابو القاسم حسکانی باسناد خود این روایت را نقل نموده و عیاشی در تفسیر خود از چند طریق آورده.

کنز جامع الفوائد: عیسی بن داود نجار از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام نقل کرد که آن جناب از پدر خود این آیه را پرسید: فَمَنِ اتَّبَعَ هُدایَ فَلا يَضِلُّ وَ لا يَشْقى فرمود پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم

فرمود مردم! پیرو هدایت خدا باشید تا رستگار شوید راه یابید و آن راه من و راه این شخص علی ابن ابی طالب است هر که پیرو علی باشد در حیات من و بعد از مرگم پیرو من بوده و پیرو من پیرو خدا است و هر کس پیرو خدا باشد گمراه و بدبخت نمیشود فرمود: وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ أَعْمی تا وَ كَذلِكَ نَجْزِی مَنْ أَسْرَفَ هر که اسراف ورزد در عداوت آل محمّد وَ لَمْ یُؤْمِنْ بِآیاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذابُ الْآخِرَهِ أَشَدُّ وَ أَبْقی سپس خداوند فرموده أَ فَلَمْ یَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ یَمْشُونَ فِی مَساكِنِهِمْ إِنَّ فِی ذلِكَ لَآیاتٍ لِأُولِی النُّهی ائمه علیهم السّلام هستند و هر چه مانند آن از قرآن وجود دارد (از قبیل اولی الالباب و امثال اینها است اشاره بائمه علیهم السّلام است).

امامت، ج ۲، ص: ۱۲۷

کنز جامع الفوائد: موسی بن جعفر علیه السّلام در باره آیه فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ وَ مَنِ اهْتَدی بزودی خواهید دانست چه کسی براه راست است و هدایت یافته.

از پدر خود نقل کرد صراط سوی قائم آل محمّد است و هدی کسی که راه باطاعت از او پیدا کند شبیه این آیه در قرآن آیه وَ إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی یعنی هدایت بولایت ما پیدا کند.

در روایت دیگر از کنز نقل می شود راجع به (أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ) که نظیر همان روایت بالا است.

کنز جامع الفوائد: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در آیه: وَ الَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ إِنَّ اللَّهَ

لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ فرمود در باره ما نازل شده.

کنز: همین آیه را از زید بن علی نقل میکند که گفت ما آنها هستیم راوی میگوید: من گفتم: اگر شما نباشید پس کیست.

از تفسیر فرات: روایتی در مورد همین آیه نقل می شود که حضرت باقر فرمود در باره ما نازل شده.

تفسیر فرات: محمّد بن فضیل از خثیمه نقل کرده، گفت خدمت حضرت باقر علیه السّلام رسیدم فرمود خثیمه! شیعیان ما اهل بیت دلهایشان جایگاه محبت ما خانواده می شود و الهام میشوند بمحبت ما شخص بما علاقه و محبت دارد و آنچه در فضل ما میشنود نمی پذیرد با اینکه ما را ندیده و سخن ما را نشنیده چون خدا برای او خیر و خوبی را خواسته و این آیه اشاره بآن است: وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زادَهُمْ هُدىً وَ آتاهُمْ تَقْواهُمْ یعنی هر کس ما را بیند و کلام ما را بشنود خداوند بر هدایت او میافزاید.

تفسیر عیاشی: عبد اللَّه بن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده: وَ مِنْ قَوْمِ مُوسى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ فرمود قوم موسی اهل اسلامند.

توضیح: شاید منظور امام اینست که نظیر این در باره آنها نیز جاری است

امامت، ج ۲، ص: ۱۲۸

یا اینکه نام آنها از باب مثال در آیه ذکر شده چنانچه چند مرتبه توضیح داده شد.

تفسیر عیاشی: از بعضی اصحاب در باره آیه: قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْنا وَ ما أُنْزِلَ إِلى إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ وَ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ یعنی بگوئید ای آل محمّد ایمان آورده ایم بآنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط فَإِنْ آمَنُوا

بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا اگر سایر مردم مانند شما ایمان آوردند هدایت یافته اند.

در روایت دیگر میفرماید منظور از آیه علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السّلام و سایر ائمه است و بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ مانند ایمان شما یعنی ایمان علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه بعد از ایشان.

توضیح: یک روایت از کافی راجع به الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا نقل می شود که قبلا ترجمه شد و روایت دیگری نیز از کنز جامع الفوائد در مورد آیه: وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ که آن قبلا ترجمه شد.

بخش چهل و ششم ائمه علیهم السلام (خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ) هستند و امام در قرآن دو نوع است

تفسیر عیاشی: یکی از اصحاب از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد در قرائت علی علیه السّلام کنتم خیر ائمه اخرجت للناس شما بهترین پیشوایان هستید که برای مردم قرار داده شده اید. فرمود آنها آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم هستند.

تفسیر عیاشی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که این آیه بخدا قسم این طور نازل شده بر پیامبر اکرم در باره اوصیاء فقط: کنتم خیر ائمه أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ این چنین بخدا قسم جبرئیل آورده و جز محمّد و اوصیاء او علیهم السّلام را قصد نکرده.

عیاشی: زبیری از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که در باره آیه کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ فرمود یعنی همان امتی که دعای ابراهیم ایشان را شامل می شود آنها همان امتی هستند که خداوند در میان ایشان بر انگیخت و از ایشان پیامبر را انتخاب نمود و بسوی ایشان کتاب آسمانی را فرستاد و امت وسطی همین امت است که بهترین امت

از میان مردم است.

تفسیر قمی: ابی الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: وَ لْتَكُنْ

امامت، ج ۲، ص: ۱۳۰

مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ این امتیاز متعلق بآل محمّد و پیروان آنها است که دعوت بنیکی میکنند وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.

توضیح: مرحوم طبرسی از حضرت صادق علیه السّلام روایت میکند و لتکن منکم ائمه و کنتم خیر ائمه اخرجت للناس.

تفسیر قمی: ابن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که این آیه را بر آن جناب خواندم: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ فرمود بهترین امت بودید که امیر المؤمنین امام حسن و امام حسین علیهم السّلام را کشتید گفتم فدایت شوم چگونه نازل شده؟ فرمود:

کنتم خیر ائمه اخرجت للناس مگر ملاحظه نمیکنی که خداوند آنها را با این امتیازها میستاید تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ.

تفسیر عیاشی: ابی عمرو زبیری گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم امت محمّد را بمن معرفی فرما. فرمود امت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم فقط بنی هاشم هستند. گفتم: بچه دلیل فقط خویشاوندان پیامبرند و دیگران نیستند.

فرمود بدلیل این آیه وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْراهِيمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْماعِيلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ رَبَّنا وَ اجْعَلْنا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرِنا مَناسِكَنا وَ تُبْ عَلَيْنا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وقتی خداوند دعای ابراهیم و اسماعیل را اجابت نماید و از نژاد آن دو امتی مسلمان قرار دهد و میان ایشان پیامبری از خودشان بر انگیزاند که کتاب خدا را بر ایشان بخواند و آنها را پاک نماید و کتاب و حکمت بیاموزد می پیوندد دعای

اول ابراهیم بـدعای دیگرش که از خداوند خواست آنها را از شـرک و بت پرستی پاک دارد تا دسـتور خدا در میان آنها عمل شود و پیرو دیگری نباشـند فرمود: وَ اجْنُبْنِی وَ بَنِیَّ أَنْ نَعْبُـدَ الْأَصْـنامَ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْـلَلْنَ کَثِیراً مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی وَ مَنْ عَصانِی فَإِنَّکَ غَفُورٌ رَحِیمٌ.

این دو آیه دلیلی واضح است بر آنکه ائمه و امت مسلمه ای که خداوند

امامت، ج ۲، ص: ۱۳۱

پیامبر را بسوی آنها بر انگیخت جز از اولاد ابراهیم نیستند بدلیل این آیه: وَ اجْنُبْنِی وَ بَنِیَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنامَ.

منـاقب: از حضـرت باقر نقل میکنـد کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ فرمود ما آنها هستیم. ابو الجارود از حضـرت باقر نقل کرد: وَ إِنَّ هذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّهً واحِدَهً که فرمود آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم اند.

توضـیح: مرحوم طبرسی مینویسد: این دین شما دینی است واحد بعضی گفته اند معنایش جماعت واحدی هستید که مخلوق و مملوک خدا هستید. بعضی گفته اند معنایش اینست: پیامبرانی که قبلا نام آنها را ذکر کردیم رهنمایانی هستند که باید از آنها پیروی کنید که تمام اجتماع بر حق دارند.

توضیح: بنا بر تأویل امام علیه السّلام منظور از امت ائمه هستند بعضی گفته اند:

خطاب در آیه بائمه علیهم السّلام است زیرا شیعیان آنها بر یک طریق هستند اما معنی اول ظاهرتر آیه است.

مناقب: جابر از حضـرت باقر نقل کرد که فرمود: «خَیْرَ أُمَّهٍ» یعنی اهل بیت پیامبر صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم. محمّـد بن منصور گفت اهل بیت پیامبر بهترین اهل بیت هستند که برای مردم قرار داده شده اند.

تفسیر قمی: طلحه بن زید از حضرت صادق علیه السّلام و آن جناب

از پدر بزرگوار خود نقل کرد که فرمود: ائمه در کتاب خدا دو نوع هستند: امام و رهبر عادل و پیشوا و رهبر ستمگر، خداوند در قرآن میفرماید: وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا از بین آنها پیشوایانی قرار دادیم که هدایت میکنند بامر ما نه بامر مردم امر خدا را مقدم میدارند بر کار خود و حکم خدا را بر حکم خود تقدیم میدارند.

باز در این آیه میفرماید: وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ قرار دادیم پیشوایانی که دعوت بآتش میکنند کار خود را بر خدا مقدم میدارند و خواهش نفس خود را بکار میبرند بر خلاف کتاب خدا. از بصائر نیز همین روایت نقل شده.

امامت، ج ۲، ص: ۱۳۲

توضیح: اشکالی ندارد که قبل از آیه ائمه واقعی ذکر موسی و بنی اسرائیل است و در جای دیگر از سایر انبیاء یاد شده و قبل از آیه پیشوایان جور فرعون و سپاهش ذکر شده در عین حال بگوئیم آیه اولی در باره ائمه علیهم السّلام و آیه دوم اشاره بدشمنان ایشان است.

زیرا بارها توضیح دادیم که قصه های قرآن برای توجه این امت است ظاهر آیات مربوط بگذشتگان است ولی تأویل و باطن آن مربوط باین امت است چنانچه در خبر رسیده که منظور از فرعون هامان و قارون سه مغز غاصب خلافتند زیرا آنها نظیر همین سه نفر بوده اند در امت اسلام، اولی و دومی گوساله و سامری این امتند با اینکه در قرآن کریم آیاتی هست که ابتدای آن مربوط بیکدسته است و آخر آیه مربوط بدسته دیگر.

بصائر: حسین بن ابی العلاء از ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که شنیدم

میفرمود: در دنیا پیوسته دو امام وجود دارد نیکوکار و تبهکار. امام نیکو کار کسی است که این آیه میفرماید: وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا اما پیشوای تبهکار این آیه اشاره باو است وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ لا یُنْصَرُونَ.

بصائر: ابو بصیر از حضرت صادق نقل کرد که فرمود: بصلاح مردم نیست مگر دو پیشوا امام عادل و امام فاجر، خداوند در این آیه میفرماید: وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا و فرموده: وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ.

بصائر: ربیعه بن ناجد از علی علیه السّلام نقل کرد که فرمود: پیشوایان نیکوکار قریش امام نیکوکاران آنهایند و پیشوایان ستمگر رهبر تبهکاران آنها، بعد این آیه را خواند: وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ لا یُنْصَرُونَ.

تفسیر فرات: محمّد بن علی از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً فرمود: ما امت وسط و شهداء خدای بر خلق و حجت او در زمین هستیم.

امامت، ج ۲، ص: ۱۳۳

تفسیر فرات: حضرت باقر در تفسیر آیه وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا فرمود: در باره اولاد فاطمه علیهم السّلام نازل شده در روایت دیگر میفرماید: آنها را خداوند ائمه ای قرار داده که بامر خدا رهبری میکنند.

کنز: ابو حمزه از حضرت باقر در باره آیه وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا فرمود: یعنی ائمه از فرزندان فاطمه علیهم السّلام بآنها وحی می شود بوسیله روح در دلهایشان.

کنز جامع الفوائد: صالح بن سهل گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میخواند: وَ کُلَّ شَیْ ءٍ أَحْصَیْناهُ فِی إِمامٍ مُبِینٍ هر چیزی را بر شمردیم در امامی آشکار. فرمود یعنی در امیر المؤمنین.

بخش چهل و هفتم سلم یعنی ولایت ائمه و شیعیان اهل سازش و تسلیم هستند

تفسیر عیاشی:

ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میفرمود:

یـا أَیُّهَـا الَّذِینَ آمَنُـوا ادْخُلُـوا فِی السِّلْمِ کَـافَّهً وَ لاـ تَتَّبِعُـوا خُطُواتِ الشَّیْطـانِ ای مؤمنین همگی داخـل در سـلم شویـد و پیروی از گامهای شیطان ننمائید.

فرمود: میـدانی سـلم چیست؟ عرضـکردم شـما بهتر میدانید فرمود: ولایت علی و ائمه و جانشـینان بعد از اوست فرمود: خُطُواتِ الشَّیْطانِ بخدا قسم ولایت فلانی و فلانی است.

تفسیر فرات: محمّـد بن مسـلم از حضـرت بـاقر و صادق علیهما السّـلام نقل کرد که در باره آیه: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّهً فرمودند: یعنی مردم مأمور بمعرفت ما خانواده هستند.

در تفسیر عیاشی: سلم آل محمّدند و مردم مأمورند داخل در ولایت آنها شوند.

تفسیر عیاشی: محمّد حلبی از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها نقل کرد که سؤال کردند معنی سلم چیست فرمود وارد شدن

امامت، ج ۲، ص: ۱۳۵

در آنچه تو اعتقاد داری (امامت ائمه علیهم السّلام).

توضـیح: مرحوم طبرسـی می نویسـد: ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّهً یعنی داخل در اسـلام شویـد همگی. بعضـی گفته انـد در اطاعت و فرمـانبرداری این معنی عمومیت بیشتر دارد و داخـل در همین معنی است آنچه اصـحاب نقل کرده انـد که مراد از سـلم ولایت است یعنی همه داخل در فرمانبرداری و رهبری ائمه شویـد وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ یعنی پیرو وساوس و آثار شـیطان نشوید زیرا ترک یکی از دسـتورات اسـلام پیروی شیطان است- پایان مشهور در تفسیر آیه دومی وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ اینست که منظور میل و گرایش بمصالحه و ترک جنگ است و آنچه ذکر شد در تفسیر این آیه یکی از بطون تأویل آنست که معنی ظاهری نیز

مخالف آن تأویل نیست.

کافی: حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه فرمود: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّةً یعنی وارد در ولایت ما شوید.

و در ارشاد القلوب: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند سلم یعنی ولایت امیر المؤمنین و ائمه علیهم السّلام اخبار در این مورد خواهد آمد در بخش آیات نازل شده در باره امیر المؤمنین علیه السّلام.

کنز جامع الفوائد: ابو خالد کابلی گفت: از حضرت باقر علیه السّلام پرسیدم تفسیر این آیه را: وَ رَجُلًا سَلَماً لِرَجُلٍ فرمود مرد فرمانبردار برای مردی دیگر علی و شیعه او است.

کافی: ابو خالد کابلی از حضرت باقر نقل کرد در مورد آیه: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِیهِ شُرَکاءُ مُتَشاکِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَماً لِرَجُلٍ هَلْ یَسْتَوِیانِ مَثَلًا فرمود:

شخصی چند نفر در او شریک هستند آن اولی است (ابا بکر) که گروهی مختلف را بولایت خویش ترغیب نموده هر دسته ای دسته ی دیگر را لعنت میکنند و از هم بیزارند اما مردی که پیرو یکنفر است آن مرد امیر المؤمنین علیه السّلام که پیرو پیامبر

امامت، ج ۲، ص: ۱۳۶

اکرم است و شیعیان او نیز پیرو پیامبرند.

توضیح: مرحوم طبرسی در مورد آیه: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا می نویسد:

خداوند برای کافر و بت پرستی او مثالی زده ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِیهِ شُرَکاءُ مُتَشاکِسُونَ یعنی خداوند مثال میزند: یکنفر چند مالک دارد که مالکان او اشخاص بداخلاقی هستند. این مثل را برای سایر مشرکین نیز زده ولی یکفرد را با مشخصاتی بیان کرده که آن مشخصات در سایر مشرکین نیز وجود دارد پس این مثل هر دو را میگیرد و منظور از این قسمت آیه: رَجُلًا فِیهِ شُرَکاءُ یعنی چند خدا

را می پرستد که آنها بر سر او نزاع دارند و سخت میگیرند این یک امر میکند بچیزی، دیگری از آن نهی می نماید هر کدام مایلند که او را بخدمت- کاری خود اختصاص دهند و هر یک کار او را بدیگری واگذارد و آن دومی بسومی بالاخره این شخص در میان بی بهره میماند.

آنگاه مثال برای مؤمن موحد میزند رَجُلًا سَلَماً لِرَجُلٍ یعنی شخصی که تنها یک خدا را میپرستد و در پرستش خود دیگری را شریک قرار نمی دهد و از دیگری نیز امیدوار نیست چنین کسی البته بهره خدمت خویش را خواهد دید مخصوصا وقتی مولا و سرور او قادر و بخشنده باشد.

حاکم ابو القاسم حسکانی باسناد خود از علی علیه السّلام نقل میکند که فرمود:

من آن مردم که پیرو پیامبر اکرم هستم.

کافی: ابن مسکان از حلبی و او از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها نقل کرد که پرسیدم سلم چیست؟ فرمود: داخل شدن در ولایت ما.

توضیح: جنوح یعنی میل و سلم بکسر سین و فتح بمعنی صلح است. بعضی گفته اند آیه منسوخ است و گفته شده در باره قراردادهای اهل کتاب است بنا بر تأویل امام علیه السّلام معنی این می شود: اگر منافقین در ظاهر اظهار ولایت علی علیه السّلام را نمودند از آنها بپذیر گرچه میدانی ایشان منافق هستند.

امامت، ج ۲، ص: ۱۳۷

تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در باره آیه: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا میگوید:

این مثلی است که خداوند برای امیر المؤمنین و شریکهای او که غصب مقامش را نموده و باو ستم روا داشته اند زده (مُتَشاکِسُونَ) یعنی بر یک دیگر خشم دارند و از هم متنفرند و

رَجُلًا سَلَماً لِرَجُلٍ یعنی امیر المؤمنین علیه السّلام که تسلیم پیامبر اکرم بود.

معانی الاخبار: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود توجه داشته باشید خداوند در قرآن مرا بنامهایی اختصاص داده بپرهیزید از اینکه اختصاص های مرا بخویش نسبت دهید که در دین گمراه میشوید من همان شخصم که سلم و پیرو پیامبرم، خداوند در این آیه میفرماید: وَ رَجُلًا سَلَماً لِرَجُلٍ.

بخش چهل و هشتم ائمه علیهم السّلام خلفای خدایند

کنز جامع الفوائد: مجاهد گفت: أَ فَمَنْ وَعَدْناهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لاقِیهِ کسی که ما باو وعده نیکوئی داده ایم و آن را دریافت خواهد کرد گفت این آیه در باره علی و حمزه نازل شده.

ابو الحسن دیلمی از حضرت صادق نقل میکند که در باره همین آیه فرمود آن کسی که باو وعده داده اند علی بن ابی طالب است که خداوند وعده داد انتقامش را از دشمنان بگیرد در دنیا و وعده بهشت برای او و دوستانش در آخرت داده.

کنز: ابراهیم از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: سَنُرِیهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّی یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ در اطراف جهان و در درون خودشان آیات خود را به آنها نشان خواهیم داد تا واضح شود برای آنها که او حق است.

فرمود در اطراف جهان فروریختن اطراف بر آنها و در درون خودشان به مسخ شدن تا معلوم شود بر آنها که او قائم عجل اللّه له الفرج است.

امامت، ج ۲، ص: ۱۳۹

کنز: زراره گفت از حضرت باقر علیه السّلام این آیه را پرسیدم: هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِیَهُمْ بَغْتَةً فرمود ساعت (قیام) قائم است که ناگهان برای آنها آشکار می شود.

مناقب: زید بن علی

در آیه: ثُمَّ جَعَلْناكُمْ خَلائِفَ گفت ما آن جانشینان زمین هستیم.

حمران از حضرت باقر و ابو الصباح از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه:

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ فرمود آنها ما هستیم.

حصین بن مخارق از موسی بن جعفر در باره آیه: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ نقل میکند که فرمود ما آنها هستیم.

کنز جامع الفوائد: عیسی بن داود از موسی بن جعفر نقل کرد که فرمود روزی خدمت پدرم در مسجد بودم مردی مقابل ایشان ایستاده گفت یک آیه مرا عاجز نموده، تفسیر آن را از جابر بن یزید پرسیدم مرا خدمت شما فرستاد فرمود: کدام آیه.

گفت: آیه الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ کسانی که اگر در زمین بآنها قدرت دهیم نماز بپای میدارند و زکات میدهند و امر به معروف و نهی از منکر مینمایند.

فرمود: آری این آیه در باره ما نازل شده.

و جریان چنین است فلانی و فلانی و گروهی که با آنها بودند و آنها را نام برد در خدمت پیامبر اجتماع کرده پرسیدند خلافت بعد از شما بکه خواهد رسید.

بخدا سوگند اگر به یکی از خویشاوندان شما برسد ما بر جان خود بیمناکیم شاید اگر بدیگری بسپاری از آنها بما مهربانتر باشند. از شنیدن این حرف پیامبر اکرم سخت خشمناک شد.

فرمود بخدا قسم اگر ایمان بخدا و پیامبر داشته باشید هرگز دشمن

امامت، ج ۲، ص: ۱۴۰

خویشاوندان من نمیشوید زیرا دشمنی با آنها دشمنی با من است و دشمنی با من کفر بخدا است آنگاه شما خبر از مرگ من میدهید.

بخدا سوگند اگر خداوند به آنها در زمین قدرت دهد نماز را

در وقت آن بپای میدارند و زکات را بمحلش می رسانند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند خدا بخاک خواهد مالید دماغ کسانی را که من و خانواده ام را دشمن می دارند.

خداوند این آیه را نازل کرد: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنّاهُمْ فِي الْأَرْضِ تا وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ مردم آن را نپذیرفتند.

خداوند این آیه را نازل کرد: وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عادٌ وَ ثَمُودُ، وَ قَوْمُ إِبْراهِيمَ، وَ قَوْمُ لُوطٍ، وَ أَصْحابُ مَدْيَنَ وَ كُذِّبَ مُوسى فَأَمْلَيْتُ لِلْكافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كانَ نَكِيرِ.

کنز: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد در مورد آیه: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ فرمود این آیه اختصاص به آل محمّد دارد حضرت مهدی و اصحابش که خداوند آنها را مالك شرق و غرب میکند و دین را بوسیله او بر تمام ادیان پیروز مینماید و باطل و دین های ساختگی را بهمت او و یارانش از میان بر میدارد.

چنانچه پیش از ظهور او سفاهت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت کشیده است بطوری عدالت گسترش می یابد که اثری از ظلم باقی نمی ماند امر بمعروف و نهی از منکر میکنند در اختیار خدا است عاقبت امور.

تفسیر فرات و مناقب: از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که این آیه در باره ما نازل شده است.

تفسیر فرات: ابن عباس در باره آیه: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ گفت در باره آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم نازل شده.

امامت، ج ۲، ص: ۱۴۱

تفسیر فرات: قاسم بن عون گفت از عبد اللّه بن محمّد شنیدم میگفت

آیه:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ مربوط بما خانواده است.

اقبال: از کتاب محمّد بن ابی قره باسناد خود از محمّد بن عثمان عمری از حضرت قائم صلوات اللَّه علیه نقل میکند در دعای شبهای ماه رمضان

«اللهم انی افتتح الثناء بحمدک»

تا

«اللهم و صل علی ولی امرک القائم المؤمل»

تا این قسمت دعا

«استخلفه فی الارض کما استخلفت الذین من قبله مکن له دینه الذی ارتضیته له ابدله من بعد خوفه امنا یعبدک و لا یشرک بک شیئا».

مانند این دعا در زیارات زیاد است.

بخش چهل و نهم ائمه علیهم السّلام مستضعفینی هستند که بآنها وعده پیروزی از جانب خدا داده شده

آیات- قصص: وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ نُرِیَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ.

تفسیر: مرحوم طبرسی در مجمع البیان مینویسد: وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ معنی اینست که فرعون تصمیم داشت بنی اسرائیل را از میان بردارد و بکشد ما تصمیم داریم بر آنها منت گذاریم: وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً ایشان را پیشوا و رهبر قرار دهیم در کارهای نیک یا فرمانروا و پادشاه وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ آنها را وارث ملک و مال فرعون و قوم او بنمائیم.

روایت صحیح از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام رسیده که فرمود به آن خدائی که دانه را میشکافد و جان در کالبد می دمد دنیا بما رو خواهد آورد بعد از این پشت نمودن و تنفری که از ما دارد همانند ماده شتری که به بچه خود خیلی علاقه دارد و از او حمایت می کند.

پس از آن این آیه را خواند: وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ.

امامت، ج ۲، ص: ۱۴۳

حضرت زین العابدین علیه السّلام فرمود بآن خدائی

که محمّد صلی اللّٰه علیه و آله و سلم را برانگیخت مژده دهنده و هراسنده نیکان از ما خانواده و شیعیان آنها مانند موسی و پیروان او است و دشمنان ما و پیروان آنها مانند فرعون و هواداران او است.

توضیح: روایات زیادی رسیده که منظور از فرعون و هامان در آیه ابا بکر و عمرند.

معانی الاخبار: مفضل گفت از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم می فرمود که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم نگاه به علی و حسن و حسین علیهم السّلام نموده گریه کرد فرمود شما مستضعفین هستید پس از من، عرضکردم یا ابن رسول اللّٰه معنی این فرمایش پیامبر چیست؟ فرمود معنای آن اینست که که شما پیشوا و امام مردمید بعد از من خداوند در این آیه می فرماید: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ.

تفسیر قمی: نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَإِ مُوسى وَ فِرْعَوْنَ تا إِنَّهُ كانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ خداوند در این آیات خبر میدهد از ناراحتیهائی که موسی و اصحابش از فرعون دیدند از کشته شدن و ظلم تا تذکار این مطلب موجب تسلی و تسکین پیامبر اکرم گردد راجع به ناراحتی هائی که اهل بیت او از امتش می بینند سپس به او مژده داد پس از این تسلی که خاندانش پیروز می شوند بر دشمنان و آنها را در روی زمین خلیفه و امام بر امت قرار خواهد داد.

بسوی دنیا باز میگردند با دشمنانشان تا از آنها انتقام بگیرند فرموده:

وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ، وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ

هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما كانُوا يَحْذَرُونَ.

اگر این آیه در باره موسی و فرعون نازل شده بود باید میفرمود: وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما كانُوا يَحْذَرُونَ و بفرعون و هامان و سپاه آن دو

امامت، ج ۲، ص: ۱۴۴

نشان میدادیم از موسی چیزی که موجب ترس و وحشت آنها بود (از کشته شدن و شکنجه) ضمیر را مفرد می آورد (منه) نه (منهم) ضمیر جمع وقتی می فرماید تصمیم داریم منت گذاریم بر کسانی که ضعیف شمرده شده اند در زمین آنها را امام قرار دهیم متوجه میشویم که خطاب به پیامبر است و وعده ای که خدا باو داده، مربوط به بعد از آن جناب است و ائمه از فرزندان او هستند.

خداوند این مثل را برای آنها زده در مورد موسی و بنی اسرائیل و دشمنان آنها فرعون و هامان و سپاه آن دو فرموده است فرعون شروع بکشتار بنی اسرائیل کرد و به آنها ستم نمود.

خداوند موسی را بر او پیروز کرد تا آنجا که موجب هلاکت فرعون گردید همچنین اهل بیت پیامبر از دشمنان خود ستمهائی از کشته شدن و غصب مقام دیدند در آینده خداوند آنها را بدنیا برمیگرداند و دشمنان ایشان را نیز می آورد تا آنها را بکشند.

امیر المؤمنین علیه السّلام در باره دشمنان خود مثلی زده مانند مثالی که خدا به فرعون و هامان زده فرموده است: ای مردم اول کسی که ستمگری را در زمین شروع کرد عناق دختر آدم بود.

خداوند برای او بیست انگشت آفرید در هر انگشت دو ناخن قرار داشت هر کدام باندازه ی منجل بزرگی بود و یک جریب زمین محل نشستن او می شد وقتی ستمکاری را

از پیش گرفت خداوند شیری باندازه فیل و گرگی باندازه شتر و عقابی مانند الاغ برای نابودی او فرستاد این مربوط به آفریده های اول بود خداوند شیر و گرگ و عقاب را بر آن زن مسلط گردانید او را کشتند.

دقت نمائید خداوند فرعون و هامان را کشت و قارون را در زمین فرو برد این مثالی است آورده از برای دشمنان خدا که غصب حقش را نمودند آنها را هلاک کرد.

سپس امیر المؤمنین علیه السّلام بعد از این مثل فرمود مرا حقی بود که اشخاص

امامت، ج ۲، ص: ۱۴۵

تا اهل آن را غصب کردند با اینکه شریک در آن امر نبودند و نمیتواند توبه از این عمل نماید مگر از جانب خدا آیه ای نازل شود و یا پیامبری ارسال گردد کجا میتواند پس از پیامبر اکرم محمّد مصطفی پیامبری بیاید با اینکه نبوت باو ختم شده و چطور توبه میکند با اینکه در برزخ قیامت بسر میبرد و فریب آرزوهای خود را خورده و گمراه شده اینک بر فراز آتشی سهمگین قرار گرفته که او را بداخل جهنم پرتاب میکند خداوند ستمگران را هدایت نخواهد کرد. «۱»

چنین است مثل قائم در غیبت و فرار از اجتماع و پنهان زیستن مانند موسی که ترسان و پنهان میزیست تا خداوند اجازه ظهور و استرداد حق و کشتن دشمنانش را بدهد که در این آیه میفرماید: أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ.

خداوند مثلی برای حسین بن علی علیه السّلام در بنی اسرائیل دارد راجع به ناراحتی هائی که از دشمنان دیدند.

ابن حمید از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد

که منهال بن عمر خدمت علی بن الحسین زین العابدین علیه السّلام رسید و عرضکرد آقا! حال شما چطور است فرمود و ای بر تو نمیدانی حال ما چطور است ما در میان ملتی هستیم مانند بنی اسرائیل در میان فرعونیان که فرزندان آنها را میکشتند و زنان را زنده نگه میداشتند.

کنز جامع الفوائد: از ربیعه بن ناجد نقل میکند که از علی علیه السّلام شنیدم پس از خواندن این آیه فرمود: دنیا بما رو می آورد مانند ماده شتر که بفرزند خود روی می آورد آن ماده شتری که کمال حمایت را از فرزند خود دارد.

با همین اسناد از ابو صالح از علی علیه السّلام این روایت نقل شده و در تفسیر فرات است که علی علیه السّلام فرمود این آیه در باره ما نازل شده.

تفسیر فرات: ثویر بن ابی فاخته گفت زین العابدین علیه السّلام بمن فرمود قرآن میخوانی عرضکردم: آری فرمود بخوان طسم سوره موسی و فرعون را.

امامت، ج ۲، ص: ۱۴۶

من چهار آیه از اول سوره را خواندم تا رسیدم باین آیه: وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ فرمود کافی است بآن خدائی که محمّد را بحق برانگیخته بشیر و نذیر، نیکان از ما خانواده و شیعیان ما مانند موسی و پیروان او هستند.

تفسیر فرات: حسین بن سعید باسناد خود از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل میکند که فرمود هر که مایل است وضع ما و این قوم را بداند. ما و شیعیانمان در آن روز که خدا آسمانها را آفرید شبیه موسی و پیروان او هستیم و دشمنانمان شبیه فرعون و پیروانش در باره ما این آیات از اول سوره قصص

تا يَحْذَرُونَ نازل شده قسم بآن خدائى كه دانه را شكافت و جان بانسان داد و كتاب آسمانى بر محمّد براستى و عدالت نازل نمود و قدرت و حكومت بسوى شما باز خواهد گشت مانند ماده شترى كه بفرزند خود توجه دارد.

تفسير فرات: زيد بن سلام جعفى گفت خدمت حضرت باقر عليه السّلام رسيده عرضكردم آقا خيثمه جعفى از شما نقل كرد كه فرموده ايد: وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ ائمه در باره اين آيه شما هستيد و وارثين نيز شمائيد فرمود بخدا قسم خيثمه راست گفته همين طور باو گفته ام.

تفسير عياشى: حضرت باقر عليه السّلام در باره آيه: الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ، رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُها تا نَصِيراً ما همان گروه هستيم.

تفسير عياشى: سماعه گفت از حضرت صادق عليه السّلام تفسير مستضعفين را پرسيدم فرمود آنها اهل ولايت هستند عرضكردم كدام ولايت منظور شما است فرمود منظور ولايت دينى نيست اما ازدواج وارث و آميزش با آنها صحيح است ولى نه مؤمن و نه كافرند گروهى كه اميد نجات آنها در آخرت است.

اما مستضعفينى كه در اين آيه قرار دارد وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْيَةِ تا نَصِيراً ما هستيم.

توضيح: لفظ مستضعفين در دو آيه سوره نساء قرار دارد: اول- وَ ما لَكُمْ

لا تُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيراً.

دوم- إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلائِكَةُ ظالِمِي أَنْفُسِهِمْ قالُوا فِيمَ

كُنْتُمْ قالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ تا إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ لا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَ لا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا.

امام عليه السّلام آيه اولى را بائمه عليهم السّلام تفسير نموده زيرا خداوند آنها را قرين خويش قرار داده و پيكار در راه آنها را مانند پيكار در راه خود ميداند و آيه دوم راجع بكسانيست كه ايمان كامل ندارند و عذرى در اين مورد آورده اند ميگويند ما نتوانستيم راه بجائى پيدا كنيم عذرشان پذيرفته شد.

مناقب: ابو الصباح گفت حضرت باقر عليه السّلام نگاهى بحضرت صادق نموده فرمود بخدا قسم اين از آنهائى است كه خداوند فرموده: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ.

بخش پنجاهم ائمه عليهم السلام (كلمات اللّه) هستند و شيعيان آنها كلم طيب

آيات- سوره كهف: آيه ١٠٩: قُلْ لَوْ كانَ الْبَحْرُ مِداداً لِكَلِماتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِماتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنا بِمِثْلِهِ مَدَداً.

لقمان: آيه ٢٧: وَ لَوْ أَنَّ ما فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلامٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ ما نَفِدَتْ كَلِماتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

الفتح: آيه ٢۶: وَ أَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوى .

تفسير: در معنى كلمات خدا گفته شده است مقدرات اوست، بعضى علوم خدا را گفته اند وعده ثواب براى نيكان و عقاب براى متمرّدان را نيز گفته اند بنا بر تفسير اهل بيت كه مراد از كلمات ائمه عليهم السّلام باشد منظور از تمام نشدن يعنى فضائل و مناقب و علوم آنها تمام شدنى نيست. كلمه التقوى را بيشتر از مفسرين بكلمه توحيد تفسير كرده اند بعضى ثبات و پايدارى و وفاى بعهد دانسته اند و در تفسير اهل بيت عليهم السّلام منظور ولايت است كه بوسيله آن ميتوان از آتش جهنم پرهيز نمود يا باين جهت كه

اعتقاد بائمه عقیده اهل تقوی است.

در تفسیر علی بن ابراهیم از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه قُلْ لَوْ کانَ الْبَحْرُ مِداداً لِکَلِماتِ رَبِّی میفرماید خداوند اطلاع میدهد که کلام خدا پایان ندارد و پیوسته و پایدار است.

امامت، ج ۲، ص: ۱۴۹

توضیح: این تفسیر نیز بازگشت بفضائل و مناقب آنها دارد زیرا ائمه علیهم السّلام پایگاه کلمات و علوم خدایند.

مناقب: و تحف العقول و احتجاج: یحیی بن اکثم از حضرت ابو الحسن علیه السّلام پرسید هفت دریا سَبْعَةُ أَبْحُرٍ ما نَفِدَتْ کَلِماتُ اللَّهِ که در این آیه میفرماید کدام است فرمود چشمه کبریت و چشمه یمن و چشمه برهوت و چشمه طبریه و چشمه ماسبذان «که در ناحیه اسفرایین است و آب گرم آفریقا و آب گرم ماجوران فرمود ما کلمات خدا هستیم که فضائل و مناقب ما پایان پذیر نیست.

تفسیر قمی: وَ لَوْ لا کَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ نوشته است کلمه در آیه امام است و دلیل بر این مطلب آیه مبارکه است وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ یعنی امامت را در فرزندان او قرار داد سپس میفرماید: إِنَّ الظَّالِمِینَ یعنی کسانی که ستم بر این کلمه روا داشتند لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ آنها را عذابی دردناک است.

آنگاه میفرماید: تَرَی الظَّالِمِینَ یعنی می بینی ستمگران حق آل محمّد را مُشْفِقِینَ مِمَّا کَسَبُوا از کاری که کرده اند بیمناکند وَ هُوَ واقِعٌ بِهِمْ آن ناراحتی ایشان را فراخواهد گرفت سپس خداوند ذکر میکند کسانی را که ایمان بکلمه آورده و پیرو آنها شده اند میفرماید.

وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فِی رَوْضاتِ الْجَنَّاتِ تا ذلِکَ الَّذِی یُبَشِّرُ اللَّهُ عِبادَهُ الَّذِینَ آمَنُوا این بشارتی است که خدا

میدهد بکسانی که ایمان بکلمه آورده اند وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ و آنچه دستور دادند عمل کرده اند.

تفسیر قمی: تَبْدِیلَ لِکَلِماتِ اللَّهِ

یعنی تغیری در امامت نیست.

توضیح: اخبار زیادی گذشت در بخشهای احوال آدم و ابراهیم علیهم السّلام که آنها کلمات اللّه هستند.

امامت، ج ۲، ص: ۱۵۰

کافی: باسناد خود از حضرت باقر نقل میکند که فرمود پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم بدشمنان خدا و پیروان شیطان فرمود: قُلْ ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفِینَ من از شما پاداشی تقاضا ندارم و در مورد چیزی که شایستگی ندارید بزور وادارتان نمیکنم.

در این موقع بعضی از منافقین بدیگران گفتند کافی نیست محمّد را که مدت بیست سال است بر ما حکومت می کند حالا تصمیم دارد خویشاوندان خود را بار بر گردن ما نماید اگر کشته شود یا بمیرد بخویشاوندانش نخواهیم داد دیگر نخواهیم گذاشت حکومت باین خانواده بر گردد خداوند خواست پیامبرش مطلع باشد از آنچه ایشان تصمیم گرفته اند و با خود پنهانی گفتگو کردند این آیه را فرستاد: أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً فَإِنْ یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ دروغ بر خدا بسته اند اگر خداوند تصمیم بگیرد وحی را از تو قطع نماید دیگر خبر از فضائل و مودت اهل بیت خود نخواهی داد.

یَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ وَ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ حق را خواهد گفت و ولایت متعلق باهل بیت تو است إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ او اطلاع دارد از دشمنیهائی که منافقین با خویشاوندان تو دارند و می داند چه ستمی بر آنها بعد از این وارد میکنند.

تفسیر قمی: محمّد بن مسلم از حضرت باقر در باره آیه فَإِنْ یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی

قَلْبِكَ اگر خدا بخواهد در صورتی که تو دروغ بر او ببندی وحی را از تو قطع می نماید وَ يَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ خدا باطل را از میان می برد وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ و حق را استوار میدارد بوسیله کلمات خود یعنی ائمه علیهم السلام و قائم از آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم.

امالی شیخ: عمر بن علی از حضرت باقر از آباء گرام خود نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود خداوند با من پیمانی بست عرضکردم بار الها برای من توضیح بده فرمود گوش کن عرضکردم گوش فرا داشتم فرمود یا محمّد علی پرچم هدایت پس از تو است و پیشوای دوستان من و نور درخشان برای فرمانبرداران

امامت، ج ۲، ص: ۱۵۱

و اوست همان کلمه ای که بر متقین و پرهیزگاران محبتش را واجب کرده ام هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که با او دشمن باشد با من دشمن شده این مژده را بآنها بده.

بصائر: عبد اللَّه بن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد در باره آیه وَ لَقَدْ عَهِدْنا إِلى آدَمَ مِنْ قَبْلُ با آدم در مورد کلماتی (محمّد و علی و حسن و حسین و ائمه) از نژاد آنها قراردادی بستم (فنسی) فراموش کرد فرمود بخدا چنین بر محمّد نازل شد.

اکمال الدین: مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که سؤال کردم از آن جناب راجع بآیه وَ إِذِ ابْتَلى إِبْراهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ که کلمات در این آیه چیست؟

فرمود: همان کلماتی است که آدم از پروردگار خود فرا گرفت و پس از آن توبه اش را پذیرفت و آن چنین بود که

گفت:

خدایا از تو درخواست میکنم بحق محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین که از من درگذری خداوند توبه اش را پذیرفت إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

عرضکردم پس منظور خداوند که میفرماید: فَأَتَمَّهُنَّ آنها را بپایان رسانید چیست؟ فرمود یعنی آنها را بوسیله قائم تکمیل کرد دوازده امام که نه نفر از اولاد حسین هستند. مفضل گفت: عرضکردم یا بن رسول اللّٰه پس تفسیر این آیه را بفرمائید وَ جَعَلَها كَلِمَةً باقِيَةً فِي عَقِبِهِ فرمود یعنی امامت را در اولاد حسین قراردادم تا قیامت.

عرضکردم: چرا امامت باولاد حضرت حسین علیه السّلام رسید نه بفرزندان امام حسن با اینکه هر دو فرزند پیامبر و نواده او و سرور جوانان بهشت بودند فرمود موسی و هارون هر دو پیامبر مرسل و برادر بودند خداوند پیامبری را در نژاد هارون قرار داد موسی و دیگری را جای اعتراض نیست که چرا. همچنین امامت خلافت خدا است در زمین کسی نمیتواند بگوید چرا در اولاد امام حسین خدا قرار داده و در

امامت، ج ۲، ص: ۱۵۲

اولاد امام حسن قرار نداده زیرا او در کارهایش حکیم است و هیچ کاری را جز بر مصلحت نمیکند از کار خدا نمی توان بازخواست کرد مردم مورد بازخواست قرار می گیرند.

توضیح: بعضی از مفسرین کلمات را بدستورات دین و بعضی به سنن ابراهیمی و معانی دیگر کرده اند ولی پوشیده نیست که تفسیر امام از تمام آنها روشنتر است زیرا معلوم است که این قسمت آیه: إِذِ ابْتَلى إِبْراهِيمَ مجمل است که آن را این قسمت آیه تفسیر میکند: إِنِّي جاعِلُكَ ... حاصل معنی اینست که خداوند ابراهیم را بکلماتی که امامت است گرامی داشت و آنها

را تکمیل نمود چون ابراهیم امامت را برای فرزندان خود تقاضا کرد خداوند تقاضای او را پذیرفت.

اما در فرزندان معصومش که آخر آنها حضرت قائم است تقاضای ابراهیم که وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي تفسیر است از برای فَأَتَمَّهُنَّ بنا بر این وجه ممکن است ضمیر مستتر در فَأَتَمَّهُنَّ برگردد بخداوند یعنی خدا تکمیل کرد امامت را بدعای حضرت ابراهیم اما وجه اول آشکارتر است جای تردیدی نیست که تمام آیه بنا بر این تفسیر بر معنی ای که ذکر شد منطبق می شود بدون نارسایی و اشکالی.

بصائر: یونس بن ظبیان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که شنیدم میفرمود وقتی خداوند تصمیم بگیرد امامی را از امام دیگر بیافریند فرشته ای را میفرستد که آبی از زیر عرش میگیرد بعد میرساند آن آب را بامام یا باو وامی گذارد چهل روز در رحم میماند بدون اینکه چیزی بشنود پس از چهل روز می شنود.

وقتی مادر او را زائید خداوند همان فرشته را میفرستد بر بازوی راست او مینویسد: وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقاً وَ عَدْلًا لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

تفسیر عیاشی: جابر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام راجع بتفسیر این آیه پرسیدم: يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ وَ يَقْطَعَ دابِرَ الْكافِرِينَ فرمود تفسیر این آیه در باطن اینست که خدا اراده دارد یعنی هنوز انجام نداده و معنی يُحِقَ

امامت، ج ۲، ص: ۱۵۳

الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ یعنی احقاق حق آل محمّد را کند اما بِكَلِماتِهِ در باطن علی کلمه اللّه است وَ يَقْطَعَ دابِرَ الْكافِرِينَ منظور بنی امیه است که خداوند دمار از روزگار آنها میکشد و اینکه فرموده: لِيُحِقَّ الْحَقَّ یعنی تا احقاق حق آل محمّد را بکند

هنگام قیام حضرت قائم وَ يُبْطِلَ الْباطِلَ یعنی قائم وقتی قیام کرد باطل بنی امیه را از میان میبرد این است معنی آیه.

کنز جامع الفوائد: سلیم بن قیس گفت روزی حضرت امیر المؤمنین وارد مسجد شد ما اطراف آن جناب را گرفتیم فرمود از من بپرسید قبل از اینکه مرا نیابید، از قرآن بپرسید در قرآن دانش پیشینیان و آیندگان هست جای ایرادی برای کسی نگذاشته و تأویل آن را جز خدا و راسخین در علم نمیدانند راسخین یک نفر نیست پیامبر اکرم یکی از راسخین است که خداوند به او تعلیم کرده و او بمن آموخته.

سپس پیوسته در اولاد او خواهد بود تا روز قیامت بعد این آیه را تلاوت کرد: وَ بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسى وَ آلُ هارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلائِكَةُ من نسبت به پیامبر مانند هارون هستم نسبت بموسی بجز مقام نبوت و دانش او در نژاد ما است تا دامنه قیامت بعد این آیه را تلاوت نمود: وَ جَعَلَها كَلِمَةً باقِيَةً فِي عَقِبِهِ.

بعد فرمود پیامبر اکرم عقب و بازمانده ابراهیم است ما اهل بیت نیز از بازماندگان ابراهیم و محمّد هستیم.

کنز جامع الفوائد: ابو بصیر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: وَ جَعَلَها كَلِمَةً باقِيَةً فِي عَقِبِهِ فرمود این مقام (امامت) در فرزندان حسین است پیوسته پس از انتقال بحسین علیه السّلام از پدر به پسر منتقل می شود نه به برادر و عمو و هر کدام از امامها قبل از اینکه از دنیا برود دارای فرزند است اما عبد اللّه بن جعفر (عبد اللّه افطح) از دنیا رفت در حالی که فرزندی نداشت بیش از چند ماه میان هواداران

خود زندگی نکرد.

توضیح: دنباله خبر رد بر طرفداران عبد اللّه افطح فرزند حضرت صادق علیه السّلام

امامت، ج ۲، ص: ۱۵۴

است که فطحی مذهبان او را امام میدانستند.

در ضمن باید توجه داشت که این آیه پس از قصه ابراهیم علیه السّلام است در آنجا که میفرماید: إِذْ قالَ إِبْراهِیمُ لِأَبِیهِ وَ قَوْمِهِ إِنَّنِی بَراءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ، إِلَّا الَّذِی فَطَرَنِی فَإِنَّهُ سَیَهْدِینِ بعد این آیه را ذکر نموده.

بیضاوی مینویسد: قرار داد ابراهیم (یا خدا) کلمه توحید را پایدار و در نژاد خود که پیوسته در میان آنها کسانی هستند که خدای را بیگانگی می پرستند و دعوت بتوحید او میکنند: لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ یعنی شاید برگردد کسی که مشرک شده بواسطه دعوت موحدین از نژاد ابراهیم.

مرحوم طبرسی می نویسد: کلمه باقیه امامت است که در نژاد ابراهیم است تا روز قیامت این معنی از حضرت صادق نقل شده اختلاف کرده اند در نژاد ابراهیم که کیانند.

بعضی گفته اند فرزندان ابراهیم و بعضی می گویند آل محمّدند از سدی نقل شده.

کنز جامع الفوائد: مالک بن عبد اللّه گفت بمولایم حضرت رضا علیه السّلام عرض کردم معنی: وَ أَلْزَمَهُمْ کَلِمَةَ التَّقْوی فرمود ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام است.

کنز جامع الفوائد: غالب جهنی از حضرت باقر از آباء گرام خود از علی علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم بمن فرمود وقتی مرا بآسمان بردند تا سدره المنتهی که رسیدم و در مقابل پروردگار ایستادم.

فرمود یا محمّد! عرضکردم: بلی. فرمود تو مردم را آزمایش کرده ای کدام یک بیشتر پیرو تو بودند گفتم خدایا علی، فرمود درست است آیا برای خود جانشینی گرفته ای که دنباله مأموریت ترا بگیرد و کتاب مرا به مردم بیاموزد عرضکردم: نه.

عرضکردم خدایا تو

انتخاب کن که منتخب تو بصلاح من است فرمود من علی را برگزیدم او را جانشین و وصی خود قرار ده من علم و حلم خویش را باو

امامت، ج ۲، ص: ۱۵۵

بخشیدم او واقعا امیر المؤمنین است و این مقام را کسی قبل از او نداشته و بعد از او نخواهد داشت، یا محمّد! علی پرچم هدایت و پیشوای فرمانبرداران و روشنی بخش دل دوستان و او کلمه تقوی است که بر متقین محبت او را واجب نموده ام هر که او را دوست بدارد دوست داشته و هر که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته این بشارت را به او بده.

پیامبر اکرم این بشارت را به علی علیه السّلام داد علی گفت من بنده خدا و در اختیار اویم اگر مرا کیفر کند از خطای من است نه اینکه ستم بمن روا داشته باشد و اگر وعده خود را انجام دهد او شایسته چنین کاری است نسبت بمن.

پیامبر اکرم گفت خدایا دل او را بزرگ دار و ایمان بخود را روشنی بخش دلش قرار ده فرمود این خواسته ترا مستجاب کردم جز اینکه او را امتیاز بخشیدم به گرفتاریهائی که هیچ یک از اولیاء خود را چنین امتیازی نداده ام عرضکردم خدایا برادر و مصاحب من است.

فرمود در علم من چنین گذشته که او گرفتار خواهد شد اگر علی نبود دوستان من و پیامبرم شناخته نمی شدند.

تفسیر قمی: إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ، وَ لَوْ جاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوُا الْعَذابَ الْأَلِيمَ کسانی که بر آنها ثابت شد کلمه خدا ایمان نمی آورند گرچه هر نوع معجزه ای برای آنها بیاوری تا عذابی دردناک را ببینند

فرمود یعنی کسانی که ولایت امیر المؤمنین بر آنها عرضه شود و ایمان بآن واجب گردد ایمان نمی آورند.

توضیح: بنا بر تأویل امام علیه السّلام کلمه بولایت تفسیر شده یعنی حجت بر آنها تمام شود.

بعضی از مفسرین گفته اند یعنی خدا خبر داده که آنها ایمان نمی آورند بعضی نیز می گویند یعنی بر آنها خشم و غضب خدا لازم شده.

مناقب: عمار بن یقظان اسدی از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: إِلَيْهِ

امامت، ج ۲، ص: ۱۵۶

يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ فرمود ولایت ما خانواده است اشاره بسینه خود کرد هر که ولایت ما را نداشته باشد عمل صالحی از او پذیرفته نیست.

سدی در آیه: وَ جَعَلَها كَلِمَةً باقِيَةً فِي عَقِبِهِ گفت یعنی در آل محمّد، منظور اینست که دوست آنها و دوستانشان هستیم تا روز قیامت و دشمنیم با دشمنان آنها تا قیامت.

مناقب: یحیی بن عبد اللَّه بن حسن از حضرت صادق در مورد آیه: وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنا لِعِبادِنَا الْمُرْسَلِينَ، إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ فرمود ما آنهائیم.

توضیح: شاید منظور امام اینست که ما همان کلمه ای هستیم که برای عباد مرسلین ذکر کرده یا ولایت ما در صورتی که جمله: إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ارتباطی بقبل نداشته باشد شاید منظور اینست که ما داخل در آن عده هستیم که خدا وعده نصرت بآنها داده.

تفسیر قمی: ذکر ائمه علیهم السّلام را نموده و این آیه را آورده: وَ جَعَلَها كَلِمَةً باقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ منظور اینست که ائمه باز خواهند گشت بدنیا (در رجعت).

عمده: ابن عباس گفت از پیامبر اکرم پرسیدند کلماتی که آدم از خدا گرفت چه بود.

فرمود: از خدا خواست بحق محمّد و علی و فاطمه

و حسن و حسین علیهم السّلام که توبه اش را بپذیرد خدا نیز پذیرفت.

کافی: از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که فرمود بسوی ولی امر امام نازل می شود.

تفسیر: امور سال بسال باو در مورد خودش دستور می رسد که چنین و چنان کنند و در مورد مردم نیز چنین و چنان کنند ولی برای ولی اللّه و امام غیر از این در هر روز علم خاص خدا و مستور و عجیب و پنهانش نیز بوجود می آید مانند آنچه در امشب اتفاق می افتد بعد این آیه را خواند: وَ لَوْ أَنَّ ما فِي الْأَرْضِ ...

امامت، ج ۲، ص: ۱۵۷

تفسیر قمی: وَ لَوْ أَنَّ ما فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ گفت توضیح آیه چنین است که یهودان از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم راجع به روح سؤال کردند فرمود: الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَ ما أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا روح از جانب خدا است بشما از علم مقدار کمی داده اند گفتند بما یهودان یا بتمام مردم؟ فرمود، نه بتمام مردم.

گفتند این چطور درست می شود یا محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم تو مدعی هستی که از علم قلیلی داده اند با اینکه بشما قرآن و بما تورات داده شده و در قرآن میخوانی وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ هر که باو حکمت دهند یعنی تورات: فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيراً نعمت زیادی باو ارزانی شده.

خداوند این آیه را نازل نمود: وَ لَوْ أَنَّ ما فِي الْأَرْضِ آیه میگوید علم خدا بزرگتر از اینها است آنچه بشما داده شده در نظر شما زیاد است ولی نزد خدا کم است.

خصال: ابن عباس از پیامبر اکرم نقل کرد که

در خطبه ی خود فرمود ما کلمه تقوی و راه رستگاری هستیم.

توحید: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که امیر المؤمنین در خطبه ی خود فرمود: من عروه الوثقی و کلمه تقوی هستم.

اکمال الدین: از حضرت رضا علیه السّلام نقل می کند که فرمود ما کلمه تقوی و عروه الوثقی هستیم.

بخش پنجاه و یکم ائمه علیهم السّلام (حرمات اللَّه) هستند

آیات- الحج: وَ مَنْ یُعَظِّمْ حُرُماتِ اللَّهِ فَهُوَ خَیْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ.

تفسیر: حرمه چیزی که هتک آن حرام است بعضی گفته در این آیه، منظور مناسک حج است و بیت الحرام و بلد حرام و ماه حرام و مسجد الحرام نیز گفته اند.

آنچه در اخبار خواهد آمد قابل اعتماد است شک نیست که احترام ائمه و بزرگداشت مقام آنها در حیات و بعد از وفات واجب است همچنین احترام بآنچه نسبت باین خاندان دارد از قبیل حرمهای منوره و اخبار و آثار و فرزندانشان و دانشمندانی که حمل اخبار و علوم ایشان را نموده اند.

معانی الاخبار و خصال و امالی: عبد اللَّه بن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: خدا را سه حرمت است که نظیر ندارند: ۱- کتاب خدا که حکمت و نور او است و خانه خدا که قبله مسلمانان جهان است و از هیچ کس پذیرفته نمی شود که روی بجانب دیگر کند و اولاد پیامبرتان.

خصال: ابو سعید خدری گفت پیامبر اکرم فرمود: خدا دارای سه حرمت است هر کس آنها را حفظ کند خداوند امر دین و دنیایش را حفظ میکند و هر کس حفظ نکند خداوند چیزی برای او حفظ نمیکند. حرمت اسلام و حرمت خودم و حرمت عترتم.

امامت، ج ۲، ص: ۱۵۹

خصال: جابر گفت: از پیامبر اکرم شنیدم

میفرمود: روز قیامت سه چیز بشکایت می آیند قرآن و مسجد و عترت.

قرآن میگوید: خدایا مرا تحریف نمودند و پاره پاره ام کردند. مسجد میگوید: خدایا مرا تعطیل کردند و ضایع نمودند. عترت میگوید: خدایا ما را کشتند و تبعید نمودند و طرد کردند من بدو زانو می نشینم برای دادخواهی خداوند میفرماید من شایسته این کارم.

کافی: علی بن شجره از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد خدا را در زمین پنج حرمت است: حرمت پیامبر و حرمت آل او و حرمت کتاب خدا و حرمت کعبه و حرمت مؤمن.

کنز جامع الفوائد: عیسی بن داود از امام موسی بن جعفر علیه السّلام در مورد آیه: وَ مَنْ يُعَظِّمْ حُرُماتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ فرمود سه حرمت است که واجب است هر کس قطع حرمت یکی از آنها را بنماید مشرك بخدا شده اول هتك حرمت خدا در بیت الحرام. دوم تعطیل کتاب و عمل بغیر او و سوم قطع آنچه خدا واجب نموده که عبارت است از مودت ما و اطاعت از ما.

ابن بطریق در مستدرك از کتاب فردوس باسناد خود از جابر نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: سه چیز بشکایت روز قیامت می آیند آنگاه خبری که از خصال نقل شد عینا نقل میکند.

بخش پنجاه و دوم ائمه علیهم السّلام و ولایت آنها عدل و معروف و احسان و قسط و میزان است و ترک ولایت آنها و ولایت دشمنانشان کفر و فسوق و عصیان و فحشا و منکر و بغی است

کشف الیقین: عیسی بن داود نجار از ابو الحسن موسی بن جعفر از پدر بزرگوارش در آیه: وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كانَ مَسْؤُلًا. وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ.

فرمود: عهد همان پیمانی است که پیامبر اکرم از مردم گرفت راجع بمودت ما و اطاعت امیر المؤمنین که با او مخالفت نکنند و او را مقدم بدارند و

رابطه خویشاوندیش را قطع نکنند و بآنها اطلاع داد که از این امر بازخواست خواهند شد و هم از کتاب خدا.

اما قسطاس در آیه امام است که عادلترین فرد روی زمین است و قسطاس همان حکم ائمه علیهم السّلام است خداوند در این آیه میفرماید: ذٰلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا خداوند فرموده: امام داناتر است بتأویل قرآن و آنچه حکم میکند و قضاوت می نماید.

امامت، ج ۲، ص: ۱۶۱

تفسیر قمی: وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُما أَبْكَمُ لا يَقْدِرُ عَلى شَيْ ءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلى مَوْلاهُ أَيْنَما يُوَجِّهْهُ لا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ.

خداوند مثل میزند دو نفر را که یکی لال است و قادر بر کاری نیست و بر مولای خود تحمیل شده هر کجا او را بفرستد کار خوبی انجام نمیدهد آیا این شخص مساوی است با کسی که امر بدادگری می کند و خود در راه مستقیم است.

آیا مساوی هستند این دو نفر منظور امیر المؤمنین و ائمه علیهم السّلام هستند.

تفسیر عیاشی: عبد الاعلی از حضرت صادق علیه السّلام در آیه: خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِينَ امر بمعروف کن یعنی بولایت.

کافی: ابراهیم همدانی از حضرت صادق در مورد آیه: وَ نَضَعُ الْمَوازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ فرمود: میزانهای قسط و دادگری انبیاء و اوصیاء هستند.

توضیح: شاید منظور اینست که آنها صاحبان میزان و داورند در هنگام ارزشیابی اعمال.

تفسیر عیاشی: حضرت باقر فرمود جبرئیل برای حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم این آیه را آورد: الظَّالِمِينَ یعنی ستمگران حق آل محمّد إِلَّا خَساراً جز زیان نخواهند دید.

تفسیر قمی: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ

بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِی الْقُرْبی وَ يَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ فرمود عدل گواهی بيكتائی خدا و رسالت پيامبر است و احسان امير المؤمنين عليه السّلام است فحشاء (كار زشت) و منكر (عمل بد) و بغی (ستم) فلان فلان و فلان است.

ارشاد القلوب: از حضرت باقر در مورد آيه: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ فرمود: عدل گواهی بيكتائی خدا و پيامبر و احسان ولايت امير المؤمنين و پيروی از آن دو است وَ إِيتاءِ ذِی الْقُرْبی حسن و حسين و ائمه از نژاد حسين عليهم السّلام است وَ يَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ هر كس بآنها ستم روا دارد و بكشد ايشان را و جلوگيری از حقوقشان بنمايد.

امامت، ج ۲، ص: ۱۶۲

تفسير عياشی: اسماعيل جريری گفت بحضرت صادق عليه السّلام گفتم إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِی الْقُرْبی وَ يَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ فرمود اين طور كه من ميخوانم بخوان: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِی الْقُرْبی حقه وَ يَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ عرض كردم فدايت شوم مادر قرائت زيد اين طور نمی خوانيم.

فرمود ما اين طور ميخوانيم و در قرائت علی عليه السّلام چنين است پرسيدم معنی عدل در آيه چيست؟ فرمود: شهادت بلا اله الا اللّه گفتم احسان فرمود: شهادت به پيامبری حضرت محمّد گفتم پس معنی دادن حق خويشاوندان چيست؟ فرمود:

سپردن هر امام امامت را بامام ديگری پس از امام پيش وَ يَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ فرمود ولايت فلان.

غيبت نعمانی: محمّد بن منصور گفت از حضرت صادق راجع باين آيه پرسيدم:

وَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً

قالُوا وَجَدْنا عَلَيْها آباءَنا وَ اللَّهُ أَمَرَنا بِها قُلْ إِنَّ اللَّهَ لا يَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ آیا دیده ای یکنفر بگوید خدا او را بزنا و شرابخواری واداشته یا یکی دیگر از حرامها. گفتم: نه فرمود: پس این کار زشتی که مدعی هستند خدا بآنها امر کرده، چیست؟

گفتم خدا و امام بهتر میدانند. فرمود این مطلب مربوط بپیروان پیشوایان ستمگر است که ادعا می کنند خدا بآنها امر کرده پیرو ایشان باشند خداوند آنها را در این ادعا رد می کند و اطلاع می دهد که آنها دروغ بر خدا بسته اند این کار آنها را فاحشه نام نهاده.

محمّد بن منصور گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام این آیه را پرسیدم:

إِنَّما حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ فرمود قرآن دارای ظاهر و باطن است آنچه حرام نموده حرام است چنانچه ظاهر قرآن شاهد است و باطن همان طور است آنچه در ظاهر و باطن است از آن حرامها پیشوایان جورند و آنچه خداوند در قرآن حلال نموده حلال است در ظاهر و باطن از جمله حلال های ائمه هدی هستند.

امامت، ج ۲، ص: ۱۶۳

کنز: محمّد بن حنفیه از پدرش علی علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه: وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ میفرمود من آن محسن هستم.

تفسیر فرات: حسین بن سعید باسناد خود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرده گفت من در خدمتش بودم فرمود خداوند میفرماید: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى عدل رسول خدا است و احسان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى فاطمه علیها السّلام است.

تفسیر

عیاشی: از حضرت باقر نقل میکند عدل شهادت بلا اله الا اللّٰه است و احسان ولایت امیر المؤمنین «فحشاء» اولی است منکر دومی و بغی سومی.

در روایت سعد اسکاف نقل شده که فرمود: یا سعد! خداوند امر بعدل میکند و عدل محمّد است هر که از او اطاعت کند عدالت بکار برده و احسان علی است هر که او را دوست بدارد کار نیکو انجام داده و نیکوکار در بهشت است (وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى قرابت و خویشاوندی ما است خداوند دستور داده بندگان را که با ما و فرزندانمان بمودت بپردازند و از فحشاء و منکر و بغی نهی نموده. هر کس بما اهل بیت ستم روا داشته و دعوت بسوی غیر ما نموده.

بخش پنجاه و سوم ائمه علیهم السلام (جنب اللّٰه و وجه اللّٰه و ید اللّٰه) هستند

مناقب: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد در باره آیه ما فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ چقدر از دست دادم در جنب خدا. فرمود جنب اللّٰه ما هستیم. از حضرت صادق مانند همین روایت نقل شده.

ابو ذر در خبری از پیامبر اکرم نقل می کند که فرمود یا ابا ذر منکر مرا روز قیامت می آورند کور و لال است و سرنگون می شود در تاریکیهای روز قیامت فریاد میزند ای وای که چقدر از دست دادم در راه خدا.

حضرت صادق و باقر و سجاد علیه السّلام در مورد این آیه فرمودند جنب اللّٰه علی است که حجت خدا بر خلق است در روز قیامت.

حضرت رضا علیه السّلام در تفسیر فِي جَنْبِ اللَّهِ فرمود در ولایت علی امیر المؤمنین علیه السّلام فرموده است: من صراط اللّٰه و جنب اللّٰه هستم.

در باره آیه وَ يَبْقى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ حضرت

صادق علیه السّلام فرمود ما وجه اللَّه هستیم.

حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ فرمود ما وجه

امامت، ج ۲، ص: ۱۶۵

خدائیم که باید از آن جانب بسوی خدا رفت.

کنز جامع الفوائد: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده که از آباء گرام خود نقل نموده در مورد آیه یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ خداوند مرا یکی از جنب اللَّه ها قرار داده و این آیه اشاره بهمان است: یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ یعنی در راه ولایت علی علیه السّلام.

سدیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم در جواب مردی که از او این آیه را سؤال کرد: یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ میفرمود بخدا قسم ما را خداوند از نور جنب اللَّه آفریده این سخن شخص کافر است وقتی در قیامت بپایگاه دادرسی میرسد و فریاد میزند افسوس که چقدر در جنب خدا از دست دادم یعنی ولایت محمّد و آل محمّد علیهم السّلام.

کنز جامع: سوید سائی از حضرت ابو الحسن علیه السّلام در باره آیه: یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ فرمود جنب اللَّه امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است همچنین اوصیاء بعد از او در مقامی بس بلند هستند تا منتهی بآخرین وصی شود دیگر خدا میداند بعد چه خواهد شد.

کنز: سلام بن مستنیر گفت از حضرت باقر علیه السّلام این آیه را پرسیدم کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ فرمود بخدا قسم ما وجه اللَّه هستیم که تا روز قیامت پایدار است امری که خداوند در مورد ولایت و فرمانبرداری از ما نموده است معنی وجه اللهی

که فرمود كُلَّ شَيْ ءٍ هالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ هر کدام از ما بمیرد یک نفر از فرزندان او جانشینش می شود تا روز قیامت.

کنز: روایت دیگر از صالح بن سهل از حضرت صادق در تفسیر وجه اللهی نقل میکند که ما هستیم.

تفسیر قمی: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام در باره كُلُّ شَيْ ءٍ هالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ فرمود همه چیز از بین میرود فقط باقی میماند وجه پروردگار. خدا منزه است از اینکه بداشتن صورت توصیف شود تا وقتی که خداوند در بقای مردم نیازی

داشته باشد ما در میان آنها خواهیم بود هر گاه صلاحی در بودنشان ندید ما را بجانب خود میبرد و آنچه مایل باشد در باره ما انجام خواهد داد گفتم فدایت شوم (رویه) که فرمودند چیست فرمود حاجت و نیاز (یعنی تا خدا صلاح در بقای مردم بداند).

تفسیر قمی: وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ پیروی کنید از نیکوترین چیزی که خداوند بر شما نازل کرده مینویسد عبارت است از قرآن و ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام و ائمه. دلیل بر این مطلب این آیه است: أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يا حَسْرَتى عَلى ما فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ یعنی در راه امام بدلیل فرموده حضرت صادق که ما جنب اللّه هستیم.

تفسیر قمی: آیه چنین است مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لا تَشْعُرُونَ أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ .. چون حضرت صادق علیه السّلام جنب اللّه را بائمه تفسیر نموده دلالت می کند که آنچه خداوند دستور داده پیروی از آن نمایند در آیه قبل شامل ولایت است درست دقت کن. «۱»

بصائر: هاشم بن ابی عمار گفت از

امیر المؤمنین علیه السّلام شنیدم میفرمود من عین اللَّه و جنب اللَّه و ید اللَّه و باب اللَّه هستم.

دو روایت دیگر در همین که ائمه علیهم السّلام جنب اللَّه هستند نقل می شود که حضرت صادق می فرماید هر که بما پیوندد بخدا پیوسته.

احتجاج: در یک روایت مفصل که ذکر میکند مردی از کفار خدمت امیر- المؤمنین علیه السّلام رسید و سؤالهائی از آیات قرآن که برایش مشکل بود نمود و خیال میکرد این آیات تناقض دارد حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام جوابش را میداد تا بالاخره مسلمان شد از جمله سؤالهائی که کرد این بود که گفت در قرآن هست یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ فَأَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ و کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ وَ أَصْحابُ الْیَمِینِ ما أَصْحابُ الْیَمِینِ وَ أَصْحابُ الشِّمالِ ما أَصْحابُ

امامت، ج ۲، ص: ۱۶۷

الشِّمالِ معنی جنب و وجه و یمین و شمال چیست؟ واقعا مشکل است معنی اینها.

امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود منافقین بسیاری از قرآن را تغییر و تحریف نموده اند و نام گروهی از اوصیاء را که خدا ذکر کرده بود از میان بردند و نام گروهی از منافقین را اما خدا کور کند آنها آیاتی را باز بجای گذاشتند که دلالت بر فضل و مقام و وجوب اطاعت اولیاء و اوصیاء مینمود در این موقع علی علیه السّلام مقدار زیادی از آن آیات را ذکر کرد تا اینکه فرمود خداوند برای توضیح بیشتر و اثبات حجت در مورد اوصیاء و اولیای خود فرموده است:

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ که تعبیر از ائمه به جنب بواسطه قرب و نزدیکی آنها

بخداست مگر نه اینست که میگوئی فلانی پهلوی فلان کس است وقتی منظورت اینست که باو نزدیک است. خداوند این اسرار و رموز را در کتاب خود قرار داده که جز او و انبیاء و حجج الهی در روی زمین کسی نمیداند زیرا می دانست تحریف کنندگان چه خواهند کرد در مورد قرآن، نامهای اوصیاء را از میان می برند و بر مردم مشتبه میکنند تا در هدف باطلی که دارند از مردم کمک بگیرند بهمین جهت رموز را در قرآن قرار داده و چشم سر و دل آنها را از توجه بآن رموز که شاهد بدعت های آنها در دین است کور کرد.

نگهبانان قرآن و مطلعین از ظاهر و باطن آن را از شجره ای قرار داد که ریشه آن ثابت است و شاخه هایش در آسمان هر زمان میوه خود را باذن خدا میدهد یعنی علم قرآن آشکار می شود برای جویندگان گاه و بیگاه.

و دشمنان قرآن را از شجره ملعونه قرار داد آنهائی که خواستند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند. خداوند امتناع میورزد تا نور خود را تکمیل کند.

آنگاه امیر المؤمنین علیه السّلام با توضیح کامل مطلب را برای او روشن نمود تا آنجا که فرمود: اما آیه كُلُّ شَيْ ءٍ هالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ یعنی هر چیزی ناپایدار

امامت، ج ۲، ص: ۱۶۸

است جز دین خدا زیرا محال است که از خدا چیزی هلاک شود و صورت او باقی بماند خداوند منزه و بزرگتر از این نسبتها است هلاک شدنی چیزهای دیگر است نمی بینی میفرماید: كُلُّ مَنْ عَلَيْها فانٍ وَ يَبْقى وَجْهُ رَبِّكَ هر چه که بر روی زمین است فانی است باقی میماند وجه پروردگار فرق گذاشته بین سایر

موجودات و وجه خود.

تفسیر قمی: ابن طریف از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرده در باره آیه:

تَبارَکَ اسْمُ رَبِّکَ ذِی الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ فرمود ما جلال اللَّه و کرامت او هستیم که مردم را بواسطه اطاعت از ما گرامی داشته.

توحید صدوق: از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود ما مثانی هستیم که خدا به پیامبر بخشیده و ما وجه اللَّه هستیم که در میان شما رفت و آمد داریم هر که ما را شناخت و هر که جاهل بمقام بود در هنگام مرگ (متوجه زیان خود می شود).

توحید صدوق: خثیمه گفت از حضرت صادق پرسیدم آیه کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ فرمود یعنی دینش. پیامبر اکرم و امیر المؤمنین علیه السّلام دین اللَّه وجه او و عین اللَّه در میان مردم بودند و زمانی که با آن سخن میگوید و دست خدا در میان مردم ما وجه اللَّه هستیم که باید از جانب ما بخدا نزدیک شد پیوسته در میان بندگان او هستیم تا خداوند را بوجود مردم نظری است وقتی چشم از وجود آنها برداشت ما را بجانب خود می برد و آنچه خواست انجام می دهد.

توحید صدوق: مروان بن صباح گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود خداوند ما را به بهترین وجه آفرید و بهترین صورت را می بخشید ما را نماینده خود میان مردم قرار داد و زبان گویا میان خلق و دست گشاده برأفت و رحمت و وجهی که از آن جانب بخدا نزدیک شوند و بابی که بسوی خدا است و گنجینه ها در آسمان و زمین ببرکت ما درخت میوه میدهد و میوه ها قابل استفاده می شود و جویها جاری میگردد و ببرکت

ما باران از آسمان می بارد روئیدنیها میروید بوسیله عبادت و پرستش ما مردم

امامت، ج ۲، ص: ۱۶۹

خداپرست شدند اگر ما نبودیم مردم خدا پرست نمی شدند.

توضیح: یعنی ما راه عبادت را بمردم آموختیم و یا عبادت کامل انجام نمی شود مگر از ما و یا ولایت ما شرط قبول عبادت است، توجیه میانه آشکارتر است.

توحید صدوق: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: «من علم اللَّه و قلب اللَّه» گنجینه و زبان گویای خدا و چشم بینای او و جنب اللَّه و ید اللَّه ام. صدوق رحمه اللَّه علیه میگوید معنی

(انا قلب اللَّه الواعی)

یعنی آن قلبی که خداوند آن را گنجینه علم خود قرار داده و بسوی فرمانبرداری خود سوق داده است البته چنین قلبی مخلوق و آفریده خداست همان طوری که امیر المؤمنین عبد اللَّه است گفته می شود قلب اللَّه مانند عبد اللّه و بیت اللَّه و جنه اللَّه و نار اللَّه اما معنی «عین اللَّه» منظورش اینست که حافظ دین خدایم خداوند در قرآن فرموده: تَجْرِی بِأَعْيُنِنا یعنی حرکت می کند بحفظ و نگهبانی ما همچنین آیه دیگر: وَ لِتُصْنَعَ عَلى عَيْنِي یعنی بحفظ و توجه من بساز آن را.

معانی الاخبار: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: در یک خطبه خود. من هادی مهتدی پدر یتیمان و بیچارگان و شوهر بیوه زنان و پناه هر ضعیف و ملجا هر ترسان و رهبر مؤمنین بجانب بهشت و حبل اللَّه متین و عروه الوثقی و کلمه تقوی و عین اللَّه و زبان صادق خدا و دست او و جنب اللهی هستم

که می فرماید: یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ دست گشاده خدا برحمت و مغفرت و باب حطه هستم هر که مرا بشناسد و قدر و مقام مرا بداند خدای را شناخته چون من وصی پیامبر او و حجت خدا بر خلقم منکر این مقام نیست مگر کسی که انکار خدا و پیامبر نماید.

صدوق رحمه اللَّه علیه مینویسد: جنب در لغت عرب بمعنی طاعت است میگوید: (هذا صغیر فِی جَنْبِ اللَّهِ) یعنی این در راه اطاعت خدا کوچک است پس معنی فرمایش امیر المؤمنین که من جنب اللَّه هستم یعنی ولایت من اطاعت

امامت، ج ۲، ص: ۱۷۰

خدا است، خداوند میفرماید: أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ یعنی در اطاعت خدا.

بصائر: حضرت صادق فرمود: من درختی از جنب اللَّه هستم یا قطعه ای از آن هستم هر که بما توجه کند خدا باو توجه می نماید.

بصائر: حارث بن مغیره گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم مردی سؤال کرد از آیه: کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ فرمود: چه معنی میکنند عرض کرد می گویند هر چیزی از بین میرود جز وجه و صورت خدا فرمود: سبحان اللَّه چه حرف عظیمی میزنند منظورش اینست که هر چیزی از میان میرود مگر وجه خدا آن وجهی که از آن جانب بسوی خدا راه هست و ما همان وجهیم.

بصائر: سلام بن مستنیر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام معنی این آیه را پرسیدم: کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ فرمود: ما بخدا قسم همان وجه اللَّه هستیم هرگز هلاک نمی شود روز قیامت کسی که به پیشگاه پروردگار بیاید با فرمان- برداری از ما و ولایت ما اینست همان

وجهی که در آیه: کُلَّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ می فرماید، هر یک از ما بمیرد جانشینی از فرزندانش بجای او هست تا روز قیامت.

توحید: صفوان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد در تفسیر آیه: کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ فرمود هر کس به پیشگاه خدا بیاید با فرمانبرداری از محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم و ائمه بعد از او این همان راهی است که منتهی بهلاکت نمی شود بعد این آیه را قرائت نمود: مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ.

محاسن برقی: حارث نضری گفت: از حضرت صادق علیه السّلام معنی آیه: کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ را پرسیدم فرمود: هر چیزی نابود شده و هالك است مگر کسی که از راهی که شما میروید برود.

عیون اخبار الرضا: ابا صلت از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که گفتم: یا ابن

امامت، ج ۲، ص: ۱۷۱

رسول اللَّه معنی خبری که نقل میکنند: ثواب لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ نگاه کردن بوجه خداست چیست؟

فرمود: ابا صلت هر که خدا را بیکی از صورتها تشبیه کند کافر است اما وجه خدا انبیا و پیامبران و حجتهای خدایند کسانی که بوسیله آنها متوجه بجانب خدا و دین و معرفت او می شوند خداوند در این آیه می فرماید: کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ نگاه کردن بانبیاء و پیامبران و حجج الهی در درجاتی که دارند برای مؤمنین ثواب بزرگی دارد در روز قیامت پیامبر اکرم فرموده است هر که با اهل بیت و عترت من بدشمنی برخیزد نه مرا خواهد دید و نه من او را می بینم در روز قیامت.

توضیح: در بخش توحید تأویل این آیات گذشت که بواسطه تکرار از

توضیح مجدد صرف نظر می شود اما خلاصه اینست که چنین تعبیرات و مجازها در کلام عرب معمول است میگویند فلانی نزد مردم وجهه ای دارد و فلان کس بر فلانی دستی دارد از این قبیل تعبیرها.

وجه اطلاق بجهت و جانب هم می شود پس ائمه آن جهت و جانبی هستند که خداوند دستور داده مردم بآن جهت توجه کنند و هر چیزی نابودشدنی است جز دین و راه و فرمانبرداری از آنها ائمه عین اللّٰه هستند یعنی نگهبان بر بندگان همان طور که شخص تا نگاه نکند از کارهای خود اطلاع نمی یابد خداوند ائمه علیهم السّلام را نیز خلق کرد تا گواه بر مردم باشند و ناظر بر کارهای آنها (عین) بجاسوس و به بهترین افراد یک چیز نیز گفته می شود. جزری در حدیث عمر نقل می کند که مردی در طواف بتماشای زنان مسلمان مشغول بود علی علیه السّلام باو یک سیلی زد آن مرد از علی بعمر شکایت نمود عمر گفت حق داشته ترا زده یکی از عیون خدا ترا مشاهده کرده یکی از خواص پروردگار و یک ولیّ از اولیای خدا. اطلاق (ید) بر نعمت و رحمت و قدرت شایع است ائمه علیهم السّلام در نعمت کامل و رحمت گسترده ی او هستند و مظهر قدرت کامل خدایند.

امامت، ج ۲، ص: ۱۷۲

جنب بمعنی جانب و ناحیه است آنها آن جهت و جانبی هستند که مردم باید بآنجانب توجه کنند جنب بر امیر نیز می گویند و ممکن است کنایه از این باشد که قرب بخدا حاصل نمی شود مگر با تقرب بآنها همان طوری که مقربین پادشاه همانهائی هستند که پهلوی او و در جنب اویند.

کفعمی از حضرت باقر

علیه السّلام در تفسیر این کلام نقل کرده که معنای آن اینست که چیزی بخدا نزدیکتر از پیامبر نیست و چیزی بپیامبر نزدیکتر از وصیش نیست پس او در قرب و نزدیکی مانند پهلو است خداوند در این آیه بیان می کند:

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ یعنی در ولایت اولیای خدا.

امام علیه السّلام در معنی باب اللَّه فرمود: معنایش اینست که خداوند از دیدگاه مردم پنهان است پیامبر و وصی خود را در میان ایشان قرار داده و بایشان واگذار نموده است احتیاجهای علمی مردم را وقتی پیامبر اکرم بعلی آموخت علوم و حکمت را فرمود:

«انا مدینه العلم و علی بابها»

خداوند واجب کرده بر مردم توجه بجانب علی را در این آیه: ادْخُلُوا الْبابَ سُجَّداً وَ قُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَکُمْ خَطایاکُمْ وَ سَنَزِیدُ الْمُحْسِنِینَ و در آیه دیگر می فرماید: وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِها یعنی ائمه علیهم السّلام که بیوت علم خدا و گنجینه دانش اویند ابواب اللَّه و داعیان به بهشت و راهنمایان برستگاری هستند تا روز قیامت.

بخش پنجاه و چهارم کسانی که در قرآن مورد رحمت خدا قرار گرفته ائمه و شیعیان آنهایند

تفسیر قمی: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: وَ لا یَزالُونَ مُخْتَلِفِینَ پیوسته اختلاف در دین دارند: إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ مگر کسانی که مورد رحمت پروردگارند یعنی آل محمّد و پیروان ایشان: وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ یعنی اهل رحمت اختلاف در دین ندارند.

توضیح: امام علیه السّلام اسم اشاره «لذلک» را برحم برگردانده چنانچه مفسرین محقق نیز همین طور معنی کرده اند بعضی از مفسرین اشاره را باختلاف برگردانده اند و لام را برای عاقبت.

تفسیر عیاشی: عبد اللَّه بن غالب از پدر خود از مردی نقل کرد که گفت از

حضرت زین العابدین علیه السّلام معنی این آیه را پرسیدم: وَ لا یَزالُونَ مُخْتَلِفِینَ فرمود منظور کسانی هستند که مخالف با مایند از این امت که تمام آنها در دین با یک دیگر اختلاف دارند: إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ آنها دوستان ما از

امامت، ج ۲، ص: ۱۷۴

مؤمنین هستند بهمین جهت آنها را از طینت پاک آفریده مگر گفتار ابراهیم را نشنیده ای: رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ فرمود منظورش ما هستیم و اولیای او و پیروان و شیعیان وصیش، گفته است: وَ مَنْ کَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِیلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلی عَذابِ النَّارِ منظور کسانی هستند که منکر وصی پیغمبرند و از او پیروی نمی کنند.

بخدا قسم چنین است حال امت.

کافی: زید شحام گفت ما در خدمت حضرت صادق علیه السّلام بین راه بودیم در شب جمعه حضرت صادق فرمود قرآن بخوان شب جمعه است من این آیه را خواندم إِنَّ یَوْمَ الْفَصْلِ مِیقاتُهُمْ أَجْمَعِینَ، یَوْمَ لا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئاً وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ. «۱»

حضرت صادق علیه السّلام فرمود بخدا قسم ما کسانی هستیم که مورد رحمت خدائیم و ما را استتار نموده اما ما شیعیان خود را بی نیاز می کنیم.

همین روایت در کنز الفوائد از شعیب نقل می شود که حضرت صادق فرمود ولایت ما بی نیاز می کند پیروان مان را.

روایت دیگری نیز از کنز نقل می شود که زید شحام این آیه را میخواند و امام همان تفسیر را می نمایند.

احتجاج: از علی علیه السّلام نقل می کند: وقتی ابا بکر خطبه ی خود را پایان داد ابی بن کعب از جای حرکت کرده چنین گفت گروه مهاجر!

سپس تمام سخنان او که بر ابا بکر استدلال مینماید در مورد خلافت علی علیه السّلام نقل می کند تا آنجا که می گوید:

سوگند بخدا چقدر شما اهمال کردید و ندیده گرفتید برای شما راهنمائی

امامت، ج ۲، ص: ۱۷۵

قرار داده است که حلال را از حرام تمیز می دهد اگر پیرو او شوید اختلاف نخواهید داشت و نه از یک دیگر فاصله می گیرید و نه بجنگ با یک دیگر میپردازید بخدا قسم شما پس از او در احکام خود اختلاف خواهید داشت و پیمان شکنی با پیامبر اکرم کرده اید چقدر فاصله گرفتید و منحرف شدید خیال می کنید اختلاف رحمت است.

افسوس چنین چیزی را قرآن نمی پذیرد در این آیه می فرماید: وَ لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَيِّناتُ وَ أُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِيمٌ سپس از اختلاف شما خبر داده در این آیه:

وَ لا يَزالُونَ مُخْتَلِفِينَ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لِذلِكَ خَلَقَهُمْ یعنی برای رحمت آنها را آفرید و آنها آل محمّد هستند ...

تفسیر قمی: آیه: يَوْمَ لا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئاً فرمود هر که دوست داشته باشد غیر اولیای خدا را نمی توانند از یک دیگر رفع نیازمندی کنند در قیامت سپس استثنا نموده کسانی را که دوستدار آل محمّد باشند باین جمله:

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ.

کافی: محمّد بن سلیمان از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که به ابو بصیر فرمود:

یا ابا محمّد بخدا سوگند اوصیای هیچ یک از پیامبران و پیروان آنها را استثناء ننموده بجز امیر المؤمنین و شیعیان او را در قرآن فرموده: يَوْمَ لا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئاً وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ منظور علی و شیعیان اوست.

بخش پنجاه و پنجم آیات قرآنی که حاکی دوستی ملائکه با ائمه علیهم السّلام و استغفار برای شیعیان آنها است

کنز جامع الفوائد: جابر بن یزید گفت از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ کسانی که حامل عرش هستند و آنهائی که اطرافش هستند فرمود یعنی ملائکه: یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ، وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا تسبیح بستایش خدا می کنند و استغفار می نمایند برای کسانی که ایمان آورده اند یعنی پیروان محمّد و آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم: رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَةً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تابُوا.

خدایا رحمت و دانش تو همه جا را فرا گرفته بیامرز کسانی را که توبه کرده اند از حکومت طاغوت های سه گانه و بنی امیه: وَ اتَّبَعُوا سَبِیلَکَ و پیرو راه تو شده اند یعنی ولایت علی بن ابی طالب که راه واقعی است.

وَ قِهِمُ السَّیِّئاتِ آنها را نگه دار از شر آن سه نفر وَ مَنْ تَقِ السَّیِّئاتِ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ هر که را از شر آنها نگه داری مورد رحمت خویش قرار داده ای إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا یعنی بنی امیه: یُنادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَکْبَرُ مِنْ مَقْتِکُمْ

امامت، ج ۲، ص: ۱۷۷

أَنْفُسَکُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَی الْإِیمانِ خشم خدا بر شما بیشتر از این خشمی است که بر خود دارید.

زیرا شما را دعوت بولایت علی بن ابی طالب کردند که همان ایمان است فَتَکْفُرُونَ کافر شدید.

کنز جامع الفوائد: ابن نباته از امیر المؤمنین علیه السّلام نقل کرد که فرمود بر پیامبر اکرم از آسمان فضل من نازل شد و آن این آیه است: الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا آن زمان در روی زمین کسی جز پیامبر اکرم و من ایمان نداشت.

توضیح:

از این خیر چنین معلوم می شود که سوره مؤمن از سوره هائی اولی است که بر پیامبر اکرم در مکه نازل شد شکی در مکی بودن سوره نیست ولی بعضی گفته اند جزء سوره هائی است که در اواسط سوره ها نازل شده در مکه بوده ولی حرف آنها مورد توجه نیست با اینکه همین قول هم منافات با خبر ندارد زیرا بیشتر از کسانی که آن ها را جزء سابقین در ایمان شمرده اند بعد منافق شدند.

کنز جامع الفوائد: ابو الجارود از حضرت باقر نقل کرد که علی علیه السّلام فرمود ملائکه مدت هفت سال فقط برای پیامبر اکرم و من استغفار میکردند و در باره ما این آیات نازل شده: الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ تا رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

بعضی گفتند پدر علی علیه السّلام و ذریه او کسیست که این آیه در باره آنها نازل شده است.

فرمود سبحان اللَّه آباء ما ابراهیم و اسماعیل هستند.

توضیح: شاید آن منافقین اعتراض کردند راجع بنزول آیه در مورد علی علیه السّلام که آباء و اجداد نزدیک او مشرک بوده اند چون گمان میکردند ابو طالب

امامت، ج ۲، ص: ۱۷۸

و عبد المطلب و اکثر اجداد آنها ایمان نداشته اند.

امام بر سبیل مماشات جواب میدهد باینکه خداوند فرمود کسانی که صلاحیت دارند از آباء و اجداد و قیدی نکرده که آباء و اجداد نزدیک باشند بر فرض قبول کردن حرف شما ممکن است مراد آباء و اجداد دور باشد مانند ابراهیم و اسماعیل.

کنز جامع الفوائد: عبد اللَّه بن عبد الرحمن از پدر خود نقل کرد که

پیامبر اکرم فرمود ملائکه دو سال بر علی علیه السّلام درود فرستادند زیرا ما دو نفر نماز میخواندیم و دیگری با ما نبود.

کنز جامع الفوائد: ابو بصیر گفت حضرت صادق علیه السّلام بمن فرمود یا ابا محمّد خدا را فرشتگانی است که گناه از پشت شیعیان ما میریزند مانند ریزش برگ از درختان هنگام پائیز و این تفسیر آیه شریفه است: وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا استغفار ملائکه بخدا قسم اختصاص بشما شیعیان دارد نه دیگران آیا موجب سرور تو شد؟ عرضکرد: آری.

در حدیث دیگری با همین اسناد آیه: وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا را تا عَذابَ الْجَحِیمِ نقل میکند میفرماید راه خدا علی است و مؤمنین در آیه شما هستید جز شما دیگری را منظور نکرده.

تفسیر قمی: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده که سؤال کردند آیا ملائکه بیشترند یا بَنِی آدَمَ.

فرمود بخدائی که جانم در دست اوست ملائکه خدا در آسمانها بیشتر از تعداد خاک زمین ها هستند در آسمان محل قدمی نیست مگر اینکه ملکی تسبیح و تقدیس میکند و نه در زمین درخت و نه گل و لایی است مگر اینکه در آنجا فرشته ای مأموریت دارد که هر روز گزارش خود را بخدا برساند با اینکه خدای از او داناتر است و تمام آنها هر روز تقرب می جویند بسوی خدا بولایت ما خانواده و استغفار برای محبین ما میکنند و دشمنان ما را لعنت مینمایند و درخواست میکنند که

امامت، ج ۲، ص: ۱۷۹

بر آنها عذابی دردناک نازل کند.

تفسیر قمی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: وَ کَذلِکَ حَقَّتْ کَلِمَهُ رَبِّکَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحابُ النَّارِ یعنی بنی امیه الَّذِینَ یَحْمِلُونَ

الْعَرْشَ یعنی رسول اللَّه و اوصیاء بعد از او که حامل علم خدایند وَ مَنْ حَوْلَهُ یعنی ملائکه یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا یعنی شیعه آل محمّد: رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَةً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تابُوا یعنی از ولایت فلان و فلان و بنی امیه وَ اتَّبَعُوا سَبِیلَکَ پیرو ولایت علی شده اند: وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحِیمِ، رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّیَّاتِهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ یعنی کسانی که علی را دوست دارند همین است معنی صلاح و خوبی آنها: وَ قِهِمُ السَّیِّئاتِ وَ مَنْ تَقِ السَّیِّئاتِ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ یعنی روز قیامت وَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ این رستگاری بزرگی است که او را نجات بخش از ولایت فلان و فلان سپس می فرماید: إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا یعنی بنی امیه یُنادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَکْبَرُ مِنْ مَقْتِکُمْ أَنْفُسَکُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَی الْإِیمانِ یعنی بولایت علی علیه السّلام فَتَکْفُرُونَ.

بخش پنجاه و ششم ائمه علیهم السلام حزب اللَّه و بقیه اللَّه و کعبه و قبله و افشاندن علم همان علم اوصیاء است

مناقب: حضرت صادق علیه السّلام در خبر می فرماید: ما کعبه خدا و قبله خدا و این آیه: بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ در باره ما نازل شده.

توضیح: بیشتر از مفسرین گفته اند بقیه اللَّه عبارت است از آنچه خداوند برای مردم باقی گذاشته از حلال بعد از آنکه ایشان را بر حذر داشته از کم فروشی و تقلب یا نعمتی که خدا بر آنها باقی گذارده یا منظور ثواب باقی آخرت است.

اما منظور از خبر کسانی است که خداوند در زمین باقی گذارده برای هدایت مردم از انبیاء و اوصیاء علیهم السّلام یا اوصیاء و ائمه که یادگار انبیاء در میان امت آنها است.

اخبار در این مورد زیاد است که در جاهای خود نقل کرده ایم.

از آن جمله خبری است که در احتجاج نقل شده از کافری که مدعی تناقض قرآن بود امیر المؤمنین ذکر دلائل و کنایاتی که در باره آنها در قرآن نازل شده می نماید می فرماید: هم بَقِیَّتُ اللَّهِ یعنی مهدی که می آید پس از انقضاء مهلت زمین را پر از عدل و داد می کند چنانچه پر از جور شده و از آن جمله خبری است که

امامت، ج ۲، ص: ۱۸۱

خواهد آمد ان شاء اللّه بنقل از کافی از حضرت صادق مردی میپرسد آیا بحضرت قائم سلام بعنوان امیر المؤمنین میکنند فرمود نه این نام اختصاص بامیر المؤمنین علیه السّلام علی دارد هر کس قبل از او و یا بعدش باین نام نامیده شود کافر است.

عرضکردم فدایت شوم پس چگونه بر او سلام می کنند فرمود می گویند:

«السلام علیک یا بقیه اللّه»

سپس همین آیه را خواند.

از آن جمله خبری است که در کتاب غیبت خواهد آمد که حضرت قائم علیه السّلام می فرماید: من بقیه اللّه در زمینم.

و در خبر دیگری است که وقتی امام علیه السّلام ظهور کرد می فرماید: «انا بقیه اللّه و حجته».

تا اینکه می فرماید: هر کس بر او سلام می کند می گوید:

«السلام علیک یا بقیه اللّه فی ارضه».

و در حدیث ولادت حضرت رضا علیه السّلام است که حضرت موسی بن جعفر بمادرش نجمه او را سپرد و فرمود بگیر او را که بقیه اللّه است در زمین.

و بزودی خواهد آمد ان شاء اللّه در باب رفتن حضرت باقر بشام با سندهای زیادی که اهالی مدین وقتی در بروی امام بستند بر فراز کوه بالا رفت و با صدای بلند

فرمود: ای اهالی شهر ستمگران من بقیه اللّٰه هستم خداوند می فرماید:

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ تمام آنها در محل خود خواهد آمد.

تفسیر قمی: أُولئِكَ حِزْبُ اللَّهِ یعنی ائمه علیهم السّلام یاوران خدایند أَلا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

بصائر: ابو عبیده گفت: از حضرت باقر علیه السّلام راجع باین آیه پرسیدم:

ائْتُونِي بِكِتابٍ مِنْ قَبْلِ هذا أَوْ أَثارَةٍ مِنْ عِلْمٍ منظور علم اوصیاء و انبیا است: إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ.

کافی: ابو عبیده گفت: از حضرت باقر علیه السّلام آیه: ائْتُونِي بِكِتابٍ مِنْ قَبْلِ

امامت، ج ۲، ص: ۱۸۲

هذا أَوْ أَثارَةٍ مِنْ عِلْمٍ فرمود: منظور از کتاب تورات و انجیل است اما بر افشاندن دانش منظور علم اوصیاء و انبیاء است.

توضیح: مرحوم طبرسی در تفسیر: أَوْ أَثارَةٍ مِنْ عِلْمٍ می نویسد: یعنی باقی مانده از علمی که انتخاب از کتاب های پیشینیان شده که شاهد بر آن است آنها شریک خدا بوده اند.

کنز جامع الفوائد: عمر بن علی بن ابی طالب از پدر از جدش از علی علیه السّلام نقل کرد که فرمود: سلمان فارسی بمن گفت: هر وقت خدمت پیامبر اکرم رسیدم دست بر شانه من میزد و می فرمود: سلمان! این و پیروانش رستگارند (اشاره بعلی ابن ابی طالب علیه السّلام داشت).

احتجاج: در خبر کافری که مدعی تناقض قرآن است امیر المؤمنین علیه السّلام میفرماید: هدایت همان ولایت است چنانچه در قرآن میفرماید: وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ مؤمنین در این آیه کسانی هستند که مورد اعتماد خلایق هستند اوصیاء در هر زمان.

توحید صدوق: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده فرموده است: ما و شیعیانمان حزب خدائیم و حزب خدا پیروزند.

بخش پنجاه و هفتم آنچه در باره ائمه نازل شده از تعبیرهائی مانند حق و صبر و رباط و عسر و یسر

اکمال الدین: محمّد بن سنان از مفضل نقل کرد که از حضرت صادق علیه السّلام تفسیر آیه. وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ پرسیدم فرمود: عصر خروج قائم است: إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ یعنی دشمنان ما در زیانکاری هستند إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا جز کسانی که ایمان بآیات ما دارند وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ یعنی برابری با برادران وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ یک دیگر را سفارش به امامت می کنند وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ سفارش بفترت نمایند.

توضیح: فترت منظور اینست که صبر کنند بر آنچه بایشان میرسد از شبهه ها و فتنه ها و حیرت و شدت در غیبت امام علیه السّلام.

در تفسیر قمی: حضرت باقر علیه السّلام از پیامبر اکرم نقل کرده در خطبه غدیر که سوره و العصر در باره علی علیه السّلام نازل شده.

تفسیر قمی: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند در مورد آیه: إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ

امامت، ج ۲، ص: ۱۸۴

فرمود: برگزیدگان از مردم را استثناء نموده زیرا می فرماید: إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ. إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا انسان در زیانکاری است مگر کسانی که ایمان بولایت امیر المؤمنین علیه السّلام آورده اند وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ سفارش کنند بفرزندان و سایر مؤمنین راجع بولایت وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ سفارش کنند و صبر بر آن نمایند.

در روایت کنز جامع الفوائد فقط در عَمِلُوا الصَّالِحاتِ می فرماید: یعنی ادای فرائض نمایند.

معانی الاخبار: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام این آیه را: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا پرسیدم فرمود: یعنی صبر کنید بر مصائب و شکیبا باشید در مورد سختگیریهائی که مخالفین می کنند با تقیه و ارتباط خود

را با پیشوایان برقرار داشته باشید وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ پرهیزگار باشید شاید رستگار شوید.

توضیح: مرحوم طبرسی می نویسد: یعنی در دین خود تحمل و صبر داشته باشید و ثبات بخرج دهید و با کفار بشکیبائی رفتار کنید و در راه انجام وظیفه با آنها مدارا کنید و یا صبر بر جهاد کنید و انتظار وعده مرا داشته باشید و انتظار نمازها را یکی پس از دیگری داشته باشید.

تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در آیه: أُولئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِما صَبَرُوا فرمود: آنها ائمه هستند

(قال الصادق علیه السّلام: نحن صبر و شیعتنا اصبر منا و ذلك انا صبرنا علی ما نعلم و صبروا هم علی ما لا یعلمون.)

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ما شکیبایان هستیم و شیعیان ما از ما شکیبا ترند زیرا ما صبر و شکیبائی بر چیزی میکنیم که آن را میدانیم (ثواب آخرت یا اتفاقاتی که می افتد) اما شیعیان ما شکیبایند بر چیزی که اطلاع از آن ندارند.

در آیه: وَ يَدْرَؤُنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ یعنی جلوگیری میکنند از گناه و بدی که دیگران نسبت بآنها روا می دارند با حسنات و نیکوکاری خود.

امامت، ج ۲، ص: ۱۸۵

تفسیر عیاشی: مسعده بن صدقه از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: اصْبِرُوا یعنی شکیبائی کنید از انجام گناه وَ صابِرُوا یعنی تحمل بخرج دهید در انجام فرائض و واجبات وَ اتَّقُوا اللَّهَ می فرماید امر بمعروف و نهی از منکر کنید سپس اضافه نمود چه کار زشتی بالاتر از ستم بر ما خانواده و کشتن ما است وَ رابِطُوا می فرماید ارتباط در راه خدا داشته باشید راه بین مردم و خدا ما هستیم و ما مرزهای نزدیکیم هر

کس از ما دفاع کند دفاع از پیامبر و شریعت او نموده لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ می فرماید: شاید در صورت انجام دادن اینها بهشت برای شما لازم گردد نظیر این آیه در قرآن آیه: وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعا إِلَی اللَّهِ وَ عَمِلَ صالِحاً وَ قالَ إِنَّنِی مِنَ الْمُسْلِمِینَ است اگر این آیه در باره مرزداران و نگهبانان سرحد باشد قدریه و بدعت گذاران از مخالفین نیز رستگار شده اند چنانچه مفسرین تفسیر کرده اند (زیرا نگهبانان سرحد که رابط بین مشرکین و مسلمانان هستند می توانند قدریه و بدعت گذاران در دین باشند).

تفسیر عیاشی می نویسد: اصْبِرُوا صبر کنید بر فرائض وَ صابِرُوا شکیبا باشید بر مصائب وَ رابِطُوا ارتباط خود را با ائمه علیهم السّلام داشته باشید.

تفسیر عیاشی: یعقوب سراج گفت: بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم ممکن است زمین بدون عالمی از شما خانواده باشد که مردم باو پناه برند؟ فرمود: در این صورت خدا پرستش نخواهد شد زمین هرگز خالی از عالمی از ما خانواده نیست که مردم در حلال و حرام خود باو پناه برند این مطلب در قرآن آشکارا بیان شده یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا. اصْبِرُوا یعنی شکیبا در دین باشید وَ صابِرُوا یعنی با دشمنان خود از مخالفین تحمل بخرج دهید وَ رابِطُوا ارتباط با امام خود داشته باشید وَ اتَّقُوا اللَّهَ یعنی در آنچه بشما دستور داده شد و واجبات از خدا بترسید.

در روایت دیگری است اصْبِرُوا صبر کنید بر اذیت در راه ما گفتم:

امامت، ج ۲، ص: ۱۸۶

وَ صابِرُوا یعنی تحمل داشته باشید با دشمنان و دوستان گفتم: رابِطُوا یعنی ارتباط با امام خود داشته باشید وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ

تُفْلِحُونَ گفتم: این معنی صریح آیه است یا تأویل آن، فرمود: معنی صریح آیه است.

تفسیر عیاشی: ابو الطفیل از حضرت باقر نقل کرد که این آیه در باره ما نازل شده از خاندان ما نیز انتظار خلافت را دارند از خاندان ابن عباس نیز همین انتظار دارند ولی دولت ما باقی و پایدار است «۱» تفسیر عیاشی: برید از حضرت باقر علیه السّلام در باره اصْبِرُوا یعنی صبر از انجام گناهان کنید وَ صابِرُوا یعنی تقیه وَ رابِطُوا یعنی ارتباط با ائمه علیهم السّلام سپس فرمود: معنی

«البدوا ما لبدنا»

چیست؟ یعنی عجله در خروج بر مخالفین نکنید و در خانه های خود باشید تا وقتی علائمی که نشانه خروج است از قبیل صیحه آسمانی و علامات ظهور قائم بروز کند شاید رستگار شوید گفتم: فدایت شوم ما وَ اتَّقُوا اللَّهَ میخوانیم فرمود شما این طور می خوانید و ما آن طور.

توضیح: شاید لفظ جلاله بوسیله نسخه برداران اضافه شده است در اصل بوده و اتقوا

«ما لبدنا ربکم»

که سخن راوی شاهد این مطلب است.

غیبت نعمانی: ابو الطفیل از حضرت باقر علیه السّلام از پدر خود زین العابدین علیه السّلام نقل می کند که ابن عباس شخصی را فرستاد تا از آن جناب تفسیر این آیه را بپرسد: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا زین العابدین علیه السّلام خشمناک شده فرمود: مایل بودم کسی که ترا فرستاده از معنی این آیه بپرسی با من روبرو می شد فرمود آیه در باره پدرم و ما است، معنی آیه ارتباط بمرزداری که مأمور بآن هستیم ندارد. گروهی از نژاد ما انتظار خلافت را دارند.

آنگاه فرمود: در نژاد ابن عباس فرزندانی نهاده

شده که طعمه آتش جهنمند که مردم را از دین خدا فوج فوج خارج می کنند و زمین را از خون

امامت، ج ۲، ص: ۱۸۷

جگرگوشگان پیامبر اکرم رنگین می نمایند آن جگرگوشگانی که در غیر موقع قیام می کنند و در جستجوی چیزی هستند که بچنگ نخواهند آورد مؤمنین ارتباط خود را با امام برقرار دارند شکیبایند و بمدارا رفتار می کنند تا خداوند بین آنها و ستمگران حکومت کند او بهترین داور است.

کنز جامع الفوائد: داود نجار از موسی بن جعفر علیه السّلام از پدرش نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام را جمع کرد و درب را بر روی آنها بست فرمود:

ای خانواده من که پیوستگان خدائید پروردگارم بشما سلام میرساند اینک جبرئیل با شما در خانه است می گوید: من دشمنان شما را موجب آزمایش شما قرار داده ام چه می گوئید.

عرض کردند ما صبر می کنیم برای فرمان خدا و قضای پروردگار تا به پیشگاه مقدسش برویم و جز او پاداش کامل او را دریابیم شنیده ام که شکیبایان را وعده بسیار خوبی داده. پیامبر اکرم شروع بگریه کرد بطوری که صدای گریه اش از خارج خانه شنیده می شد آنگاه این آیه نازل گردید: وَ جَعَلْنا بَعْضَکُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَ تَصْبِرُونَ وَ کانَ رَبُّکَ بَصِیراً بعضی از شما را باعث آزمایش بعض دیگر قرار داده ایم آیا صبر می کنید پروردگارت بینا است».

فرمود: آنها صبر خواهند کرد همان طور که وعده دادند.

کنز جامع: جابر بن یزید از حضرت باقر علیه السّلام در آیه: إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِکُلِّ صَبّارٍ شَکُورٍ فرمود: بسیار صبر کنند

بر ناراحتی ها و گرفتاریها یا نعمت و آسایش. صبر می کند بر آزاری که در راه ما می بیند و شکرگزار است خدا را بر ولایت ما اهل بیت.

محاسن برقی: بعضی اصحاب در آیه: يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُرِيدُ بِكُمُ

امامت، ج ۲، ص: ۱۸۸

الْعُسْرَ نقل می کند که یسر و آسایش امامت (و العسر) سختی مخالفت با امام و دوستی با دشمنان ائمه علیهم السّلام است.

کنز: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: اصْبِرْ عَلى ما يَقُولُونَ یعنی صبر کن یا محمّد بر تکذیب نمودن آنها ترا، من انتقام خواهم گرفت بوسیله مردی از نژاد تو و او همان قائم من است که مسلط نموده ام او را بر خون ستمگران.

کافی: داود بن کثیر رقی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: وقتی خداوند پیامبر و وصی و دختر و دو فرزندش و جمیع ائمه را آفرید و شیعیان آنها را از ایشان پیمان گرفت که شکیبا باشند و مدارا کنند و ارتباط خود را قطع نکنند با ائمه و از خدا بپرهیزند ....

کافی: ابو السفاتج از حضرت صادق در آیه: اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا فرمود: صبر کنید بر واجبات و شکیبا باشید در مصائب و پیوند خود را با ائمه برقرار داشته باشید.

بخش پنجاه و هشتم ائمه علیهم السّلام مظلوم هستند آیاتی که شاهد ظلم بآنها است

مناقب: محمّد بن مسلم از حضرت باقر در مورد آیه الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ کسانی که از شهر خود تبعید شده اند، فرمود: در باره ما نازل شده.

ابن عباس: در آیه: وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذىً كَثِيراً خواهی شنید از یهود و نصاری و از مشرکین آزار و اذیت زیادی.

فرمود فقط

در باره پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم و اهل بیت او نازل شد.

تفسیر عیاشی: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که این آیه را جبرئیل چنین آورده وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنا لِلظَّالِمِینَ آل محمّد حقهم ناراً بگو حق از جانب پروردگار شما است هر که مایل است ایمان آورد و هر که میخواهد کافر باشد ما آماده کرده ایم برای ستمگران حق آل محمّد آتشی.

در تفسیر قمی است که الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ یعنی ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام.

امامت، ج ۲، ص: ۱۹۰

از کنز جامع الفوائد: نیز همین روایت نقل شده.

مناقب: ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السّلام در باره آیه وَ ما ظَلَمُونا وَ لکِنْ کانُوا أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ ستم بما نکرده اند ولی بخویش ستم روا داشته اند.

فرمود خداوند عزیز و پر قدرت تر از این است که باو ستم شود و یا بخود ظلم نسبت دهد ولی ما را با خود قرین قرار داده ظلم بما را ظلم بخود بحساب آورده و ولایت ما ولایت او است.

کنز جامع الفوائد: عیسی بن داود از موسی بن جعفر از پدر خود نقل کرد در باره آیه: وَ قَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً لال محمّد چنین نازل شده ناامید است کسی که ستم بآل محمّد روا داشته دارد.

کنز جامع: سلیم بن قیس هلالی از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در باره آیه وَ ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ و ظلم آل محمّد إِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقابِ آنچه پیامبر بشما دستور داده انجام دهید و آنچه نهی

کرده خودداری نمائید از خدا بترسید در باره ظلم آل محمّد خداوند سخت کیفر میکند ستمکاران آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم را.

تفسیر عیاشی: حضرت باقر علیه السّلام فرمود جبرئیل این آیه را آورد فَبَدَّلَ الَّذِینَ ظَلَمُوا آل محمّد حقهم غَیْرَ الَّذِی قِیلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنا عَلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا آل محمّد رِجْزاً مِنَ السَّماءِ بِما کانُوا یَفْسُقُونَ تفسیر قمی: احْشُرُوا الَّذِینَ ظَلَمُوا وَ أَزْواجَهُمْ فرمود: یعنی بیاورید کسانی را که بآل محمّد ستم روا داشته اند و اشخاصی که شبیه آنهایند.

تفسیر قمی: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: ما أَصابَ مِنْ مُصِیبَةٍ فِی الْأَرْضِ وَ لا فِی أَنْفُسِکُمْ إِلَّا فِی کِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها نیست مصیبتی در زمین و نه در جانهای شما مگر اینکه در کتابی است پیش از آنکه پدید آریم آن را.

فرمود راست فرموده خداوند و پیامبرانش تبلیغ کرده اند و کتاب خدا در آسمان علم خدا است بآن و کتاب خدا در زمین اعلام خدا است بما در شب

امامت، ج ۲، ص: ۱۹۱

قدر و در غیر شب قدر إِنَّ ذلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیرٌ.

حسن بن عباس حریش از ابو جعفر ثانی علیه السّلام در آیه: لِکَیْلا تَأْسَوْا عَلی ما فاتَکُمْ فرمود حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که مردی از پدرم راجع باین آیه پرسید فرمود در باره ابا بکر و یارانش نازل شده یک قسمت جلو و یک قسمت بعد خواهد بود لا تَأْسَوْا عَلی ما فاتَکُمْ ناراحت نشوید بر آنچه از دست داده اید که عبارت است از امتیازاتی که بعلی بن ابی طالب علیه السّلام بخشیده شده: وَ لا تَفْرَحُوا بِما آتاکُمْ و خوشحال

نباشید از فتنه و آشوبی که برای آزمایش شما پدید می آید پس از پیامبر اکرم.

آن مرد گفت گواهی میدهم شما از داورانی هستید که در حکم شما اختلافی نیست از جای حرکت کرده رفت دیگر او را ندیدم.

شرح این خبر خواهد آمد در بخش ارواح ائمه علیهم السّلام تفسیر قمی: أُذِنَ لِلَّذِینَ یُقاتَلُونَ تا لَقَدِیرٌ آیه در باره علی و جعفر و حمزه نازل شده سپس در مورد حضرت حسین علیه السّلام نیز جاری است و این آیه الَّذِینَ أُخْرِجُوا در باره حضرت حسین است یزید در پی او فرستاد تا بشام بیاورند آن جناب از مدینه بجانب کوفه رفت و در کربلا شهید شد.

ابن مسکان از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: أُذِنَ لِلَّذِینَ یُقاتَلُونَ نقل کرد که فرمود عامه (اهل سنت) میگویند آیه در باره پیامبر اکرم نازل شده هنگامی که قریش آن جناب را از مکه خارج کردند اما مربوط بحضرت قائم (ع) است زمانی که برای انتقام خون حسین ظهور کند و اینست معنی فرمایش او که ما اولیای مقتول و خونبهاگیرانیم.

کنز جامع الفوائد: داود بن سلیمان از حضرت رضا از آباء گرام خود نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود خداوند بهشت را بر ستمگران اهل بیت من و کشندگان و ناسزاگویان و همکاران ایشان حرام نموده آنگاه این آیه را تلاوت نمود: أُولئِكَ لا خَلاقَ لَهُمْ فِی الْآخِرَهِ وَ لا یُکَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَ لا یَنْظُرُ إِلَیْهِمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَ لا

امامت، ج ۲، ص: ۱۹۲

یُزَکِّیهِمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ.

کافی: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: جبرئیل این آیه را چنین برای پیامبر اکرم آورد: فَبَدَّلَ الَّذِینَ ظَلَمُوا آل محمّد حقهم قَوْلًا غَیْرَ

الَّذِی قِیلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنا عَلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا، آل محمّد حقهم رِجْزاً مِنَ السَّماءِ بِما کانُوا یَفْسُقُونَ.

و فرمود جبرئیل این آیه را چنین آورد: إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ ظَلَمُوا آل محمّد حقهم لَمْ یَکُنِ اللَّهُ لِیَغْفِرَ لَهُمْ وَ لا لِیَهْدِیَهُمْ طَرِیقاً إِلَّا طَرِیقَ جَهَنَّمَ خالِدِینَ فِیها أَبَداً وَ کانَ ذلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیراً.

سپس فرمود: یا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَکُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّکُمْ مردم پیامبر یک واقعیت و حقیقت را از جانب پروردگار شما آورده راجع بولایت علی فَآمِنُوا خَیْراً لَکُمْ وَ إِنْ تَکْفُرُوا و اگر کفر بورزید بولایت: فَإِنَّ لِلَّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ.

هر چه در آسمانها و زمین است در اختیار خداست.

توضیح: در مورد آیه: فَبَدَّلَ الَّذِینَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَیْرَ الَّذِی قِیلَ لَهُمْ آیه جریان باب حطه بنی اسرائیل را نقل میکند که به آنها گفتند بگوئید حطه تا گناهان شما را بیامرزیم آنها چیز دیگری گفتند شاید منظور اینست که ولایت آل محمّد در این آیه نظیر باب حطه بنی اسرائیل است.

چنانچه در اخبار زیادی نقل شده که پیامبر اکرم فرمود مثل اهل بیت من مانند باب حطه بنی اسرائیل است.

و یا منظور اینست که این معنی یکی از بطون آیه است زیرا خداوند در قرآن کریم قصه پیامبران و امت های پیش را آورده برای توجه و تذکر که نظیر آن در این امت نیز هست با اینکه در تفسیر امام حسن عسگری علیه السّلام و غیر آن وارد شده که بر در حطه بنی اسرائیل اسماء پیامبر اکرم و ائمه نوشته شده بود و مأمور بودند که نسبت بآنها ابراز کوچکی و اقرار بفضل و مقامشان بنمایند

امامت، ج ۲، ص: ۱۹۳

ولی ایشان

امتناع ورزیدند بهمین جهت بر آنها عذاب نازل شد، دیگر جای اشکالی نیست. اما آیه دوم در قرآن چنین است:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَ لا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقاً ...

کافی: علی بن جعفر گفت از حضرت ابو الحسن شنیدم می فرمود وقتی پیامبر اکرم دید تیم (ابا بکر) و عدی (عمر) و بنی امیه بر منبر او بالا رفتند ناراحت شد خداوند این آیه را به پیامبر اکرم نازل کرد برای تسلی خاطرش: وَ إِذْ قُلْنا لِلْمَلائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبى زمانی که بملائکه دستور دادیم برای آدم سجده کنند همه سجده کردند بجز شیطان که امتناع ورزید سپس وحی کرد یا محمّد من دستور دادم ولی شیطان اطاعت نکرد تو نیز ناراحت نباش که دستور دادی ولی در باره وصیت نپذیرفتند.

کنز: ابو حمزه از حضرت باقر نقل میکند در باره آیه: وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ ستمگران حق آل محمّد را إِلَّا خَساراً.

عیسی بن داود همین روایت را از موسی بن جعفر نقل می کند.

کنز جامع الفوائد: جابر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: وَ أَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فرمود ستمگران حق آل محمّد.

کنز جامع: عیسی بن داود از موسی بن جعفر از جدش نقل کرد که این آیه در باره آل محمّد فقط نازل شده: أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ، الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ تا این قسمت: وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ.

کنز: با همین اسناد از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند در باره آیه:

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ

دِيارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ در باره ما فقط نازل شده امير المؤمنين و فرزندانش و آنچه در باره اولاد فاطمه عليها السّلام مرتكب شدند.

كنز: ضريس از حضرت باقر نقل ميكند آيه: أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ

امامت، ج ۲، ص: ۱۹۴

در باره حسن و حسين عليهما السّلام نازل شده و از عبد اللَّه بن عجلان از حضرت باقر نقل ميكند كه در باره حضرت قائم و اصحابش نازل شده.

توضيح: مرحوم طبرسى مينويسد اين اولين آيه ايست كه در باره قتال نازل شده و تقرير آن چنين است: اجازه داده شده بمؤمنين كه پيكار كنند به واسطه ستمى كه بر آنها روا داشته شده از شهر و منزل خود آنها را اخراج كرده اند و اهانت و آزار بر آنها روا داشته اند خداوند بر يارى ايشان قادر است اين خود وعده ايست كه ايشان را يارى خواهد نمود. حضرت باقر فرموده در باره مهاجرين است و آل محمّد را هم فرا ميگيرد از ديار خود اخراج شده اند و آنها را در ترس و وحشت گرفته اند.

از كنز جامع الفوائد: كه حضرت باقر عليه السّلام فرمود در باره على و حمزه و جعفر نازل شده حضرت حسين عليه السّلام را هم فرا مى گيرد.

كنز جامع الفوائد: عبد اللَّه بن حسين از پدر خود از جدش از حسين بن على از پدر بزرگوار خود نقل كرد كه چون اين آيه نازل شد: الم أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ من به پيامبر اكرم عرضكردم اين آزمايش چيست؟ فرمود: يا على تو گرفتار خواهى شد و در آينده بداد خواهى ميايستى خود را آماده خصومت نما.

كنز: سماعه از حضرت صادق نقل كرد كه

شبی پیامبر اکرم در مسجد بود نزدیک صبح امیر المؤمنین علیه السّلام آمد پیامبر اکرم او را صدا زد عرضکرد:

بلی فرمود بیا پیش همین که نزدیک شد فرمود علی جان امشب جایی بخواب که مرا مشاهده کنی از خداوند هزار حاجت خواستم برایم برآورد برای تو نیز مانند آنها را خواستم پذیرفت درخواست کردم که امتم بر امامت تو اجتماع و توافق نمایند.

خداوند این را نپذیرفت فرمود: الم أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا

امامت، ج ۲، ص: ۱۹۵

آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ.

از کنز: همین آیه نقل شده سدی میگوید: فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا راستگویان علی و اصحاب اویند وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكاذِبِينَ دشمنان علی.

کنز: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولئِكَ ما عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ فرمود: آیه در باره حضرت قائم علیه السّلام وقتی قیام کند انتقام خواهد گرفت از بنی امیه و مکذبین و دشمنان علی.

کنز: ابو حمزه از حضرت باقر نقل کرد که ایشان خواند: و تری ظالمی آل محمّد حقهم لما رأوا العذاب می بینی ستمگران حق آل محمّد را که چون چشمشان بعذاب بیافتد فرمود عذاب آنها علی علیه السّلام است: يَقُولُونَ هَلْ إِلى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ میگویند آیا راهی برای برگشت وجود دارد. با همین اسناد در مورد آیه:

إِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا آل محمّد حقهم عَذاباً دُونَ ذلِكَ.

کنز: با همین اسناد از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند در آیه: خاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ از خواری چنان خود را کوچک می کنند و از زیر چشم نگاه میکنند بحضرت قائم عجل اللّه فرجه.

با همین اسناد در باره آیه: وَ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ

إِذْ ظَلَمْتُمْ امروز برای شما سودی ندارد که ستم بآل محمّد روا داشتید أَنَّكُمْ فِي الْعَذابِ مُشْتَرِكُونَ اینکه در عذاب همه با هم شریک هستید.

با همین اسناد از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ كانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ فرمود ما بآنها ستم روا نداشتیم که واگذاردند ولایت اهل بیت ترا ولی آنها خود ستم را پیشه کردند.

کنز جامع: اسحاق بن محمّد از پدر خود از حضرت صادق از آباء گرام خود علیهم السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم بفاطمه علیها السّلام فرمود شوهرت بعد از من چنین و چنان خواهد دید جریانهای پس از خود را بفاطمه علیها السلام

امامت، ج ۲، ص: ۱۹۶

اطلاع داد.

عرضکرد یا رسول اللّه از خدا درخواست نمی کنید این ناراحتی ها را از او رفع کند فرمود چرا درخواست کردم فرمود او گرفتار خواهد شد و گروهی بواسطه او آزمایش می شوند جبرئیل این آیه را آورد: قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجادِلُكَ فِي زَوْجِها وَ تَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ يَسْمَعُ تَحاوُرَكُما إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ خدا شنید سخن آن بانو که با تو در مورد شوهرش میگفت و شکایت بخدا مینمود سخنان شما را شنید، خداوند شنوا و بینا است البته شکایت حضرت فاطمه از ناراحتیهائی بود که علی خواهد دید نه اینکه از خود شکایت داشته باشد.

توضیح: بنا بر این تأویل حکم ظهار مربوط باین آیه نمی شود از این قبیل در آیات زیاد است.

کنز: روایت شده وقتی که کار برای ابا بکر درست شد و مردم با او بیعت کردند مردی خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام آمد موقعی که داشت خاک بر قبر پیامبر اکرم میریخت و

در دست بیلی داشت گفت مردم با ابا بکر بیعت کردند خواری و ذلت در انصار آشکار شد و طلقاء (کسانی که در فتح مکه پیامبر آنها را آزاد کرد) با عجله به سوی بیعت ابا بکر شتافتند مبادا این مقام بشما برسد.

علی علیه السّلام سربیل را بزمین فرو برد و دسته آن را بدست گرفت آنگاه این آیات را خواند: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الم، أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ، وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكاذِبِينَ، أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئاتِ أَنْ يَسْبِقُونا ساءَ ما يَحْكُمُونَ.

تفسیر عیاشی: جابر گفت بحضرت باقر علیه السّلام عرضکردم این آیه را که

امامت، ج ۲، ص: ۱۹۷

خدا به پیامبر می فرماید: لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْ ءٌ برایم تفسیر فرمائید.

فرمود: جابر! پیامبر اکرم خیلی میل داشت که علی پس از او فرمانروای مردم شود ولی خدا میدانست چنین نخواهد شد.

عرضکردم پس معنی آیه چیست؟ فرمود: بلی منظور اینست که می فرماید یا محمّد این کار بسته به میل تو نیست در مورد علی زمام و اختیار دست من است در مورد او و دیگران مگر در آیات قرآن بر تو نازل نکردم آیه: الم أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ تا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكاذِبِينَ فرمود پیامبر اکرم کار را بخدا واگذاشت.

توضیح: در خطبه قاصعه حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام توضیح داد، و آشکار نموده تأویل این آیه را.

بخش پنجاه و نهم در تأویل آیه سِيرُوا فِيها لَيالِيَ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ

احتجاج طبرسی: ابو حمزه ثمالی، حسن بصری خدمت حضرت باقر علیه السّلام رسیده گفت آمده ام چند سؤال از شما راجع بکتاب خدا نمایم حضرت باقر

علیه السّلام باو فرمود مگر تو فقیه اهل بصره نیستی؟! گفت چنین میگویند، فرمود آیا در بصره کسی هست که تو از او استفاده کنی گفت: نه.

فرمود پس تمام اهالی بصره از معلومات تو استفاده میکننـد گفت بلی فرمود سبحان اللّٰه عهـده دار کار بزرگی شده ای از تو مطلبی را شنیده ام نمیدانم راست گفته اند یا دروغ، پرسید چه مطلب؟ فرمود میگویند تو مدعی هستی خداوند مردم را آفریده کارهای آنها را بخودشان واگذارده حسن بصری ساکت شد.

فرمود آیا کسی که خدا در کتاب خود باو بگوید تو در امانی آیا خوف و وحشتی برای او هست بعد از این گفتار حسن بصری گفت: نه حضرت باقر فرموده اینک من یک آیه از قرآن را برای تو میخوانم میدانم تو بر خلاف

امامت، ج ۲، ص: ۱۹۹

واقع آن را تفسیر خواهی کرد اگر چنین کنی خود و دیگران را بهلاکت انداخته ای پرسید کدام آیه فرمود بگو ببینم معنی این آیه چیست: وَ جَعَلْنا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بارَكْنا فِيها قُرىً ظاهِرَةً وَ قَدَّرْنا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيها لَيالِيَ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ قرار داده ایم بین آنها و بین قریه هائی که برکت در آنها قرار داده ایم قریه هائی آشکار و در آنها مقدر نموده ایم سیر را سیر کنید روزها و شبها در امان.

شنیـده ام تو بمردم گفته ای آن قریه مکه است فرمود آیا کسانی که قصـد حـج داشـته انـد در بین راه مکه آنها را تاکنون دزد زده است و آیا اهل مکه ترس و وحشت ندارنـد و اموال آنها را نمی برند پس چطور در امان هسـتند این مثال را خدا در قرآن در باره ما فرموده ما آن قریه هائی هستیم که خداوند

برکت در آنها قرار داده اینست معنی فرموده خدا هر کس اقرار بمقام ما داشته باشد همان طوری که خداوند آنها را امر کرده که بجانب ما رو آورند فرموده وَ جَعَلْنا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بارَكْنا فِيها يعنى قرار داديم بين آنها و شيعيانشان قريه هائى كه بركت در آنها قرار داده ايم قُرىً ظاهِرَةً قريه هاى آشكار پيكها و ناقلين علوم هستند از ما بشيعيانمان و دانشمندان شيعه هستند كه بشيعيان تعليم ميدهند.

وَ قَدَّرْنا فِيهَا السَّيْرَ سير و حركت مثلى است براى علم كه ببريد آن لَيالِيَ وَ أَيّاماً اين هم مثلى است از علم كه در شبها و روزها از جانب ما بسوى آنها ميرسد در حلال و حرام و فرائض و احكام «آمِنِينَ» در امانند زمانى كه استفاده كنند از معدن دانش كه دستور استفاده از آن داده شده البته ايمن از شك و گمراهى و افتادن از حرام بحلال هستند.

زيرا علم را از كسانى استفاده نموده اند كه با اين استفاده شايسته مغفرت و آمرزش ميشوند چون آنها اهل ميراث علم از آدم هستند تا جايى كه بايشان منتهى شده نژادى برگزيده كه با يک ديگر پيوسته اند اين برگزيدگى به شما نرسيده، مختص به ما است ما همان نژاد هستيم نه تو و اشخاصى شبيه تو حسن!

امامت، ج ۲، ص: ۲۰۰

اگر با اين مقامى كه شايسته آن نيستى و ادعا مى كنى بتو بگويم اى نادان اهل بصره چيزى جز يک واقعيت نگفته ام و آشكار است اين مطلب ديگر مبادا قائل بتفويض گردى هرگز خداوند كار را بمردم وانگذاشته از روى ضعف و ناتوانى و هرگز آنها را مجبور بمعصيت ننموده از روى ستم، خبر

طولانی بود که مقدار مورد احتیاج را استفاده کردیم.

مناقب و احتجاج: ثمالی گفت یکی از قاضیان کوفه خدمت علی بن الحسین علیه السّلام رسیده گفت فدایت شوم این آیه را برایم تفسیر بفرمائید: وَ جَعَلْنا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بارَكْنا فِيها قُرىً ظاهِرَةً وَ قَدَّرْنا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيها لَيالِيَ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ.

فرمود: اهل عراق در باره آیه چه میگویند، گفت میگویند مکه است فرمود: آیا دزدی در جایی بیشتر از مکه دیده ای گفت پس چیست؟

فرمود منظور مردان معینی است گفت از آیات قرآن چه دلیل دارید فرمود مگر نشنیده ای که خداوند میفرماید: وَ كَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّها وَ رُسُلِهِ و فرموده: وَ تِلْكَ الْقُرى أَهْلَكْناهُمْ و فرموده: وَ سْئَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيها وَ الْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنا فِيها آیا سؤال از قریه است یا مردان و قافله و چند آیه در این خصوص قرائت نمود پرسید پس منظور کیانند فرمود ما آنها هستیم فرمود: سِيرُوا فِيها لَيالِيَ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ فرمود ایمن از گمراهی هستند.

کنز جامع الفوائد: عبد اللّه رمانی از حضرت رضا از پدرش از جدش حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که فرمود یک نفر که قرآن تفسیر میکرد پیش من آمد امام باو فرمود تو فلانی نیستی نامش را برد گفت چرا فرمود تو قرآن تفسیر میکنی؟ گفت آری پرسید این آیه را چگونه تفسیر میکنی: وَ جَعَلْنا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بارَكْنا فِيها قُرىً ظاهِرَةً وَ قَدَّرْنا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيها لَيالِيَ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ گفت منظور بین مکه و منی است.

حضرت صادق علیه السّلام باو فرمود آیا در آنجا ترس و دزدی هست؟ گفت:

آری

امامت، ج ۲، ص: ۲۰۱

فرمود چگونه محلی را خداوند میفرماید امن است ترس و دزدی وجود دارد! عرض کرد پس چیست فرمود منظور از آیه ما خانواده هستیم شما را به ناس تعبیر کرده و ما را بقریه. گفت فدایت شوم در قرآن آیه ای بمن نشان دهید که منظور از قریه مردم باشد.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود مگر خداوند نمیفرماید: وَ سْئَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِی كُنَّا فِيها وَ الْعِيرَ الَّتِی أَقْبَلْنا فِيها بگو ببینم آیا از در و دیوارها باید بپرسد یا از مردم و خداوند می فرماید: وَ إِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوها قَبْلَ يَوْمِ الْقِيامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوها عَذاباً شَدِيداً.

آیا عذاب شوندگان مردم هستند یا در و دیوارها.

مناقب: روزی ابو حنیفه خدمت حضرت صادق علیه السّلام رسیده از چند مسأله که جواب آن را نمیدانست سؤال کرد از آن جمله پرسید تفسیر این آیه چیست: وَ قَدَّرْنا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيها لَيالِيَ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ منظور کدام سرزمین است آیا بین مکه و مدینه است؟

فرمود ترا بخدا سوگند مگر در بین راه مدینه و مکه شما امنیت از جان و مال خود دارید فرمود این آیه را توضیح بده: وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً چه محلی است که هر که داخل شد ایمن است. ابو حنیفه جواب داد منظور بیت اللّه است.

فرمود ترا بخدا سوگند مگر خبر ندارید که عبد اللّه بن زبیر و سعید بن جبیر داخل خانه خدا شدند و از کشته شدن ایمن نبودند، ابو حنیفه گفت مرا معذور دار یا بن رسول اللّه.

توضیح: تأویل در این اخبار از تأویلهای بعید است و شاید وجه در این تأویلها همان مطلبی است که بارها بآن

اشاره کرده ایم که داستانهای قرآن برای آن است که این امت متوجه شوند اعمال آنها را انجام ندهند و بترسند که مشمول کیفرهای آنها خواهند شد.

امامت، ج ۲، ص: ۲۰۲

چیزی در امت های پیش وقوع نیافته مگر اینکه نظیر آن در این امت نیز واقع شده مانند داستان هارون و گوساله سامری و آنچه برای امیر المؤمنین علیه السّلام با ابا بکر و عمر پیش آمد و قارون و عثمان و صفورا و عایشه و نظایر این وقایع که در کتاب نبوت به آن اشاره کردیم که بعضی از آنها آشکار بر هم انطباق دارند و بعضی دیگر باید با توجیه منطبق گردد این وقایع از قسم دوم است.

از آن جمله قوم سبا را که خداوند بواسطه کفران نعمت ایشان را محروم نمود و بجای آن میوه تلخ و ترش و درخت سخت بی بار به آنها داد شبیه آن در این امت آن است که خداوند میوه های پرثمر باغستانهای حقیقت را ببرکت ائمه طاهرین علیهم السّلام آنقدر که بیان از توصیفش عاجز است ارزانی داشت با اینکه از آشوب جهل و نادانی و گمراهی در امان بودند وقتی این نعمت را کفران نمودند خداوند از آنها گرفت یا غائب شدند و یا پنهان راویان و حاملین اخبار نیز از میان ایشان رخت بربستند در نتیجه گرفتار رأیها و قیاس شدند و امر برایشان مشتبه گردید دیگر بسیار کم میتوانستند تمسک باخبار ائمه علیهم السّلام نمایند، دامنه شک و شبهه از طرف پیشوایان و رهبران گمراه گسترش پیدا کرد آنها نیز مصداق این آیه شدند: وَ بَدَّلْناهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَواتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَ أَثْلٍ وَ شَيْ ءٍ مِنْ سِدْرٍ

قَلِيلٍ.

این توضیحی بود برای فهم و درک چنین اخبار خداوند راهنمای راه راست است.

کافی: زید شحام گفت قتاده بن دعامه خدمت حضرت باقر علیه السّلام رسید امام باو فرمود قتاده تو فقیه اهل بصره هستی عرضکرد مردم چنین می پندارند فرمود شنیده ام تو قرآن تفسیر میکنی. جوابداد: آری.

فرمود از روی علم تفسیر مینمائی یا جهل گفت نه از روی علم. حضرت باقر فرمود اگر از روی علم تفسیر کنی بسیار خوب اینک من یک سؤال از تو می نمایم گفت بپرس فرمود این آیه را توضیح بده: وَ قَدَّرْنا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيها لَيالِيَ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ.

قتاده گفت منظور کسی است که از خانه خود با زاد و توشه و وسیله سواری که

امامت، ج ۲، ص: ۲۰۳

همه را از راه حلال تهیه نموده تصمیم سفر خانه خدا را بگیرد در امان است تا بخانه خود برگردد حضرت باقر علیه السّلام فرمود ترا بخدا قسم قتاده نشنیده ای کسی از خانه خود بقصد خانه خدا با زاد و توشه و وسیله سواری حلال خارج شود سر راه بر او بگیرند و اموال او را بسرقت ببرند و چنان او را بزنند که نزدیک بمرگ رسد.

قتاده گفت چرا چنین اتفاقی افتاده. حضرت باقر علیه السّلام فرمود وای بر تو قتاده اگر قرآن را از پیش خود تفسیر کنی خویشتن و دیگران را بهلاکت رسانده ای اگر از دیگران گرفته باشی خود و دیگران را در معرض هلاکت قرار داده ای وای بر تو قتاده این آیه کسی را می گوید که از خانه خود خارج شود با زاد و توشه و وسیله سواری حلال و قصد این خانه را نماید با عرفان بحق ما

و با قلب ما را دوست داشته باشد چنانچه خداوند در این آیه می فرماید: فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَيْهِمْ منظورش علاقه مردم بخانه خدا نبود و گر نه باید می گفت دلهای مردم را متوجه آن کن نه اینکه بگوید دلهای مردم را متوجه آنها کن بخدا قسم ما مشمول دعای ابراهیم هستیم که هر کس ما را دوست داشته باشد حج او قبول است و گر نه مقبول نیست در صورتی که چنین باشد از عذاب جهنم در روز قیامت ایمن است.

قتاده گفت: بخدا قسم بعد از این چنین تفسیر خواهم کرد حضرت باقر فرمود وای بر تو قرآن را کسانی میفهمند که بآنها خطاب شده.

بخش شصتم ایام و ماهها بائمه تأویل شده است

خصال: صقر بن ابی دلف کرخی گفت وقتی متوکل مولا- امام علی النقی را تبعید نمود من رفتم از حال آن جناب اطلاع حاصل کنم. بجانب زندان رفتم زراقی زندانبان وقتی چشمش بمن افتاد دستور داد مرا پیش او ببرند، وقتی رفتم گفت صقر چکار داشتی؟ گفتم خیر است استاد گفت بنشین.

وحشت مرا فراگرفت با خود گفتم با آمدن باینجا اشتباه کردم مردم را متفرق نموده سپس بمن گفت برای چه کار آمده ای گفتم خیر اوست گفت شاید آمده ای از حال مولایت مطلع شوی گفتم مولایم کیست؟ مولای من امیر المؤمنین است.

گفت ساکت باش مولای تو بر حق است از من مترس منهم بر مذهب تو هستم. گفتم الحمد للّه پرسید مایلی او را ملاقات کنی. گفتم: آری. گفت صبر کن تا مأمور پست از خدمتش خارج شود، من نشستم مأمور که خارج شد بغلامی گفت دست صقر را بگیر ببر بآن اطاقی که مرد علوی زندانی است

و آنها را تنها بگذار.

مرد بجانب اطاقی برده اشاره کرد همین اطاق است داخل شدم چشمم بامام علیه السّلام افتاد که روی حصیری نشسته جلو آن جناب قبری کنده شده سلام کردم

امامت، ج ۲، ص: ۲۰۵

جواب داده فرمود بنشین فرمود برای چه آمده ای عرضکردم آمدم از حال شما مطلع شوم چشمم بقبر افتاد گریه ام گرفت.

امام علیه السّلام رو بمن نموده فرمود ناراحت نباش نمیتواند حالا بمن آسیبی برسانند گفتم الحمد للّه آنگاه عرضکردم حدیثی از پیامبر اکرم نقل شده که من معنی آن را نمیدانم فرمود چه حدیثی گفتم:

«لا تقادوا الایام فتقادیکم»

با روزها دشمنی نورزید که بدشمنی بشما برمیخیزند.

فرمود ایام و روزها ما هستیم تا آسمانها و زمین پایدار است شنبه اسم پیامبر است، یک شنبه اشاره بامیر المؤمنین علیه السّلام و دوشنبه حسن و حسین علیهما السّلام سه شنبه علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد و چهارشنبه موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و من هستم پنجشنبه فرزندم حسن بن علی و جمعه پسر پسرم که تمام حق جویان بر او اجتماع خواهند نمود او زمین را پر از عدل و داد میکند چنانچه پر از ظلم و جور شده اینست معنی ایام با آنها دشمنی نورزید در دنیا که در آخرت با شما دشمنی میکنند فرمود اینک وداع کن و خارج شو که اطمینان ندارم بتو گزندی برسانند.

صدوق رضوان اللّه علیه مینویسد: ایام ائمه علیهم السّلام نیستند ولی بنام روزها کنایه از ائمه آورده شده تا معنی آن را غیر از اهل حق درک نکنند چنانچه در قرآن کریم کنایه للفظ تین و زیتون وَ طُورِ

سِنِینَ وَ هـذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ از پیامبر اکرم و علی و حسن و حسین آورده شده و همان طور که لفظ نعاج از زنان کنایه است بنا بروایتی که در داستان داود و دو شاکی که برای شکایت آمده بودند و چنانچه سیر در ارض کنایه از نظر در قرآن است.

از حضرت صادق علیه السّلام تفسیر این آیه سؤال شد أَ وَ لَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فرمود یعنی آیا نگاه در قرآن نمی کنید و مثل اینکه از ازدواج بسرّ کنایه شده در این آیه وَ لکِنْ لا تُواعِدُوهُنَّ سِرًّا و چنانچه غذا خوردن را کنایه از تغوط آورده در مورد عیسی و مادرش در این آیه کانا یَأْکُلانِ الطَّعامَ معنی

امامت، ج ۲، ص: ۲۰۶

آن اینست که این دو تغوط میکنند و از پیامبر اکرم به نحل کنایه آورده شده وَ أَوْحی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ از این قبیل زیاد است.

غیبت طوسی: جابر جعفی گفت از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر آیه إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فِی کِتابِ اللَّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ مِنْها أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ فَلا تَظْلِمُوا فِیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ.

امام علیه السّلام آهی سرد کشید فرمود جابر اما سال جد بزرگوارم پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم است، ماهها که دوازده ماه است امیر المؤمنین و یکایک از امامان تا منتهی بمن می شود و بعد از من پسرم جعفر و پسرش موسی و پسرش علی و پسرش محمّد و پسرش علی و منتهی به پسرش حسن و از او به پسرش محمّد هادی و مهدی دوازده امام و حجت خدا بر خلق و امین وحی و علم

خداینـد چهار ماه حرام که دین پایدارنـد آن چهار نفری هسـتند که دارای یک نام میباشـند علی امیر المؤمنین و پدرم علی بن الحسـین و علی بن موسـی و علی بن محمّـد اقرار باینها دین پایـدار است فَلا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَـكُمْ یعنی معتقد بهمه آنها شوید هدایت می یابید.

در خبر دیگری چهار ماه حرام را علی و حسن و حسین و قائم نامبرده بدلیل آیه: ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ این دین پایدار است.

غیبت نعمانی: ابو حمزه ثمالی گفت: روزی خدمت حضـرت امام باقر علیه السّـلام بودم وقتی اطرافیان متفرق شدند فرمود یا ابا حمزه از مقـدرات محتوم و غیر قابـل بر گشت که خداونـد آن را حتمی نموده قیـام قـائم مـا است هر کس در این مطلب شـک نمایـد خـدا را ملاقات خواهـد کرد در حال کفر و انکار او سـپس فرمود پـدر و مادرم فدایش باد که هم نام من و هم کنیه من است هفتمین نفر بعد از من خواهد آمد کسـی که دنیا را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از ظلم و جور شده ابو حمزه هر کس او را درک کرد تسلیم او باید بشود چنانچه تسلیم حضرت محمد صلی اللَّه علیه و آله و هر که تسلیم او نشود خداوند بهشت را بر او حرام نموده و

امامت، ج ۲، ص: ۲۰۷

جایگاهش جهنم است. ستمگران بد جایگاهی خواهند داشت.

اینک «۱» محمد و سپاس خدا آیه إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فِي كِتابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ مِنْها أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ را توضیح میدهم و برای حق جویان ماهها عبارتند از: محرم، صفر،

ربیع الأول تا آخر آن و چهار ماه حرام رجب و ذی قعده و ذی حجه و محرم است مسلم است که این ماهها نمیتواند دین قیم باشد چون یهود و نصاری و مجوس و سایر مردم از موافق و مخالف این ماه را میشناسند و نام آنها را میبرند با اینکه چنین نیست منظور ائمه طاهرین هستند پایه های پایدار دین خدایند ماههای حرام عبارتند از امیر المؤمنین علی که خدا نامش از نامهای خود خدا نموده (العلی) همان طور که نام حضرت رسول را نیز نامی از نامهای خود جدا نموده (المحمود) و سه نفر از فرزندانش که نامهائی مانند نام خود علی است علی بن الحسین و علی ابن موسی و علی بن محمد برای این نامهائی که از اسم خدا مشتق شده احترامی مخصوص بوجود آمد بواسطه امیر المؤمنین علیه السّلام.

غیبت نعمانی: داود بن کثیر رقی گفت وارد شدم بر حضرت صادق علیه السّلام در مدینه فرمود چه باعث شده که مدتی ست ترا ندیده ایم گفتم کاری در کوفه داشتم فرمود در کوفه که بود؟ عرض کردم عمویت زید آنجا بود او را دیدم سوار بر اسبی است و قرآن بر گردن آویخته و با صدای بلند فریاد میزند: سلونی قبل ان تفقدونی فبین جوانحی علم جم از من بپرسید قبل از اینکه مرا نیابید در این سینه من علم زیادی است ناسخ و منسوخ و مثانی و قرآن عظیم را میدانم من راهنمای بین شما و خدایم.

فرمود داود: از میان رفته این راهها. سماعه بن مهران را صدا زده فرمود ظرف خرما را بیاور همین که سبد خرما را آورد یک

دانه خرما برداشت میل کرد

امامت، ج ۲، ص: ۲۰۸

و دانه آن را خارج نمود بعد همان دانه را بزمین کاشت شکافته شد و روئید و شکوفه و خوشه داد با دست خود بیک قسمت از خوشه زد آن را شکافت از میان آن تکه پوستی سفید خارج نمود آن را باز نمود و بمن داده فرمود بخوان دیدم دو سطر در آن نوشته است: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» سطر دوم «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فِي كِتابِ اللَّهِ، يَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ مِنْها أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، حسن بن علی، حسین بن علی علی بن حسین، محمّد بن علی، جعفر بن محمّد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمّد بن علی، علی بن محمّد، حسن بن علی، الخلف الحجه».

سپس فرمود داود! میدانی چه وقت این جملات در این نوشته شده عرض کردم خدا و پیامبر و شما بهتر میدانید فرمود دو هزار سال قبل از آفرینش آدم.

بخش شصت و یکم نهی از گرفتن هر بطانه و ولیجه و ولی بجز خدا و حجت او

کافی: عبد اللَّه بن عجلان از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه: أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً منظور از مؤمنین در آیه ائمه علیهم السّلام هستند یعنی بجز آنها پشت و پناهی بگیرند.

توضیح: ولیجه شخص یعنی پشتیبان و دوستان و رفقای نزدیک و کسانی که مورد اعتماد اویند از غیر خویشاوندان.

بیضاوی: گفته خطاب أَمْ حَسِبْتُمْ آیا گمان کردید، بمؤمنین است موقعی که از جنگ ناراحت بودند بعضی گفته اند مربوط بمنافقین می باشد.

تأویل امام علیه السّلام با

ظاهر آیه سازگارتر است زیرا مؤمنین را به پیامبر و خدا ضـمیمه نموده. از این فهمیده می شود که ولیجه کسـی است که عهده دار کار بزرگی از امور دین باشد و شایسته کمال در امور دین و لایق این مقام بزرگ جز

امامت، ج ۲، ص: ۲۱۰

ائمه علیهم السّلام نیستند.

کافی: محمّد ضـبعی گفت نامه ای برای حضـرت عسـکری نوشته تقاضا کردم ولیجه را در این آیه: وَ لَمْ یَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِینَ وَلِیجَةً توضیح دهد ولی در دل با خود گفتم منظور از مؤمنین در آیه چیست این سؤال را در نامه ننوشته بودم.

جواب آمـد ولیجه کسـی است که مقـامش پائین تر از امام است تو در دل چنین فکر کردی که مؤمنین در این آیه کیاننـد آنها ائمه هستند که از طرف خدا امان می دهند و خداوند امان ایشان را امضا نموده.

کافی: حضـرت باقر علیه السّلام فرمود بجز خدا پشت و پناهی نگیرید که مؤمن نخواهید بود هر نسبت و پیوند و خویشاوندی و پشت و پناه و بدعت و شبهه ای منقطع و نابود است.

آنچنان که گرد و غبار بر روی سـنگ سخت صاف از بین میرود و نابود می شود اگر بارانی تند بر آن ببارد جز آنچه قرآن آن را ثابت نموده.

کنز: ابو العباس از حضـرت صادق علیه السّلام نقل کرد که مردی خـدمت پیامبر اکرم رسـید گفت با من بیعت بفرمائید فرمود بیعت کنم بر اینکه پدر خود را بکشـی آن مرد دست پیامبر را در دست گرفت باز گفت با من بیعت کنید فرمود بیعت کنم که پدرت را بکشی مرد در جواب گفت آری بر اینکه پدرم را

بکشم.

پیامبر اکرم فرمود اینک نباید بجز خدا و پیامبر و مؤمنین پشت و پناهی بگیری ما هرگز ترا امر نمی کنیم که پدر و مادرت را بکشی ولی دستور میدهیم آنها را احترام کنی.

تفسیر عیاشی: ابان گفت از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم می فرمود جوانان از خدا بپرهیزید اطراف رؤسا جمع نشوید آنها را رها کنید تا بی موقعیت شوند دیگران را پشت و پناه در مقابل خدا نگیرید.

امامت، ج ۲، ص: ۲۱۱

بخدا قسم، بخدا قسم ما برای شما بهتر از آنها هستیم در این موقع با دست بسینه خود اشاره نمود.

تفسیر عیاشی: ابو الصباح کنانی گفت حضرت باقر علیه السّلام فرمود ابا الصباح! بپرهیزید از پشت و پناه گرفتنها:

«فان کل ولیجه دوننا فهی طاغوت او قال ند»

هر پشت و پناهی جز ما طاغوت است یا رقیب و مخالف خدا است.

تفسیر عیاشی: جابر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد در باره آیه: اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فرمود کشیشها و رهبانهای خود را بعنوان خدا نگرفتند جز اینکه آنها چیزی را حلال کردند آنها پیروی نمودند و چیزی را حرام نمودند قبول کردند در نتیجه کشیشها و رهبانها ارباب و خدایان آنها شدند در مقابل خدا.

در روایت ابو بصیر میفرماید: برای آنها روزه نگرفتند و نه نماز خواندند ولی در حلال و حرام پیرو آنها شدند.

در خبر دیگر می فرماید: اطاعت کردند از آنها در معصیت خدا.

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که فرمود آنها را دعوت بعبادت خود نکردند اگر چنین دعوتی می کردند نمی پذیرفتند ولی چیزی را حلال و چیزی را حرام نمودند ایشان از راهی که توجه نداشتند عبادت آنها

را می کردند.

توضیح: مرحوم طبرسی می نویسد: ولیجه شخص کسی است که در امور داخلی او دخالت دارد در مقابل دیگران، بعد می گوید یعنی بطانه و ولی که آنها را دوست دارند و اسرار خود را بایشان میسپارند.

بخش شصت و دوم ائمه علیهم السّلام اهل اعراف هستند که خدا در قرآن فرموده داخل بهشت نمی شود مگر کسی آنها را بشناسد و آنها او را بشناسند

تفسیر قمی: برید از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود (اعراف) یک تل و بلندی است بین بهشت و جهنم (رجال) که در آیه است ائمه علیهم السّلام هستند که با شیعیان خود در اعراف میایستند در حالی که مؤمنین بدون حساب وارد بهشت شده اند ائمه علیهم السّلام بشیعیان گنه کار خود می گویند: نگاه کنید برادرتان چگونه سبقت به بهشت گرفته اند بدون حساب این معنی آیه: سَلامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوها وَ هُمْ يَطْمَعُونَ.

سپس بآنها میگویند نگاه کنید دشمنان خود را در آتش این آیه همان معنی را می فرماید: وَ إِذا صُرِفَتْ أَبْصارُهُمْ تِلْقاءَ أَصْحابِ النَّارِ قالُوا رَبَّنا لا تَجْعَلْنا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَ نادى أَصْحابُ الْأَعْرافِ رِجالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيماهُمْ فی النار ف قالُوا ما أَغْنى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ فی الدنیا وَ ما كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ.

امامت، ج ۲، ص: ۲۱۳

وقتی نگاه میکنند بجهنمیان می گویند خدایا ما را با ستمکاران قرار مده.

اصحاب اعراف صدا می زنند مردانی را که در جهنم هستند و آنها را از چهره شان می شناسند می گویند جمعیت و گروه بندی شما در دنیا موجب آسایش و راحتی شما نشد که بخود می بالیدید.

آنگاه بدشمنان خود در آتش می گویند تماشا کنید اینها برادران و شیعیان مایند که شما در دنیا قسم می خوردید از رحمت خدا محروم خواهند بود آنگاه ائمه علیهم السّلام بشیعیان خود می گویند: ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ داخل بهشت شوید دیگر باکی بر شما نیست و

محزون نخواهید شد.

توضیح: بنا بر تفسیر امام علیه السّلام مراد از أَصْحابَ الْجَنَّةِ شیعیانی هستند که بواسطه شفاعت ائمه علیهم السّلام به بهشت میروند بواسطه تسلی بر آنها سلام میگویند و بشارت بسلامتی از عذاب می دهند معنی: وَ هُمْ یَطْمَعُونَ حال است از اصحاب ما أَغْنی عَنْکُمْ جَمْعُکُمْ یعنی کثرت و زیادی شما نجاتتان نداد یا جمع کردن مال وَ ما کُنْتُمْ تَسْتَکْبِرُونَ و کبری که می ورزیدید از حق و طالبان حق فرمایش امام که میفرماید:

«هؤلاء شیعتی»

اینها شیعیان ما هستند تفسیر این آیه است: أَ هؤُلاءِ الَّذِینَ أَقْسَمْتُمْ لا یَنالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ.

بیضاوی مینویسد: رو به بهشتیان می نمایند و می گویند به آنها داخل بهشت شوید.

مجلسی علیه الرحمه می گوید: این موافق تفسیر امام است و ظاهر منظور از شیعیان پیروان گنه کارند و لفظ هؤلاء اشاره بآنها است این سخن تکذیب و رد بر قسم دشمنان است این آشکارترین وجهی است که در باره آیه ذکر شده.

احتجاج: اصبغ بن نباته گفت خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام نشسته بودم که ابن کوّاء وارد شد عرضکرد یا امیر المؤمنین معنی این آیه چیست: وَ لَیْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقی وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِها.

امامت، ج ۲، ص: ۲۱۴

فرمود ما همان خانه هائی هستیم که خداوند دستور داده از درب آن وارد شوید ما باب اللّه و بیوت خدائیم که از اینجا باید بسوی او رفت هر کس با ما بیعت کند و اقرار بولایت ما آورد از درب خانه وارد شده و هر که مخالف ما باشد و دیگری را بر ما مقدم دارد از پشت وارد خانه شده گفت یا امیر المؤمنین

معنی این آیه چیست: وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسِیماهُمْ فرمود ما اعراف هستیم یاران خود را از چهره آنها میشناسیم.

ما اعراف هستیم که عرفان بخدا حاصل نمیشود مگر از راه معرفت ما و ما اعراف هستیم بین بهشت و جهنم که داخل بهشت نمیشود مگر کسی که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم و داخل جهنم نمیشود مگر کسی که منکر ما و ما منکر او باشیم و جریان چنین است که اگر خدا بخواهد میتواند خود را بمردم معرفی کند تا او را بشناسند و بدر خانه اش بیایند ولی ما را ابواب و راه و گذرگاه بدر خانه خود قرار داده که از آن درب و گذرگاه باید بیایند هر کس از ولایت ما اعراض کند و دیگری را بر ما مقدم دارد آنها عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ از راه خود دور افتاده اند.

از منتخب بصائر: همین خبر نقل می شود و در تفسیر فرات تا آنجا که میفرماید عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ نقل شده آنگاه اضافه مینماید که امیر المؤمنین فرمود: برابر نیستند هر کدام از هر راه بروند و بهر رایتی چنگ بزنند مردم آلوده پناه بچشمه ای کدر و تیره آورده اند که درهم آمیخته است اما کسانی که رو بما آورند رو بچشمه ای صاف آورده اند که آب گوارائی برای آنها میجوشد بی آنکه تمام شود و پایان پذیرد باذن خدا منتخب بصائر: هلقام از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند در باره آیه:

وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسِیماهُمْ فرمود ما همان مردانیم، ائمه از ما خانواده میشناسند چه کسی داخل آتش می شود و چه کسی داخل بهشت چنانچه شما میان قبیله

میشناسید کدام شخص خوب و کدام بد است.

امامت، ج ۲، ص: ۲۱۵

در روایت دیگر میفرماید ائمه علیهم السّلام هستند.

در بصائر: هلقام میگوید از معنی آیه وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ پرسیدم منظور از عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ چیست.

فرمود شما مگر یک مرد وارد در قبایل خود ندارید که اشخاص خوب یا بد را میشناسد گفتم چرا فرمود ما همان مردانی هستیم که از چهره میشناسیم اشخاص را.

منتخب بصائر: طریف از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که من از این آیه وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ پرسیدم فرمود: ای سعد اعراف آل محمّدند که داخل بهشت نمیشود مگر کسی که آنها را بشناسد و آنها او را بشناسند و داخل جهنم نمیگردد مگر کسی که منکر آنها باشند و آنها انکار کنند او را اعراف آنهایند که خدا شناخته نمیشود مگر بواسطه معرفت ایشان.

بصائر: نصر عطار گفت پیامبر اکرم بعلی علیه السّلام فرمود قسم یاد میکنم که سه چیز واقعیت دارد تو و اوصیاء عرفاء هستید:

۱- خدا شناخته نمیشود مگر از راه معرفت شما.

۲- داخل بهشت نمیشود مگر کسی که شما را بشناسد و شما او را بشناسید.

۳- داخل آتش نمیگردد مگر کسی که منکر شما باشد و شما منکر او.

از بصائر: از حضرت صادق شبیه همین روایت با اختلاف لفظ نقل شده و از حضرت باقر میپرسند اعراف کیانند میفرماید: گرامی ترین مردم در نزد خدا.

کتاب مقتضب: از ابان بن عمر داماد آل میثم نقل میکند که گفت خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم که سفیان بن مصعب عبدی وارد شد عرضکرد فدایت شوم چه میفرمائید در باره آیه: وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ

فرمود آنها اوصیاء از آل محمّد ائمه دوازده گانه هستند عرفان بخدا ندارد مگر کسی که آنها را بشناسد و آنها او را بشناسند عرضکرد

امامت، ج ۲، ص: ۲۱۶

پس اعراف چیست فرمود تلّی از مشک است که پیامبر و اوصیاء بر آن هستند همه را از چهره شان میشناسند. سفیان گفت در این مورد چیزی نگویم. یک قسمت از قصیده که سرود این بود:

ایا ربعهم هل فیک لی الیوم مربع و هل للیالی کن لی فیک مرجع

در همین مورد گفته:

و انتم ولاه الحشر و النشر و الجزاء و انتم لیوم المفزع الهول مفزع

و انتم علی الاعراف و هی کثائب من المسک ریاها بکم یتضوع

ثمانیه بالعرش اذ یحملونه و من بعدهم هادون فی الارض اربع «۱»

تفسیر فرات: ابن عباس گفت علی علیه السّلام دارای اسمهائی است از کتاب خدا که مردم نمیدانند گفتیم کدام اسمها؟ گفت خدا او را در قرآن مؤذن و اذان نامیده آیه فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ مؤذن در این آیه علی است میگوید لعنت خدا بر کسانی که ولایت مرا تکذیب کردند و حق مرا سبک شمردند.

تفسیر فرات: حبه عرنی گفت ابن کوّاء خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام آمده گفت دو آیه در قرآن مرا عاجز نموده و در دین مشکوکم کرده پرسید کدام آیه ها گفت: وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ پرسید تاکنون معنی این آیه را نفهمیده ای عرضکرد نه فرمود اعراف ما هستیم کسی که ما را بشناسد داخل بهشت می شود و کسی که منکر ما باشد داخل جهنم میگردد.

گفت این آیه دیگر وَ الطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ.

فرمود معنی این آیه را نیز تاکنون

نفهمیده ای؟ گفت نه.

امامت، ج ۲، ص: ۲۱۷

فرمود خداوند ملائکه را بصورت های مختلف آفریده بعضی را بصورت شیر و بعضی بصورت عقاب. خدا را فرشته ای است بصورت خروس که پاهای او در زیر زمین هفتم سفلی است و تاج او دو طرف زیر عرش است نیمی از خروس از آتش و نیم دیگر از یخ است آنچه از آتش است موجب آب شدن یخ نمیگردد و نه یخ آتش را خاموش میکند در هر سحرگاه با دو بال خود پر میزند و فریاد میکشد

سبوح قدوس رب الملائکه و الروح محمّد خیر البشر و علی خیر الوصیین

پس از آن خروس بصدا در می آید.

تفسیر فرات: حضرت باقر فرمود در تورات و انجیل و زبور احدی نیست مگر اینکه اسم او و پدرش در نزد ما است در تورات نوشته است: أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ.

تفسیر فرات: ابن عباس در آیه: وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ گفت پیامبر اکرم و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین هستند که در فاصله بین بهشت و جهنم قرار دارند دوستان خود را میشناسند از چهره های درخشان و دشمنان را از چهره های سیاه.

کنز: شیخ ابو جعفر طوسی از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که راجع باین آیه از ایشان سؤال شد بَيْنَهُما حِجابٌ بین آن دو پرده ایست فرمود فاصله ای که بین بهشت و جهنم است و حضرت محمّد و علی و حسن و حسین و فاطمه و خدیجه در آنجایند فریاد میزنند کجایند محبین ما کجایند شیعیان؟.

و دوستان و شیعیان رو می آورند آنها را بنام و نام پدرهاشان میشناسند اینست تفسیر آیه يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ دست آنها را میگیرند

و از صراط رد میکنند و داخل بهشت میشوند.

نهج البلاغه: امیر المؤمنین علیه السّلام میفرماید: ائمه پایه های استوار دین خدایند بر خلق و عرفاء بر مردمند داخل بهشت نمیشود مگر کسی که آنها را بشناسد و آنها او را بشناسند و داخل جهنم نمیگردد مگر کسی که منکر

امامت، ج ۲، ص: ۲۱۸

ائمه باشد و ائمه علیه السّلام منکر آنها باشند.

دنباله بخش و تفصیل: اخبار این بخش در بخش سؤال قبر گذشت و بیشتر این اخبار در بخش اعراف از معاد گذشت در آنجا مقداری توضیح دادیم بالاخره خلاصه آن گفتار چنین است که مفسرین در مورد اعراف و اصحاب آن نظرهای مختلفی دارند در باره اعراف دو قول است اولی دیواریست یا یک بلندی است یا راهی است بین بهشت و جهنم و دوم برای شناختن اهل بهشت و جهنم مردانی هستند. از اخبار گذشته هر دو معنی فهمیده میشد از بعض اخبار چنین درک می شود که اعراف جمع عریف است مانند شریف که جمع آن اشراف است.

پس تقدیر چنین است که بر روش و طریق اعراف مردانی هستند یا بر اعراف مردانی هستند بالاخره آنها که قائل بمعنی اول هستند اختلاف دارند چه کسانی بر اعرافند؟ بعضی میگویند اشراف از اهل طاعت و ثوابند بعضی نیز گفته اند آنها گروهی هستند که در درجه پائین اهل و ثواب قرار گرفته اند کسانی که قول اول را پذیرفته اند میگویند آنها ملائکه هستند که اهل جهنم و بهشت را میشناسند و بعضی قائلند که انبیاء هستند خداوند آنها را بر بالای این دیوار قرار داده تا مشخص باشند در میان اهل محشر بعضی میگویند شهداء هستند.

قائلین بمعنی دوم بعضی

میگویند گناه و ثواب آنها مساوی است و بعضی میگویند گروهی هستند که بدون اجازه امام بجنگ رفته اند و بعضی میگویند مسکین های اهل بهشتند و بعضی میگویند فساق نماز خوانند.

مجلسی علیه الرحمه میگوید: از اخبار گذشته متوجه شدی که جمع بین هر دو قول می شود ائمه علیهم السّلام بر اعراف هستند تا تمیز دهند شیعیان را از مخالفین و شفاعت کنند برای گنه کاران از دوستان خود و گروهی از گنه کاران نیز در آنجایند تا اینکه برای آنها شفاعت شود.

بخش شصت و سوم آیاتی که دلالت بر مقام ائمه و نجات دادن شیعیان در آخرت و سؤال از ولایت دارد

مناقب: از حضرت قائم علیه السّلام در باره آیه: إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ نقل شده که فرمود بخدا سوگند ما هستیم که اجازه داریم روز قیامت و سخن گویان واقع گوئیم.

عبد اللَّه بن خلیل از علی علیه السّلام نقل میکند که آیه وَ نَزَعْنا ما فِی صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ در باره ما نازل شده.

زید شحام گفت حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: إِنَّ یَوْمَ الْفَصْلِ مِیقاتُهُمْ أَجْمَعِینَ یَوْمَ لا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئاً وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ فرمود شیعیان ما مورد رحمت خدایند و بخدا سوگند ما هستیم که در این آیه استثناءشده ایم و میتوانیم رفع نیاز کنیم.

کنز: عیسی بن داود از حضرت موسی بن جعفر نقل کرد که مردی از آن جناب معنی این آیه را پرسید: یَوْمَئِذٍ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ رَضِیَ لَهُ قَوْلًا فرمود بشفاعت آل محمّد روز قیامت نمیرسد مگر کسی که باو اجازه

امامت، ج ۲، ص: ۲۲۰

داده اند بفرمانبرداری آل محمّد و از نظر گفتار و کردار در راه آنها پسندیده باشد بر مودت آنها زندگی کند و بر همان طریق بمیرد

خدا از کردار و گفتار آنها راضی باشد سپس فرمود:

وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً لآل محمّد

چنین نازل شده که هر کس ستم بآل محمّد روا دارد ناامید می شود سپس فرمود وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلا يَخافُ ظُلْماً وَ لا هَضْماً فرمود هر کس اعمال نیک انجام دهد و مؤمن بمحبت آل محمّد باشد و دشمن با دشمنانشان دیگر باکی از ظلم و نابودی ندارد.

با همین اسناد از پدر بزرگوارش نقل میکند که از حضرت باقر پدرم پرسیدم: فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوازِينُهُ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ فرمود در باره ما نازل شده سپس فرمود آیه أَ لَمْ تَكُنْ آياتِي تُتْلى عَلَيْكُمْ در باره علی علیه السّلام است: فَكُنْتُمْ بِها تُكَذِّبُونَ.

کنز جامع: از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که فرمود این آیه در باره ما و شیعیان ما نازل شده زیرا خداوند ما و شیعیانمان را فضیلت بخشیده که ما شفاعت می کنیم و آنها نیز شفاعت میکنند وقتی این جریان را مخالفین ما مشاهده میکنند میگویند: فَما لَنا مِنْ شافِعِينَ وَ لا صَدِيقٍ حَمِيمٍ.

در خبر دیگر میفرماید منظور از صدیق معرفت است و حمیم خویشاوند یعنی مخالفین وقتی می بینند که شفاعت کنندگان در باره گنه کاران شفاعت میکنند: آنها میگویند ما را شافعی نیست و نه شناس و خویشاوندی.

کنز جامع: محمّد بن فضیل از ثمالی از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که خداوند عذر و بهانه کسی را نمی پذیرد که میگوید خدایا من نمیدانستم فرمانروا و پیشوا اولاد فاطمه هستند با اینکه در باره این خاندان فقط این آیه نازل شده است يا عِبادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلى أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا

مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

امامت، ج ۲، ص: ۲۲۱

کنز: سلیمان دیلمی گفت حضرت صادق علیه السّلام به ابو بصیر گفت خداوند در قرآن شما را یاد نموده زیرا حکایت از سخن دشمنانتان که در آتشند می کند:

وَ قالُوا ما لَنا لا نَری رِجالًا کُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرارِ.

بخدا قسم در این آیه جز شما را در نظر نگرفته زیرا شکیبائی و تحمل کردید که در دنیا شما را از شرار و بدترین مردم می شمردند با اینکه بهترین مردم بودید دشمنان شما را در آتش جستجو می کنند با اینکه در بهشت مشمول نعمت های خدائید.

شیخ در امالی نقل می کند که سماعه بن مهران وارد خدمت حضرت صادق شده امام علیه السّلام از او پرسید بدترین مردم در نظر مردم کیست عرضکرد ما هستیم چنان خشم بر امام علیه السّلام مستولی گشت که گونه هایش قرمز شد، حرکت کرده راست نشست قبلا تکیه کرده بود باز پرسید سماعه! بدترین مردم در نظر مردم کیست گفت بخدا دروغ بشما نگفتم ما بدترین مردم در نظر مردم هستیم زیرا آنها ما را بنام کفار و رافضه می نامند.

امام علیه السّلام بمن نگاه کرده فرمود خواهید دید چگونه شما را به طرف بهشت و آنها را بطرف جهنم می برند بعد می گویند: ما لَنا لا نَری رِجالًا کُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرارِ فرمود:

سماعه هر کدام از شما خطائی انجام دهد با پای خود به پیشگاه پروردگار میرویم و در باره او شفاعت می کنیم و شفاعت ما پذیرفته می شود.

بخدا قسم داخل آتش نمیشود از شما ده نفر بخدا قسم وارد آتش نمی شود از شما سه نفر بخدا سوگند وارد آتش نمی شود از

شما یک نفر اینک کوشش کنید در بدست آوردن درجات عالی و با ورع و پرهیزگاری دشمنان خود را گرفتار غم و اندوه نمائید.

مرحوم طبرسی در مورد آیه: وَ قالُوا ما لَنا لا نَری رِجالًا کُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ

امامت، ج ۲، ص: ۲۲۲

الْأَشْرارِ» مینویسد این حرف را در موقعی می گویند که در آتش مخالفین خود را نمی یابند و آنها مؤمنین هستند گفته اند آیه در باره ابو جهل و ولید بن مغیره و دوستان آنها است می گویند چطور شده که عمار و خباب و صهیب و بلال را در آتش نمی بینیم.

عیاشی: باسناد خود از جابر از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که اهل آتش می گویند: ما لَنا لا نَری رِجالًا کُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرارِ چه شده نمیبینیم کسانی را که ما از اشرار می شمردیم آنها را منظورشان شما هستید که در آتش دیده نمی شوید بخدا سوگند یک نفر از شما را در آتش نخواهند دید.

کنز: حضرت صادق علیه السّلام به ابو بصیر فرمود خداوند در قرآن کریم شما را یادآوری کرده زیرا میفرماید: یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ.

بخدا قسم جز شما را اراده نکرده یا ابا محمّد آیا ترا مسرور نمودم؟ عرض کرد: آری.

کنز: پیامبر اکرم این آیه را تلاوت نمود: لا یَسْتَوِی أَصْحابُ النَّارِ وَ أَصْحابُ الْجَنَّهِ فرمود بهشتیان کسانی هستند که اطاعت از من کنند و تسلیم علی بن ابی طالب باشند بعد از من و اقرار بولایت او نمایند و جهنمیان کسانی هستند که منکر ولایت باشند و پیمان شکنی کنند بعد از من.

در روایت دیگر میفرماید: دست علی علیه

السّلام را که در کنارش بود گرفت و بلند نمود فرمود علی از من و من از علی هستم هر که با او مخالفت کند با من مخالفت کرده و هر که با من مخالفت کند خدا را بخشم آورده یا علی جنگ تو جنگ من و سازش تو سازش من است و تو راهنمای بین من و امت منی.

کنز جامع: هاشم بن صیداوی گفت حضرت صادق علیه السّلام بمن فرمود هاشم پدرم که از من بهتر بود برایم از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود که

امامت، ج ۲، ص: ۲۲۳

بر هیچ یک از فقرای شیعه ما تبعه نیست عرضکردم فدایت شوم تبعه چه معنی دارد فرمود گرفتاری از جهت پنجاه و یک رکعت نماز و روزه سه روز در ماه روز قیامت که می شود از قبرهای خود با صورتی درخشان چون ماه شب چهارده خارج شوند.

بآنها میگویند هر چه درخواست داری بکن میگوید از خدا درخواست دارم که برایم میسر فرماید بصورت حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم نگاه کنم.

خداوند اجازه می دهد به بهشتیان بزیارت حضرت محمّد بروند در این هنگام برای پیامبر اکرم بر روی فرشی از فرشهای بهشت منبری می گذارند دارای هزار پله که بین هر پله تا پله دیگر باندازه یک دویدن اسب است حضرت محمّد و امیر المؤمنین علیهما السّلام بر منبر بالا میروند اطراف منبر را شیعیان آل محمّد می گیرند خداوند بآنها توجه میفرماید اینست معنی آیه: وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ ناضِرَةٌ إِلى رَبِّها ناظِرَةٌ بعد که بهر کدام از آنها آنقدر نور می بخشند باندازه ای که حوریه نمی توانند دقیق بآنها تماشا کنند.

بعد فرمود هاشم برای چنین مقام و موقعیتی

باید عمل کنند عمل کنندگان.

کنز: معاویه بن وهب گفت از حضرت صادق علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم: إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ قالَ صَواباً.

فرمود بخدا قسم ما هستیم که در روز قیامت اجازه سخن داریم و سخن درست میگوئیم عرضکردم چه میگوئید فرمود خدا را ستایش میکنیم و بر پیامبر اکرم درود میفرستیم و شفاعت در باره شیعیان میکنیم خدای عزیز شفاعت ما را می پذیرد.

کنز: ابو خالد قماط از حضرت صادق علیه السّلام از پدر بزرگوارش نقل کرد

امامت، ج ۲، ص: ۲۲۴

که روز قیامت خداوند تمام مردم را از اولین و آخرین در یک زمین جمع میکند لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ گفتن از همه مردم گسیخته می شود مگر کسی که اقرار بولایت علی علیه السّلام داشته باشد.

این آیه اشاره بهمان است: يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلائِكَةُ صَفًّا لا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ قالَ صَواباً.

کنز: سعید سمان نقل کرد از حضرت صادق علیه السّلام در آیه:وْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ ما قَدَّمَتْ يَداهُ وَ يَقُولُ الْكافِرُ يا لَيْتَنِي كُنْتُ تُراباً

فرمود یعنی روزی که هر کس توجه می کند بآنچه پیش فرستاده و کافر می گوید ای کاش علوی بودم و ابو تراب را دوست میداشتم.

در تفسیر باطن خبر رسیده از اهل بیت که مؤید همین معنی است در تأویل آیه: أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذاباً نُكْراً فرمود برمیگردانند او را بجانب علی بن ابی طالب آن جناب او را عذابی سخت می کند بطوری که می گوید:ا لَيْتَنِي كُنْتُ تُراباً

یعنی ای کاش از پیروان ابو تراب بودم.

توضیح: ممکن است از آیه که میفرماید سپس او را بسوی رب برمیگردانند یعنی بسوی کسی

که خدا او را برای رسیدگی بحساب خلایق قرار داده این استعمال مجازی معمول است و ممکن است تعبیر برب در مورد امیر المؤمنین علیه السّلام از آن جهت باشد که خدا او را تربیت کننده علم و کمالات قرار داده و آن جناب فرمانروا و حاکم بر آنها است در دنیا و آخرت.

کنز جامع: حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود بازگشت نافع و مبارک در روز قیامت ولایت من و پیروی دستورات من است و ولایت علی و اوصیای بعد از او و پیروی امر آنها خداوند بواسطه آن ایشان را داخل بهشت می نماید با من و علی و اوصیای بعد از او.

امامت، ج ۲، ص: ۲۲۵

بازگشت زیان آلود دشمنی با من و ترک دستورم و دشمنی با علی و اوصیای پس از او است بواسطه همین کار خداوند آنها را در پائین ترین جایگاه های جهنم می برد.

کنز جامع: ابو حمزه ثمالی از حضرت باقر علیه السّلام از جابر بن عبد اللَّه (رضی اللَّه عنه) نقل کرد که پیامبر اکرم در آن بیماری که از دنیا رفت بفاطمه فرمود دخترم پدر و مادرم فدایت بفرست از پی شوهرت بیاید حضرت فاطمه بامام حسن فرمود برو از پی پدرت بگو جدم شما را می خواهد امام حسن علیه السّلام مأموریت را انجام داد.

امیر المؤمنین علیه السّلام خدمت پیامبر اکرم رسید فاطمه نیز حضور داشت و از ناراحتی پدر خود اظهار ناراحتی می کرد پیامبر اکرم فرمود دخترم پدرت از امروز ببعد ناراحتی نخواهد داشت.

فاطمه جان گریبان برای پیامبر چاک نمی زنند و نه صورت می خراشند و نه وا ویلا می گویند ولی بگو همان حرفی که پدرت برای فوت

ابراهیم گفت اشک جاری می شود و دل می سوزد ولی چیزی نمی گویم که موجب خشم خدا گردد، ما بر فوت تو ای ابراهیم اندوهگین هستیم.

اگر ابراهیم زنده میماند شایسته نبوت بود (در صورتی که مسأله خاتمیت نبود).

بعد فرمود علی جان نزدیک بیا آن جناب نزدیک شد فرمود گوش خود را نزدیک دهانم بیاور این کار را کرد فرمود برادرم نشنیده ای این فرموده خدا را در کتابش: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ عرضکرد چرا فرمود آنها تو و شیعیانت هستید می آئید با چهره ای درخشان سیر و سیر آب. این آیه را نشنیده ای: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِي نارِ جَهَنَّمَ خالِدِينَ فِيها أُولئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ گفت: چرا یا رسول اللّه.

فرمود آنها دشمنان تو و دشمنان شیعیانت هستند روز قیامت با چهره ای

امامت، ج ۲، ص: ۲۲۶

سیاه گرسنه و تشنه بدبخت و معذب می آیند کافر و منافق، آن آیه اختصاص بتو و شیعیانت دارد و این آیه برای دشمن تو و شیعیانت هست.

عیون: حضرت رضا از آباء گرام خود نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود در مورد آیه: يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ فرمود هر گروهی را با امام زمان آنها و کتاب پروردگارشان و سنت پیامبرشان فرا میخوانیم.

در تفسیر قمی: همین روایت را با این توضیح که پیامبر با گروه خود و علی با گروه خود و امام حسن با گروه خود و حسین علیه السّلام با گروه خود می آیند.

علی بن ابراهیم گفت: يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ می گوید در روز قیامت است که منادی فریاد می زند ابو بکر با پیروان خود و عمر و پیروانش و عثمان و پیروانش

و علی علیه السّلام با پیروانش بیایند.

محاسن: بشیر عطار از حضرت صادق علیه السّلام در آیه: يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ پیامبر اکرم فرمود علی امام شما است بسیاری از امامها هستند که روز قیامت می آیند که پیروان خود را لعنت میکنند و پیروان، آنها را لعن میکنند.

ما بازماندگان پیامبریم و مادرمان فاطمه علیها السّلام است هر چه خداوند بتمام مرسلین داده است بحضرت محمّد نیز بخشیده چنانچه به پیامبران قبل نیز داده سپس این آیه را خواند: وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَ جَعَلْنا لَهُمْ أَزْواجاً وَ ذُرِّيَّةً.

محاسن: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد وقتی آیه: يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ نازل شد مسلمانان گفتند: یا رسول اللَّه مگر شما امام مردم نیستی فرمود: من پیامبرم برای تمام مردم ولی بعد از من امامهائی از اهل بیتم برای مردم خواهند بود از جانب خدا که در میان مردم بپا میخیزند اما آنها را تکذیب میکنند و پیشوایان کفر و گمراهی و پیروانشان بآنها ستم روا میدارند هر کس آنها را دوست بدارد و پیروی کند و تصدیق نماید از من است و با من خواهد

امامت، ج ۲، ص: ۲۲۷

بود و مرا خواهد دید و هر کس بآنها ستم روا دارد و یا با ستمگران آنها همکاری کند و ایشان را تکذیب کند از من نیست و نه با من خواهد بود من از او بیزارم.

ابو الورد از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که تسنیم بهترین نوشابه های بهشتیان است که محمّد و آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم خالص آن را می نوشند و برای اصحاب یمین و سایر

بهشتیان مخلوط می شود.

تفسیر فرات: ابو سعید مدائنی گفت بحضرت صادق علیه السّلام گفتم: معنی این آیه چیست: وَ ما کُنْتَ بِجانِبِ الطُّورِ إِذْ نادَیْنا.

فرمود نوشته ایست که خدا آن را نوشته در برگ موردی دو هزار سال قبل از آفرینش مردم آن را در عرش قرار داد یا زیر عرش در آن نوشته بود: ای پیرو محمّد پیش از درخواست بشما بخشیدم و شما را آمرزیدم قبل از اینکه تقاضای آمرزش کنید هر کس با ولایت محمّد پیش من آید او را در بهشت جای خواهم داد برحمت خود.

کنز: عبد اللَّه بن سنان از حضرت صادق علیه السّلام فرمود وقتی قیامت برپا شود خداوند اختیار حساب شیعیان ما را بما میسپارد آنچه مربوط بخدا است از خدا درخواست میکنیم بما ببخشد و آنچه مربوط بمردم است تقاضا می کنیم در مقابل حقی که دارند بایشان عوض بدهد و شیعیان رهائی یابند و آنچه مربوط بخود ما است بایشان می بخشیم سپس این آیه را قرائت نمود: إِنَّ إِلَیْنا إِیابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنا حِسابَهُمْ.

بازگشت آنها بسوی ما است سپس حساب آنها با ما است.

در کنز ذیل همین آیه روایتی شبیه روایت قبل نقل میکند که در آخر میفرماید شیعیان با ما هستند هر جا باشیم.

کنز جامع: جمیل بن دراج گفت بحضرت ابو الحسن عرض کردم آیا حدیث جابر را بمردم بگویم فرمود آن حدیث را بنادانان مسپار که موجب

امامت، ج ۲، ص: ۲۲۸

انتشار آن می شوند مگر این آیه را نخوانده ای: إِنَّ إِلَیْنا إِیابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنا حِسابَهُمْ عرضکردم چرا فرمود روز قیامت که خداوند تمام جهانیان را جمع میکند حساب شیعیانمان را بما میسپارد آنچه بین آنها و خداست ما

بنفع آنها حکومت میکنیم خدا نیز حکومت ما را می پذیرد و آنچه بین آنها و مردم است تقاضای بخشش میکنیم آنها نیز بما میبخشند و آنچه بین ما و آنها است که ما شایسته تر بگذشت و بخشش هستیم.

توضیح: این تعبیر معمول و شایع است در زبان عرب و در بیشتر از آیات جاری است، سلاطین و فرمانروایان نیز همین کار را میکنند اعمالی که بدستور آنها توسط خدمتکاران انجام شد بخود نسبت میدهند بیشتر آیه هائی که بصیغه جمع آمده و ضمیر آن چنین است: إِنَّ إِلَیْنا مشمول همین استعمال مجازی است چنانچه بر متتبع پوشیده نیست.

تفسیر عیاشی: پسر ظبیان گفت از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر آیه: وَ ما لِلظّالِمِینَ مِنْ أَنْصارٍ را پرسیدم فرمود: آنها را امامی نیست که بنام آنها را بخوانند.

کافی: زراره از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه: فَلَمّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِیئَتْ وُجُوهُ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ قِیلَ هذَا الَّذِی کُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ چون دیدند او را دارای مقام چهره آنها درهم کشیده می شود به آنها گفته می شود همین است کسی که ادعای مقامش را کردید فرمود این آیه در باره امیر المؤمنین علیه السّلام و اصحابش نازل شده کسانی که آن کارها را کردند حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام را در بهترین مقام ها مشاهده میکنند، چهره های ایشان درهم کشیده می شود از ناراحتی بآنها گفته می شود: هذَا الَّذِی کُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ این همان کسی است که ادعای مقامش را کردید و جای او را غصب نمودید.

مرحوم طبرسی می نویسد: حسکانی با سندهای صحیح از شریک از اعمش نقل کرده معنی آیه را که چون به بینند آنچه به علی بن ابی طالب

اختصاص داده

امامت، ج ۲، ص: ۲۲۹

شده از قرب و منزلت چهره کافران درهم کشیده می شود.

کافی: احمد بن عمر الحلال گفت از حضرت ابو الحسن راجع بآیه: فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ پرسیدم فرمود: مؤذن امیر المؤمنین است.

کنز: هیثم بن عبد اللّه گفت مولا علی بن موسی الرضا علیه السّلام از آباء گرام خود از امیر المؤمنین علیه السّلام نقل کرد که فرمود پیامبر اکرم فرمود جبرئیل از جانب پروردگار عزیز آمده گفت پروردگارت سلام میرساند و میگوید یا محمّد بشارت بده مؤمنین نیکوکار را که ایمان بتو دارند و باهل بیتت به بهشت در نزد من بهترین جزا و پاداش را دارند و داخل بهشت می شوند.

کنز: عیسی بن داود نجار از موسی بن جعفر علیه السّلام نقل کرد که از این آیه سؤال کردم: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ كانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا. خالِدِينَ فِيها لا يَبْغُونَ عَنْها حِوَلًا فرمود در باره آل محمّد نازل شده.

کنز: از علی علیه السّلام نقل شده که فرمود هر چیزی دارای محل بهتر و عالی است عالی ترین محل بهشت فردوس است که متعلق به محمّد و آل محمّد صلوات اللّه علیهم است.

کنز جامع الفوائد: عمر بن رشید از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد در یک حدیث که پیامبر اکرم فرمود علی و شیعیانش روز قیامت بر تلّی از مشک اذفرند مردم در وحشتند اما آنها وحشتی ندارند دیگران اندوهگینند ولی آنها اندوهی ندارند این آیه همین مطلب را میفرماید: لا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلائِكَةُ هذا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.

امالی: کثیر بن طارق گفت از زید بن علی راجع به آیه: لا تَدْعُوا

الْيَوْمَ ثُبُوراً واحِداً وَ ادْعُوا ثُبُوراً كَثِيراً پرسیدم. زید گفت کثیر! تو مردی صالح هستی و گمان بد در باره ات برده نمی شود من میترسم هلاک شوی، روز قیامت خداوند دستور می دهد اشخاصی که پیرو پیشوایان ستمگر بوده اند بطرف جهنم رهسپار شوند فریاد وا ویلا و مرگ بر این زندگی آنها بلند می شود بامام و پیشوای خود

امامت، ج ۲، ص: ۲۳۰

میگویند تو که ما را بهلاکت رساندی اینک بیا و ما را از این گرفتاری نجات ده در این موقع به آنها گفته می شود: لا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُوراً واحِداً وَ ادْعُوا ثُبُوراً كَثِيراً امروز یک بار تقاضای مرگ نکنید بلکه تقاضای مرگهای زیاد کنید.

زید گفت: پدرم از پدر خود حسین بن علی علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم بعلی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود علی تو و اصحابت در بهشت هستید تو و اصحابت در بهشت هستند.

کنز: ابن عباس در باره آیه: وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ نگهدارید آنها را باید از ایشان سؤال شود گفت از ولایت علی بن ابی طالب، مانند همین روایت از طریق اهل سنت از ابی نعیم از ابن عباس نقل شده و مانند آن از ابو سعید خدری و شبیه آن نیز از سعید بن جبیر همه از پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم نقل کرده اند.

در تفسیر فرات: همین تفسیر برای آیه شده در مناقب از حاکم حسکانی و نطنزی و گروه اهل بیت نقل شده که از ولایت علی بن ابی طالب و حب اهل بیت علیهم السّلام سؤال میکنند.

حضرت رضا علیه السّلام فرمود پیامبر اکرم این آیه را قرائت نمود: إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ

الْفُؤادَ كُلُّ أُولئِكَ كانَ عَنْهُ مَسْؤُلًا از آیه سؤال شد اشاره به آن سه نفر کردند که آنهایند سمع و بصر و فؤاد و بزودی از وصی من بازخواست خواهد شد اشاره کرد به علی بن ابی طالب علیه السّلام.

سپس فرمود: بعزت پروردگارم قسم تمام امت مرا نگه می دارند در روز قیامت و بازخواست خواهند شد از ولایت علی اینست تفسیر آیه: وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ.

تفسیر وکیع بن سفیان از سدی در باره آیه: فَوَ رَبِّكَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ قسم به پروردگارت از همه آنها سؤال خواهیم کرد از ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام سپس فرمود: عَمَّا كانُوا يَعْمَلُونَ از اعمال آنها در دنیا در صحیفه اهل بیت است (این تفسیر).

امامت، ج ۲، ص: ۲۳۱

تفسیر فرات: قبیصه جعفی گفت از حضرت صادق علیه السّلام آیه إِنَّ إِلَيْنا إِيابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنا حِسابَهُمْ را پرسیدم فرمود در باره ما نازل شده عرضکردم من از تفسیر آن میپرسم فرمود بسیار خوب قبیصه! روز قیامت که می شود خدا حساب شیعیان را بما می سپارد آنچه بین آنها و خدا است حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم تقاضای بخشش میکند از خدا و آنچه بین آنها و بین مردم است از مظالم پیامبر اکرم از طرف آنها پرداخت می کنند و آنچه بین ما و آنها است می بخشیم بآنها تا بدون حساب وارد بهشت شوند.

بررسی در مشارق: باسناد خود از مفضل در مورد آیه: إِنَّ إِلَيْنا إِيابَهُمْ. ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنا حِسابَهُمْ نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام فرمود خیال میکنی اینها کیانند که حساب مردم بآنها واگذار می شود. بخدا قسم ما هستیم بسوی ما بر میگردند و

بر ما عرضه می شوند و نزد ما حکومت می شوند و از محبت ما سؤال خواهند شد.

برقی: در کتاب آیات از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که پیامبر اکرم به امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود یا علی تو دادخواه این امتی و عهده دار حساب آنها و تو رکن اعظم خدائی در روز قیامت بازگشت بسوی تو است و حساب با تو است و راه راه تو است و میزان و سنجش سنجش تو است و موقف موقف تو است.

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود خداوند شفاعت را بحضرت محمّد عطا فرمود در امتش و بما شفاعت در باره شیعیانمان عطا کرد و شیعیان ما می- توانند شفاعت در باره خویشاوندان خود کنند بهمین مطلب اشاره دارد آیه شریفه فَما لَنا مِنْ شافِعِینَ بخدا سوگند ما شفاعت در باره شیعیان خود میکنیم بطوری که دشمنان میگویند: فَما لَنا مِنْ شافِعِینَ ما را شفاعت کننده ای نیست.

سپس فرمود: شیعیان ما در باره وابستگان خود شفاعت میکنند بطوری که دشمنان میگویند وَ لا صَدِیقٍ حَمِیمٍ و نه دوست خویشاوند.

امامت، ج ۲، ص: ۲۳۲

کنز جامع: شیخ طوسی در مصباح الانوار باسناد خود از ابن عباس نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود روز قیامت من و علی بر صراط میایستیم بدست هر یک از ما شمشیری است احدی از مردم نمیگذرن مگر اینکه از ولایت علی میپرسیم هر کس از ولایت بهره ای داشته باشد نجات یافته و رستگار است و گر نه گردنش را میزنیم و او را در آتش میافکنیم سپس این آیه را تلاوت نمود: وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ ما لَكُمْ لا تَناصَرُونَ. بَلْ هُمُ الْيَوْمَ

مُسْتَسْلِمُونَ کنز: روایت شده که از ابو الحسن حضرت امام علی النقی راجع بآیه:

لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ ما تَأَخَّرَ پرسیدند فرمود پیامبر اکرم در گذشته و آینده چه گناهی داشت خداوند گناه شیعیان علی را بر او حمل کرد از گذشته و آینده سپس همه را آمرزید.

کنز: عبد اللّه بن حماد از شریک نقل کرد که گفت اعمش از پی ما فرستاد دچار بیماری سخت بود ما رفتیم گروهی از اهل کوفه جمع بودند از آن جمله ابو حنیفه و پسر قیس ماصر.

اعمش بفرزند خود گفت مرا بنشان پسرش او را نشاند آنگاه رو بجمعیت نموده گفت اهالی کوفه! ابو حنیفه و پسر قیس ماصر پیش من آمده گفتند تو در باره علی بن ابی طالب حدیثهائی نقل کرده ای از آنها رجوع کن و برگرد تا وقتی روح در بدن باشد توبه پذیرفته است بآنها گفتم مانند شما چنین حرفی بمثل من میگوئید.

اینک شما اهالی کوفه را گواه میگیرم من آخرین روز زندگی خود را میگذرانم و بسوی اولین روز آخرت رهسپارم من از عطاء بن رباح شنیدم میگفت از پیامبر اکرم تفسیر آیه أَلْقِيا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ پرسیدم فرمود من و علی در جهنم میاندازیم هر کس ما را دشمن بدارد.

ابو حنیفه بقیس گفت حرکت کن برویم که حدیثی از این بزرگتر برای ما نقل میکند از جای حرکت کرده رفتند.

امامت، ج ۲، ص: ۲۳۳

کنز جامع الفوائد: زید بن جدعان از عموی خود علی بن زید نقل کرد که گفت ما پیش عبد اللّه بن عمر بودیم و فضائل و مزایای یک دیگر را بر میشمردیم میگفتیم ابو بکر

و عمر و عثمـان، دیگران میگفتنـد فلانـی و فلانـی مردی گفـت پس در بـاره علی چه میگوئیـد ابـو عبـد الرحمن گفت علی از خانواده ایست که با هیچ یک از مردم قابل مقایسه نیستند علی با پیامبر است در درجه او خداوند در این آیه میفرماید: وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُمْ بِإِیمـانٍ أَلْحَقْنـا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ فاطمه علیها السّلام ذریه پیامبر است و با او در درجه اش خواهـد بود و علی نیز با فاطمه علیها السّلام است.

کنز: کلبی از جعفر بن محمّد از پدر بزرگوارش نقل کرد که روز قیامت یکن منادی از عرش فریاد میزند مردم چشـمهای خود را ببندیـد تا فاطمه دختر محمّد صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم بگذرد اول کسـی است که لباس می پوشد دوازده هزار حوریه که همراه آنهـا پنجاه هزار فرشـته است و بر اسـبهای یاقوت سوارنـد که بالهای زبرجـد و زمامی از مرواریـد تازه بر هر یک از آنها روکشی از در شاهوار است و بر روی هر روکشی قالیچه ای از سندس قرار دارد همه اینها باستقبال فاطمه زهرا علیها السّلام می آیند از صـراط میگذرند و بفردوس میرسند اهل بهشت بیکدیگر مژده میدهند و فاطمه علیها السّلام بر تختی از نور مینشیند این حوران و فرشتگان اطرافش هستند.

در بطنـان عرش دو قصـر است قصـری سـفید و قصـری زرد از مرواریـد از یک جنس از قصـر سـفید هفتاد هزار خانه است که مسـکن محمّد و آل محمد است و در قصر زرد هفتاد هزار مسکن است که خانه های ابراهیم و آل ابراهیم است خداوند فرشته ای را بسوی فاطمه زهرا علیها السّلام میفرستد که بسوی احدی قبل از او و

بعد از او نفرستاده میگوید پروردگارت سلام میرساند و میفرماید از من بخواه تا بتو عطا کنم.

فاطمه علیها السّلام میگوید: خداوند نعمتش را بر من تمام کرده بهشت را بمن ارزانی داشته و مرا مورد لطف خویش قرار داده و مرا بر تمام زنان عالم برتری بخشیده از خدا تقاضا دارم مرا شفیع فرزندان و ذریه ام و دوستان آنها بعد از من

امامت، ج ۲، ص: ۲۳۴

و کسانی که ایشان را حفظ کرده اند پس از من بنماید خداوند باین فرشته وحی میکند قبل از اینکه از جای خود حرکت کند که بفاطمه علیها السّلام بگوید او را در باره فرزندان و ذریه و دوستان آنها و کسانی که در حفظ خاندان او کوشا بوده اند شفیع نمودم آنگاه زهرا علیها السّلام میگوید خدا را سپاس که اندوه را از من زد و دو چشم مرا روشن کرد آنگاه حضرت صادق علیه السّلام فرمود وقتی پدرم این حدیث را نقل میکرد این آیه را نیز تلاوت مینمود: وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ ما أَلَتْناهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْ‌ءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِما كَسَبَ رَهِينٌ.

کنز: صدوق باسناد خود از میسره نقل کرد که گفت از حضرت رضا علیه السّلام شنیدم میفرمود بخدا قسم دو نفر از شما در آتش دیده نمیشوید نه بخدا یک نفر دیده نمیشود عرض کردم آقا چه دلیلی بر این مطلب از قرآن دارید. یک سال تمام در باره جواب سؤال من سکوت داشت تا اینکه پس از یک سال روزی در خدمتش طواف می کردم بمن فرمود میسره! اجازه جواب دادن بتو را در مورد فلان سؤال دادند عرضکردم کدام آیه

از قرآن.

فرمود این آیه: فَيَوْمَئِذٍ لا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَ لا جَانٌّ «۱» عرضکردم در آیه (منکم) نیست فرمود اولین کسی که تغییر داد آن را ابن اروی بود چون این بودن (منکم) بر ضرر او و یارانش بود اگر (منکم) در آیه نباشد عقاب و کیفر خدا از همه مردم برداشته می شود زیرا وقتی از گناه هیچ کس سؤال نشود از جن و انس دیگر چه کس در روز قیامت عقاب خواهد شد؟.

کنز: سلام بن مستنیر گفت از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم:

فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بابٌ باطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَ ظاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذابُ يُنادُونَهُمْ أَ لَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ فرمود این آیه در باره ما و شیعیانمان نازل شده و در باره کفار روز قیامت که شد خداوند جهانیان را در راه محشر نگه میدارد و دیواری از تاریکی میزند که دارای دربی است که داخلش رحمت است یعنی نور و ظاهرش

امامت، ج ۲، ص: ۲۳۵

از جلو عذاب است یعنی ظلمت و تاریکی است خداوند شیعیان ما را بداخل دیوار تاریک که رحمت و نور است قرار میدهد و دشمنان ما و کفار را در جلو دیواری که در آن تاریکی است قرار میدهند دشمنان ما و شما فریاد میزنند از همان دربی که در دیوار ظلمت است: مگر ما با شما نبودیم در دنیا پیامبر هر دومان یکنفر بود نماز ما و روزه ی ما و حج ما یکی بود.

فرشته ای از جانب خدا ندا میکند: بَلى وَ لكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ درست است اما شما بعد از پیامبران فریب خوردید و رها کردید پیروی از کسی را که پیامبر دستور

پیروی از او را داده بود و انتظار مصیبت و ناراحتی را برای او داشتید و مشکوک بودید راجع به آنچه پیامبر گفته بود و فریب آرزوها را خوردید و گول جمعیت که گرد هم آمده بودید و بر خلاف اهل حق تبانی کردید خوردید از حلم و شکیبائی خدا سوء استفاده نمودید تا علی بن ابی طالب و سایر ائمه ای که بر حق بودند پس از او ظاهر شدند شیطان شما را فریب داد امروز دیگر از شما و کسانی که کافر شده اند جریمه ای گرفته نمی شود یعنی کار خوبی ندارید که موجب نجات شما شود مَأْواکُمُ النَّارُ هِیَ مَوْلاکُمْ وَ بِئْسَ الْمَصِیرُ.

کنز: ابن عباس گفت از پیامبر اکرم پرسیدم معنی فَضُرِبَ بَیْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بابٌ باطِنُهُ فِیهِ الرَّحْمَهُ وَ ظاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذابُ فرمود من آن دیوارم و علی درب آن است.

در خبر دیگر میفرماید وارد محلی که دارای دیوار است نمیتوان شد مگر از درب آن.

توضیح: شاید دیوار و درب در آخرت صورت همان شهر علم و درب آن است در دنیا. هر که در دنیا از درب شهر علم وارد مدینه شود در آخرت از کسانی خواهد بود که از درب دیوار وارد رحمت خدا می شود هر که در دنیا از درب آن وارد نشود و ایمان بوصی نیاورد در آخرت در دیوار یعنی عذاب خدا خواهد بود.

بخش شصت و چهارم آیاتی که در باره پیوند با ائمه علیهم السلام و ادای حقوق ایشان نازل شده

تفسیر قمی: وَ لا یَحُضُّ عَلی طَعامِ الْمِسْکِینِ منظور حقوق آل محمّد است که آن را غصب کرده اند.

کافی: از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام در آیه: مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ کَرِیمٌ چه کسی بخدا قرض

میدهد قرض نیکو تا دو چندان نماید برای او و پاداشی با ارزش باو بدهد فرمود: این قرض رسیدگی بامام علیه السّلام است در هنگام دولت تبهکاران.

تفسیر قمی: لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ یعنی بثواب نخواهید رسید مگر اینکه رد کنید حق آل محمّد را که عبارت است از انفال و خمس و غنیمت.

مناقب: حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قالُوا فرمود آنها خیال میکردند که امام محتاج باموالی است که ایشان می آورند.

توضیح: آنها فقر را بخدا نسبت نمیدادند ولی چون بائمه و حجت خدا نسبت می دادند مثل این بود که نسبت بخدا داده اند.

کافی: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْ ءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبى فرمود: امیر المؤمنین و ائمه علیهم السّلام هستند.

کنز: معاویه بن عمار گفت: از حضرت صادق این آیه را پرسیدم: مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فرمود: این مربوط بصله رحم است و رحم فقط خویشاوندان آل محمّد علیهم السّلام هستند.

امامت، ج ۲، ص: ۲۳۷

کافی: مفضل از ابن ظبیان نقل کرد که از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میفرمود چیزی در نظر خدا محبوبتر از پول دادن بامام نیست خداوند درهمی که به امام می دهند در بهشت مانند کوه احد قرار میدهد سپس گفت خداوند میفرماید: مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ فرمود: بخدا قسم این اختصاص برسیدگی و پیوند با امام دارد.

کنز: حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام از پدر خود نقل کرد که مردی از پدر آن جناب حضرت

باقر تفسیر این آیه را پرسید: وَ الَّذِینَ فِی أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ، لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ.

پدرم فرمود دقت کن من چه میگویم و مواظب باش چگونه از من نقل میکنی! سائل و محروم در این آیه خیلی دارای مقام هستند، سائل پیامبر اکرم است که از خداوند درخواست حق خود را از مردم نمود و محروم هر کسی که علی بن ابی طالب و فرزندان او و از ائمه طاهرین علیهم السّلام را محروم از خمس نماید شنیدی و فهمیدی؟! آن طور که مردم میگویند نیست.

توضیح: یعنی منحصر بمعنی ظاهری آیه نیست که مردم میگویند.

کنز: عبد اللَّه بن بکیر سند بحضرت صادق علیه السّلام میرساند که در باره آیه:

وَیْلٌ لِلْمُطَفِّفِینَ وای بر کم فروشان. فرمود منظور کسانی هستند که خمس تراکم میدهند یا محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم الَّذِینَ إِذَا اکْتالُوا عَلَی النَّاسِ یَسْتَوْفُونَ یعنی وقتی حقوق خود را از غنائم میخواهند کامل میگیرند وَ إِذا کالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ یُخْسِرُونَ یعنی وقتی خمس آل محمّد را از آنها بخواهند کم میدهند این آیه وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ وای بر کسانی که وحی ترا تکذیب میکنند إِذا تُتْلی عَلَیْهِ آیاتُنا قالَ أَساطِیرُ الْأَوَّلِینَ وقتی آیات ما بر آنها خوانده می شود میگویند داستانهای پیشینیان است یعنی تکذیب آنها نسبت بحضرت قائم است زیرا میگویند باو ما ترا نمیشناسیم و تو از اولاد فاطمه نیستی همان طوری که مشرکین بحضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم میگفتند.

بخش شصت و پنجم تأویل سوره بلد در باره ائمه علیهم السّلام

کنز: ابو یعقوب اسدی از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: أَ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَیْنَیْنِ وَ لِساناً وَ شَفَتَیْنِ فرمود دو چشم پیامبر اکرم است و لسان امیر

المؤمنین علیه السّلام و دو لب حسن و حسین هستند: وَ هَدَیْناهُ النَّجْدَیْنِ آنها را بولایت تمام ائمه هدایت نمود و به برائت و بیزاری از تمام دشمنانشان.

کنز: ابان گفت از حضرت صادق علیه السّلام معنی این آیه را: فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَهَ فرمود ابان آیا در این مورد از کسی چیزی شنیده ای؟ گفتم نه فرمود ما عقبه و گردنه هستیم بالا نمیرود بجانب ما مگر کسی که از ما باشد سپس فرمود ابان یک حرف در این مورد برایت اضافه نکنم که بهتر از دنیا و آنچه در دنیا است باشد؟ گفتم: چرا.

فرمود: فَکُّ رَقَبَهٍ آزادی بندگان، تمام مردم مملوک و در خور آتشند غیر تو و یارانت که خداوند آنها را از آتش جدا نموده عرضکردم بچه سبب ما را از آتش آزاد نموده فرمود بواسطه ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام.

امامت، ج ۲، ص: ۲۳۹

کنز: ابو بکر حضرمی از حضرت صادق نقل میکند در مورد آیه: فَکُّ رَقَبَهٍ مردم همه بنده آتشند مگر کسی که داخل در فرمانبرداری و ولایت ما شود که در این صورت از قید آتش آزاد شده و عقبه ولایت ما است.

سه روایت دیگر از کنز جامع و تفسیر فرات نقل می شود از تفسیر قمی که حضرت صادق فرمود: فَکُّ رَقَبَهٍ فرمود بوسیله ما از قید بندگی آزاد میشوند و بمعرفت ما و ما اطعام میکنیم در روز گرسنگی که همان مسغبه است.

تفسیر قمی: وَ ما أَدْراکَ مَا الْعَقَبَهُ عقبه ائمه علیهم السّلام هستند هر کس بر آن صعود کند از قید آتش رهائی می یابد: أَوْ مِسْکِیناً ذا مَتْرَبَهٍ فرمود چیزی او را از خاک نگه نمی دارد.

أَصْحابُ

الْمَيْمَنَهِ اصحاب امیر المؤمنین علیه السّلام هستند: وَ الَّذِینَ کَفَرُوا بِآیاتِنا یعنی کسانی که مخالف امیر المؤمنین علیه السّلام باشند: هُمْ أَصْحابُ الْمَشْئَمَهِ مشأمه دشمنان آل محمّدند عَلَیْهِمْ نارٌ مُؤْصَدَهٌ آنها را آتشی همه جا گیر فرا می گیرد.

ابو یعقوب از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: أَ یَحْسَبُ أَنْ لَنْ یَقْدِرَ عَلَیْهِ أَحَدٌ خیال می کند کسی بر او قدرت ندارد فرمود منظور عثمان است که دختر پیامبر اکرم را کشت که میگوید: أَهْلَکْتُ مالًا لُبَداً ثروت زیادی را از میان بردم آن پولهائی را میگوید که در جنگ عسرت و تنگدستی جنگ تبوک بوسیله آنها پیامبر اکرم صرف سپاه مسلمانان نمود أَ یَحْسَبُ أَنْ لَمْ یَرَهُ أَحَدٌ خیال می کند کسی او را نمی بیند که چه خبث طینت دارد.

أَ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَیْنَیْنِ مراد پیامبر است وَ لِساناً امیر المؤمنین وَ شَفَتَیْنِ یعنی حسن و حسین علیهما السّلام وَ هَدَیْناهُ النَّجْدَیْنِ هدایت کردیم آنها را بولایت آن دو فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَهَ وَ ما أَدْراکَ مَا الْعَقَبَهُ یعنی از کجا دانستی و حال اینکه هر چیزی در قرآن هست یَتِیماً ذا مَقْرَبَهٍ یعنی پیامبر اکرم و مقربه خویشاوندان پیامبر است.

امامت، ج ۲، ص: ۲۴۰

أَوْ مِسْکِیناً ذا مَتْرَبَهٍ یعنی امیر المؤمنین علیه السّلام که بی نیاز از علم است دانش در نظر او بی ارزش است چون خاک.

توضیح: بالا رفتن بر گردنه کنایه از وارد شدن در کار سخت است. از ولایت تعبیر بگردنه شده بواسطه سختی آن بر منافقین و حمل ما بعد آیه بر ولایت بنا بر مبالغه است که حمل مسبب را بر سبب میکنند اما سببیت در فک و آزادی که ظاهر است و اما در

اطعام نیز بنا بر خبری که یتیم و مسکین پیامبر اکرم و علی مرتضی علیهما السّلام باشد نیز ظاهر است.

و اما بنا بر سایر اخبار باین جهت است که ولایت سبب تسلط امام است و مردم را هدایت می کند، مؤید این مطلب است آنچه در روایت ابا بصیر است که فرمود ما اطعام میکنیم در روز گرسنگی.

و احتمال دارد بنا بر بعضی از اخبار: يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ روز قیامت باشد و یتیمان عبارتند از شیعیانی که از امامشان دور افتاده اند و مساکین فقراء و شیعه هستند و ولایت سبب اطعام آنها می شود در آخرت.

تفسیر فرات: ابراهیم بن یحیی گفت از حضرت صادق علیه السّلام آیه: لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ، أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ پرسیدند فرمود قریش هر نوع آزار و اذیتی را در مکه حرام میدانستند اگر کسی یک شاخ از درخت داخل مکه را بر خود می آویخت باو کاری نداشتند حماد گفت وقتی از حرم خارج میشدند با این روشی که داشتند ناسزا گفتن و تکذیب پیامبر صلی اللّه علیه و آل و سلم را حلال می شمردند.

فرمود آنها مکه را احترام می گذاشتند و آنچه خدا حرام کرده بود حلال می دانستند.

مرحوم طبرسی در مورد آیه: لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ می نویسد تمام مفسرین اتفاق دارند که این آیه قسمی است خداوند بشهر مکه می خورد: وَ أَنْتَ حِلٌّ

امامت، ج ۲، ص: ۲۴۱

بِهذَا الْبَلَدِ یعنی تو مقیم در مکه هستی یا محل تو مکه است. این اشاره بشرافت مکه است بواسطه پیامبر که ساکن آنجا است.

بعضی گفته اند: معنی آیه اینست که برای تو حلال است در مکه یعنی کشتن هر کافری که در مکه مشاهده کنی برایت حلال است

این مربوط بزمان فتح مکه است که دستور قتل داد، بعضی نیز گفته اند در صورتی که احترام ترا نگه نمیدارند و هتك حرمت تو نموده اند که دیگر برای مکه نیز حرمتی نمیماند همین معنی از حضرت صادق نیز روایت شده فرمود قریش احترام مکه را نگه میداشتند اما تکذیب و آزار حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم را حلال میشمردند: وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ یعنی ترا دشنام میدادند و تکذیب میکردند بطوری احترام برای مکه قائل بودند که شخص قاتل پدر خود را در حرم تعقیب نمیکرد و شاخه درخت مکه را که بر خود می آویختند در امان بودند با این کار ولی حرمت پیامبر را نگه نداشتند و آنچه خدا حرام نموده بود حلال میدانستند خداوند آنها را بر این کار سرزنش میکند.

کافی: ابن تغلب از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که گفتم فدایت شوم معنی آیه: فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ چیست؟

فرمود هر کس خداوند او را گرامی داشته بولایت ما خاندان از گردنه رد شده ما همان عقبه و گردنه ای هستیم که هر کس از آن بگذرد نجات یافته در این موقع سکوت نمود.

سپس فرمود نمیخواهی یک سخن دیگر برایت بگویم که از دنیا و آنچه در اوست برایت بهتر باشد گفتم چرا فدایت شوم فرمود: فَكُّ رَقَبَةٍ تمام مردم گرفتار آتشند مگر تو و یارانت زیرا خداوند شما را از گرفتاری آتش بولایت ما اهل بیت رهائی بخشیده.

کافی: محمّد بن عبد اللَّه سند بامام میرساند در آیه: لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ وَ أَنْتَ

امامت، ج ۲، ص: ۲۴۲

حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ فرمود امیر المؤمنین والد است

و ما ولد ائمه از فرزندان اویند علیهم السّلام.

توضیح: (لا) در لا اقسم برای نفی است یعنی مطلب واضح تر از اینست که قسم یاد کنم یا رد بر چیزی که بر خلاف مقسم علیه است یا برای تأکید لا زائد است یا در اصل (لانا اقسم) بوده که مبتدا حذف شده و فتحه لام ابتدا اشباع گردیده بالف.

والد گفته اند آدم است بعضی ابراهیم و بعضی حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم را گفته اند اینکه نکره ذکر شده برای تعظیم است و ما بجای من آورده شد برای تعجب است چنانچه در آیه: وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما وصفت چنین است.

بخش شصت و ششم ائمه علیهم السّلام نماز و زکات و حج و روزه و سایر طاعات هستند و دشمنانشان فواحش و معاصی میباشند در بطن قرآن

بصائر: مفضل گفت نامه ای برای حضرت صادق علیه السّلام نوشتم در جواب نامه این جواب از طرف حضرت صادق آمد من تو و خود را بتقوی و فرمانبرداری خدا سفارش میکنم از تقوی محسوب می شود، ورع و تواضع برای خدا و آرامش و کوشش و مطیع بودن و خیر خواهی برای فرستادگان خدا و سرعت در کارهای نیک و پرهیز از گناهان.

هر کس تقوی را پیشه خود کند جان خویش را از آتش جهنم به لطف خدا رهانیده و بتمام خیر دنیا و آخرت رسیده و هر که امر بتقوی کند در پند و اندرز مبالغه نموده خداوند برحمت خود ما را از متقین قرار دهد نامه تو رسید و آن را خواندم و متوجه شدم چه نوشته بودی خدا را سپاسگزارم بر سلامتی و عافیت تو خداوند من و ترا لباس عافیت دنیا و آخرت بپوشاند در نامه

امامت، ج ۲، ص: ۲۴۴

خود نوشته بودی گروهی که من آنها را میشناسم راه و روش

ایشان موجب تعجب تو شـده و کارهائی از آنها برایت نقل شده که ناخوش میداشتی با اینکه خیال میکردی مردمانی پرهیزگار و اهل خشوع هستند.

شنیـده ای که آنها می گوینـد دین عبارت است از شـناختن مردانی وقتی آن اشـخاص را شـناختی دیگر هر کار مایلی بکن در نامه یادآور شـده بودی که من میدانم اصل دین شـناختن مردانی است اما آنها میگویند نماز زکات و روزه ماه رمضان و حج و عمره و مسـجد الحرام و خـانه خـدا و مـاه حرام همه اینها مردی است وضو و غسل جنابت نیز مردی است و هر واجبی که خـدا برای بندگان معین کرده مردی است.

آنها میگویند هر کس آن مرد را بشناسد همان شناختن او را کافی است احتیاج بعمل ندارد نماز خوانده و زکات داده و حج و عمره و غسـل جنابت و وضو ساخته و تمام کارهای بـد را مراعات نموده ماه حرام و مسـجد الحرام همه را می گوینـد هر کس آن مرد را کاملا با مشـخصات بشناسد و در قلبش ثابت شود میتواند دیگر عملی انجام ندهد و کوشش در کارها ننماید اگر او را بشناسد همین اعمال بدون انجام دادن از او قبول شده است در وقت خود آن عمل.

آنها می گویند کارهای بدی که خدا نهی نموده از قبیل شراب قمار ربا و خون و مردار و گوشت خوک مردمی است میگویند آنچه خـدا حرام نموده از ازدواج بـا مـادران و دختران و عمه هـا و خـاله ها و دختران برادر و دختران خواهر و آنچه بر مؤمنین ازدواج آنها را حرام نموده منظورش ازدواج با زنان پیامبر است بقیه هم حلال هستند شنیده ای که آنها چند

نفر پیاپی با یک زن همبستر میشوند و شهادت بدروغ می دهند.

آنها می گویند برای محرمات دین یک ظاهری است و یک باطن، ظاهر همان است که از آن خودداری می شود و بواسطه دفاع از خویش ظاهر را انجام میدهند اما باطن همان چیزی است که آنها جویا هستند و بهمان نیز مأمورند.

امامت، ج ۲، ص: ۲۴۵

بالاخره در نامه خود بسیار در شگفت شده بودی از اعتقاد آنها سؤال کرده بودی آیا حلال است یا حرام و جویای تفسیر این مرام شده بودی اینک برای تو توضیح میدهم تا رفع شک و شبهه شود درست دقت کن برایت در این نامه تفسیر میکنم چنانچه خداوند میفرماید: وَ تَعِيَها أُذُنٌ واعِيَةٌ

حرام و حلال آن را بیان خواهم کرد و کاملا معرفی میکنم تا دیگر در این مورد اشکالی برایت باقی نماند ان شاء اللّه لا قوه الا باللّه و القوه للّه جمیعا آنچه سؤال کرده بودی کسی که چنین اعتقادی داشته باشد در نزد من مشرک بخدا است و شکی در شرک او نیست این اعتقاد از گروهی سرچشمه گرفت که نفهمیدند رهبر آنها چه می گوید و شعور درک آن را نداشتند و متوجه نشدند میزان سخن چیست این دستورات را با عقل و درک خویش حد و اندازه گیری کردند و مطابق دستور و فرمان خدا قرار ندادند از روی افترا و کذب بر خدا و پیامبرش و جرات در تبهکاری و گناه همین کافی است در جهل و نادانی آنها اگر در همان حدودی که برای ایشان قرار داده شده بود مینهادند اشکالی پیش نمی آمد.

بتو گوشزد میکنم که خداوند برای این مقررات حدودی قرار داده تا کسی تجاوز

نکند اگر سخن آنها صحیح باشد مردم معذور خواهند بود در اطلاع نداشتن از مقررات دین مقصر و متجاوز هر دو معذورند اما چنین نیست مقررات دارای حد و حدودی است که هر کس تجاوز نماید مشرک و کافر است در این آیه میفرماید: تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلا تَعْتَدُوها وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ اینک برای تو حقایقی را بازگو میکنم.

خداوند اسلام را بعنوان دین برای خود و مردم پذیرفت جز این راه از کسی چیزی نمی پذیرد بر همین آئین انبیا و پیامبران و محمّد مصطفی را فرستاده مهمترین قسمت دین شناخت انبیا و ولایت آنها است در ضمن خداوند کارهائی را حلال و کارهائی را تا ادامه قیامت حرام نموده شناخت پیامبران و اطاعت و ولایت

امامت، ج ۲، ص: ۲۴۶

آنها حلال است حلال چیزی است که آنها جایز بدانند و حرام چیزی است که آنها حرام بدانند پایه های اصلی آنهایند از ایشان شاخه حلال بوجود آمده اینست کوشش آنها که از مأموریت های ایشان یکی آن که پیروان و اهل ولایت خود را امر بکارهای حلال میکنند. نماز خواندن زکات دادن روزه ماه رمضان و حج و عمره تعظیم دستورات و مشاعر و احترام بخانه خدا و مسجد الحرام و ماه حرام و طهارت و غسل جنابت و تمام کارهای پسندیده و اخلاق نیکو.

خداوند در قرآن کریم میفرماید: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى وَ يَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ دشمنان پیامبر همان محرم ها هستند و پیروان آنها تا روز قیامت فواحش و کارهای ناپسند پنهان و آشکارایند شراب و قمار زنا و ربا

خون مردار و گوشت خوک.

آنهایند حرام واقعی و اصل هر حرامی و شر واقعی و اصل هر شری، از آنها تمام بدیها جوانه زده از همین شاخه حرام ها است و حلال شمردن اینها کارهای ناشایست را از آن جمله تکذیب انبیاء و انکار اوصیا و انجام کارهای زشت است. زنا و دزدی و شراب خواری و خوردن مال یتیم و ربا و نیرنگ و خیانت و انجام تمام کارهای حرام و تبهکاری با اینکه خداوند امر بعدل و احسان و پیوند خویشاوندی که منظور خویشاوندان پیامبر و پیروی از آنها است و نهی از کارهای زشت و منکر و ستمکاری میکند که آنها دشمنان انبیاء و جانشینان انبیایند دوستی و اطاعت از آنها را حرام نموده خداوند این پند را بشما میدهد شاید متوجه شوید.

اگر من بتو میگویم کار زشت و شرابخواری و قمار بازی و زنا و مردار و خون و گوشت خوک مردی است با اینکه من توجه دارم که خداوند این ریشه و شاخه اش را حرام نموده و نهی کرده و ارتباط با او را مانند بت پرستی و کفر دانسته و هر کس مردم را دعوت باطاعت خود نماید مانند فرعون است که گفت: أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلى تمام اینها بنا بر یک وجه است میگویم او شخص است و رهسپار جهنم می شود با پیروانش آنها مصداق این آیه هستند: إِنَّما حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ

امامت، ج ۲، ص: ۲۴۷

الْخِنْزِيرِ همه آنچه گفته ام صحیح و درست است حتی اگر معرفی کنم که فلان کس است باز درست گفته ام همان فلانی معبودی است که تجاوز از حدود خدا که ممنوع است نموده.

بتو گوشزد میکنم

که ریشه دین و پایه آن فرد است یک نفر است و آن یکنفر یقین و ایمان است او پیشوای مردم و اهل زمان است هر که او را بشناسد خدا و دینش را شناخته و هر که منکر او شود منکر خدا و دینش گردیده و جاهل بامام جاهل بخدا و دین اوست دین و آئین و حدود پروردگار شناخته نمی شود مگر بوسیله آن امام.

بهمین جهت میگویم شناختن مردانی معین و مشخص دین خدا است این شناختن دو نوع است: نوع اول شناخت واقعی با بصیرت که بوسیله این معرفت راه خدا را تشخیص دهد و بمعرفت خدا برسد این معرفت که ثابت است و عارف با این اوصاف موجب ستایش است و باید سپاس خدا را داشته باشد بر این عرفان یک موهبت الهی است که بهر کس بخواهد میدهد با معرفت ظاهری (که دارای معرفت باطن و ظاهر می شود).

نوع دوم معرفت ظاهری اینها کسانی هستند که ما را بر حق میدانند اما دارای بصیرت اهل معرفت باطن نیستند و هرگز با آن معرفت ظاهری بشناخت واقعی خدا نمیرسند چنانچه در این آیه میفرماید: وَ لا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ پس کسی که بظاهر گواه بر حق باشد ولی قلب او چنین گواهی را ندهد و بصیرت در مورد گفته خود نداشته باشد هرگز باو پاداشی مانند کسی که دارای ایمان قلبی و بصیرت است نمیدهند همین طور است کسی که سخن به جور و ستم بگوید نه از درون قلب، عقاب و کیفر او مانند کسی است که همین سخن را از روی

اعتقـاد میگویـد و بر آن عقیـده قلبی دارد نیست اینـک فهمیـدی وضع اشخاصـی که دارای معرفت ظاهری هسـتند و اقرار بحق دارند اما نه از روی علم در گذشـته و آینده تا زمان منتهی به پیامبر اکرم و پس از او تلپیینی معرفت آنها بچه کسی منتهی شود چنین اشخاصی از اعمال و دیانت آنها شناخته

امامت، ج ۲، ص: ۲۴۸

میشونـد نیکوکـار بوسیله نیکوکاری و تبهکار با تبهکاریش گفته انـد هر کس داخل در امر ولایت شود بـدون بصیرت و علم همان طور نیز خارج خواهد شد.

خداوند بمن و تو معرفت با بصیرت ارزانی فرماید.

توجه داشـته باش که اگر گفتم نماز و زکات و روزه ماه رمضان و حـج و عمره و مسـجد الحرام و خانه خـدا و مشـعر الحرام و طهارت و غسل جنابت و هر واجبی پیامبر است که این دسـتورات را از جانب خدا آورده حرف صـحیحی زده ام زیرا تمام این دسـتورات بوسـیله پیـامبر شـناخته شـده اگر معرفت پیامبر و ایمان به او و تسـلیم نسـبت بفرمانش نباشـد این دسـتورات شـناخته نخواهد شد این موهبتی است از خدا بر کسانی که چنین نعمتی را دارند.

پس تمـام اینهـا پیـامبر اسـت اصـل و فرع او مرا دعـوت بـدین نمـود راهنمـائی کرد و شــناساند و امر بـاین دســتورات نمـود و فرمانبرداری را بمن واجب کرد که شـناختن او برایم لازم شـد چگونه ممکن است نشـناسم کسـی را که واسـطه بین من و خدا است، چگونه میتوانم بگویم دین غیر پیـامبر است بـا اینکه او دین را از جـانب خـدا برایم آورده و چطور این شـناختن شـخص نیست با اینکه همان شخص دین را از جانب خدا آورده منکر

دین کسی است که منکر پیغمبر باشد گفتند أَ بَعَثَ اللَّهُ بَشَراً رَسُولًا آیا خدا یک انسان را بعنوان پیامبر فرستاده باز گفتند أَ بَشَرٌ یَهْدُونَنا منکر او شدند و تکذیب نموده گفتند لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ مَلَکٌ خداوند فرمود قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْکِتابَ الَّذِی جاءَ بِهِ مُوسی نُوراً وَ هُدیً لِلنَّاسِ در آیه دیگر میفرماید: وَ لَوْ أَنْزَلْنا مَلَکاً لَقُضِیَ الْأَمْرُ ثُمَّ لا یُنْظَرُونَ وَ لَوْ جَعَلْناهُ مَلَکاً لَجَعَلْناهُ رَجُلًا خداوند میخواهد بوسیله مردان شناخته شود و با پیروی از آنها اطاعت او را کرده باشند و راه آن مردان را راه خویش قرار داده جز این از کسی نمی پذیرد از او نمیتوان بازخواست کرد مردم مورد بازخواست قرار میگیرند.

خداوند در این آیه علاقه خود را بپیروی از پیامبران بیان میکند: مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّی فَما أَرْسَلْناکَ عَلَیْهِمْ حَفِیظاً هر که پیرو پیامبر

باشد از خدا پیروی کرده و هر که اعراض کند ما ترا نگهبان آنها قرار نداده ایم.

کسی که معتقد باشد تمام این واجبات شخص است و بفهمد منظور از این حرف چیست راست گفته، اما کسی که این سخن را میگوید بدون پیروی از دستورات و چنگ باصل میزند اما فروع را ترک میکند اشتباه کرده و بهره ای نمی برد چنانچه تنها شهادت بلا اله الا اللَّه بدون شهادت برسالت محمّد مصطفی کافی نیست خداوند هر پیامبری را مبعوث کرده مأمور بکار نیک و دادگری و اخلاق پسندیده و اعمال نیکو و خودداری از کار زشت پنهان و آشکارا فواحش پنهان ولایت پیشوایان ستمگر و فواحش آشکارا شاخه های این ولایت و پیروی است و هرگز پیامبری

را مبعوث نکرده که دارای امر و نهی نباشد خداوند از بندگان عبادتها و فرائض را با حدودی که دارد میپذیرد بشرط شناخت کسی که اینها را آورده و دعوت بسوی خدا میکند اولین واجب شناختن اوست بعد پیروی از دستوراتش هر که بشناسد اطاعت میکند و هر که اطاعت کرد حرام ظاهری و باطنی را میشناسد نمی تواند باطن را حرام بداند و ظاهر را حلال. ظاهر که حرام شده بواسطه باطن بوده و باطن نیز با ظاهر هر دو حرام است نمی تواند اصل و شاخه هایش با باطن حرام، حرام باشد ولی ظاهرش حلال هرگز باطن را حرام نمی کند با اینکه ظاهر حلال باشد همین طور ممکن نیست نماز باطنی را بشناسد ولی نماز ظاهر را نشناسد و نه زکات و روزه و حج و عمره و مسجد الحرام و تمام دستورات و شعائر مذهبی و نه اینکه ترک معرفت باطن کند زیرا باطن همان ظاهر است صحیح نیست هیچ کدام ترک شود اگر باطن حرام و ناپاک باشد ظاهر نیز شبیه آن است.

هر کس خیال کند فقط معرفت و شناخت لازم است پس از عرفان احتیاج بعمل ندارد دروغ گفته و مشرک است چنین شخصی نه عرفان دارد و نه اطاعت کرده گفته اند: اعرف و اعمل ما شئت من الخیر بشناس و عرفان داشته باش

امامت، ج ۲، ص: ۲۵۰

آنگاه هر چه مایلی کار نیک انجام ده زیرا کار نیک بدون معرفت پذیرفته نمی- شود وقتی عرفان پیدا کردی هر چه مایلی برای خود از اطاعت و فرمانبرداری انجام ده کم یا زیاد پذیرفته می شود (بشرط اینکه واجبات را ترک نکرده باشی).

دقت کن هر کس عارف

باشد مطیع است وقتی عرفان یافت نماز میخواند روزه میگیرد عمره انجام می دهد و تمام دستورات را احترام میگذارد و ترک هیچ- کدام را نمیکند تمام کارهای نیک و مکارم اخلاق را انجام میدهد و از بدیها پرهیز میکند پایه تمام اینها پیامبر است زیرا او آورده و راهنمائی کرده از کسی نمی پذیرد مگر با عرفان باو و هر که بشناسد او را از کبائر اجتناب میورزد و فواحش را حرام میداند ظاهر و باطن و تمام محرمات را حرام میداند زیرا با شناختن پیامبر وارد دستورات دین شده و از چیزهای حرام اطلاع یافته هر کس چیزی را حلال یا حرام بداند بدون معرفت پیامبر هرگز در راه خدا نه حلالی را حلال و نه حرامی را حرام دانسته هر کس نماز زکات حج و عمره و تمام این دستورات را بدون معرفت کسی که آنها را واجب کرده انجام دهد ذره ای از او قبول نمیکنند نه نماز خوانده و نه زکات داده و نه حج رفته و نه عمره و نه غسل جنابت کرده و نه طهارت نه حرامی را برای خدا مراعات نموده و نه حلالی را، او اهل نماز نیست گر چه رکوع و سجود کرده باشد و نه اهل پرداخت زکات است گر چه از هر چهل درهم یک درهم داده باشد هر که پیامبر را بشناسد و مطیع او باشد از خدا اطاعت کرده.

اما آنچه نقل کردی که آنها ازدواج با خویشاوندی که خدا در قرآن حرام نموده حلال می دانند آنها چنین گمان میکنند که خداوند بواسطه حرمت ازدواج با خویشاوندان ازدواج با زنان پیامبر را نیز حرام نموده

شایسته ترین کاری که انجام میدهد بزرگداشت حق خدا و احترام پیامبر و مقام او است و آنچه حرام نموده بر پیروان خود و ازدواج با زنان پیامبر با این آیه است: وَ ما کانَ

امامت، ج ۲، ص: ۲۵۱

لَکُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لا أَنْ تَنْکِحُوا أَزْواجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَداً إِنَّ ذلِکُمْ کانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِیماً و در این آیه فرموده: النَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَزْواجُهُ أُمَّهاتُهُمْ پس پیامبر بمنزله پدر آنها است بعد میفرماید: وَ لا تَنْکِحُوا ما نَکَحَ آباؤُکُمْ مِنَ النِّساءِ إِلَّا ما قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ کانَ فاحِشَةً وَ مَقْتاً وَ ساءَ سَبِیلًا.

پس هر کس ازدواج با زنان پیامبر را حرام بداند ازدواج به کسانی که خدا در قرآن فرموده حرام دانسته است که آنها عبارتند از مادران و دختران و خواهران و عمه ها و خاله ها و دختران برادر و دختران خواهر و آنچه از راه شیرخوارگی حرام شده زیرا حرمت اینها مانند حرمت زنان پیامبر است.

کسی که حرام بداند مادران و دختران و خواهران و عمه ها را ازدواج با زنان پیامبر و حلال بداند بقیه زنانی را که خداوند حرام کرده مشرك است زیرا از خود دین ساخته است همان خدائی که زنان پیامبر را حرام نموده مادران دختران و خواهران و ... حرام کرده است).

اما آنچه تذکر داده بودی که شیعه چند نفری با یک زن همبستر میشوند بخدا پناه میبرم که چنین کاری راه و روش خدا و پیامبر باشد دین خدا آنست که حلال بدانی حلال را و حرام بدانی حرام را از جمله چیزهائی که خداوند حلال نمود متعه است (عقد موقت) در قرآن و دیگری حج

تمتع است این دو را که حلال نموده بعد دیگر تحریم نکرده، وقتی شخص مسلمانی تصمیم بگیرد زنی را صیغه کند مطابق دستور خدا و سنت پیامبر رفتار کرده این یک ازدواج است نه زنا وقتی هر دو راضی بمبلغ و مدت گردند چنانچه خداوند در این آیه می فرماید:

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَ لا جُناحَ عَلَيْكُمْ فِيما تَراضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَهِ.

اگر هر دو مایل بودند مدت را طولانی کنند بهمان مبلغ روز آخر قبل از غروب آفتاب هر چه مایلند بمدت می افزایند اما در صورتی که روز آخر سپری شد دیگر نمی توانند اضافه کنند مگر با صیغه جدیدی. بین آن دو عده نیست مگر

امامت، ج ۲، ص: ۲۵۲

مرد دیگری بخواهد با او همبستر شود که در این صورت چهل و پنج روز عدّه نگه میدارد در چنین ازدواجی میراث نیست بعد اگر خواست با مرد دیگری ازدواج میکند این کار برای آنها تا روز قیامت حلال است با هفت نفر یا با بیست نفر تا وقتی زنده بود تمام اینها برای هر دو حلال است طبق حدودی که خدا معین نموده.

اگر خواستی حج تمتع انجام دهی از عقیب احرام ببند و نیت متعه کن هر وقت وارد مکه شدی طواف خانه را میکنی و استلام حجر الاسود می نمائی و با هفت دور تمام طواف میکنی پس دو رکعت نماز در مقام ابراهیم میگذاری بعد از خانه خدا خارج میشوی و سعی بین صفا و مروه میکنی هفت مرتبه از صفا شروع و بمروه ختم مینمائی پس از انجام این کار تقصیر مینمائی تا روز هشتم آنگاه همان کاری که در عقیق انجام

دادی تکرار میکنی بعد بین رکن و مقام احرام حج می بندی همین طور محرم هستی تا بموقف برسی سپس رمی جمره و قربانی میکنی و سر میتراشی آنگاه از احرام خارج می شوی سپس غسل میکنی و بزیارت خانه خدا میروی وقتی چنین کاری را کردی از احرام خارج شده ای این است آیه: فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ هر کس تمتع بعمره نمود بجانب حج هر چه برایش ممکن بود قربانی کند.

اما آنچه نوشته بودی که آنها حلال میدانند گواهی دادن بنفع یک دیگر را این صحیح نیست مگر موضوع آیه: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهادَةُ بَيْنِكُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنانِ ذَوا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ وقتی در سفر بود و مشرف بمرگ شد دو نفر عادل از هم کیشان خود را شاهد میگیرد اگر نیافت دو نفر قاری قرآن گرچه هم مذهب با او نباشند: تَحْبِسُونَهُما مِنْ بَعْدِ الصَّلاةِ فَيُقْسِمانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَناً قليلا وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبى وَ لا نَكْتُمُ شَهادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذاً لَمِنَ الْآثِمِينَ. فَإِنْ عُثِرَ عَلى أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْماً فَآخَرانِ يَقُومانِ مَقامَهُما مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلَيانِ

امامت، ج ۲، ص: ۲۵۳

فَيُقْسِمانِ بِاللَّهِ لَشَهادَتُنا أَحَقُّ مِنْ شَهادَتِهِما وَ مَا اعْتَدَيْنا إِنَّا إِذاً لَمِنَ الظَّالِمِينَ. ذلِكَ أَدْنى أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهادَةِ عَلى وَجْهِها أَوْ يَخافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمانٌ بَعْدَ أَيْمانِهِمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْمَعُوا «۱» پیامبر اکرم با شهادت یکنفر و قسم مدعی حکومت میکرد و حق مسلمانی را از بین نمیبرد و شهادت مؤمن را رد نمیکرد وقتی شهادت یکنفر با قسم مدعی

همراه میشد بنفع او قضاوت می نمود ولی عمل باین قضاوت پیامبر نمیکنند.

اگر مردی مسلمان حقی بر کسی داشته باشد و جز یک شاهد نداشته باشد در صورتی که شکایت بقاضیان جور بکند حقش را باطل میکنند و طبق قضاوت پیغمبر رفتار نمیکنند صحیح اینست که حق یک مسلمان از میان نرود و بدست او خداوند حق آن مرد مسلمان را خارج کند که پاداش خواهد برد و احیای عدالت کرده و پیامبر همین طور عمل میکرد.

اما آنچه در آخر نامه خود ذکر نموده ای که آنها خیال میکنند خداوند همان پیامبر است و تو گفتار آنها را شبیه گفتار عیسویان در باره حضرت عیسی دانسته ای میدانی که سنت ها و امثال همیشه هست هر چه در گذشته بود در آینده نیز بوقوع خواهد آمد حتی اگر گوسفندی بریسمانی بسته شده بوده عین آن اتفاق خواهد افتاد بدان که گروهی گمراه خواهند شد بواسطه گمراهی کسانی که جلوتر از آنها گمراه شده اند.

خواسته بودی این مطلب را برایت توضیح بدهم که منظور چیست. دقت کن

امامت، ج ۲، ص: ۲۵۴

خداوند جهانیان را آفرید در اختیار او است آفرینش و امر دنیا و آخرت او آفریننده هر چیز است خواست مردم او را بشناسند بوسیله انبیاء و بوسیله ایشان نیز حجت بر آنها تمام کرد.

پیامبر اکرم که راهنمای بسوی خداست بنده ای مخلوق و دارای پروردگار است خداوند او را بسفارت و رسالت خویش برگزیده و خلیفه خویش در میان مردم قرار داده و زبان گویا خدا و امین بر آنها و نگهبان او در آسمانها و زمین در باره خدا جز حقیقت نمیگوید هر که او را مطیع باشد از خدا اطاعت

کرده و نافرمان او نافرمان خداست او مولای هر کسی که خدا پروردگار اوست هر که اقرار باطاعت پیامبر ندارد امتناع از اطاعت خدا و بندگی او ورزیده و هر که اقرار باطاعت پیامبر کند از خدا اطاعت نموده و هدایت یافته پیامبر اکرم مولای جهانیان است چه بشناسند او را و چه نشناسند و پدر مهربان است هر که مطیع و دوستدار او باشد فرزندی نیکوکار و پرهیزگار از گناهان است.

آنچه سؤال کرده بودی توضیح دادم من میدانم گروهی این امتیازات ما را شنیده اند ولی درک نکرده اند آنها را تغییر داده و بر غیر حدود اصلی قرار داده اند مانند آنچه تو شنیده ای خدا و پیامبرش بیزارند از گروهی که اعمال زشت خود را بوسیله ما حلال میشمارند مردم کارهای آنها را سبب خورده گیری بر ما قرار داده اند خداوند بین ما و آنها حکومت خواهد کرد او در قرآن کریم میفرماید: الَّذِینَ یَرْمُونَ الْمُحْصَناتِ الْغافِلاتِ الْمُؤْمِناتِ لُعِنُوا فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ، یَوْمَ تَشْهَدُ عَلَیْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ أَیْدِیهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ بِما کانُوا یَعْمَلُونَ، یَوْمَئِذٍ یُوَفِّیهِمُ اللَّهُ «۱» دِینَهُمُ الْحَقَّ وَ یَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِینُ.

اما نوشته تو و امثال آن که میترسیدی که صفات آنها از صفات او گرفته شده باشد پروردگار عزیز او را گرامی داشته از انتساب بچنین صفاتی مشخصات

امامت، ج ۲، ص: ۲۵۵

من مانند صاحب ما است که برایش توصیف نمودم ما از او استفاده کرده ایم خدا بهترین پاداش را باو عنایت کند پاداش او بر خدا است دقت کن این نامه را قدرت و نیرو در اختیار خدا است.

مختصر بصائر: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل

کرد که گفتم این آیه را شما بهتر میدانید: فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً.

فرمود فرمانبرداری خدا و معرفت پیامبر و ولایت آنها حلال است حلال چیزی است که آنها حلال بدانند ... تا آخر خبر.

رجال کشی: بشیر دهان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که حضرت صادق به ابو الخطاب نوشت شنیده ام تو عقیده داری زنا مردی است شراب مردی و نماز مردی و روزه مردی است و فواحش مردی است آن طور که تو میگوئی نیست من ریشه و اصل حق هستم فروع و شاخه های آن فرمانبرداری از خداست دشمن ما نیز ریشه شر است و شاخه هایش کارهای بد است.

چگونه میتوان فرمانبرداری کرد از کسی که او را نمیشناسی و از کجا شناخته می شود کسی که اطاعت از او نمیشود.

توضیح: یعنی معرفت خدا و اطاعت از او بدون دیگری حاصل نمی شود همان طوری که اطاعت نشده کسی که عزت و جلال او را نشناسند کبریا و مجد و عظمت کسی که اطاعت نشود شناخته نمی گردد.

رجال کشی: حمادی سند بحضرت صادق میرساند که بایشان عرض شد روایت شده که شراب و قمار و آنچه بنام بتها قربانی میکردند و ازلام «۱» مردانی هستند فرمود هرگز خدا با مردم طوری صحبت نمی کند که

امامت، ج ۲، ص: ۲۵۶

درک نکنند.

مناقب: ادریس بن عبد اللَّه از حضرت صادق نقل کرد در باره آیه: ما سَلَکَکُمْ فِی سَقَرَ، قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ فرمود منظور اینست که ما پیرو ائمه ای نبودیم که خدا در باره آنها فرموده: وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مگر نشنیده ای کسی که پشت سر شخصی سابق و برنده مسابقه در اسب دوانی

می آید او را مصلی میگویند همین معنی را منظور کرده که گفته از پیروان سابقین نبودیم.

حضرت باقر و صادق فرمودند: الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَواحِشَ در باره آل محمّد نازل شده.

شاید معنی اینست که اثم و فواحش دشمنان آنهایند یا این که ائمه از همه گناه ها و فواحش پرهیز میکنند که این لازمه عصمت است مراد از (لمم) که در دنبال آیه است مکروهات است.

بصائر: محمّد بن منصور گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام این آیه را پرسیدم: إِنَّما حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ فرمود قرآن دارای ظاهر و باطنی است آنچه خدا حرام کرده همان معنی ظاهر است ولی باطن حرامها پیشوایان جور هستند و آنچه خدا در کتاب خود حلال کرده ظاهر آن است باطنش ائمه واقعی هستند.

بصائر: داود بن فرقد گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود نگوئید برای هر آیه این مردی است و این مردی بعضی از قرآن حلال است و بعضی حرامها است بعضی داستان پیشینیان و بعضی احکام بین شما است و برخی خبرهای آینده است

امامت، ج ۲، ص: ۲۵۷

قرآن چنین است.

توضیح: یعنی اکتفا نکنید بهمین مقدار بطوری که ظاهر آن را نفی نمائید چنانچه قبلا گذشت همین توصیه در باره سایر اخبار نیز هست.

بصائر: حبیب خثعمی گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم ابو الخطاب چه میگوید، فرمود بعضی از گفتار او را نقل کن. گفتم در باره آیه: إِذا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ میگوید معنی: إِذا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ (وقتی خدای یکتا نام برده شود) امیر المؤمنین است: وَ إِذا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ فلان و فلان است.

حضرت صادق فرمود هر کس

چنین حرفی را بزنـد مشـرک است سه مرتبه تکرار کرد، من از او بیزارم سه مرتبه تکرار کرد خداوند خود را در این آیه منظور نموده، منظورش خود خداست نه دیگری بآن جناب آیه سوره حم:

ذلِکُمْ بِأَنَّهُ إِذا دُعِیَ اللَّهُ وَحْدَهُ کَفَرْتُمْ را گوش زد کردم که میگوید منظور امیر المؤمنین است.

فرمود گوینـده این حرف مشـرک است سه مرتبه تکرار نمود و سه مرتبه فرمود من از او بیزارم دو مرتبه فرمود خـدا خود را در نظر گرفته.

بصائر: هیثم تمیمی گفت حضـرت صادق فرمود گروهی ایمان بظاهر آورده و بباطن کافرند بهره ای نمی برند و بعضـی آمدند پس از آنها ایمان بباطن آوردنـد و کافر شدند بظاهر قرآن آنها نیز بهره ای نمی برند ایمان بظاهر صـحیح نیست مگر با باطن و بباطن نیز درست نیست مگر با ظاهر.

تفسـیر عیاشـی: عبد الرحمن بن کثیر از حضـرت صادق در آیه: حافِظُوا عَلَی الصَّلَواتِ وَ الصَّلاهِ الْوُسْطی وَ قُومُوا لِلَّهِ قانِتِینَ یعنی بپا خیزید در راه اطاعت ائمه علیهم السّلام.

کنز جامع: داود بن کثیر گفت بحضرت صادق علیه السّلام گفتم شما در قرآن نماز هستید و شما زکات و حج هستید؟

فرمود داود ما در قرآن نماز و زکات، روزه، حج، ماه حرام و شهر حرام و کعبه

امامت، ج ۲، ص: ۲۵۸

و قبله و وجه اللَّه هستیم.

خداوند فرموده: فَأَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ ما آیات و بینات هستیم و دشـمن ما در قرآن فحشاء و منکر یعنی خمر، میسر، انصاب، ازلام اصنام، اوثان جبت طاغوت مردار خون لحم خنزیرند.

خداوند ما را آفرید و بما امتیاز بخشید ما را امناء و نگهبانان و خزینه داران آسمانها و زمین قرار داد برای ما دشمنان

و مخالفین قرار داد ما را در کتاب خود نام برد و از نامهای ما به بهترین چیزها که دوست داشت کنایه آورد دشمنان و مخالفین ما را نیز در کتاب خود بکنایه نام برد بنام های بدترین چیزها در نزد خود و بندگان پرهیزگار.

فضل باسناد خود از حضرت صادق نقل کرده که فرمود ما اصل هر خوبی هستیم و از ما جوانه میزند هر نیکی، و از جمله خوبیها است:

توحید نماز و روزه، فرو بردن خشم، گذشت از گناهکار و رحم به تهیدست بررسی از همسایه و اعتراف بشخصیت اشخاص خوب.

دشمن ما نیز ریشه هر بدی است و از آنها جوانه میزند هر کار زشت و قبیحی از جمله آنها دروغگوئی سخن چینی بخل قطع خویشاوندی ربا خواری خوردن مال یتیم و تجاوز از حدی که خدا امر کرده و انجام فواحش ظاهر و پنهان، زنا، دزدی و هر کار زشت دیگر

«و کذب من قال انه معنا و هو متعلق بفرع غیرنا»

دروغ گفته کسی که مدعی است با ما محبت میورزد با اینکه چنگ زده بکارهای دشمنان ما.

کنز جامع: اسماعیل بن عبد الرحمن جعفی گفت من و عمویم حصین بن عبد الرحمن خدمت حضرت صادق رسیدیم سلام کرد امام جوابش را داد و او را نزدیک خود نشاند پرسید این پسر کیست بهمراه تو؟

گفت: پسر برادرم اسماعیل است فرمود خدا رحمتش کند و از کردار

امامت، ج ۲، ص: ۲۵۹

بدش درگذرد حالش چطور است، عمویم گفت ما همه حالمان خوبست تا وقتی پایدار بر محبت و ولایت شما باشیم فرمود حصین مبادا مودت و محبت ما را سبک شماری که از باقیات الصالحات است عرضکرد یا ابن رسول

اللَّه کوچک نمی شمارم بلکه خدا را سپاسگزارم بر این نعمت.

کنز جامع: سعدان بن مسلم از ابن تغلب نقل کرد که حضرت صادق این آیه را تلاوت نمود: وَ وَیْلٌ لِلْمُشْرِکِینَ. الَّذِینَ لا یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ بِالْآخِرَهِ هُمْ کافِرُونَ.

فرمود ابان آیا خیال میکنی خداوند از مشرکین که خدای دیگری را میپرستند با خدا درخواست زکات میکند.

عرضکردم پس منظور چه اشخاصی است فرمود وای بر مشرکین آنهائی که شرک بامام اول آوردند و برنگرداندند به آخر آنچه در این باره امام اول گفته بود و آنها باو کافرند.

توضیح: بنا بر این تأویل منظور از زکات انجام چیزی است که موجب طهارت نفس از شرک و نفاق می شود و ارزش باعمال میدهد و آنها را مقبول میگرداند که عبارت است از ولایت اهل بیت و فرمانبرداری آنها علیهم السّلام.

بخش شصت و هفتم جوامع تأویل آنچه در باره ائمه علیهم السّلام نازل شده

کنز جامع الفوائد: ابن عباس گفت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود قرآن بچهار قسمت نازل شده یک چهارم در باره ما است و یک چهارم در باره دشمنان ما، یک چهارم سنت ها و امثال است و یک چهارم فرائض و احکام عالی ترین قسمت قرآن بما اختصاص دارد.

تفسیر قمی: از جانب حضرت ابو الحسن این نامه رسید: خداوند دلهای ائمه را محل اراده خویش قرار داده هر گاه خداوند چیزی را بخواهد آنها خواهند خواست اینست تفسیر آیه: وَ ما تَشاؤُنَ إِلَّا أَنْ یَشاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِینَ نخواهید خواست مگر آنچه را پروردگار جهانیان بخواهد.

توضیح: این توجیه بهترین تفسیر است در مورد این آیات که اختصاص بائمه علیهم السّلام داشته باشد بدو صورت:

۱- در راه تسلیم و رضا چنان خدائی شده اند که از اراده و خواست خود صرف نظر

نموده اند هرگز چیزی را نمیخواهند مگر اینکه می دانند خدا خواستار آن است.

امامت، ج ۲، ص: ۲۶۱

۲- وجه دوم دقیق تر و عالی تر از اولی است باین معنی که وقتی ائمه علیهم السّلام باین مرتبه از خداشناسی رسیدند دیگر خداوند برای آنها انتخاب می کند و اراده می نماید کاری را انجام نمی دهند مگر اینکه خداوند بر آنها مشیت و اراده آن را الهام و افاضه نماید این یکی از معانی فرموده خدا است

«کنت سمعه و بصره و یده و لسانه»

که من گوش و چشم و دست و زبان بنده ام هستم.

تفسیر قمی: هاشم بن عمار در مورد آیه: وَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ ما بَلَغُوا مِعْشارَ ما آتَيْناهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كانَ نَكِيرِ.

از امام علیه السّلام نقل کرد که فرموده پیشینیان پیامبران خود را تکذیب کردند ما بپیامبران آنها باندازه یکدهم از آنچه به محمّد و آل محمّد صلوات اللَّه علیهم داده ایم بآن پیامبران نداده بودیم.

توضیح: ظاهر اینست که آیه در باره آنها نازل شده ممکن است تأویل آیه باشد ببرگشت ضمیر به رسل.

بیضاوی گفته است: یعنی اینها باندازه یک دهم نیرو و طول عمر و کثرت اموال آنها داده نشده است یا معنی آنست که یک دهم از دلائل و بینات و هدایت آنها را ندارند.

تفسیر عیاشی: از جابر از حضرت باقر علیه السّلام در تفسیر این آیه: وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ فرمود: تفسیر این آیه در باطن آن است که هر قرنی این امت را رسولی از آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم است که مأموریت دارد برای همان قرن و آنها اولیاء و

رسـل نیسـتند امـا این قسـمت آیه فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ معنی آن اینست که پیامبران قضاوت بعـدل و دادگری میکنند و ستم روا نمی دارند.

توضیـح: شایـد منظور از تأویـل بـاطن که رسـل را بـائمه تأویـل می کنـد معنی لغوی رسول است که شامـل امام نیز می شود یا منظور اینست که ائمه بمنزله

امامت، ج ۲، ص: ۲۶۲

انبیـاء گذشـته هسـتند در هر قرنی بوسـیله آنهـا حجت تمـام می شود چنـانچه در خبر آمـده: «علمـاء امتی کانبیـاء بنی اسـرائیل» دانشمندان امت من مانند انبیای بنی اسرائیل هستند و منظور ائمه است.

اما تفسـیری که در باره: وَ قُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ کرد وجه نیکوئی است که مفسران ذکر نکرده اند آنها میگویند: پس از تکذیب کردن امت پیامبران را خداوند بین مردم و پیامبران حکم بعدل میکند.

تفسیر عیاشی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که در باره آیه:

أَ فَکُلَّما جاءَکُمْ رَسُولٌ بِما لا تَهْوی أَنْفُسُکُمُ تا یَعْمَلُونَ فرمود این مثل بموسی و پیامبران بعد از او و عیسی صلوات اللَّه علیه است که برای امت محمّـد زده شـده خداونـد به آنها میفرمایـد: اگر محمّد چیزی را آورده که مخالف میل شـما بود از موالات علی علیه السّلام تکبر ورزیدید گروهی از آل محمّد را تکذیب کردید و گروهی را کشتید این تفسیر باطن آیه است.

توضیـح: بنا بر این تأویل خطاب متوجه کافران و تکـذیب کنندگان پیامبران است بطور کلی در ابتدای آیه اما این قسـمت آیه: فَفَرِیقاً مربوط بـاین امت است یعنی شـما ای امت محمّـد گروهی از آل او را تکـذیب کردیـد ممکن است خطاب بر تمام آیه عمومیت داشته باشد در این صورت تحقق این معنی در باره امت پیامبر

اسلام یا به تعمیم معنی رسل است مجازا و یا باسناد دادن قتل است بطور مجازی به پیامبر اکرم زیرا کشته شدن اهل بیت آن جناب کشته شدن خود اوست این معنی استبعاد دارد و ممکن است خطاب مربوط به یهود باشد چنانچه ظاهر آیه شاهد است چون هر چه در امتهای گذشته انجام شده در این امت نیز انجام می شود قتل در این امت همان کشتن اهل بیت پیامبر است چنانچه روایت رسیده که فرموده اند خداوند کشته شدن را از پیامبر اکرم برطرف نموده و متوجه ما کرده.

تفسیر عیاشی: حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه حَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ

امامت، ج ۲، ص: ۲۶۳

فرمود: وقتی پیامبر اکرم میان آنها بود کور و کر شدند تا وقتی از دنیا رفت سپس خداوند بر آنها ترحم نمود هنگامی که امیر المؤمنین علیه السّلام قیام نمود فرمود باز کور و کر شدند تا هنگام قیام قائم (یا تا روز قیامت).

تفسیر عیاشی: محمّد بن حمران گفت خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم مردی خدمت ایشان رسیده گفت شما تعجب نمی کنید از عیسی بن زید بن علی که مدعی است حضرت علی عهده دار مقام خلافت نبود مگر همان مدتی که در ظاهر خلافت داشت او نمیداند شاید جز خدای یکتا هفتاد خدا بپرستد فرمود: من چه کنم خداوند میفرماید: فَإِنْ يَكْفُرْ بِها هؤُلاءِ فَقَدْ وَكَّلْنا بِها قَوْماً لَيْسُوا بِها بِكافِرِينَ اگر آنها کافر باین مقام شوند گروهی را قرار داده ایم که کافر به آن نیستند.

امام علیه السّلام با دست خود اشاره بجانب ما نموده، عرضکردم ما اعتراف باین مقام داریم.

توضیح: مرحوم طبرسی می نویسد: فَإِنْ يَكْفُرْ بِها یعنی اگر کافر بکتاب

و نبوت و حکم شوند اینها که منظور کفاری هستند که نسبت به نبوت حضرت محمّد کافر شدند فَقَدْ وَكَّلْنا بِها گروهی را قرار داده ایم که مراعات مقام نبوت را میکنند و احترام دارند و از هدایت پیامبران استفاده میکنند قَوْماً لَيْسُوا بِها بِكافِرِينَ یعنی انبیا و پیامبرانی که نام برده شدند ایمان آورده اند بآنچه پیامبر اکرم آورده قبل از بعثت او بعضی گفته اند یعنی ملائکه و بعضی مؤمنین بعد از بعثت را نام برده اند.

مجلسی میگوید قوم در آیه منظور شیعه هستند یا فرزندان عجم چنانچه در خبر دیگری رسیده اما سخن عیسی بن زید که گفت شاید او هفتاد خدا بپرستد منظورش امیر المؤمنین است که میگوید: ما از باطن او اطلاع نداریم که مشرک است یا مؤمن ما بظاهر او را دوست میداریم.

راوی در آخر میگوید ما در باطن او را مؤمن میدانیم چون خدا و پیامبر بایمان او گواهی داده اند.

تفسیر عیاشی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: كُلَّما أَوْقَدُوا ناراً

امامت، ج ۲، ص: ۲۶۴

لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ هر وقت آتشی برای جنگ افزودند خدا خاموش میکند.

فرمود: هر یک از ستمگران که بخواهد بکشتار آل محمّد دست بزند خدا او را نابود می کند.

کنز الفوائد: محمّد بن سلیمان گفت: بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم معنی این آیه چیست؟ وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ فرمود یعنی وای بر کسانی که جلوگیری از حق آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم کردند و بر آنها خورده گرفته مقامی که متعلق بآنها بود صاحب شدند.

کنز جامع الفوائد: محمّد بن نعمان گفت از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میفرمود: خداوند ما را بخودمان وانگذاشته اگر ما

را بخود وامیگـذاشتماننـد سـایر مردم بودیم ولی ما کسانی هستیم که خداونـد در باره آنها فرموده: ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ مرا بخوانید دعای شما را مستجاب می کنم.

تفسیر فرات: عبید بن کثیر باسناد خود از حضرت صادق در باره آیه:

لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ فرمود: یعنی اهل بیت پیامبر را نکشید.

توضیح: امـام علیه السّلام خودکشی را تأویـل بکشـتن اهل بیت نموده زیرا آنها سبب حیات جسـمی و روحی هسـتند در این صورت بمنزله جان مردمند یا بجهت اینکه کشتن آنها موجب هلاکت ظاهری و معنوی است پس گویا خودکشی کرده اند.

کافی: محمّد بن سلیمان از پدر خود نقل کرد که گفت: این آیه را برای حضرت صادق علیه السّلام خواندم: هَلْ أَتاکَ حَدِیثُ الْغاشِیَهِ آیا داسـتان غاشیه را شنیده ای. فرمود: حضرت قائم با شمشیر آنها را فرا میگیرد گفتم: وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ خاشِعَهٌ فرمود: آری گروهی خـاضع و خوارنـد که قـدرت امتنـاع ندارنـد گفتم: عامِلَهٌ چیست؟ فرمود: عمل بغیر دسـتور خـدا کرده انـد گفتم معنی ناصِبَهٌ چیست؟ فرمود: غیر از فرمانروایـان تعیین شـده از جانب خـدا را بمنصب فرمانروائی قرار دادنـد گفتم: تَصْلی ناراً حامِیَهً فرمود در زمان قائم گرفتار آتش جنگ می شوند و در آخرت بآتش جهنم.

امامت، ج ۲، ص: ۲۶۵

کافی: ابو حمزه گفت بحضـرت باقر علیه السّلام گفتم: بعضـی از دوستان ما به مخالفین افترا میزنند و به آنها نسبت بد میدهند فرمود خودداری از چنین کارها بهتر است سپس فرمود بخدا قسم ابو حمزه تمام مردم زنازاده هستند بجز شیعیان ما، عرضکردم چگونه این مطلب را می توانم بدیگران اثبات کنم فرمود: قرآن خدا بر این مطلب شاهد است زیرا خداوند از تمام فی ء «۱» سه سهم برای ما قرار

داده سپس در این آیه میفرماید: وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَ ابْنِ السَّبِیلِ ما صاحب خمس و فی ء هستیم و آن را بر تمام مردم حرام کردیم مگر شیعیانمان.

ابو حمزه! بخدا قسم هر زمینی که فتح شود و هر مالی که خمس آن پرداخت می شود نصیب هر کس بشود حرام است چه بصورت زن و همسر در آید و یا بصورت مال و ثروت اگر دولت حق ظاهر شود امام و یا قائم مقام امام هر کس از چنین اموالی بوجود آید در معرض فروش قرار میدهد (چون برده است) و کسی بخرید آن راغب نیست بواسطه بی ارزشی بطوری که شخص حاضر است تمام ثروت خود را بدهد و از این گرفتاری نجات یابد برایش مقدور نیست.

اینها جلو حق ما و شیعیانمان را گرفتند بدون عذر و بهانه و دلیلی گفتم معنی این آیه چیست: هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلَّا إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ آیا برای ما جز دو فرجام نیکو انتظار دارید.

فرمود: یعنی یا مرگ در راه بندگی خدا شهادت و یا درک ظهور امام ولی ما برای آنها با شدت گرفتاری که داریم از طرف آنها منتظریم که خداوند ایشان را گرفتار عذاب کند.

فرمود: آن یا مسخ است و یا بدست ما گرفتار میشوند که کشته شدن است خداوند به پیامبرش میفرماید: فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَکُمْ مُتَرَبِّصُونَ تربص یعنی

امامت، ج ۲، ص: ۲۶۶

انتظار بلاء و گرفتاری برای دشمنان.

کافی: حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: قُلْ ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفِینَ. إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ لِلْعالَمِینَ بگو من بر

این کار مزد و پاداشی نمیخواهم و من تحمیلی ندارم او ذکر است برای جهانیان فرمود یعنی امیر المؤمنین علیه السّلام وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ در آینده خواهید فهمید این مطلب را فرمود:

در موقع ظهور حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه و در باره آیه: وَ لَقَدْ آتَيْنا مُوسَى الْكِتابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ فرمود اختلاف کردند همان طوری که این امت در باره کتاب خدا اختلاف نمودند و در آینده اختلاف خواهند نمود در باره کتابی که با حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه است بطوری که گروهی منکر آن می شوند آنها را پیش میکشد و گردن میزند.

اما این آیه: وَ لَوْ لا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ فرمود اگر تصمیمی که خداوند در باره آنها گرفته نبود «۱» حضرت قائم عجل اللّه فرجه یک نفر باقی نمیگذاشت و در باره آیه: وَ الَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ کسانی تصدیق میکنند یوم الدین را فرمود یعنی خروج قائم و آیه:

وَ اللَّهِ رَبِّنا ما كُنَّا مُشْرِكِينَ پروردگارا ما مشرک نیستیم یعنی راجع بولایت علی علیه السلام و آیه: وَ قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ بگو حق آمد و باطل از میان رفت فرمود: وقتی قائم قیام کند دولت باطل از میان میرود.

توضیح: ظهور حضرت قائم بیوم الدین تعبیر شده باین جهت است که بعضی از مشرکین و منافقین و مخالفین را بر میگرداند و جزای بعضی از اعمال آنها را میدهد منظور از یوم مقداری از زمان است نه یک روز.

کافی: فضیل گفت خدمت حضرت باقر علیه السّلام بودم وارد مسجد الحرام شد در حالی که بمن تکیه نموده بود ما

در جلو درب بنی شیبه بودیم امام نگاهی بمردم نموده

امامت، ج ۲، ص: ۲۶۷

فرمود فضیل در جاهلیت نیز همین طور طواف میکردند نه عارف بحق بودند و نه پیرو دینی، فضیل نگاه کن چگونه برو افتاده اند خدا لعنت کند این گروه مسخره را سپس این آیه را تلاوت فرمود: أَ فَمَنْ یَمْشِی مُکِبًّا عَلی وَجْهِهِ أَهْدی أَمَّنْ یَمْشِی سَوِیًّا عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ آیا کسی که در موقع راه رفتن روی زمین افتاده راه میرود قابل رهبری است یا کسی که درست راه میرود و در راه مستقیم در حرکت است فرمود بخدا قسم منظور علی بن ابی طالب و اوصیا هستند بعد این آیه را خواند: فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِیئَتْ وُجُوهُ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ قِیلَ هذَا الَّذِی کُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ وقتی او (امیر المؤمنین) را می بینند که دارای مقام و موقعیتی عالی در نزد خدا است ناراحت میشوند کافران، ملائکه بآنها میگویند اینست آن کسی که نسبت بمقام او ادعا میکردید و خود را بلقب شخصی او مینامیدید (امیر المؤمنین).

فرمود فضیل! نام امیر المؤمنین را هر کس بر خود بگذارد جز علی علیه السّلام افترا بسته و بدروغ ادعا نموده تا روز قیامت. فضیل! بخدا قسم اعمال حج از غیر شما پذیرفته نیست و گناه غیر شما بخشیده نمی شود و عملی از غیر شما نمی پذیرند این آیه در باره شما است: إِنْ تَجْتَنِبُوا کَبائِرَ ما تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُکَفِّرْ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ وَ نُدْخِلْکُمْ مُدْخَلًا کَرِیماً اگر از گناهان کبیره بپرهیزید از گناهان شما چشم پوشی میکنیم و شما را وارد جایگاهی عالی می نمائیم.

فضیل مگر راضی نیستید که نماز بپا دارید زکات بدهید و جلو زبان خود را

نگهداریـد و وارد بهشت شوید بعد این آیه را خواند: أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ «۱» بخدا قسم شما اهل این آیه هستید.

توضـیح: یعنی شـما بابتدای آیه عمل نموده اید نه انتهای آن. یا اینکه این دستور متوجه شما است ابتدای آیه را عمل کنید و از انتهای آن

امامت، ج ۲، ص: ۲۶۸

بپرهیزید.

اعتقاد صـدوق: حضـرت صادق علیه السّـلام فرمود: هیـچ آیه ای در قرآن نیست که اول آن: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا باشد جز اینکه علی بن ابی طـالب علیه السّـلام امیر و پیشـوا و شـریف و اولین مؤمن در آن آیه است و هر آیه ای که راهنمـائی بسوی بهشـت است در باره پیامبر و اهل بیت آن جناب و شیعیان و پیروان آنها است.

و هر آیه ای که سـخن از جهنم است در باره دشـمنان ایشان و مخالفین آنها است اگر چه آیه در باره پیشینیان باشد هر آیه که مربوط به نیکوکاران است در باره نیکان این امت نیز جاری است و هر آیه که در باره شری است در باره اهل شر جاری است.

منـاقب: محمّـد بن حنفیه از حسن بن علی علیه السّـلام در بـاره آیه: فِي أَيِّ صُورَةٍ ما شاءَ رَكَّبَكَ بهر صورت که بخواهـد ترا ترکیب میکند.

فرمود: خداوند علی بن ابی طالب را در نهاد ابو طالب پدرش بصورت حضـرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم ترکیب نمود بهمین جهت آن جناب از همه بیشتر شباهت بپیامبر داشت و حضرت حسین علیه السّلام از همه شبیه تر بفاطمه علیها السّلام بود و من از همه شبیه تر بخدیجه کبری هستم.

گفته ندا از جانب خدا

سه نوع است: یک ندا از خدا بخلق است مانند:

ناداهُما رَبُّهُما. وَ نادَيْناهُ أَنْ يا إِبْراهِيمُ وَ نادَيْناهُ مِنْ جانِبِ الطُّورِ.

دوم ندای خلق است بخدا مانند: وَ لَقَدْ نادانا نُوحٌ.

فَنادى فِي الظُّلُماتِ. وَ زَكَرِيَّا إِذْ نادى رَبَّهُ.

وَ أَيُّوبَ إِذْ نادى رَبَّهُ.

سوم ندای مخلوق یک دیگر راست مانند: فَنادَتْهُ الْمَلائِكَةُ فَناداها مِنْ تَحْتِها. يُنادُونَهُمْ أَ لَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ.

وَ نادى أَصْحابُ الْجَنَّةِ. وَ نُودُوا أَنْ تِلْكُمُ الْجَنَّةُ وَ نادَوْا يا مالِكُ و ندای پیامبر اکرم ذریه خود راست: رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادِي لِلْإِيمانِ.

کنز جامع الفوائد: در باره آیه: أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئاتِ أَنْ

امامت، ج ۲، ص: ۲۶۹

يَسْبِقُونا ساءَ ما يَحْكُمُونَ آیا تبهکاران خیال میکنند از دست ما نجات می یابند.

ابن عباس گفت: این آیه در باره عتبه و شیبه و ولید بن عتبه که با علی بن ابی طالب و حمزه و عبیده مبارزه کردند در باره آنها این آیه نازل شده: مَنْ كانَ يَرْجُوا لِقاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. وَ مَنْ جاهَدَ فَإِنَّما يُجاهِدُ لِنَفْسِهِ در باره علی علیه السّلام و دو دو یارانش نازل شده.

کنز جامع الفوائد: ابو الجارود از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: و ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ خدا دو قلب در نهاد یک فرد قرار نداده از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرد که فرمود هر بنده ای را که خدا آزمایش کند قلبش را برای ایمان محبت ما را در قلب خود می یابد ما را دوست میدارد و هر بنده ای را که مورد خشم خدا باشد دشمنی با ما را در قلب خود می یابد و با ما دشمنی میورزد

ما بدوستی دوستان شادیم و دشمنی دشمنان را متوجه هستیم دوست ما برحمت خدا می نگرد درهای رحمت خدا بروی او باز است و دشمن ما در پرتگاهی از آتش قرار گرفته که در حال سقوط در آتش جهنم است گوارا باد اهل رحمت را رحمت پروردگار مرگ بر جهنمیان جایگاه آنان جهنم است خداوند میفرماید: فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ.

و هرگز کسی کوتاهی در راه محبت ما ندارد بواسطه خیر و خوبی که خدا در او قرار داده باشد زیرا دوست و دشمن ما با یک دیگر مساوی نیستند و هر محبت و دشمنی ما در قلب یکنفر جای نمیگیرد زیرا برای یکفرد خدا دو قلب قرار نداده که با یکی دوست بدارد و با دیگری دشمن دوست ما محبتش خالص است همان طور که طلا را آتش پاك و خالص میکند و دشمن ما نیز همان طور است مائیم نجبا و فرزندان ما فرزندان پیامبرند و من وصی اوصیایم و گروه ستم پیشه از طرفداران شیطانند و شیطان از آنها است هر که میخواهد بداند ما را دوست دارد یا نه

امامت، ج ۲، ص: ۲۷۰

بقلب خود نگاه کند اگر در محبت ما دشمن ما را شریك قرار میدهد از ما نیست و ما نیز با او ارتباطی نداریم. خداوند، جبرئیل و میکائیل با او دشمنند خدا دشمن کافران است.

کنز جامع الفوائد: ابو بصیر و کنانی گفتند بحضرت صادق علیه السّلام گفتیم فدایت شویم منظور از روح در این آیه چیست: وَ كَذلِكَ أَوْحَيْنا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنا ما كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتابُ وَ لَا الْإِيمانُ وَ لكِنْ جَعَلْناهُ نُوراً نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشاءُ مِنْ عِبادِنا وَ إِنَّكَ

لَتَهْدِی إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ.

فرمود روح مخلوقی است بزرگتر از جبرئیل و میکائیل که پیوسته با پیامبر اکرم بود اطلاع میداد و محافظ آن جناب بود او نیز در خدمت ائمه علیهم السّلام هست اطلاع میدهد و محافظ آنها است.

کنز جامع: عمرو بن شمر گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود پیامبر اکرم به ابا بکر و عمر و علی علیه السّلام فرمود بروند بجانب غار اصحاب کهف.

ابتدا ابا بکر وضو بگیرد و بپا ایستد و دو رکعت نماز بخواند سپس سه مرتبه صدا بزند اگر جواب ندادند عمر این کار را بکند اگر جواب ندادند علی بن ابی طالب علیه السّلام این کار را بکند بجانب غار رفتند و آنچه پیامبر دستور داده بود انجام دادند اما جواب ابا بکر و عمر را ندادند. علی علیه السّلام از جای حرکت نموده دستور را انجام داد جواب آن جناب را دادند و صدای لبیک لبیک را تا سه مرتبه شنیدند فرمود چرا بصدای اولی و دومی جواب ندادید و جواب شخص سوم را دادید گفتند بما دستور داده اند که فقط جواب پیامبران و اوصیای آنها را بدهیم.

هر سه بجانب پیامبر اکرم بازگشتند و جریان را عرض کردند پیامبر اکرم صفحه ای قرمز بیرون آورد و فرمود گواهی خود را با خط خویش بنویسید راجع به آنچه مشاهده کردید و شنیدید خداوند این آیه را فرستاد: سَتُكْتَبُ شَهادَتُهُمْ وَ يُسْئَلُونَ یوم القیامه.

امامت، ج ۲، ص: ۲۷۱

کنز: ابو بصیر گفت حضرت باقر علیه السّلام فرمود پیمان نامه ای که در کعبه نوشتند و آن را امضا نمودند خداوند قبل از نوشتن این پیمان نامه به پیامبر اطلاع داد و در این مورد

آیه ای فرستاد پرسیدم آیه نازل فرمود جواب داد آری مگر این آیه را نشنیده ای: سَتُكْتَبُ شَهادَتُهُمْ وَ يُسْئَلُونَ.

کافی: یعقوب بن جعفر بن ابراهیم گفت خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام بودم که مردی نصرانی آمد و چند سؤال کرد از آن جمله پرسید:

حم، وَ الْكِتابِ الْمُبِينِ، إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةٍ مُبارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ، فِيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ تفسیر این آیه چیست فرمود: حم حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم است در کتاب حضرت هود که بر او نازل شده.

بعضی از حروف آن حذف شده اما کتاب مبین حضرت امیر المؤمنین است اما لیله فاطمه علیها السلام است اما این قسمت آیه: فِيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ از نژاد او خیر زیادی بوجود می آید پیاپی مردی حکیم یکی پس از دیگری از نژاد او خواهند بود ...

تفسیر قمی: ابن عباس در باره آیه: و مَنْ عَمِلَ صالِحاً فَلِنَفْسِهِ منظور مؤمنین هستند: وَ مَنْ أَساءَ فَعَلَيْها منظور منافقان و مشرکان هستند: ثُمَّ إِلى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ بسوی او بازگشت میکنید.

کنز: ابو مریم از حضرت صادق و حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمودند وقتی این آیه بر پیامبر اکرم نازل شد: قُلْ ما كُنْتُ بِدْعاً مِنَ الرُّسُلِ وَ ما أَدْرِي ما يُفْعَلُ بِي وَ لا بِكُمْ یعنی در جنگ ها قریش گفتند چگونه پیروی این پیامبر را بکنیم با اینکه نمیداند چه خواهند کرد با او و با ما خداوند این آیه را بر پیامبر نازل فرمود: إِنَّا فَتَحْنا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً.

در باره آیه: (إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا ما يُوحى إِلَيَّ فی علی) جز آنچه بمن وحی شده در باره علی پیروی نمی کنم.

حضرت باقر و صادق فرمودند آیه این طور نازل شده.

امامت، ج ۲، ص: ۲۷۲

کنز جامع: حماد حلبی گفت حضرت صادق علیه السّلام این آیه را خواند:

فَهَلْ عَسَیْتُمْ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا أَرْحامَكُمْ میخواهید در صورتی که بسلطنت و فرمانروائی رسیدید تبهکاری کنید و قطع رابطه خویشاوندی نمائید.

فرمود این آیه در باره پسر عموهای ما بنی عباس و بنی امیه نازل شده سپس این قسمت را خواند: أُولئِكَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ خدا آنها را لعنت کرد و از شنیدن مطالب دینی کر و ناشنوا کرده: وَ أَعْمی أَبْصارَهُمْ و از دیدن وحی آنها را کور نموده بود خواند: إِنَّ الَّذِینَ ارْتَدُّوا عَلی أَدْبارِهِمْ کسانی که بعقب برگردند.

پس ولایت علی علیه السّلام: مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی الشَّیْطانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمْلی لَهُمْ پس از آنکه برای آنها هدایت آشکار شد شیطان گمراهشان نمود و ایشان را منحرف کرد.

بعد خواند: وَ الَّذِینَ اهْتَدَوْا کسانی که هدایت بولایت علی یافتند زادَهُمْ هُدیً هدایت آنها را افزون نمود بشناسائی امامان بعد از علی و قائم آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم: وَ آتاهُمْ تَقْواهُمْ: و به آنها پاداش تقواشان را داد که از جهنم آسوده باشند.

در باره آیه: فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِینَ منظور از مؤمنین علی و یاران او هستند: وَ الْمُؤْمِناتِ خدیجه و دوستانش معنی آیه:

وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ آمَنُوا بِما نُزِّلَ عَلی مُحَمَّدٍ فی علی وَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَیِّئاتِهِمْ وَ أَصْلَحَ بالَهُمْ کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند.

سپس ایمان به آنچه بر

پیامبر نازل شده در باره علی آوردند که همین واقعیت بود از جانب خدا گناهان ایشان را آمرزید و خاطرشان را آسوده کرد.

امامت، ج ۲، ص: ۲۷۳

فرمود: وَ الَّذِينَ كَفَرُوا کسانی که بولایت علی کافر شدند يَتَمَتَّعُونَ از دنیای خود بهره می برند: وَ يَأْكُلُونَ كَما تَأْكُلُ الْأَنْعامُ وَ النَّارُ مَثْوىً لَهُمْ مثل چهارپایان میخورند جهنم جایگاه آنها است.

سپس فرمود: مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ مثل بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده که آنها محمّد و پیروان ایشانند حضرت باقر فرمود این قسمت آیه: فِيها أَنْهارٌ منظور از انهار مردهائی هستند و این قسمت آیه: ماءٍ غَيْرِ آسِنٍ منظور علی علیه السّلام است.

وَ أَنْهارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ منظور امام است.

اما این قسمت آیه: وَ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ منظور ولایت امیر المؤمنین است اما این آیه: كَمَنْ هُوَ خالِدٌ فِي النَّارِ یعنی آیا پرهیزگاران مانند کسانی هستند که پیوسته در ولایت دشمن آل محمّدند که همان آتشی است که هر کس داخل شد داخل در جهنم شده آن وقت خداوند میفرماید چه خواهند دید: وَ سُقُوا ماءً حَمِيماً فَقَطَّعَ أَمْعاءَهُمْ آبی گداخته میچشند که امعاء آنها از هم میپاشد جابر گفت سپس حضرت باقر علیه السّلام فرمود این آیه را جبرئیل برای پیامبر اکرم چنین آورد:

ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ فی علی فَأَحْبَطَ أَعْمالَهُمْ این بواسطه آن است که دوست نداشتند آنچه را خداوند بر پیامبر نازل نمود در باره علی علیه السّلام بهمین جهت اعمال آنها از میان رفت.

جابر گفت: از حضرت باقر راجع باین آیه پرسیدم: أَ فَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ حضرت باقر علیه السّلام آیه را خواند: وَ الَّذِينَ كَفَرُوا تا

رسید به:

أَ فَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فرمود میخواهی معرفی کنم بتو شخصی را که قدرت داشت در یک روز ترا از مشرق بمغرب برساند گفتم چنین کسی کیست؟

فرمود امیر المؤمنین مگر فرمایش پیامبر اکرم را نشنیده ای: لتبلغن

امامت، ج ۲، ص: ۲۷۴

الاسباب و اللّه لترکبن السحاب و اللّه لتؤتن عصا موسی و اللّه لتعطن خاتم سلیمان.

خطاب بامیر المؤمنین باسباب خواهید رسید بخدا سوار ابر میشوید و بخدا سوگند عصای موسی و انگشتر سلیمان را بشما خواهند داد بخدا قسم این فرموده پیامبر است.

کنز: ابن عباس در باره آیه: کَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوی عَلی سُوقِهِ یُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِیَغِیظَ بِهِمُ الْکُفَّارَ مانند کشتی که سبزه نو رسته آن سر بر آورده و محکم شده بطوری که استقامت دارد بر روی ساق خود بایستد موجب شگفت کشاورزان است تا کافران در خشم شوند.

ابن عباس گفت اصل کشت و زرع عبد المطلب است و سبزه نو رسته که از آن سر بر آورده محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم است منظور از کشاورزان علی بن ابی طالب است.

توضیح: مفسران گفته اند این آیه مثلی است برای صحابه پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم که در ابتدای اسلام کم بودند سپس زیاد شدند و نیرو یافتند بطوری ترقی کردند که مردم در شگفت شدند اما بنا بر تفسیر ابن عباس مثال است برای پیامبر اکرم و اهل بیت آن جناب که ابتدای تولید آنها از عبد المطلب بود و نیرو و قدرتشان بوسیله علی علیه السّلام شد.

کنز جامع: غیاث بن ابراهیم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود من بهترین فرد مردم

فخر نمیکنم و علی بن ابی طالب بهترین فرد مؤمنین است بی آنکه فخر کند خدایا دوست بدار دوستش را و دشمن بدار دشمنش را.

مردی از قریش گفت پیوسته پسر عموی خود را بالا می برد و میستاید خداوند این آیه را نازل فرمود: وَ النَّجْمِ إِذا هَوی ، ما ضَلَّ صاحِبُکُمْ وَ ما غَوی ، وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی که منظور اینست این حرفی که در باره پسر عمویش میگوید از روی هوای نفس نیست: إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ یُوحی جز وحی پروردگار نیست.

امامت، ج ۲، ص: ۲۷۵

کنز جامع: فضل بن عبد الملک از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود وقتی پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم علی بن ابی طالب را در روز غدیر خم بلند نمود مردم سه دسته شدند گروهی گفتند محمّد گمراه شده و بعضی مدعی شدند بباطل گرائیده و دسته دیگر گفتند این از روی خواست دل خود اوست در باره خویشاوندانش، خداوند این آیه را نازل نمود: وَ النَّجْمِ إِذا هَوی .

کنز جامع: محمّد بن عبد اللَّه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود شبی که بمعراج رفتم رسیدم بسدره المنتهی جبرئیل گفت جلو برو باندازه یک میدان دید جلو رفتم نوری درخشان چشم مرا خیره کرد بسجده افتادم برای خدا خطاب رسید یا محمّد چه کس را در زمین بجای خود گماشته ای عرضکردم عادلترین و راستگوترین و نیکوکارترین مردم علی بن ابی طالب را وصی و وارث و جانشین خود قرار داده ام.

خداوند فرمود سلام مرا باو برسان و باو بگو خشمش عزت و سرافرازی دین است

و خشـنوديش از كسـى نشانه ايمان آن شخص است يا محمّد من پروردگارى هستم كه جز من خدائى نيست على اعلايم يكى از نامهاى خود را ببرادر تو بخشيدم و او را على ناميدم.

يا محمّد من خدائى هسـتم كه جز من خدائى نيست فاطر آسمانها و زمينم يك نام خود را بدخترت بخشيدم او را فاطمه ناميدم من بوجود آورنـده هر چيزم يا محمّـد جز من خـدائى نيست و من حسن البلا هسـتم (خوب آزمايش مى كنم) بدو فرزندت دو نام از نامهاى خود را بخشيدم و آنها را حسن و حسين ناميدم.

وقتى پيامبر اكرم اين حـديث را براى قريش نقل كرد گروهى گفتند خداوند چيزى به محمّد وحى نكرده اين حرفها را از خود مى زند خداوند اين آيات را براى رد گفته آنها نازل نمود: وَ النَّجْمِ إِذا هَوى ما ضَلَّ صاحِبُكُمْ وَ ما غَوى .

كنز جامع: شعيب از حضرت صادق عليه السّلام نقل كرد در باره آيه: سَنَفْرُغُ لَكُمْ

امامت، ج ٢، ص: ٢٧۶

أَيُّهَ الثَّقَلانِ كه فرمود ثقلان ما و قرآن هستيم.

توضـيح: مشهور بين مفسران اينست كه ثقلين يعنى جن و انس و معنى آيه اينست كه ما خود را آماده ميكنيم از براى حساب و جزاى شـما دو گروه در قيامت اما بنا بر تأويل امام عليه السّـلام يعنى آيه اينست كه ما آماده مى كنيم خود را براى باز خواست از مردم و انتقام از كسانى كه حق شما را رعايت نكرده اند.

كنز جامع: سـلام بن مستنير از حضرت باقر عليه السّلام در باره آيه: اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها نقل كرد فرمود منظور از مردن زمين كفر اهل آن است، كافر مرده است.

خداوند او

را بوسیله قائم عجل اللّه فرجه زنده می کند در روی زمین عدالت می کند زمین زنده می شود و اهل زمین نیز پس از کفر زنده میشوند.

کنز جامع: زبیر بن بکار نقل از یکی از اصحاب نمود که مردی بامام حسن علیه السّلام گفت در شما مقداری کبر وجود دارد فرمود هرگز، کبریاء اختصاص بخدای یکتا دارد ولی در من عزت نفس است که خداوند در قرآن می فرماید وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ.

کنز جامع: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: ذَرْنِي وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً نقل کرد که منظور از این آیه شیطان است که او را تنها آفرید بدون پدر و مادر وَ جَعَلْتُ لَهُ مالًا مَمْدُوداً منظور همان قدرت او است که تا مدتی معین ادامه دارد تا وقتی قائم آل محمّد قیام کند وَ بَنِينَ شُهُوداً تا كَلَّا إِنَّهُ كانَ لِآياتِنا عَنِيداً که او دشمن ائمه علیهم السّلام است و مردم را از راه آنها باز میدارد که آنها آیات خدا هستند این قسمت آیه: سَأُرْهِقُهُ صَعُوداً حضرت صادق فرمود صعود کوهی است در جهنم از مس که ابا بکر را وادار می کنند بر آن بالا رود وقتی دستش را بر روی کوه میگذارد کوه ذوب می شود بطوری که دستهایش بزانو می رسد باز تا دست بر می دارد و کوه بحالت اول بر میگردد همین طور هست

امامت، ج ۲، ص: ۲۷۷

تا وقتی خدا بخواهد.

این قسمت آیه: إِنَّهُ فَكَّرَ وَ قَدَّرَ، فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ تا إِنْ هذا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ منظور تدبیر و فکر و اندیشه او است و تکبرش که مقامی را مدعی شد که شایسته آن نبود.

بعد خداوند میفرماید: سَأُصْلِيهِ

سَقَرَ تا لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ یعنی او را اهل شرق و غرب مشاهده می کنند آن موقعی که در جهنم است و حال او برای مردم آشکار می شود منظور از تمام این آیات ابا بکر است.

عَلَيْها تِسْعَةَ عَشَرَ یعنی نوزده نفر از مردم هستند که همه در شرق و غربند.

این آیه: وَ ما جَعَلْنا أَصْحابَ النَّارِ إِلَّا مَلائِكَةً منظور از نار حضرت قائم است که نور او میدرخشد و قیامش شرق و غرب را میگیرد و ملائکه کسانی هستند که علم آل محمّد را دارند.

این آیه: وَ ما جَعَلْنا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا منظور گروه مرجئه هستند و این آیه لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ یعنی شیعیان که اهل کتابند و آنهایند که بایشان کتاب و نبوت و حکمت ارزانی شده وَ يَزْدادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيماناً وَ لا يَرْتابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ یعنی شیعیان شک در چیزی از کار حضرت مهدی ندارند.

وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ منظور ضعفای شیعه هستند وَ الْكافِرُونَ ما ذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلًا که میگویند خدا از این چه منظوری دارد خداوند میفرماید بآنها كَذلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشاءُ این چنین خداوند گمراه میکند کسی را که میخواهد و هدایت مینماید آن کس را که بخواهد مؤمن تسلیم می شود و کافر شک میکند وَ ما يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ منظور از جنود و سپاه خدا شیعیان هستند که تعداد آنها را فقط خدا میداند و آنها گواهان روی زمینند وَ ما هِيَ إِلَّا ذِكْرى لِلْبَشَرِ.

امامت، ج ۲، ص: ۲۷۸

لِمَنْ شاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ یعنی در این ایام پیش از ظهور حضرت مهدی هر که مایل

است حق را بپـذیرد و بجانب حق رود هر که میخواهد از حق کناره گیری کند کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ رَهِینَةٌ إِلَّا أَصْحابَ الْیَمِینِ هر کس در گرو اعمال خویش است مگر اصحاب یمین که آنها اطفال مؤمنین هستند که خداوند میفرماید وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُمْ بِإِیمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ که منظور اینست آنها در روز میثاق ایمان آورده اند وَ کُنَّا نُکَذِّبُ بِیَوْمِ الدِّینِ ما روز پاداش را تکذیب میکردیم منظور روز قیام حضرت قائم است فَما لَهُمْ عَنِ التَّذْکِرَةِ مُعْرِضِینَ چه شد که آنها از تذکره رو برگردانیدند منظور از تذکره و آیه امیر المؤمنین صلوات اللّٰه علیه است.

کَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ یعنی آنها مانند الاغهای وحشی هستند (گوره خر) که از دیدن شیر فرار کنند دشمنان آل محمّد همین طورند وقتی یکی از فضایل آل محمّد را میشنوند از حق فرار میکنند.

بَلْ یُرِیدُ کُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ یُؤْتی صُحُفاً مُنَشَّرَةً هر یک از مخالفین مایلند برای آنها کتابی از آسمان نازل شود کَلَّا بَلْ لا یَخافُونَ الْآخِرَةَ نه هرگز آنها از آخرت باک ندارند منظور دولت حضرت قائم است.

آنگاه خداوند پس از معرفی تذکره که منظور همان ولایت آل محمّد است میفرماید: کَلَّا إِنَّهُ تَذْکِرَةٌ فَمَنْ شاءَ ذَکَرَهُ وَ ما یَذْکُرُونَ إِلَّا أَنْ یَشاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوی وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ تقوی در این آیه پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم و مغفرت امیر المؤمنین علیه السّلام است.

کنز جامع: حلبی گفت از حضرت صادق شنیدم این آیه را میخواند: بَلْ یُرِیدُ الْإِنْسانُ لِیَفْجُرَ أَمامَهُ اراده دارد انسان تکذیب کند امام خود را بعضی اصحاب از ائمه نقل کرده اند که منظور تعمیم

دارد در باره امیر- المؤمنین علیه السّلام حیله و مکری بکار برد.

امامت، ج ۲، ص: ۲۷۹

توضیح: شاید بنا بر این تفسیر، امام بکسر همزه است.

کنز جامع: عمان خزاز گفت از ابو سعید مدائنی شنیدم میگفت کَلَّا إِنَّ کِتابَ الْأَبْرارِ لَفِی عِلِّیِّینَ وَ ما أَدْراکَ ما عِلِّیُّونَ. کِتابٌ مَرْقُومٌ یعنی کتابی که رقم به نیکی زده شده رقم بحب محمّد و آل محمّد شده است.

تفسیر فرات: جابر گفت از حضرت باقر علیه السّلام راجع بآیه فَلَمَّا نَسُوا ما ذُکِّرُوا بِهِ فَتَحْنا عَلَیْهِمْ أَبْوابَ کُلِّ شَیْ ءٍ- تا رَبِّ الْعالَمِینَ فرمود معنی فَلَمَّا نَسُوا ما ذُکِّرُوا یعنی وقتی رها کردند ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام را با اینکه باین عقیده مأمور بودند.

تفسیر فرات: خثیمه گفت از حضرت باقر در باره آیه یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانُها تا آخر آیه پرسیدم فرمود منظور دوست و یاری ما خانواده است گفتم بمقداری که خداوند مرا توفیق دهد با زبان و دست و قلب در راه شما کوشش میکنم.

فرمود خثیمه! یاری با زبان مانند یاری با شمشیر است و یاری با دو دست بهتر است. قرآن بسه قسمت تقسیم شده یک سوم آن در باره ما خانواده است و یک سوم در باره دشمنان ما و یک سوم دستور و احکام است اگر آیه ای در باره گروهی نازل شده باشد که آنها از دنیا رفته اند در صورتی که منظور و مفاد آیه نیز از بین برود دیگر از قرآن چیزی باقی نمی ماند تمام قرآن قابل انطباق است تا وقتی آسمان و زمین پایدار باشد هر گروهی آیه ای دارند که میخوانند آن را.

یا خثیمه! اسلام

ابتدایش غریب بود و در آینده نیز غریب خواهد شد خوشا بحال غریبان.

خثیمه! روزی بر مردم خواهد آمد که خدا و توحید را نشناسند تا ظهور دجال و تا موقعی که عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و خداوند دجال را بدست او بکشد و یکی از ما خانواده بر آنها امامت کند و نماز بخواند، نمی بینی

امامت، ج ۲، ص: ۲۸۰

عیسی پشت سر ما نماز میخواند با اینکه پیامبر است ما از او برتر و بالاتریم.

تفسیر فرات: زید بن علی علیه السّلام در باره آیه: فَلَوْ لا کانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِکُمْ أُولُوا بَقِیَّةٍ یَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسادِ فِی الْأَرْضِ تا آخر آیه فرمود گروهی از ما خانواده قیام خواهد کرد کسانی که پیش از ما زندگی میکردند آنها نیز مانند ما بودند.

بعضی کشته میشوند و گروهی باقی میمانند تا این امر را بالاخره روزی زنده کنند.

تفسیر عیاشی: حضرت صادق علیه السّلام فرمود خداوند میفرماید: لَقَدْ جاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِکُمْ فرمود خطاب بما است عَزِیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ این هم در باره ما است حَرِیصٌ عَلَیْکُمْ در باره ما است بِالْمُؤْمِنِینَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ در این قسمت چهارم مؤمنین با ما شریک شده اند آن سه قسمت اول اختصاص بما دارد.

در روایت بعد تفسیر مؤمنین را بشیعیان میفرماید و اضافه میکند که سه قسمت مال ما است و یک چهارم شیعیان ما.

توضیح: این تأویل امام علیه السّلام انطباق با آیه بسیار بیشتر است از تفسیری که مفسران نموده اند در مورد مِنْ أَنْفُسِکُمْ یعنی از میان شما خانواده، بدلیل اینکه در مورد سایر مردم اسلوب را تغییر داده میفرماید: بِالْمُؤْمِنِینَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ.

تفسیر عیاشی: خطاب بن سلمه گفت حضرت باقر

علیه السّلام فرمود خداوند هیچ پیامبری را بر نیانگیخت مگر با ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان این آیه اشاره بهمان است: وَ لَقَدْ بَعَثْنا فِی کُلِّ أُمَّهٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَی اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَیْهِ الضَّلالَهُ آنها که گمراه شدند بواسطه تکذیب آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم بود بعد میفرماید: فَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَهُ الْمُکَذِّبِینَ.

کنز جامع: نوفلی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود من آن تجارت سود بخشی هستم که موجب نجات از عذاب دردناکم که

امامت، ج ۲، ص: ۲۸۱

در این آیه میفرماید: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلی تِجارَهٍ تُنْجِیکُمْ مِنْ عَذابٍ أَلِیمٍ.

کنز جامع: سلیم بن قیس از علی علیه السّلام نقل کرد که فرمود ما هستیم آن خانواده ای که خداوند پیامبرش را در میان ما فرستاد که آیاتش را بر ما بخواند و ما را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد.

تفسیر قمی: ابو الصامت گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود شب و روز دوازده ساعت است علی بن ابی طالب علیه السّلام بهترین ساعت از این دوازده ساعت است و این آیه اشاره بهمان است بَلْ کَذَّبُوا بِالسَّاعَهِ وَ أَعْتَدْنا لِمَنْ کَذَّبَ بِالسَّاعَهِ سَعِیراً.

تفسیر قمی: حضرت باقر در باره آیه إِنَّها لَإِحْدَی الْکُبَرِ. نَذِیراً لِلْبَشَرِ فرمود یعنی فاطمه علیها السّلام.

توضیح: آیات قبل از این آیه ضمیرهایش بجهنم و شراره آن برمیگردد گفته اند در این آیه: وَ ما هِیَ إِلَّا ذِکْری لِلْبَشَرِ ضمیر یا بجهنم برمیگردد یا به تعداد خازنان جهنم و یا بسوره با احتمال برگشت ضمیر بسوره ممکن

است بصاحب سوره برگردد و امکان نیز دارد که تمام این تهدیدها بعذاب در باره کسی باشد که ظلم بآن حضرت نموده و حقش را غصب کرده.

کافی: سالم حناط گفت: بحضرت باقر عرض کردم منظور از این آیه را بفرمائید: نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ عَلی قَلْبِکَ لِتَکُونَ مِنَ الْمُنْذِرِینَ بِلِسانٍ عَرَبِیٍّ مُبِینٍ فرمود منظور ولایت امیر المؤمنین است.

کافی: فضیل از حضرت ابو الحسن علیه السّلام در باره آیه: یُوفُونَ بِالنَّذْرِ نقل کرد که فرمود وفا میکنند به پیمانی که از آنها در مورد ولایت ما گرفته شده.

توضیح: نذر عبارت است از وعده ای که مشروط بشرطی باشد این تفسیری که امام علیه السّلام میفرماید که وفای بنذر عبارت از وفا به ولایت پیامبر و ائمه علیهم السّلام

امامت، ج ۲، ص: ۲۸۲

در میثاق است یکی از بطون آیه است و این منافات ندارد که ظاهر آیه دلالت کند بر وفا بنذرها و پیمان های شرعی و هم با آنچه خواهد آمد در باره نزول سوره هل اتی که مربوط بنذر اهل بیت است که روزه بگیرند برای شفای امام حسین علیه السّلام. این مسلم است که سبب نزول، موجب اختصاص حکم و مفاد آیه نمیشود اینجا فقط امام از ولایت نام برد چون یک فرد از پیمان است که بیشتر مخفی شده و این مطلب را تأیید میکند که آیات سابق مربوط به نیکان است بطور کلی، گرچه مقصود اصلی ائمه اطهار باشند.

کافی: ابو حمزه از حضرت صادق در باره آیه: وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا بَیِّناتٍ قالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِلَّذِینَ آمَنُوا أَیُّ الْفَرِیقَیْنِ خَیْرٌ مَقاماً وَ أَحْسَنُ نَدِیًّا فرمود حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله و سلم

قریش را دعوت بولایت ما کرد آنها با تنفر منکر شدند کفار از قریش گفتند بآنها که اقرار بولایت امیر المؤمنین و ائمه داشتند کدام یک از ما دو گروه بهتر و خوش بزم تریم.

خداوند در مقام رد آنها فرمود: وَ كَمْ أَهْلَكْنا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ چقدر هلاک کرده ایم پیش از آنها از امت های گذشته: هُمْ أَحْسَنُ أَثاثاً وَ رِءْياً که آنها دارای لوازم خانه ای بهتر و ظاهری آراسته تر بودند.

عرضکردم این آیه را بفرمائید: مَنْ كانَ فِي الضَّلالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمنُ مَدًّا فرمود همه آنها در ضلالت بودند و ایمان بولایت امیر المؤمنین و ما نداشتند گمراه و گمراه کننده بودند.

خداوند گمراهی و سرکشی آنها را گسترش داد تا بمیرند و منتقل به بدترین جایگاه شوند و بدون یار و یاور گفتم این آیه: حَتَّى إِذا رَأَوْا ما يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذابَ وَ إِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكاناً وَ أَضْعَفُ جُنْداً.

فرمود اما این قسمت آیه: حَتَّى إِذا رَأَوْا ما يُوعَدُونَ تا ببینند آنچه وعده داده شده اند منظور خروج قائم علیه السّلام است و همین معنی ساعت است، آن روز

امامت، ج ۲، ص: ۲۸۳

خواهند فهمید که از جانب خدا چه بر سر آنها نازل شده بوسیله حضرت مهدی اینست معنی آیه: مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكاناً وَ أَضْعَفُ جُنْداً یعنی کسی که از همه بدتر و بی یاورتر است در نزد حضرت مهدی.

گفتم این آیه: وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدىً فرمود یعنی در آن روز بر هدایت یافتگان خداوند می افزاید به واسطه پیروی از قائم که منکر او نشده اند.

گفتم: لا يَمْلِكُونَ الشَّفاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمنِ عَهْداً فرمود یعنی مالک شفاعت نیستند مگر کسانی که ولایت امیر المؤمنین و

ائمه را پذیرفته اند و همین معنی پذیرش پیمان خدا است در آیه.

گفتم: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام میدهند یعنی ائمه علیهم السّلام خدا برای آنها (ود) قرار میدهد فرمود ولایت امیر المؤمنین همان ورد و محبتی است که خدا در این آیه فرموده که محبت آنها را بر مؤمنین واجب نموده.

گفتم: فَإِنَّما يَسَّرْناهُ بِلِسانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنْذِرَ بِهِ قَوْماً لُدًّا فرمود این را بر زبانش جاری کرد خداوند موقعی که امیر المؤمنین را بجانشینی خود تعیین نمود مؤمنین را بشارت داد و کافران را تهدید نمود کافران همان کسانی هستند که در این آیه (لدا) نام برده شده اند یعنی بسیار ستیزه جو.

از این آیه سؤال کردم: لِتُنْذِرَ قَوْماً ما أُنْذِرَ آباؤُهُمْ فَهُمْ غافِلُونَ فرمود یعنی بترسانی گروهی را که در میان آنها هستی چنانچه پدران آنها نیز مورد انذار قرار گرفتند آنها غافل از خدا و پیامبر و تهدید اویند: لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلى أَكْثَرِهِمْ این مطلب ثابت شده برای بیشتری آنهائی که اقرار بولایت امیر المؤمنین و ائمه ندارند (که در دنیا کشته میشوند بدست قائم و در آخرت عذاب میشوند در جهنم) چون اقرار و ایمان بولایت ائمه و امیر المؤمنین ندارند عذاب

امامت، ج ۲، ص: ۲۸۴

و کیفر ایشان در این آیه توضیح داده شده إِنَّا جَعَلْنا فِي أَعْناقِهِمْ أَغْلالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ سپس فرمود در دنیا چنین گرفتار میشوند که این آیه میفرماید وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ آنها را در پرده ای از جهل و نادانی از پیش

و پس قرار میدهیم و چشمهایشان را از دیدن حق کور میکنیم تا دیگر حقیقت را نیابند این مربوط بدنیا است اما در آخرت در جهنم چنان گردن هایشان بزنجیر کشیده می شود که نمیتوانند سر بجنبانند چون منکر ولایت شده اند.

سپس میفرماید: وَ سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ ای محمّد! دیگر چه آنها را بترسانی و چه نترسانی ایمان بولایت علی و ائمه نخواهند آورد آنگاه میفرماید: إِنَّما تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ تو انذار میکنی کسی را که پیروی از علی (و ائمه) نموده وَ خَشِيَ الرَّحْمنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَ أَجْرٍ كَرِيمٍ و از خدا در پنهانی ترسناک بوده او را ای محمّد! بشارت ده بآمرزش و پاداشی نیکو.

کافی: محمّد بن فضیل از حضرت موسی بن جعفر نقل میکند که این آیه را از ایشان پرسیدم: يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ فرمود یعنی میخواهند نور ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام را با زبانهای خود خاموش کنند.

گفتم معنی: وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ فرمود یعنی خداوند امامت را تکمیل میکند بوجود حضرت مهدی منظور از نور امامت است بدلیل این آیه: فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنا کسانی که ایمان بخدا و پیامبرش آورده اند و نوری کم فرستاده ایم یعنی امامت.

گفتم: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى وَ دِينِ الْحَقِّ فرمود یعنی اوست که امر کرده پیامبرش را بولایت وصیش ولایت همان دین حق است گفتم: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ تا پیروز کند او را بر تمام دینها در هنگام قیام قائم.

امامت، ج ۲، ص: ۲۸۵

آنگاه امام علیه السّلام فرمود وَ اللَّهُ مُتِمُّ ولایه القائم وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ بولایه علی» خدا امامت را تکمیل

میکند بولایت حضرت مهدی گرچه مورد پسند مخالفین علی نباشد.

عرضکردم آیه همین طور نازل شده فرمود اصل این مطلب تنزیل و از جانب خدا است (که بوسیله حضرت مهدی امامت تکمیل می شود) اما الفاظ دیگری که زائد بر (مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ) است تأویل آیه است «۱».

عرضکردم تفسیر این آیه ذٰلِکَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا فرمود خداوند کسانی را که پیروی از پیامبر نکنند در مورد وصی و جانشینش منافق نامیده و هر کس منکر وصی او شود مانند کسی است که منکر نبوت شده باشد و در این مورد آیه نازل نمود:

إِذا جاءَکَ الْمُنافِقُونَ زمانی که منافقین یعنی منکرین ولایت علی پیش تو آمدند قالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ وَ اللَّهُ یَشْهَدُ إِنَّ الْمُنافِقِینَ لَکاذِبُونَ میگویند ما گواهی میدهیم که تو پیامبر خدائی خداوند میداند تو پیامبر اویی ولی گواهی میدهد که منکرین ولایت علی در این شهادت که برسالت تو میدهند دروغ میگویند اتَّخَذُوا أَیْمانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ ایمان خود را سپر قرار داده اند و

امامت، ج ۲، ص: ۲۸۶

از راه خدا که مراد وصی پیامبر است مانع میشوند إِنَّهُمْ ساءَ ما کانُوا یَعْمَلُونَ ذٰلِکَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا اینها بدکاری میکنند چون ایمان برسالت تو می آورند ولی نسبت بولایت وصی و جانشینت کافرند فَطُبِعَ عَلی قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لا یَفْقَهُونَ خدا مهر بر دلهای آنها زده است درک نمی کنند.

عرضکردم معنی لا یَفْقَهُونَ چیست فرمود نبوت را درک نمیکنند.

گفتم: وَ إِذا قِیلَ لَهُمْ تَعالَوْا یَسْتَغْفِرْ لَکُمْ رَسُولُ اللَّهِ فرمود یعنی وقتی بآنها گفته می شود برگردید بولایت علی تا پیامبر اکرم طلب آمرزش گناهان شما را بنماید: لَوَّوْا رُؤُسَهُمْ وَ

رَأَیْتَهُمْ یَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ سرباز میزنند و می بینی كه مانع از ولایت علی میشوند و بر او كبر میورزند.

آنگاه خداوند سخن را باین مطلب میكشاند كه اینها چگونه اشخاصی هستند سَواءٌ عَلَیْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ یَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقِینَ چه برای آنها استغفار نمائی و چه ننمائی خدا هرگز ایشان را نمی آمرزد خدا تبهكاران كسانی كه ظلم بوصی تو كرده اند نخواهد آمرزید.

عرضكردم أَ فَمَنْ یَمْشِی مُكِبًّا عَلی وَجْهِهِ أَهْدی أَمَّنْ یَمْشِی سَوِیًّا عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ فرمود خداوند مثال زده كسی كه مخالفت با ولایت علی نموده بشخصی كه روی زمین افتاده و نمیداند بكجا برود و هر كس پیرو علی شد مانند كسی است راست و درست در راه مستقیم براه خود ادامه دهد كه راه مستقیم همان ولایت علی بن ابی طالب است.

عرضكردم این آیه إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِیمٍ فرمود یعنی جبرئیل از جانب خدا در مورد ولایت علی گفتم: وَ ما هُوَ بِقَوْلِ شاعِرٍ قَلِیلًا ما تُؤْمِنُونَ فرمود قریش میگفتند محمّد دروغ بر خدا می بندد چنین دستوری خدا باو نداده در مورد علی خداوند آیه بر آن جناب نازل كرد كه ولایت علی علیه السّلام تَنْزِیلٌ مِنْ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَیْنا بَعْضَ الْأَقاوِیلِ لَأَخَذْنا مِنْهُ بِالْیَمِینِ. ثُمَّ لَقَطَعْنا مِنْهُ الْوَتِینَ از جانب

امامت، ج ۲، ص: ۲۸۷

پروردگار جهانیان دستور داده شده اگر محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم بر ما دروغ ببندد دست راست او را میگیریم و رگ گردنش را قطع میكنیم.

باز سخن را بولایت برمی گرداند: إِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِینَ وَ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِینَ وَ إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكافِرِینَ

وَ إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ.

ولايت على سبب راهنمائى معتقدين بولايت است ما ميدانيم بعضى از شما نخواهيد پذيرفت على عليه السّلام حسرت و اندوهى است براى كافرين، ولايت او يك حقيقت واقعى است خداى بزرگ را تسبيح كن اى محمّد يعنى پروردگارت را سپاسگزارى كن كه بتو اين نعمت را عنايت كرده.

گفتم: لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدى آمَنَّا بِهِ فرمود: هدايت در آيه ولايت است يعنى ايمان آورديم بمولايمان هر كس ايمان بمولاى خود آورد از نقصان و طغيان بيم نخواهد داشت. گفتم اين طور نازل شده فرمود: نه اين تأويل آيه است.

عرضكردم: إِنِّى لا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لا رَشَداً فرمود پيامبر اكرم مردم را دعوت بولايت على عليه السّلام كرد قريش اجتماع نموده گفتند يا محمّد ما را از اين تكليف معذور دار فرمود اين بستگى بدستور خدا دارد از طرف من نيست به پيامبر تهمت زدند و خارج شدند.

خداوند اين آيه را نازل كرد: قُلْ إِنِّى لا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لا رَشَداً قُلْ إِنِّى لَنْ يُجِيرَنِى مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً، إِلَّا بَلاغاً مِنَ اللَّهِ وَ رِسالاتِهِ.

بگو اختيار سود و زيان شما بدست من نيست در صورتى كه مخالفت دستور خدا را نمايم كسى نميتواند مرا از دست خدا رهائى دهد و جز او پناهى ندارم و جز تبليغ فرمان او در مورد على راهى ندارم عرضكردم آيه همين طور نازل شده است.

فرمود: آرى. بعد فرمود از جهت تأكيد و اثبات مطلب ميفرمايد: وَ مَنْ

امامت، ج ۲، ص: ۲۸۸

يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نارَ جَهَنَّمَ خالِدِينَ فِيها أَبَداً هر كس با خدا و پيامبرش مخالفت كند

برای همیشه در جهنم خواهد بود.

گفتم تفسیر آیه: حَتَّى إِذا رَأَوْا ما يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِراً وَ أَقَلُّ عَدَداً.

فرمود منظور حضرت قائم و یاران اوست که وقتی او را دیدند متوجه میشوند چه کس ضعیف تر و چه کس تعداد یاورانش کمتر است.

گفتم: وَ اصْبِرْ عَلى ما يَقُولُونَ صبر کن راجع بآنچه در باره تو میگویند:

وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِيلًا از آنها فاصله بگیر بنحو نیکوئی: ذَرْنِي وَ الْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَ مَهِّلْهُمْ قَلِيلًا/ رها کن مرا و تکذیب کنندگان وصیت را صاحبان نعمت آنها را کمی مهلت ده گفتم این طور نازل شده فرمود: آری.

گفتم: لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ فرمود یقین پیدا می کنند که خدا و پیامبر و وصی او حق است.

گفتم: وَ يَزْدادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيماناً فرمود بواسطه اعتقاد بولایت علی ایمانشان افزوده می شود.

گفتم: وَ لا يَرْتابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ در شک نخواهند افتاد کسانی که بآنها کتاب داده شده و مؤمنین، در باره ولایت علی پرسیدم این شک و شبهه چیست فرمود منظور اینست که اهل کتاب و مؤمنین در باره ولایت بشک نخواهند افتاد.

از این آیه پرسیدم: وَ ما هِيَ إِلَّا ذِكْرى لِلْبَشَرِ این نیست مگر بیداری برای بشر. فرمود: آری همان ولایت علی است.

گفتم: إِنَّها لَإِحْدَى الْكُبَرِ این یکی از بزرگترین چیزها است فرمود ولایت است.

گفتم: لِمَنْ شاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ فرمود یعنی هر کس بسوی ولایت ما سبقت جوید از جهنم دور شده و هر که از ولایت کناره گیری کند

امامت، ج ۲، ص: ۲۸۹

بجهنم نزدیک شده: إِلَّا أَصْحابَ الْيَمِينِ بجز اصحاب یمین فرمود بخدا قسم آن ها شیعیان مایند.

گفتم معنی: لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ فرمود یعنی ما علاقه ای بوصی

محمّد و جانشینان او نداشتیم و بر آنها صلوات نمی فرستادیم.

گفتم: فَما لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَهِ مُعْرِضِينَ فرمود یعنی چه شده که آنها از ولایت اعراض دارند.

گفتم: كَلَّا إِنَّها تَذْكِرَةٌ فرمود منظور ولایت است گفتم معنی: يُوفُونَ بِالنَّذْرِ فرمود وفا به پیمانی میکنند که خداوند در زمان میثاق از آنها گرفته راجع بولایت ما.

گفتم: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا قال بولایه علی فرمود معنی اینست که قرآن را همدوش با ولایت علی بر تو فرستادیم پرسیدم آیا (بولایه علی) جزء آیه است؟ فرمود: نه این تأویل آیه است.

گفتم: إِنَّ هذِهِ تَذْكِرَةٌ فرمود یعنی ولایت گفتم: يُدْخِلُ مَنْ يَشاءُ فِي رَحْمَتِهِ هر که را بخواهد در رحمت خود داخل می کند فرمود یعنی در ولایت ما فرمود:

وَ الظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذاباً أَلِيماً برای ستمگران باولیاء خدا آتشی دردناک آماده شده است مگر این آیه را دقت نکرده ای: وَ ما ظَلَمُونا وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ بما ستم نکرده اند بخود ستم نموده اند خداوند منزه است از اینکه ستم کند یا باو ستم روا شود اما در این آیات که می فرماید بما ستم روا نداشته اند ما را با نفس خود قرین و همراه قرار داده بهمین جهت ظلم بما را ظلم بخود نسبت داده و ولایت ما را ولایت خود محسوب نموده سپس در این مورد آیه نازل کرده:

وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ یعنی اولیاء خدا پیامبران و ائمه ستم بآنها روا نداشته اند ایشان بخود ستم کرده اند که پیروی از اولیای خدا نکرده اند. گفتم آیه همین طور نازل شده فرمود: آری.

گفتم: وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ فرمود یعنی وای بر تکذیب کنندگان

امامت، ج ۲، ص: ۲۹۰

نسبت بآنچه بر تو وحی نمودم

در مورد ولایت علی: أَ لَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ مگر ما پیشینیان (کسانی که تکذیب پیامبران را در اطاعت اوصیاء نمودند) هلاک نکردیم: كَذلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ یعنی همین کار را نسبت به کسانی که خیانت در مورد آل محمّد روا داشتند و نسبت بوحی او آن کارها را نمودند انجام خواهیم داد.

گفتم: إِنَّ الْمُتَّقِينَ «۱» فرمود منظور از متقین بخدا قسم ما و شیعیانمان هستیم که پیرو ملت و روش ابراهیم جز ما کس دیگری نیست دیگران از پیروی ابراهیم فاصله دارند.

گفتم: يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلائِكَةُ صَفًّا لا يَتَكَلَّمُونَ فرمود بخدا سوگند بما روز قیامت اجازه داده می شود و ما بصواب سخن می گوئیم که در آیه ذکر شده عرضکردم چه می گوئید فرمود پروردگارمان را تمجید می کنیم و صلوات بر پیامبر اکرم می فرستیم آنگاه شفاعت برای شیعیان خود می نمائیم خداوند درخواست ما را رد نخواهد کرد.

گفتم: كَلَّا إِنَّ كِتابَ الفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ فرمود آنها کسانی هستند که جنایت در حق ائمه روا داشتند و بآنها ستم کردند.

گفتم پس از آن گفته می شود: هـذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ فرمود یعنی این امیر المؤمنین همان کسی است که مقامش را تکذیب می کردید گفتم آیه همین طور نازل شده؟ فرمود: آری.

کافی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً هر که از یاد من رو برگرداند دچار زندگی سختی خواهد شد فرمود منظور از ذکر ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام است.

گفتم: وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ أَعْمى فرمود یعنی در آخرت با چشم نابینا

امامت، ج ۲، ص: ۲۹۱

خواهد آمد در دنیا کور دل بود از ولایت امیر

المؤمنین علیه السّلام فرمود او سرگردان است در روز قیامت می گوید: رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِی أَعْمی وَ قَدْ کُنْتُ بَصِیراً قالَ کَذلِکَ أَتَتْکَ آیاتُنا فَنَسِیتَها.

خدایا چرا مرا کور محشور نمودی با اینکه بینا بودم خطاب میرسد از آن جهت که آیات (ائمه) ما را دیدی ولی آنها را ندیده گرفتی.

فرمود آیات ائمه علیهم السّلام هستند: وَ کَذلِکَ الْیَوْمَ تُنْسی یعنی دست از ائمه کشیدی امروز نیز ما ترا در آتش رها می کنیم چنانچه اطاعت امر و فرمان آنها را نکردی و دستور ایشان را نشنیدی.

گفتم: وَ کَذلِکَ نَجْزِی مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ یُؤْمِنْ بِآیاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقی فرمود منظور کسی است که در ولایت علی دیگری را شریک کند و ایمان به آیات پروردگار نیاورد و از روی دشمنی ائمه را ترک کند و آنها را دوست نداشته باشد.

گفتم: اللَّهُ لَطِیفٌ بِعِبادِهِ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ فرمود منظور از رزق در آیه ولایت امیر المؤمنین است.

گفتم: مَنْ کانَ یُرِیدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ فرمود کشت آخرت معرفت امیر- المؤمنین و ائمه است نَزِدْ لَهُ فِی حَرْثِهِ فرمود در معرفتش می افزائیم تا بهره کامل از دولت ائمه ببرد.

گفتم: وَ مَنْ کانَ یُرِیدُ حَرْثَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَ ما لَهُ فِی الْآخِرَةِ مِنْ نَصِیبٍ فرمود او را در دولت حق با حضرت قائم نصیب و بهره ای نیست.

تفسیر قمی: وَ الشَّفْعِ مینویسد یعنی دو رکعت: وَ الْوَتْرِ یک رکعت. در حدیث دیگری است که شفع حسن و حسین هستند و وتر امیر المؤمنین صلوات اللَّه علیه.

تفسیر قمی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد در مورد آیه:

امامت، ج ۲، ص: ۲۹۲

یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ که فرمود منظور

حسین بن علی علیه السّلام است.

کنز: یونس بن یعقوب از حضرت صادق نقل کرد شفع پیامبر اکرم و علی است و وتر خدای یکتای بیهمتا است.

کافی: زراره از حضرت باقر در باره آیه: لَتَرْكَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ نقل کرد که فرمود: زراره! مگر این امت پس از پیامبر اکرم مطابق کردار امت های گذشته عمل نکردند در مورد خلافت فلان و فلان و فلان.

توضیح: یعنی گمراهی آنها پس از پیامبر اکرم مانند کارهائی بود که امت گذشته کردند از قبیل رها کردن جانشین پیغمبر خود و پیروی از گوساله و سامی و نظایر آن.

چنانچه علی بن ابراهیم در تفسیر همین آیه مینویسد: طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ یعنی حالی بعد از حال دیگر می فرماید رفتار پیشینیان را بطوری از پیش می گیرید شما امت اسلام بی آنکه کمترین اختلافی با آنها داشته باشید قدم جای قدم ایشان و کاملا در راه هدف آنها بدون تفاوتی حتی در یک وجب یا نیم متر بطوری که اگر یکی از پیشینیان داخل سوراخ سوسماری شده باشد شما هم داخل می شوید عرضکردند یا رسول اللّه منظور شما یهود و نصاری است فرمود پس چه کس را میگویم دستاویز و پایه های اسلام را میشکنید و از بین می برید یکی پس از دیگری اول چیزی که از بین می برید امانت داری و آخرین چیزها نماز است.

کافی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: وَ لَقَدْ عَهِدْنا إِلى آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً فرمود یعنی در باره محمّد و جانشینان بعد از او از آدم پیمان گرفتیم فراموش کرد ترک آن نمود و عزم عقیده ای در اینکه آنها دارای این مقامند

نداشت.

پیامبران اولو العزم را باین لقب اختصاص داده اند زیرا خداوند با آنها عهد بست راجع بحضرت محمّد و ائمه علیهم السّلام و حضرت مهدی علیه السّلام و روش آنها، این پیمبران پذیرفتند و معتقد شدند که آنها همین طورند و اقرار نمودند بمقامشان.

امامت، ج ۲، ص: ۲۹۳

کنز: حضرت باقر در باره آیه: وَ یَسْتَنْبِئُونَکَ أَ حَقٌّ هُوَ قُلْ إِی وَ رَبِّی إِنَّهُ لَحَقٌّ وَ ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزِینَ فرمود سؤال میکنند از تو آیا علی وصی تو است بگو آری بخدا قسم او وصی من است.

توضیح: مشهور بین مفسران اینست که آیا حقیقت دارد آن یعنی عذاب یا آنچه ادعا میکند پیامبر اکرم و یا منظور قرآن است.

تفسیر قمی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: الم و هر حرفی از حروف مقطعه قرآن اسم اعظم خدا است که امام علیه السّلام آنها را با یک دیگر تألیف میکند و دعا مینماید دعایش مستجاب می شود عرضکردم معنی ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ چیست؟ فرمود یعنی امیر المؤمنین علیه السّلام شکی در امامت او نیست هُدیً لِلْمُتَّقِینَ این دو آیه مربوط بشیعیان ما است که متقین آنهایند که ایمان بغیب دارند و غیب عبارت از قیامت و حشر و نشر و قیام قائم و رجعت وَ/ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ یعنی آنچه بآنها از قرآن آموخته ایم تلاوت میکنند.

کنز: فرج بن ابی شیبه گفت شنیدم از حضرت صادق پس از تلاوت این آیه وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِیثاقَ النَّبِیِّینَ لَما آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتابٍ وَ حِکْمَةٍ ثُمَّ جاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ یعنی ایمان به پیمبر اکرم بیاورید وَ لَتَنْصُرُنَّهُ یعنی وصی و جانشینش امیر المؤمنین

را یاری کنید فرمود خداوند هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد مگر اینکه از او پیمان گرفت برسالت حضرت محمّد و امامت حضرت علی علیه السّلام.

کافی: عبد اللَّه بن کثیر از حضرت صادق در باره آیه: عَمَّ يَتَساءَلُونَ عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ از چه سؤال میکنند از خبر بزرگ. فرمود نبأ عظیم ولایت است از این آیه: هُنالِكَ الْوَلايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ سؤال کردم فرمود ولایت امیر المؤمنین است.

کافی: ابراهیم همدانی از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: وَ نَضَعُ الْمَوازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ فرمود ترازوهای دادگری روز قیامت انبیاء و اوصیاء هستند.

امامت، ج ۲، ص: ۲۹۴

کافی: ابو عبیده حذاء گفت از حضرت باقر علیه السّلام سؤال کردم راجع باینکه مردم در افعال خود اختیار دارند یا مجبورند و اشاره کردم که عقیده مردم در این مورد مختلف است امام علیه السّلام پس از خواندن این آیه: وَ لا يَزالُونَ مُخْتَلِفِينَ. إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لِذلِكَ خَلَقَهُمْ فرمود در ادعای خود راجع باین مسأله اختلاف دارند همه آنها در اشتباهند و هلاک شده اند عرضکردم در آیه استثناء شده إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ فرمود آری آنها شیعیان ما هستند که برای پیروی و اطاعت امام آفریده شده اند که در این آیه میفرماید: وَ لِذلِكَ خَلَقَهُمْ که این اطاعت همان رحمتی است که در این آیه میفرماید: وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْ ءٍ یعنی علم امام که از علم خدا است همه چیز را فرا گرفته منظور شیعیان هستند «۱».

آنگاه فرمود: فَسَأَكْتُبُها لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ یعنی بزودی مینویسم برای کسانی که خودداری کردند از فرمانبرداری و پیروی پیشوایان جور و ستم که از جانب خدا تعیین نشده اند.

باز فرمود: يَجِدُونَهُ

مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ فِي التَّوْراةِ وَ الْإِنْجِيلِ يعنى ميابند پيامبر اكرم و وصى او و حضرت قائم را در تورات و انجيل يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ كه وقتى حضرت قائم قيام كند آنها را امر بمعروف مينمايد وَ يَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ و از كار زشت باز ميدارد و منكر اين است كه مقام امام را انكار كند و از پيروى او امتناع ورزد.

وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّباتِ يعنى گرفتن علم را از اهلش وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبائِثَ يعنى گرفتن و پيروى از عقيده مخالفين را ممنوع ميكند وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ گناهانى كه قبل از معرفت امام مرتكب شده اند از آنها برميدارد وَ الْأَغْلالَ الَّتِي كانَتْ عَلَيْهِمْ اغلال در آيه عبارت است از اعتقادهائى كه داشته اند راجع بفاصله

امامت، ج ۲، ص: ۲۹۵

گرفتن از امام و ترك اعتقاد بمقام امام وقتى اعتراف بمقام امام پيدا كردند گناه از آنها برداشته مى شود آنگاه خداوند در آيه شروع بتوصيف شيعيان و مقام آنها مينمايد:

فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

يعنى كسانى كه از اطاعت جبت و طاغوت و پرستش آنها پرهيز مى كنند، جبت و طاغوت فلان و فلان است و عبادت عبارت است از اطاعت آنها. سپس اين آيه را قرائت نمود: وَ أَنِيبُوا إِلى رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ متوجه خدا باشيد و پيروى از پيشوايان كنيد.

بعد خداوند پاداش و جزاى ايشان را بيان مى كند:هُمُ الْبُشْرى فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِي الْآخِرَةِ

يعنى امام آنها را بشارت ميدهد بقيام قائم و ظهور آن جناب و كشتن دشمنان و نجات در آخرت و رسيدن بخدمت حضرت محمّد و ائمه عليهم السّلام در حوض كوثر.

توضيح:

آیات فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ در سوره اعراف است و آیات أَنِيبُوا إِلى رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ در سوره زمر است و آیه: الَّذِينَ آمَنُوا وَ كانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرى فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِي الْآخِرَةِ در سوره یونس است.

امام علیه السّلام میفرماید مؤمنین که در آیات قبل خداوند اشاره نموده و تفسیر به شیعیان فرمود همان ها هستند که در این آیات نیز مشخصات و پاداش آنها ذکر شده.

کافی: سلام گفت از حضرت باقر علیه السّلام این آیه را پرسیدم: الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْناً کسانی که بر روی زمین بآرامی راه میروند، فرمود آنها اوصیاء و ائمه هستند که از ترس دشمن خود چنین حرکت میکنند.

کافی: عمار اسدی از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ پذیرفته درگاه خدا می شود سخنان پسندیده (کلمه

امامت، ج ۲، ص: ۲۹۶

اخلاص و تمام ذکرها) و عمل صالح (ولایت) موجب قبولی اعمال است فرمود عمل صالح ولایت ما خانواده است اشاره بسینه خود نمود هر که ما را دوست نداشته باشد عملی از او پذیرفته نمی شود.

از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده که فرمود: (کلم طیب) لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، علی ولی اللّه و خلیفه واقعی پیامبر است جانشینان علی نیز خلفای خدایند و عمل صالح دلیل این گفتار می شود.

پس عمل صالح همان اعتقاد او است که در قلب معتقد است آنچه با زبان گفتم واقعیت دارد و صحیح است.

کافی: سماعه از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي بعهد من وفا کنید، نقل کرد که فرمود یعنی بولایت امیر المؤمنین علیه السّلام

أَوفِ بِعَهْدِكُمْ وفا به بهشت ميكنم بشما.

كنز: ابو الورد از حضرت باقر عليه السّلام نقل كرد كه در باره آيه:

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ فرمود عباد صالح در اين آيه آل محمّد صلوات اللَّه عليهم هستند.

كنز: ابو صادق گفت از حضرت باقر راجع باين آيه پرسيدم: وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ فرمود ما همان خاندانيم گفتم: إِنَّ فِي هذا لَبَلاغاً لِقَوْمٍ عابِدِينَ فرمود آنها شيعيان مايند.

در روايت ديگر مينويسد عباد صالحون در اين آيه آل محمّدند و هر كه پيرو ايشان باشد مانند آنها است زمين كه در آيه ذكر شده زمين بهشت است.

كنز: حضرت باقر عليه السّلام نقل كرد كه روزى پيامبر اكرم فرمود خدا بمن وعده نصرت داد كه با ملائكه مرا مدد كند بعد بوسيله ملائكه و تنها بوسيله على از بين خويشاوندان مرا نصرت فرمود.

اين سخن پيامبر اكرم بر قريش گران آمد و خشمگين شدند كه نصرت

امامت، ج ۲، ص: ۲۹۷

را اختصاص به على عليه السّلام داد.

خداوند اين آيه را نازل كرد: مَنْ كانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ محمّدا بعلى فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّماءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ ما يَغِيظُ.

فرمود يعنى هر كس خيال ميكند خداوند پيامبر را بوسيله على نصرت نداده در دنيا و آخرت ريسمانى از سقف خانه خود بياويزد و خود را بآن ريسمان حلق آويز كند آنگاه توجه كند اين ريسمان موجب از بين رفتن خشمش مى شود؟ كنز: با همين سند از حضرت باقر در باره آيه: وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ فرمود منظورش آل محمّد صلى اللَّه عليه و آله و سلم است.

كنز: با همين سند

از آن جناب در باره آیه: وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيراً فرمود آنها ائمه علیهم السّلام هستند آنهایند برگزیدگان اگر صبر و انتظار فرج از جانب خدا را نداشتند مردم همه کشته میشدند خداوند می فرماید: وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ.

توضیح: منظور اینست که اگر ائمه علیهم السّلام که مأمور بصبر و ترک خروج بودند خروج می کردند کشته می شدند با بیشتر از مردم در نتیجه معابد تمام اهل کتاب تعطیل میشد و شرایع از میان میرفت پس بواسطه آنها و صبرشان خداوند شر کفار و مخالفین را از مؤمنین دفع نمود.

کلینی باسناد خود از عبد اللَّه بن سنان از ذریح نقل میکند که بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم خداوند در قرآن بمن دستوری داده میخواهم بدانم منظورش از آن دستور چیست، فرمود: کدام آیه.

گفتم آیه: ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ فرمود: لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ یعنی دیدار امام وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ انجام همین اعمال حج است.

امامت، ج ۲، ص: ۲۹۸

عبد اللَّه بن سنان راوی خبر می گوید پس از شنیدن این خبر توسط ذریح خدمت حضرت صادق علیه السّلام رسیدم گفتم فدایت شوم معنی این آیه چیست:

ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ فرمود یعنی ناخن گرفتن و کوتاه کردن شارب و تمیزی هایی از این قبیل (ستردن مو).

عرضکردم آقا شما بذریح فرموده اید: لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ یعنی دیدار امام وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ عبارت از این مناسک است فرمود ذریح راست می گوید من نیز درست میگویم قرآن دارای ظاهر و باطن است چه کس توان ذریح را دارد (که پرده از بعضی حقایق

برایش برداشته شود).

توضیح: لْیَقْضُوا تَفَثَهُمْ یعنی گرفتن ناخن و موی شارب و امثال آن ولی تعبیر بلقای امام شده که بدترین کثافات و نجس ترین پلیدیها جهل و نادانی و اخلاق ناپسند است که با دیدن امام و بهره مندی از خدمتش برطرف می شود به همین جهت بدیدار امام تأویل شده.

کنز: حمران از حضرت باقر نقل کرد که سؤال کردم از آیه: وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ.

فرمود گروهی صالح کناره گیری می کردند از اشخاص بد تا مبادا موجب فساد و تباهی دین ایشان شود خداوند بوسیله همان مردم شرور از صالحین دفاع میکند اما آن بدکاران که موجب حفظ صالحین میشوند پاداشی نخواهند داشت (چون آنها سرگرم سلطنت خود و دنیای خویشند و برای حفظ فرمانروائی خود با کفار بجنگ می پردازند در نتیجه صالحین از شر کفار آسوده اند) این جریان در مورد ما ائمه نیز جاری است.

کنز: داود نجار از موسی بن جعفر و آن جناب از پدر خود نقل کرد که فرمود این آیه: وَ الَّذِینَ هاجَرُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ ماتُوا تا إِنَّ اللَّهَ لَعَلِیمٌ حَلِیمٌ در باره امیر المؤمنین نازل شده فرمود از پدرم حضرت باقر پیوسته میشنیدم

امامت، ج ۲، ص: ۲۹۹

این آیه را تکرار میکرد: وَ مَنْ عاقَبَ بِمِثْلِ ما عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِیَ عَلَیْهِ لَیَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ «۱» عرضکردم پدر جان فدایت شوم گمانم اینست که این آیه فقط در باره امیر المؤمنین علیه السّلام نازل شده.

با همین سند از حضرت موسی بن جعفر از پدر بزرگوارش نقل شده که وقتی این آیه نازل شد: لِکُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنا مَنْسَکاً هُمْ ناسِکُوهُ پیامبر اکرم مردم را جمع نموده فرمود مهاجرین انصار!

خداوند می فرماید: لِکَلِّ أَمَّهٍ جَعَلْنا مَنْسَکاً هُمْ ناسِکَوهُ منسک همان امام است که برای هر امتی پس از پیامبرشان تا آمدن پیامبر دیگر هست باید توجه داشته باشید که اطاعت از امام و پیروی از او این است و منسک همان است آن امام علی بن ابی طالب است.

بعد از من بشما دستور می دهم از راهنمائی او استفاده کنید که او رهبری درست و در راه مستقیم است.

مردم از شنیدن سخنان پیامبر در شگفت شدند و از جای حرکت کرده می گفتند بخدا قسم با او پیکار می کنم هرگز بفرمانروائی او تن در نمی دهم.

خداوند این آیه را نازل کرد: ادْعُ إِلی رَبِّکَ إِنَّکَ لَعَلی هُدیً مُسْتَقِیم، وَ إِنْ جادَلُوکَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما تَعْمَلُونَ، اللَّهُ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ فِیما کُنْتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ، أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ ما فِی السَّماءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّ ذلِکَ فِی کِتابٍ إِنَّ ذلِکَ

امامت، ج ۲، ص: ۳۰۰

عَلَی اللَّهِ یَسِیرٌ «۱».

و با همین سند امام کاظم علیه السّلام از پدر خود نقل میکند در مورد آیه: وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا بَیِّناتٍ تَعْرِفُ فِی وُجُوهِ الَّذِینَ کَفَرُوا الْمُنْکَرَ یَکادُونَ یَسْطُونَ بِالَّذِینَ یَتْلُونَ عَلَیْهِمْ آیاتِنا فرمود هر وقت آیه ای در باره امیر المؤمنین علیه السّلام نازل میشد که در آن آیه اطاعت او را واجب نموده بود یا متضمن فضیلتی برای آن جناب یا خانواده اش بود در خشم می شدند و ناراحت بودند بطوری که گاهی تصمیم های بد میگرفتند در باره خود پیغمبر نیز در لیله العقبه شدت خشم و کینه و حسادت خود را بکار بردند تا این آیه نازل شد.

در باره این آیه یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَ اسْجُدُوا خداوند

دستور رکوع و سجده و عبادتش را داده و بر مردم واجب نموده، اما کار نیک اطاعت امام است، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام بعد از پیامبر.

وَ جاهِدُوا فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ هُوَ اجْتَباکُمْ ای پیروان آل محمّد وَ ما جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ قال: من ضیق- در راه خدا پیکار واقعی کنید او شما را انتخاب کرد ای پیروان آل محمّد و در دین برای شما مضیقه و سختی قرار نداده مِلَّهَ أَبِیکُمْ إِبْراهِیمَ هُوَ سَمَّاکُمُ الْمُسْلِمِینَ مِنْ قَبْلُ وَ فِی هذا لِیَکُونَ الرَّسُولُ شَهِیداً عَلَیْکُمْ تا پیامبر گواه بر شما آل محمّد باشد که مسلمانان را بشما سپرده و اطاعت شما را بر آنها واجب نموده وَ تَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ و شما گواه بر مردم باشید در مورد قطع رابطه ای که با شما نموده اند و حقوقی که از شما نابود کرده اند و بی احترامی که بکتاب خدا نموده اند و حکم و دستور شما را با دیگران برابر قرار داده اند پایدار باشید فَأَقِیمُوا الصَّلاهَ وَ آتُوا الزَّکاهَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ نماز بپای دارید و زکات بدهید و پناه بخدا برید ای آل محمّد هُوَ مَوْلاکُمْ او مولای شما و شیعیان شما است فَنِعْمَ الْمَوْلی وَ نِعْمَ النَّصِیرُ.

امامت، ج ۲، ص: ۳۰۱

کنز: ابن عباس گفت وقتی پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم وارد مدینه شد بعلی علیه السّلام و عثمان زمینی داد که قسمت بالای آن متعلق بعثمان بود و پائین متعلق بعلی علیه السّلام.

حضرت علی علیه السّلام بعثمان فرمود زمین من برای کارهای کشاورزی خوب نیست مگر بضمیمه زمین تو یا از من بخر و یا زمینت

را بفروش. عثمان گفت میفروشم.

علی علیه السّلام از او خرید. دوستانش گفتند چکار کردی زمین خود را باو فروختی که اگر از آب جلوگیری میکردی یک گیاه در زمین او نمیروئید مجبور بود بهر قیمت تو بگوئی زمین خود را بفروشد. عثمان پیش علی علیه السّلام آمده گفت من معامله را قبول ندارم.

علی علیه السّلام در جواب او فرمود معامله تمام شده و با رضایت فروختی دیگر نمیتوانی برگردی.

عثمان گفت یک نفر را تعیین کن بین ما قضاوت کند فرمود پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم، عثمان گفت او پسر عموی تست شخص دیگری را معنی کن فرمود من در اختلاف خود با تو بغیر پیغمبر مراجعه نخواهم کرد او گواه بر ما است، عثمان نپذیرفت خداوند این آیه را نازل کرد وَ يَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِكَ وَ ما أُولئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ إِذا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ تا وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

روایت دیگری نیز در همین مورد از کنز جامع نقل شده که میگوید عثمان پیشنهاد کرد برویم پیش ابا بکر قضاوت کند علی علیه السّلام راضی نشد.

کافی: محمّد کناسی با واسطه از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند در مورد آیه وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ هر که از خدا بپرهیزد خدا برای او راه خروجی قرار میدهد و از جایی که گمان ندارد باو روزی میدهد.

فرمود اینها گروهی از شیعیان ضعیف مایند که قدرت مالی ندارند سفر بسوی ما کنند و روایت ما را میشنوند

و از انوار علم ما بهره میگیرند اما گروهی

امامت، ج ۲، ص: ۳۰۲

که توانائی دارند این سفر را طی میکنند و مخارجی را متحمل میشوند احادیث ما را میشنوند و برمیگردند برای آنها نقل میکنند این دوستان احادیث ما را حفظ میکنند اما آنها ضایع مینمایند اینها کسانی هستند که خداوند برای آنها راهی قرار داده و از جایی که گمان ندارند روزی داده میشوند و در باره آیه هَلْ أَتاكَ حَدِيثُ الْغاشِيَةِ فرمود کسانی که خدمت امام میرسند اما ولایت ندارند تا این قسمت آیه لا يُسْمِنُ وَ لا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ فرمود این رفت و آمد با امام موجب سودی برای آنها نمیشود و نه رفتن پیش امام و نه برگشتن هیچ کدام برای آنها فایده ای ندارد.

توضیح: شاید منظور زمان حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه است که در خانه باشند یا پیش امام بیایند از دل ایشان خبر دارد.

کافی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه ما يَكُونُ مِنْ نَجْوى ثَلاثَةٍ إِلَّا هُوَ رابِعُهُمْ وَ لا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سادِسُهُمْ وَ لا أَدْنى مِنْ ذلِكَ وَ لا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ ما كانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ «۱» فرمود این آیه در باره فلان و فلان و ابو عبیده جراح و عبد الرحمن بن عوف و سالم مولی ابی حذیفه و مغیره بن شعبه نازل شده چون اینها پیمانی نوشتند و قرار گذاشتند که وقتی محمّد از دنیا رفت نباید خلافت و نبوت هر دو در بنی هاشم باشد. خداوند این آیه را در باره آنها نازل نمود.

گفتم أَمْ أَبْرَمُوا أَمْراً فَإِنَّا

مُبْرِمُونَ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْواهُمْ بَلى وَ رُسُلُنا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ.

این دو آیه در همین روز نازل شد آیا تو روزی را شبیه این روز میدانی جز روز شهادت حضرت حسین علیه السّلام در علم خدا نیز همین طور بوده که به پیامبر اطلاع داده که این قرارداد موجب از بین رفتن ملک از بنی هاشم شد و کشته شدن

امامت، ج ۲، ص: ۳۰۳

حضرت حسین علیه السّلام اینها همه اتفاق افتاد.

گفتم: وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ.

فرمود تأویل این آیه در جنگ جمل جریان بصره بوقوع پیوست آنهائی که بر علی علیه السّلام شوریدند واجب بود که با آنها جنگ کند و بکشد ایشان را تا برگردند بفرمان خدا اگر برنگشتند طبق آیه شریفه و دستور خدا باید شمشیر از آنها برندارد تا برگردند و از عقیده خود دست بکشند چون آنها بمیل خود بیعت کرده بودند اینهایند شورشگران چنانچه خداوند می فرماید.

بر علی علیه السّلام لازم بود وقتی بر آنها پیروز شد عدالت بورزد چنانچه پیامبر اکرم نسبت باهل مکه روا داشت کاملا شبیه همان.

عرضکردم: وَ الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوى فرمود آنها اهل بصره هستند آنجا محلی است که زیرورو شده.

گفتم: وَ الْمُؤْتَفِكاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ فرمود آنها قوم لوط بودند که سرزمین ایشان بر آنها زیرورو شد.

توضیح: زیرورو شدن بصره یا واقعی است مانند قوم لوط و یا مجازی است از قبیل غرق و بلاهائی که بر آنها نازل شده، دلیل اینکه واقعی است این روایت است که علی بن ابراهیم می گوید: دو مرتبه

بصره بر سر اهلش فرو ریخته اینک با خدا است که مرتبه سوم کی خواهد شد سومین مرتبه در رجعت است.

تفسیر فرات: محمّد بن علی ابن حنفیه این آیه را خواند: إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ گفت سوگند بآن کسی که جانم در اختیار اوست اگر شخصی بین رکن و مقام آنقدر خدا را پرستش کند که استخوانهای سینه اش بهم بچسبد خداوند او را محشور

امامت، ج ۲، ص: ۳۰۴

خواهد کرد با کسی که دوستش دارد.

توضیح: مرحوم طبرسی در تفسیر آیه مینویسد هر کسی قرین و همنشین کسی خواهد شد که شبیه خود اوست از اهل جهنم باشد یا اهل بهشت. بعضی گفته اند منظور برگشت ارواح است به بدنها که در نتیجه زنده می شوند بعضی گفته اند گمراه شده ملحق می شود بکسی که او را گمراه کرده چه انسان باشد و چه شیطان این تفسیر نیز شده که اشخاص نیکوکار و صالح همنشین حوران بهشتی می شوند و بدکاران با شیاطین.

کافی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه شریفه: وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً نقل کرد که فرمود هر کس دوست بدارد اوصیاء آل محمّد صلی اللّٰه علیه و آله و سلم را و از ایشان پیروی کند.

دوستی و ولایت پیامبران و مؤمنین گذشته تا آدم نصیب او می شود و بر ولایت آل محمّد که دارد اضافه می گردد این است تفسیر آیه: مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْها که موجب وارد شدن بهشت میگردد و این آیه اشاره بهمان است: قُلْ ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ میفرماید اجر دوستی و محبتی که نسبت بخویشاوندان خود جز آن نخواستم برگشت بخود شما دارد بوسیله آن هدایت

می شوید و از عذاب قیامت نجات می یابید.

اما بکسانی که دشمن خدا و پیرو شیطانند که تکذیب و انکار دارند می فرماید: قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ.

یعنی هرگز چیزی را که شایسته آن نیستید از شما با مشقت تقاضا نمیکنم در مورد پاداش رسالت.

گروهی از منافقین بیکدیگر گفتند بس نبود محمّد را که بیست سال بر دوش ما سوار شد حالا تصمیم دارد که بستگان خود را بر ما تحمیل کند چنین دستوری را خدا باو نداده از خودش می سازد می خواهند خویشاوندان خود را بر ما مزیت دهد اگر کشته شود یا بمیرد این فرمانروائی را از خاندان او خواهیم

امامت، ج ۲، ص: ۳۰۵

گرفت دیگر نخواهم گذاشت بر ما حکومت کنند.

خداوند خواست به پیامبر خود اطلاع دهد که آنها چه گفته اند و چه تصمیمی دارند در این آیه فرمود: أَمْ يَقُولُونَ افْتَرى عَلَى اللَّهِ كَذِباً فَإِنْ يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلى قَلْبِكَ می فرماید اگر بخواهم وحی را از تو قطع می کنم تا در مورد فضائل خاندان خود سخن نگوئی و مردم را بمحبت آنها وادار نکنی: يَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ ولی خداوند واقعیت را می گوید که ولایت اختصاص باهل بیت تو دارد.

إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ او دانا است نسبت بهمه چیز و آن کینه هائی که در دل از اهل بیت پیامبر پنهان کرده اند این آیه اشاره بهمان است:

وَ أَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هذا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَ فَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ «۱».

و در آیه: وَ النَّجْمِ إِذا هَوى سوگند بقبر محمّد وقتی از دنیا رود: ما ضَلَّ صاحِبُكُمْ وَ ما غَوى گمراه نشده و بنادانی سخن نمی گوید در

باره فضیلت خاندان خود: وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی از روی خواسته نفس خود صحبت نمی کند: إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ یُوحی هر چه میگوید جز وحی پروردگار نیست «۲».

کنز جامع: ابو محمّد حناط گفت به ابو جعفر علیه السّلام گفتم منظور از این آیه چیست: نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ، عَلی قَلْبِکَ لِتَکُونَ مِنَ الْمُنْذِرِینَ، بِلِسانٍ عَرَبِیٍّ مُبِینٍ، وَ إِنَّهُ لَفِی زُبُرِ الْأَوَّلِینَ روح الامین بقلب تو نازل کرد تا قوم خود را در این مورد بترسانی بزبان عربی آشکار و این مطلب (ولایت علی علیه السّلام) در کتاب های

امامت، ج ۲، ص: ۳۰۶

پیامبران پیشین نیز هست.

فرمود: یعنی ولایت علی علیه السّلام.

کنز: علی بن خنیس از حضرت صادق علیه السّلام در باره این آیه نقل کرد:

أَ فَرَأَیْتَ إِنْ مَتَّعْناهُمْ سِنِینَ، ثُمَّ جاءَهُمْ ما کانُوا یُوعَدُونَ فرمود منظور خروج قائم است.

ما أَغْنی عَنْهُمْ ما کانُوا یُمَتَّعُونَ فرمود اینها بنی امیه هستند که از نظر دنیا بهره مند شدند.

کنز: ابو الجارود از حضرت باقر نقل کرد که در باره آیه: تَقَلُّبَکَ فِی السَّاجِدِینَ حال بحال گردیدنت را در سجده کنندگان فرمود در باره علی و فاطمه و حسن و حسین و اهل بیت خود.

کنز: از طریق اهل سنت ابن عباس گفت در باره آیه: وَ ما یَسْتَوِی الْأَعْمی وَ الْبَصِیرُ کور و بینا برابر نیستند، کور ابو جهل و بینا امیر المؤمنین علیه السّلام است وَ لَا الظُّلُماتُ وَ لَا النُّورُ ظلمات ابو جهل و نور امیر المؤمنین علیه السّلام وَ لَا الظِّلُّ وَ لَا الْحَرُورُ سایه منظور سایه امیر المؤمنین است در بهشت و حرور یعنی جهنم که برای ابی جهل است، بعد بصورت جمع فرموده: وَ ما یَسْتَوِی الْأَحْیاءُ وَ

لَا الْأَمْواتُ احیاء علی و حمزه و جعفر و حسن و حسین و فاطمه و خدیجه است و اموات کفار مکه هستند.

کنز: ابو صالح از ابن عباس نقل کرد که گفت: حم یکی از اسماء خدا است عسق علم و دانش علی علیه السّلام نسبت به فسق و فجور هر گروه و نفاق و دشمنی هر دسته.

با حذف سند از ابن جمهور از سکونی از حضرت باقر نقل می کند که حم حتم است و عین عذاب و سین سالهائی مانند سالهای یوسف قاف غرق شدن و فرو رفتن و تغییر شکل دادن (مسخ) است که در آخر الزمان با سفیانی و یاران انجام می شود و گروهی از قبیله کلب (کلیب) یک میلیون نفر با

امامت، ج ۲، ص: ۳۰۷

او قیام می کنند همان موقعی که حضرت قائم در مکه خروج می نماید او مهدی این امت است.

کنز: عیسی بن داود نجار گفت حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام فرمود که روزی خدمت پدرم نشسته بودم مردی وارد شد و ایستاد گفت در میان شما باقر العلم و زینت بخش دانش محمّد بن علی هست؟

یک نفر باو گفت آری. مدتی نشست بعد از جای حرکت کرده گفت یا ابن رسول اللَّه این آیه را برای من توضیح بفرمائید در داستان زکریا: وَ إِنِّی خِفْتُ الْمَوالِیَ مِنْ وَرائِی وَ کانَتِ امْرَأَتِی عاقِراً منظور از موالی پسر عموها هستند.

خداوند خواست باو از نژاد و صلبش فرزند عنایت کند، و چون زکریا اطلاع داشت از مقام و منزلت حضرت محمّد گفت خدایا با این مقام و شرافتی که به محمّد عنایت کرده ای و نام او را قرین و ردیف نام خود قرار داده ای

چه شد که باو فرزندی از نهاد و صلب خودش ندادی که نبوت باو برسد.

فرمود یا زکریا! چنین کاری نیز در باره محمّد انجام داده ام پس از او پیامبری نیست، او آخرین پیامبر است ولی امامت متعلق به پسر عمو و برادرش علی بن ابی طالب است بعد از او نژاد از صلب علی برحم فاطمه دختر محمّد قرار دادم و آنها را بیکدیگر پیوستم و از همین نژاد امام ها و حجت های خود را برگزیدم میخواهم از صلب تو نیز فرزندی خارج کنم که وارث تو و آل یعقوب باشد، خداوند باو یحیی را عنایت فرمود.

کنز: داود نجار از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام نقل کرد که از این آیه پرسیدم: أُولئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنا مَعَ نُوحٍ فرمود ما ذریه ابراهیم هستیم و کسانی هستیم که با نوح حمل شدیم و برگزیده خدائیم اما این قسمت آیه: وَ مِمَّنْ هَدَيْنا وَ اجْتَبَيْنا بخدا قسم آنها شیعیان مایند که خداوند آنها را بمحبت ما هدایت نموده و برای دین ما برگزیده

امامت، ج ۲، ص: ۳۰۸

که بر این اعتقاد زنده اند و بر همان می میرند خداوند آنها را بعبادت و خشوع و رقت قلب ستوده در این آیه فرموده: إِذا تُتْلى عَلَيْهِمْ آياتُ الرَّحْمنِ خَرُّوا سُجَّداً وَ بُكِيًّا.

خداوند میفرماید: فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضاعُوا الصَّلاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَواتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا گروهی پس از آنها آمدند که نماز را از بین بردند و پیرو شهوت های خود شدند بزودی در کوهی از قلع در وسط جهنم خواهند افتاد سپس میفرماید: إِلَّا مَنْ تابَ مگر کسی که از خیانت بآل محمّد

توبه کند:

وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَأُولئِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ وَ لا یُظْلَمُونَ شَیْئاً تا مَنْ کانَ تَقِیًّا.

تفسیر قمی: ابو الطفیل از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود مردی خدمت علی بن الحسین علیه السّلام آمده گفت ابن عباس چنین خیال می کند که هر آیه در قرآن هست میداند در چه روز نازل شده و در باره کیست.

پدرم فرمود از او بپرس در باره چه این آیه نازل شده: وَ مَنْ کانَ فِی هذِهِ أَعْمی فَهُوَ فِی الْآخِرَهِ أَعْمی وَ أَضَلُّ سَبِیلًا و این آیه: وَ لا یَنْفَعُکُمْ نُصْحِی إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَکُمْ إِنْ کانَ اللَّهُ یُرِیدُ أَنْ یُغْوِیَکُمْ و این آیه در باره چه کس: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا.

آن مرد پیش ابن عباس آمد سؤال کرد ابن عباس گفت مایل بودم کسی که بتو این مأموریت را داده با خودم روبرو شود از او بپرسم عرش را خدا از چه آفریده و کی آفریده و چقدر است و چگونه است.

آن مرد برگشت خدمت پدرم ایشان پرسیدند جواب آیات را داد عرض کرد نه فرمود ولی من بعلم و بینش بی آنکه ادعائی بکنم می گویم اما آیه: وَ مَنْ کانَ فِی هذِهِ أَعْمی فَهُوَ فِی الْآخِرَهِ أَعْمی وَ أَضَلُّ سَبِیلًا در باره او و پدرش نازل شده اما آیه: وَ لا یَنْفَعُکُمْ نُصْحِی إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَکُمْ در باره پدرش نازل شده و اما آیه: دیگر در باره فرزندان او و ما نازل شده این آن رباط و مرزداری نیست که

امامت، ج ۲، ص: ۳۰۹

بآن مأمور هستیم ولی در آینده گروهی از فرزندان ما و فرزندان آنها انتظار بدست

آوردن فرمانروائی هستند (زمان بنی امیه).

راجع بعرش که پرسیده بود خدا از چه آن را آفریده، عرش چهارمین چیزی است که آفریده قبل از آن هوا و قلم و نور را آفریده بود سپس عرش را از نورهای رنگارنگ آفرید از آن جمله نور سبز که سبزی از آن شده و نور زرد که زردیها از اوست و نور قرمز که قرمزیها از اوست و نور سفید که آن نور نورها است و از همان، روشنی روز است بعد آن را هفتاد هزار طبقه قرار داد که کلفتی هر طبقه ای باندازه فاصله عرش تا اسفل السافلین است هر طبقه با صداهای گوناگون که با یک دیگر اشتباه نمیشوند تقدیس و تسبیح او را میکنند اگر یکی از آن صداها آشکار شود تمام کوهها و شهرها و دیوارها خراب می شود و دریاها میشکافد و هر چه هست هلاک میگردد.

عرش دارای هشت رکن است که هر رکن را گروهی از ملائکه حمل میکنند که جز خدا کسی عدد آنها را نمیداند که در شب و روز بدون خستگی تسبیح خدا را میکنند اگر یکی از صداها که بالای عرش است حس شود یک لحظه دوام نمی آورد اما بین آن صداها و حواس حجاب جبروت و کبریا و عظمت و قدس و رحمت و علم فاصله است.

فرمود بیچاره سرگردان چه طمعی دارد که اسرار را بداند در نهاد او فرزندانی است که برای جهنم ساخته شده اند گروهی را از دین خدا خارج میکنند و بزودی زمین آشفته بخون جوجه های آل محمّد خواهد شد که آنها در غیر موقع قیام میکنند و چیزی که بآن نخواهند رسید میجویند اما

ما ائمه ایمان داریم و صابر و شکیبائیم تا خداوند اجازه قیام دهد و بین ما و آنها حکومت کند.

تفسیر قمی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ فرمود یعنی من مثل شما هستم از جهت خلق و آفرینش يُوحى‏ إِلَيَ

امامت، ج ۲، ص: ۳۱۰

أَنَّما إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَمَنْ كانَ يَرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صالِحاً وَ لا يُشْرِكْ بِعِبادَةِ رَبِّهِ أَحَداً فرمود با ولایت آل محمّد ولایت دیگری را نپذیرید ولایت این خاندان عمل صالح است هر کس شریک برای عبادت خدا بگیرد شریک برای ولایت ما گرفته و کافر آن شده و منکر حق امیر المؤمنین و ولایت اوست.

گفتم: الَّذِينَ كانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطاءٍ عَنْ ذِكْرِي فرمود منظور از ذکر ولایت علی است گفتم لا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعاً فرمود وقتی سخن از علی پیش آنها میشد تاب شنیدن آن را نداشتند بواسطه شدت کینه و دشمنی با او و خاندانش.

گفتم: أَ فَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبادِي مِنْ دُونِي أَوْلِياءَ إِنَّا أَعْتَدْنا جَهَنَّمَ لِلْكافِرِينَ نُزُلًا.

فرمود منظور از آیه آن دو نفر و پیروان آنها است که ایشان را در مقابل خدا رهبر خویش گرفته اند و گمان میکنند که دوست داشتن آن دو سبب نجاتشان می شود.

گفتم إِنَّا أَعْتَدْنا جَهَنَّمَ لِلْكافِرِينَ نُزُلًا ما جهنم را منزل کافران قرار دادیم یعنی آن دو و پیروانشان. پرسیدم (نزلا) یعنی چه فرمود منزل و مأوی.

تفسیر امام حسن عسگری علیه السّلام: يا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّباً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ. إِنَّما يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ.

فرمود خداوند میفرماید

مردم بخوریـد از آنچه در زمین است انواع میوهـا و غـذاها حلال و پـاک است برای شـما وقتی اطاعت کنیـد خـدا را در مورد احترام بکسـی که باید او را احترام کرد و سـبک شـمردن کسانی را که خدا کوچک شـمرده و خوار کرده و از شـیطان پیروی نکنید در راهی که شـما را می برد راه مخالفت با بهترین انبیا و یا بهترین اوصـیاء که پیامبر او را وصـی قرار داده و سایر خلفای پیامبر. شـیطان دشـمنی آشـکار است برای شـما و شـما را وادار بمخالفت با پیامبر و وصـی او میکند او شما را باعتقاد و مذهب زشتی در مورد بهترین آفریده خدا حضرت محمّد

امامت، ج ۲، ص: ۳۱۱

و انکار ولایت بهترین اولیا پس از پیامبر اکرم وادار میکند و شما را تشویق میکند بامامت کسی که خداوند برای او بهره ای در امامت قرار نداده و از بدترین دشمنان خدا هستند و از همه بیشتر کفر میورزند.

حضـرت علی بن الحسـین نقـل کرد که پیـامبر اکرم فرمود من از تمـام مردم ممتازترم و بر تمام انبیا برتری دارم و قرآن را بمن اختصاص داده اند و مرا گرامی داشـته اند بولایت و جانشینی علی بهترین اوصیاء و مرا مفتخر نموده اند به بهترین پیروان که از پیروان تمام پیمبران و اوصـیاء بهترنـد بمن گفت یا محمّد! در مقابل این نعمتهای من شـکر و سپاسـی بگزار که موجب افزایش نعمت شود عرض کردم خدایا چه شکری بهترین شکر تو است.

فرمود یا محمّد! بهترین شکر انتشار فضل علی است و وادار نمودن پیروانت را باحترام او و شیعیانش و دستور دهی که محبت و علاقه بیکدیگر را فقط در راه خدا

قرار دهند همچنین بغض و دشـمنی را نه دوست بدارند و نه دشـمن بدارند مگر در راه من و آماده جنگ با شیطان و پیروان او که دعوت بمخالفت با من مینماینـد باشـند و سپر خویش را در این مبارزه دشـمنی با دشـمنان محمّد و علی قرار دهند و بهترین اسلحه در راه مبارزه با شیطان و سپاهش برتری دادن محمّـد است بر تمام پیمبران و برتری دادن علی را بر سایر امت و اعتقاد بـاینکه پیـامبر هرگز دروغ نمیگویـد و بردبـاری است که نـادانی او را فرا نمی گیرد و پیوسته کارهـای او تمام صـحیح است و غفلت نـدارد و او کسـی است که محبتش موجب سـنگینی ترازوی مؤمنین می شود و مخالفتش باعث سـبکی ترازوی دشـمنان میگردد وقتی چنین کاری را میکنند شیطان پیروان و او از همه خوارتر و ذلیل تر میشوند.

تفسیر امـام حسن عسـکری علیه السّـلام: وَ إِذا قِیـلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مـا أَنْزَلَ اللَّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَیْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْقِلُونَ شَیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ.

فرمود خداوند مشخصات پیروان شیطان را در این آیه بیان کرده وقتی بآنها

امامت، ج ۲، ص: ۳۱۲

میگوئی بیائید تا توضـیح دهیم برای شـما آنچه خداوند در کتاب خود بیان نموده از صـفات حضرت محمّد و آراستگی علی و فضائل و مناقب او و گوش فرا دهی بآنچه پیامبر دسـتور میدهـد میگوینـد ما بروشـی که پدرانمان بر ایمان گذاشـته اند کفایت میکنیم پیرو دین و مـذهب پـدران خویش میشونـد در مخالفت پیامبر اکرم و دشـمنی با علی ولی اللّه خداوند میفرماید اگر چه پدران آنها علمی و اطلاعی نداشته باشند و راهی را بسوی رستگاری نیابند.

حضرت

علی بن الحسین نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود مردم پیرو برادر و وصی من علی بن ابی طالب باشید طبق دستور خدا و مانند آنها که جز خدا دیگران را ارباب خویش دانستند نباشید که تقلید از پدران نادان و کافر خود کردند کسی که پیروی از شخصی مینماید که اطلاع دینی ندارد و مستوجب خشم خدا قرار میگیرد و در بند شیطان واقع شده.

بدانید که خداوند برادرم علی را برجسته ترین افراد عترت من قرار داده، فرمود هر که او را دوست بدارد و دوستانش را نیز دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد او را بهترین زینت بهشت و شریفترین دوستان خود و بندگان مخلص خویش قرار میدهم. هر که در دوستی و محبت ما خانواده پایدار باشد خداوند هشت درب بهشت را برایش میگشاید که از هر کدام مایل است وارد شود و تمام درب ها او را باین طور صدا میزنند ای دوست خدا از ما وارد نمیشوی این امتیاز را بما ارزانی نمیداری؟! توضیح: آیه ای که در ابتدای روایت است مطابق با سوره بقره است اما آنچه در تفسیر ذکر نموده با آیه سوره مائده تطبیق میکند وَ إِذا قِیلَ لَهُمْ تَعالَوْا إِلی ما أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَی الرَّسُولِ قالُوا: حَسْبُنا ما وَجَدْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْلَمُونَ شَیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ شاید راویان چنین کرده اند و یا امام علیه السّلام خواسته بفهماند که مضمون دو آیه یکی است.

تفسیر امام: لَیْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لکِنَّ الْبِرَّ

امامت، ج ۲، ص: ۳۱۳

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلائِکَهِ وَ الْکِتابِ وَ النَّبِیِّینَ وَ

آتَى الْمالَ عَلى حُبِّهِ ذَوِى الْقُرْبى وَ الْيَتامى وَ الْمَساكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِى الرِّقابِ وَ أَقامَ الصَّلاةَ وَ آتَى الزَّكاةَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِى الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.

امام علیه السّلام فرمود: حضرت علی بن الحسین در مورد این آیه نقل کرد که پیامبر اکرم وقتی علی بن ابی طالب را گرامی داشت و مقام او را در نزد خدا بیان کرد و مقام شیعیان و یاران او را توضیح داد و یهودان و نصرانیان را سرزنش کرد که کفر ورزیدند و کتمان کردند فضل و شخصیت محمّد و علی را که در کتابهای آن ها ذکر شده.

نصرانیان و یهودان از روی افتخار اعتراض نمودند یهودان گفتند ما سالها است بر این قبله نماز می خوانیم بعضی از ما جانب همین قبله شب زنده داریها نموده اند این همان قبله است که موسی بما دستور داده، نصرانیان نیز همین ادعا را نمودند که ما سالها بر این قبله نماز خوانده ایم و بعضی از ما شب زنده داریها بجانب همین قبله نموده اند این قبله را عیسی برای ما معین کرده شما خیال میکنید خداوند این همه اعمال و شب زنده داریهای ما را نخواهد پذیرفت چون پیروی از محمّد نکرده ایم و خواسته او را نپذیرفتیم و هم در باره برادرش خداوند این آیه را نازل نمود که بگو نیکی که موجب بهشت شود و آمرزش و خشنودی خدا را باعث گردد این نیست که صورت خود را در نماز بجانب مشرق کنید (نصرانیان) و بطرف مغرب (یهودان) شما مخالفت با فرمان خدا کرده اید و کینه ولی خدا را در

دل دارید ولی نیکوکار کسی است که ایمان به یکتایی خدا آورد که بی نیاز است خدائی که هر کس را بخواهد عزیز و گرامی میدارد و هر که را بخواهد خوار و ذلیل می کند هرگز کسی را یارای تغییر دادن فرمان او و تأخیر انداختن حکمش نیست و ایمان بروز قیامت آورد آن قیامتی که بهترین فرد در آن روز محمّد سرور انبیا و بعد از او برادرش سرور اوصیا است آن قیامتی که هر

امامت، ج ۲، ص: ۳۱۴

کدام از شیعیان محمّد وارد آن شوند نور از چهره آنها میدرخشد و رهسپار بهشت برین میشوند با برادران و همسران و فرزندان و کسانی که باو نیکی کرده اند و هم اشخاصی که از او دفاع نموده اند.

و هر کس از دشمنان محمّد در آن روز بیاید در تاریکی ها قرار میگیرد و بجانب عذابی دردناک با شریک های خود در دین و مذهب و کسانی که با آنها بی آنکه تقیه ای موجب باشد نزدیک میشدند رهسپار می شود.

آن قیامتی که در آن روز بهشت فریاد میزند دوستان محمّد و علی و پیروان آن دو بیائید بجانب ما، از ما فاصله بگیرید ای دشمنان محمّد و علی و مخالفین آنها و جهنم فریاد می زند دور شوید و از ما فاصله بگیرید ای دوستان محمّد و علی و شیعیان آنها و بسوی ما بیائید ای دشمنان محمّد و علی.

بهشت فریاد میزند: ای محمّد و علی! خداوند بما دستور داده از شما اطاعت کنیم و اجازه داده که وارد ما شوید هر که را شما داخل کنید اینک ما را پر کنید از پیروان خود آفرین بر آنها خوش آمدند باصفا.

جهنم میگوید یا محمّد و

علی! خداوند مرا دستور داده مطیع شما باشم و اینکه بسوزانم هر کس را شما دستور سوختش را بدهید مرا پر از دشمنان خود کنید.

وَ الْمَلائِکَهِ و هر کس ایمان بملائکه آورد که آنها بندگان معصوم هستند و گناهی نمی کنند و پیرو دستور خدایند بهترین مأموریت آن ها در هر مرتبه ای که هستند از زمین تا عرش خدا اینست که صلوات بر محمّد و آل پاکش بفرستند و تقاضای رحمت و مغفرت برای شیعیان پرهیزگار آنها نمایند و لعنت بر پیروان دشمنان آنها کسانی که آشکار پیرو آنها بودند و منافقین کنند.

وَ الْکِتابِ ایمان بکتابی آورد که مشتمل بر فضل محمّد سید المرسلین و علی که امتیازهایی دارد که احدی از جهانیان ندارد و مشتمل بر فضل پیروان او از مؤمنین و بغض مخالفین آنها از دشمنان و منافقان است.

وَ النَّبِیِّینَ و ایمان به پیامبران آورد که بهترین خلق خدایند و اینکه

امامت، ج ۲، ص: ۳۱۵

تمام آنها بفضیلت حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم ارشاد نموده اند و اعتراف بفضل علی بر سایر اوصیاء و برتری شیعیان آنها بر سایر مؤمنان دیگر پیغمبران کرده اند و امتیازات آنها را قبول دارند.

خداوند مقامی به محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم عنایت کرده که هر یک از پیغمبران توقع چنین مقامی را نموده مورد نهی و زجر قرار گرفته و باو امر کرده اند تسلیم شود در مقابل فضل و مقام محمّد و علی و خاندان آنها.

و اینکه خداوند فضیلت بخشید به پیامبر اکرم بعنایت کردن سوره حمد را بآن جناب که بهیچ یک از پیمبران پیشین نداده مگر سلیمان بن داود که فقط بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ

الرَّحِيمِ را از ایـن سوره دارد این آیه را از تمـام سـلطنت و قـدرتی که خـدا بـاو عنـایت کرده برتر میشـمرد میگفت خـدایا چه کلماتی عالی و با ارزش است من این کلمات را از تمام مملکتی که عنایت کرده ای با ارزشتر میـدانم خداونـد باو خطاب کرد چگونه بـا ارزشتر نباشـد و حال اینکه هر بنـده ی من از زن و مرد مرا با این کلمات بخوانـد ثوابی باو عنایت می کنم هزار برابر بیشتر از کسـی که تمام مملکت ترا صـدقه بدهد این یک هفتم از تمام آن سوره ایست که به محمّد سـرور انبیاء داده ام (سوره فاتحه الکتاب).

سلیمان گفت اجازه می فرمائی درخواست کنم همه آن سوره را خداوند فرمود بآنچه داده ام قانع باش تو بمقام محمّد نمیرسی از درخواست مقام او خودداری کن که این مقام را از تو می گیرم.

چنـانچه آدم را از بهشت خـارج کردم چون درخواست مقـام محمّـد و علی را کرد در مورد درختـی که بـاو دسـتور داده بودم نزدیک آن نشود مایل بود مقام آن دو را داشـته باشـد آن درختی بود که ریشه اش محمّد صـلی اللّه علیه و آله و سـلم است و بزرگترین شاخه آن علی است و سایر شاخه هایش آل محمّدند بترتیب مقام و موقعیتشان

امامت، ج ۲، ص: ۳۱۶

هیچ کس دارای درجات و مقام محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم نیست.

سلیمـان گفت خـدایا مرا قـانع فرمـا بآنچه عنایت کرده ای خداونـد او را قانع نمود عرض کرد تسـلیم شـدم و راضـیم و قانعم و اعتراف میکنم که احدی درجات محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم را ندارد.

وَ آتَی الْمالَ عَلی حُبِّهِ می بخشد بمؤمنین و مستحقین مال را

با علاقه ای که بآن دارد و شدت احتیاجش چون آرزوی زندگی دارد و از فقر و تنگدستی می ترسد چون سالم است و آزمند ذَوِی الْقُرْبی بخویشاوندان پیامبر که فقیر هستند بعنوان هدیه و نیکوکاری نه بعنوان صدقه بخشش میکند.

زیرا خداوند مقام آنها را گرامی داشته است از گرفتن صدقه و بخویشاوندان خود بهر نوع چه صدقه و چه نیکوکاری می بخشد.

وَ الْيَتامى به یتیمان بنی هاشم که فقیرند بعنوان نیکوکاری نه صدقه و به سایر یتیمان بعنوان صدقه و سرپرستی می دهد.

وَ الْمَساكِينَ مردم فقیر و مستمند وَ ابْنَ السَّبِيلِ کسی که از وطن دور است و احتیاج پیدا کرده.

وَ السَّائِلِينَ کسانی که از روی احتیاج تقاضای کمک می کنند و درخواست صدقه دارند.

وَ فِي الرِّقابِ بنده های زرخرید که با صاحب خود قرار دارند مبلغی به پردازند تا آزاد شوند بآنها کمك مالی می کند تا از قید بندگی رها شوند.

فرمود اگر مال و ثروتی نداشته باشد که مواسات و برابری را از پیش گیرد پیوسته اقرار بوحدانیت خدا و نبوت حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم میکند و آشکارا ما را بر دیگران فضیلت می دهد و اعتراف می نماید بحقوق واجب ما خانواده و برتری ما از سایر پیامبران و برتری حضرت محمّد بر سایر پیامبران و دوستی با دوستان ما و دشمنی با دشمنان ما و بیزاری از آنها هر که باشند پدر و مادر و خویشاوند یا دوست او زیرا بولایت خدا نمی توان رسید مگر با ولایت اولیای خدا و دشمنی

با دشمنان خدا.

وَ أَقامَ الصَّلاةَ نیکو کار کسی است که نماز را با حدود و شرایط آن انجام دهد و بداند

که مهمترین شرط نماز شروع و تمام کردن آن است با اعتراف بفضل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم بر تمام انبیاء و دوستی علی سرور اوصیاء و بهترین اتقیا سرور خوبان و رهبر نیکان و بهترین ساکنان بهشت بعد از پیامبر اکرم.

وَ آتَی الزَّکاةَ و زکات واجب را بدهد به برادران مؤمن خود در صورتی که مالی نداشته باشد که زکاتش را بدهد زکات خود و عقل و دانش خویش را بدهد باین طور که آشکار کند فضل علی و اولاد پاکش را هر وقت قدرت داشت و تقیه را بکار رد در گرفتاریها هر وقت گسترش پیدا کرد و مبتلا برنج و ناراحتی شد و زمانی که دشمنان ما چیره شدند یا معاشرت کند با بندگان خدا بطوری که ضرر بدین و حیثیت او نخورد و دین و دنیایش سالم بماند این است کار بردن تقیه که جان خویش را در راه اطاعت مولا حفظ کند که خداوند در اختیار او قرار داده برای پایداری دین و آبرو و جانش و لعنت کند کسانی را که مورد خشم خدایند و دارای زشت ترین صفات و بدترین عاداتند چون مانع از رسیدن حق بصاحبان آن می شوند حکومت و فرمانداری ها را می سپارند به کسانی که شایسته آن نیستند.

بعد فرمود: وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا فرمود از بزرگترین پیمانها که باید بآن وفا کنند آن است که پنهان نکنند مقام کسانی را که خداوند آنها را برتری بخشیده و فضیلت عنایت کرده و اسم های شریف آنها را (از قبیل امیر المؤمنین خلیفه پیغمبر اولی الامر و امام) نگذارند بر روی اشخاصی که شایسته نیستند از

قبیل ستمکاران و افسار گسیختگان گمراه که منحرف شده اند از راه ائمه و پیشوایانی که خداوند آنها را معرفی نموده و امتیازها بایشان بخشیده و آنها را بصفاتی که زیبنده ی ایشان نیست متصف کرده اند و منکر مقام و شخصیت

امامت، ج ۲، ص: ۳۱۸

ایشان شده اند و نام های آنها را بر کسانی گذاشته اند که شباهتی با ایشان ندارند از قبیل ستمکاران و متمردین.

آنگاه فرمود: وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْساءِ یعنی شکیبایان در پیکار با دشمنان و دشمنی بالاتر از شیطان و پیروان او نیست که پیوسته آنها را دفع میکنند و از خویش دور مینمایند با درود و صلوات بر محمّد و آل پاکش علیهم السّلام وَ الضَّرَّاءِ فقر و تنگدستی. فقری بالاتر از این نیست که مؤمن وادار شود بتقاضا کردن از دشمنان آل محمّد و بر این گرفتاری صبر کند و عقیده اش اینست که هر چه از اموال آنها استفاده مینماید، غنیمتی است که بکمک آن مال ایشان را لعنت میکند و با آن قدرت پیدا میکند بر ترویج بمقام ولایت ائمه طاهرین علیهم السّلام.

وَ حِينَ الْبَأْسِ هنگام شدت جنگ خدا را بیاد می آورد و صلوات بر محمّد و علی ولی خدا میفرستد و او با دل و زبان دوستان خدا را دوست میدارد و دشمن است با دشمنان خدا خداوند میفرماید أُولئِكَ کسانی که دارای این صفات هستند الَّذِينَ صَدَقُوا ایمان واقعی دارند و گفتار خود را با کردار ثابت کرده اند وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ اینهایند که پرهیز نموده اند از آتش جهنم و از شر دشمنان آل محمّد و کفار.

بصائر الدرجات: فضیل از حضرت باقر در باره آیه: يا أَهْلَ الْكِتابِ لَسْتُمْ عَلى شَيْ ءٍ حَتَّى تُقِيمُوا

التَّوْراةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ ما أَنْزِلَ إِلَيْكَمْ مِنْ رَبِّكَمْ ای یهودان و نصرانیان موقعیتی نخواهید داشت مگر اینکه بتورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارتان نازل شده عمل کنید فرمود یعنی ولایت آل محمّد و این آیه همان را معین میکند: یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ فرمود این دستور همان ولایت است.

بصائر: محمّد بن مسلم از حضرت باقر نقل کرد در باره آیه وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقامُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ فرمود منظور ولایت است.

توضیح: شاید منظور اینست که ولایت مهمترین چیز است که بر آنها

امامت، ج ۲، ص: ۳۱۹

نازل شده.

محاسن: سلیمان بن خالد گفت درون محملی مشغول خواندن قرآن بودم و آیات آخر سوره تبارک را میخواندم که حضرت صادق علیه السّلام مرا صدا زد و فرمود سلیمان ادامه بده این آیات را میخواندم: وَ الَّذِينَ لا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ وَ لا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ يَلْقَ أَثاماً يُضاعَفْ فرمود این آیات در باره ما است بخدا قسم ما را پند میدهد و گر نه میداند که ما زنا نمیکنیم ادامه بده سلیمان، خواندم تا رسیدم باین آیه: إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صالِحاً فَأُوْلئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ فرمود صبر کن این قسمت در باره شما است فرمود مؤمن گنه کار را روز قیامت به پیشگاه پروردگار می آورند او خود عهده دار حساب مؤمن می شود بر یک یک اعمال زشتش او را واقف میکند در فلان روز و فلان ساعت چنین کردی میگوید میدانم

خدایا تا تمام گناهانش را ذکر میکند و او اعتراف مینماید خداوند میفرماید در دنیا این گناهان را بر تو پوشاندم و امروز آنها را میبخشم گناهان این بنده ما را تبدیل بثواب کنید.

نامه ی عملی برای مردم بلند می شود تعجب نموده میگویند سبحان اللّه این شخص یک گناه نداشته این آیه همان مطلب است فَأُوْلئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ باز خواندم تا باین آیه رسیدم: الَّذِينَ لا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَ إِذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِراماً فرمود این آیه در باره ما است باز خواندم: وَ الَّذِينَ إِذا ذُكِّرُوا بِآياتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْها صُمًّا وَ عُمْياناً فرمود این در باره شما است وقتی فضائل ما را یادآوری میکنید شک در آن نمی نمائید باز خواندم وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيَّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ تا آخر سوره فرمود اینها در باره ما است.

تفسیر امام: إِنَّ اللَّهَ لا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا ما بَعُوضَةً فَما فَوْقَها فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ ما ذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيراً وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيراً وَ ما يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفاسِقِينَ. الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ

امامت، ج ۲، ص: ۳۲۰

بَعْدِ مِيثاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولئِكَ هُمُ الْخاسِرُونَ.

حضرت باقر علیه السّلام فرمود وقتی خداوند: فرمود یا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ مردم مثلی زده شده و اسم مگس را برد در این آیه: إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُباباً کسانی را که پرستش میکنید غیر از خدا نمی توانند مگسی بیافرینند و فرمود مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ

أَوْلِياءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتاً وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ مثل كسانى كه جز خدا را دوست خود ميگيرند مانند عنكبوت است كه براى خود خانه ساخته سست ترين خانه ها خانه عنكبوت است اگر بفهمند و در اين سوره مثل زد بكسى كه آتشى افروزد و يا بارانى كه از آسمان فرو ريزد ناصبيان و كفار گفتند اين چه مثل هائى است بدين وسيله بر پيغمبر صلى اللّه عليه و آله و سلم خورده ميگرفتند خداوند فرمود يا محمّد: إِنَّ اللَّهَ لا يَسْتَحْيِي خداوند از خجالت رها نميكند أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مثال زدن را جهت توضيح حق براى مؤمنين چه مثل به پشه باشد يا بالاتر از پشه (مگس) اين مثلها را ميزند وقتى صلاح و نفع بندگان در آن باشد فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا اما كسانى كه ايمان بخدا و ولايت محمّد و على و آل پاك او دارند و تسليم پيامبر و ائمه و احكام و اخبار و احوال آنهايند زبان باعتراض نميگشايند و كنجكاوى در رموز و اسرار آنها نميكنند و آنها را فاش نمينمايند مگر با اجازه ايشان فَيَعْلَمُونَ آنها ميدانند أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كه اين مثل براى توضيح يك واقعيت است.

وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا كسانى كه كافر بمحمدند و اعتراض ميكنند باو در مورد على عليه السّلام كه چرا و چگونه باو اين مقام داده شده و پيروى نمى كنند از آنچه بايد پيروى كنند فَيَقُولُونَ ما ذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيراً وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيراً ميگويند با اين مثل خدا گروهى را گمراه و گروهى را هدايت ميكند پس اين مثل فايده اى ندارد زيرا اگر

چه کسی که هدایت می یابد نفع می برد ولی کسی

امامت، ج ۲، ص: ۳۲۱

که گمراه می شود زیان می بیند خداوند سخن آنها را رد میکند و می فرماید:

وَ ما يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفاسِقِينَ با این مثل جز تبهکاران کس دیگری گمراه نمیشود جنایت کارانی که دقت نمیکننـد و از آن بر خلاف استفاده مینمایند.

آنگاه شروع بتوضیح مشخصات آنها می کند: الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ کسانی که پیمان خدا را که از ایشان بربوبیت و رسالت محمّد و امامت علی و محبت و مقام شیعیان آن دو گرفته میشکنند مِنْ بَعْدِ مِيثاقِهِ با اینکه بسیار پیمانی شدید و محکم بود.

وَ يَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ و قطع رابطه خویشاوندی که باید توجه به آن داشته باشند و حقوقشان را ادا کنند مینمایند، مهمترین خویشاوند و لازمترین حق خویشاوندان محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم هستند زیرا حق آنها به واسطه حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم است.

چنانچه حق خویشاوندان بواسطه پدر و مادر لازم می شود و حق محمّد گرامی تر از حق پدر و مادر شخص است همین طور حق خویشاوندانش و قطع آن بدتر و نارواتر است.

حضرت باقر فرمود: وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ در زمین تبهکاری میکننـد با دشـمنی نسبت بکسانی که امامت آنها از جانب خدا تعیین شده و اعتقاد بامامت کسانی که خداوند مخالفت با آنها را لازم شمرده: أُولئِكَ هُمُ الْخاسِرُونَ چنین اشخاصی زیان کرده اند چون رهسپار جهنم میشوند و از بهشت محرومند وای چه زیانی که برای همیشه انسان را در عذاب قرار دهد و برای همیشه از نعمت محروم نماید.

حضرت باقر فرمود: بدانید هر کس در مورد چیزهائی که وارد

نیست و از ما باو میرسد تسلیم می شود بهمین اعتماد که ما بر حق هستیم و هرگز او را جز براه حق و حقیقت نمی بریم خداوند در مقابل باو از قصرهای بهشتی آنقدر عنایت میکند که نمیتواند اندازه و ارزش آن را بفهمد و جز خدا که بخشنده آن

امامت، ج ۲، ص: ۳۲۲

قصرها است کسی مقدارش را نمی داند.

و در ضمن کسانی که رها کنند بحث و مجادله را و تسلیم ما شوند و دست از آزار بردارند موقعی که بر صراط می آیند ملائکه با آنها در باره اعمال و رفتارشان به بحث و مجادله می پردازند در این موقع ندائی میرسد از جانب خدا که ای ملائکه من، این بنده ی من مجادله نکرد و تسلیم ائمه خود شد شما نیز با او مجادله نکنید و او را به بهشت برین خدمت ائمه و پیشوایانش ببرید تا از همنشینی آنها بهره مند گردد چنانچه در دنیا تسلیم ایشان بود.

اما کسانی که اعتراض کنند که چرا و چگونه و پیوسته پرس وجو نمایند ملائکه در صراط به آنها میگویند باید ترا نگه داریم و با تو در مورد اعمالت مجادله کنیم چنانچه مجادله میکردی در دنیا با پیشوایان خود. ندائی بملائکه می شود: راست میگوئید با او همان معامله ای بکنید که میکرده او را نگه میدارند میایستد و بسیار طولانی می شود حسابش و راجع باین محاسبه عذابی شدید میبیند چقدر آنجا پشیمان می شود و حسرت میخورد هیچ چیز نمی تواند او را نجات بخشد مگر رحمت خدا در صورتی که دین خود را از دست نداده باشد و گر نه برای همیشه در جهنم خواهد بود.

حضرت باقر علیه السّلام فرمود برای کسی که

وفا بعهـد و پیمان و قسم ها و وعده های خود نموده بملائکه میگویند این بنده در دنیا بعهد و پیمان خود وفادار بوده اینک وفا کنید بوعده ای که باو داده ایم و با او بمسامحه رفتار کنید و اشکال تراشی نکنید ملائکه او را بجانب بهشت می برند.

اما کسـی که قطع رحم نموده اگر پیوند خویشاوندان محمّد صـلی اللّه علیه و آله و سـلم را رعایت کرده باشد اولاد پیامبر برای او شـفاعت می کننـد و بخویشاونـدانش میگویند هر چه مایلید از حسـنات و کردار نیک ما بردارید و فلان کس را ببخشـید هر چه

امامت، ج ۲، ص: ۳۲۳

بخواهـد میدهنـد و او را می بخشـند خداوند بخویشاوندان پیامبر که چنین شـفاعتی را نموده اند عوض میدهد و از اعمال نیک آنهـا کم نمی کنـد اما اگر مراعات خویشاونـدان خود را نموده ولی حقوق خویشاونـدان پیامبر را مراعات نکرده که منکر آنها شـده و یـا حق واجب ایشـان را پایمـال نموده و یـا دیگران را بلقب و اسم هـای اختصاصـی ایشان نامیـده و مخالفین خود را از همشـهریان بلقب های ناشایست ملقب نموده باو می گویند بنده ی خدا دشـمنی آل پاک پیامبر و ائمه خود را خریدی بواسـطه اینکه خیال کردی دشـمنان آنها راست میگوینـد اینک از آنها کمک بخواه تا از این بـدبختی نجاتت بخشـند هیچ یار و یاوری پیدا نمی کند و رهسپار عذاب دردناک و بیچاره کننده می شود.

حضـرت باقر فرمود اما کسـی که ما را بنامها و لقب های خودمان بنامد و دشـمنان ما را باین نامها و لقب نخواند مگر در موارد ضروری که در این موارد مـا نیز خودمـان آنها را بهمین نامها و لقب ها می نامیـدیم خداونـد کریم در روز قیامت بما میفرماید اینک برای این

دوستان خود هر چه مایلید درخواست کنید که بی نیاز شود. ما برای آنها از خدا درخواست می کنیم چیزهائی را که ارزش دنیا در مقابل ارزش آنها باندازه یک دانه خردل است در مقابل آسمانها و زمین خداوند به آنها عطا می کند و چندین چند برابر بایشان میدهد.

عرض کردند بعضی از کسانی که ادعای دوستی شما را دارند بدگمان میکنند که منظور از پشه علی علیه السّلام و منظور از فَما فَوْقَها که مگس است پیامبر اکرم است.

حضرت باقر در جواب او فرمود اینها حرفی را شنیده اند ولی آن طور که باید در جای خود پیاده نکرده اند.

روزی پیامبر اکرم با علی علیه السّلام نشسته بود شنید یک نفر می گوید:

(ما شاء اللّه و شاء محمّد) آنچه خدا و محمّد بخواهد، دیگری میگفت: (ما شاء اللّه و شاء علی) آنچه خدا و علی بخواهد.

امامت، ج ۲، ص: ۳۲۴

حضرت رسول فرمود: محمّد و علی را با خدا قرین و همطراز قرار ندهید ولی بگوئید آنچه خدا بخواهد محمّد و علی نیز همان را میخواهند مشیت و خواست خدا از همه بالاتر است و کسی را قدرت برابری و مقابله و نزدیک شدن به آن نیست.

محمّد پیامبر خدا در مقابل دین خدا و قدرتش مانند یک مگسی است در این دنیای وسیع پرواز می کند و علی نیز در مقابل دین و قدرت خدا چون پشه ایست در مقابل این دنیای وسیع با اینکه لطف و فضل خدا بر محمّد و علی بیشتر است از فضل و عنایتی که بر تمام مردم نموده از ابتدای پیدایش جهان تاکنون.

اینست فرمایش پیامبر اکرم در مورد مگس و پشه در این مورد پس مربوط نیست به

آیه: إِنَّ اللَّهَ لا یَسْتَحْیِی أَنْ یَضْرِبَ مَثَلًا ما بَعُوضَةً.

تفسیر امام: وَ آمِنُوا بِما أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ وَ لا تَکُونُوا أَوَّلَ کافِرٍ بِهِ وَ لا تَشْتَرُوا بِآیاتِی ثَمَناً قَلِیلًا وَ إِیَّایَ فَاتَّقُونِ امام علیه السّلام فرمود که خداوند به یهودان میفرماید: آمِنُوا بِما أَنْزَلْتُ ایمان آورید به آنچه نازل کرده ام به محمّد که عبارت است از نبوت او و امامت برادرش علی و عترت پاکش مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ این مطلب در کتاب خود شما نیز هست که محمّد پیامبر خدا سرور جهانیان از گذشته و آینده است و او تقویت می شود به بهترین اوصیاء و جانشین خدا مشکل گشای این امت و درب شهر علم و جانشین پیامبر خدای رحیم.

وَ لا تَشْتَرُوا بِآیاتِی معامله نکنید آیاتی را که در باره نبوت محمّد و امامت علی نازل کرده ام: ثَمَناً قَلِیلًا بابهای بی ارزشی که منکر نبوت پیامبر و امامت علی شوید و با مبلغی بی ارزش از مال دنیا مبادله کنید گرچه آن مال زیاد هم باشد فانی و زودگذر و نابودشونده است.

بعد می فرماید: وَ إِیَّایَ فَاتَّقُونِ از من بهراسید در مورد کتمان امر محمّد و وصی او اگر پرهیز نکنید هرگز شما را رها نخواهیم نمود راجع به نبوت پیامبر و امامت علی زیرا حجت و دلیل بر شما لازم و ثابت شد و بسیار واضح و آشکار

امامت، ج ۲، ص: ۳۲۵

است که دیگر جای بهانه و عذری باقی نمی گذارد.

یهودان مدینه منکر نبوت حضرت محمّد شدند و باو خیانت کردند گفتند ما می دانیم محمّد پیامبر است و علی وصی اوست ولی تو آن محمّد و علی این شخص نیست.

خداوند لباس و کفشهای آنها را که در تن داشتند

بسخن در آورد که با صاحب خود گفتند دروغ می گوئی دشمن خدا! آن محمّد که پیامبر است همین شخص است و علی که وصی اوست نیز همین مرد است اگر بما اجازه دهند شما را چنان بهم میمالیم و فشار می دهیم تا کشته شوید.

پیامبر اکرم فرمود: خداوند آنها را مهلت داده چون می داند از صلب ایشان فرزندانی پاک و مؤمن بوجود خواهد آمد اگر جدا شده بودند از این فرزندان خداوند آنها را عذابی دردناک میکرد کسی عجله در کیفر میکند که از فوت و از دست رفتن مجرم بترسد.

تفسیر امام: وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ فرمود یعنی بپا دارید نمازهای واجبی را که محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم آورده است و نیز بپا دارید صلوات بر محمّد و آل پاکش را که علی سرور و بهترین آنها است.

وَ آتُوا الزَّكاةَ زکات اموال خود را وقتی واجب شد بدهید و زکات بدن را نیز در موقع لزوم بپردازید و هر گاه از شما کمک درخواست شد بکنید.

وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ با فروتنان فروتنی کنید برای عظمت خدا و پیروی از اولیای او محمّد مصطفی و علی ولی اللَّه و بعد از آن دو ائمه علیهم السّلام که سرور اصفیا هستند.

تفسیر امام: خداوند به یهودان و کافران و مشرکین فرمود: وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ بوسیله صبر و خودداری از حرام کمک بگیرید برای باز دادن امانت ها و با خودداری از ریاست های باطل کمک بگیرید برای اعتراف به نبوت

امامت، ج ۲، ص: ۳۲۶

حضرت محمّد و وصایت حضرت علی و با صبر کمک بگیرید برای خدمت کردن به پیامبر و

علی و کسانی که این دو دستور خدمت بآنها را می دهند تا شایسته بهشت و آمرزش و نعمت های جاوید در پناه خدا و رفاقت مؤمنین شوید با بهره مندی از تماشا بعترت محمّد سرور جهانیان و علی سرور نیکان برگزیده.

این تماشا بیشتر موجب خوشحالی شما و روشنی چشمتان میگردد و کاملتر میکند هدایت شما را از سایر نعمت های بهشت و کمکٔ بگیرید بوسیله نمازهای پنجگانه و نیز صلوات فرستادن بر محمّد و آل پاکش برای رسیدن به بهشت برین.

وَ إِنَّها این نمازهای پنجگانه و صلوات بر محمّد و آلش با مطیع بودن نسبت بدستورات آنها و ایمان به آشکار و پنهان ایشان و ترکٔ اعتراض و بهانه جوئی که چرا و چگونه.

لَكَبِيرَةٌ بسیار بزرگٔ است إِلَّا عَلَى الْخاشِعِينَ مگر برای آنها که از خدا می ترسند در باره مخالفت دستورش راجع به مهمترین فرایض.

اختصاص و بصائر: هشام بن سالم از سعد از حضرت باقر نقل کرد که ما هشت نفر در خدمت آن جناب بودیم صحبت رمضان شد فرمود نگوئید این رمضان است و نه رمضان رفت و نه رمضان آمد.

زیرا رمضان یکی از نامهای خدا است و نمیتوان نسبت رفتن و آمدن به ذاتش داد رفتن و آمدن مربوط باشیاء زائل است ولی بگوئید ماه رمضان ماه را اضافه کنید برمضان، نام نام خدا است ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده خداوند آن را مثل برای اهل بیت و عید برای مؤمنین قرار داد بدانید هر کس در ماه رمضان از خانه خود خارج شود و رهسپار راه خدا گردد ما همان راه خدا هستیم که هر کس وارد این راه شد بدور

دژی محکم میگردد و دژ محکم امام است.

امامت، ج ۲، ص: ۳۲۷

و با دیدن امام تکبیر بگوید در کفه حسنات او سنگی نهاده می شود سنگین تر از آسمان ها و زمین های هفت گانه و آنچه در آنها و بین آنها و زیر آنها است.

عرضکردم: آقا میزان چیست؟

فرمود: تو نیرو و نظر بیشتری پیدا کردی سنگ پیامبر اکرم و ما میزان هستیم اشاره بهمین مطلب است فرموده خدا در این آیه: لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ «۱» فرمود هر کس در مقابل امام تکبیر بگوید و بگوید: لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وحده لا شريك له.

خداوند رضوان اکبرش را برای او لازم می شمارد و هر کس مشمول رضوان اکبر خدا شود در خدمت ابراهیم و محمّد و پیمبران در دار الجلال خواهد بود.

عرضکردم: دار الجلال چیست؟

فرمود ما دار هستیم و این آیه همان است: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُها لِلَّذِينَ لا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لا فَساداً وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ما عاقبت در این آیه هستیم ای سعد اما مودت و دوستی ما متعلق بمتقین است.

خداوند میفرماید: تَبارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ ما جلال اللّه و کرامت او هستیم که بوسیله اطاعت از ما بندگانش را گرامی داشته.

تفسیر عیاشی: محمّد حلبی گفت از حضرت صادق علیه السّلام راجع باین تکه آیه پرسیدم: يا بَنِي إِسْرائِيلَ فرمود آنها فقط ما هستیم.

تفسیر عیاشی: ابو داود از کسی که از پیامبر اکرم شنیده است نقل می کند که

امامت، ج ۲، ص: ۳۲۸

فرمود من عبد اللّه نامم احمد و من عبد اللّه هستم اسمم اسرائیل هر چه باو امر کند بمن امر کرده و هر چه باو نسبت دهد بمن نسبت داده شده.

توضیح: شاید منظور این

باشد یا بَنِی إِسْرائِیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکَمْ وَ أَنِّی فَضَّلْتُکَمْ عَلَی الْعالَمِینَ که معنی باطن آیه مربوط بآل محمّد است زیرا اسرائیل یعنی عبد اللّه میفرماید منهم عبد اللّه هستم بدلیل این آیه: سُبْحانَ الَّذِی أَسْری بِعَبْدِهِ هر خطاب خوبی که به بنی اسرائیل می شود در ظاهر، باطن آن متوجه من و اهل بیت من است.

کنز جامع: جابر از حضرت صادق در باره آیه وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشی فرمود دوست ابلیس تا روز قیامت است که آن روز قیام قائم است وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّی و آن روز درخشان حضرت قائم است وقتی قیام کند فَأَمَّا مَنْ أَعْطی وَ اتَّقی هر کس در مورد خود حق را رعایت کند و از باطل بپرهیزد فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْیُسْری او را بهشتی خواهم نمود.

وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنی و هر که در باره خود از حق مضایقه کند و بباطل گراید وَ کَذَّبَ بِالْحُسْنی و ولایت علی بن ابی طالب و أئمه را تکذیب کند فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْعُسْری او را بجانب جهنم می بریم و إِنَّ عَلَیْنا لَلْهُدی یعنی علی همان هدایت است وَ إِنَّ لَنا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولی فَأَنْذَرْتُکُمْ ناراً تَلَظَّی فرمود منظور حضرت قائم است که وقتی با خشم قیام کند از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را میکشد لا یَصْلاها إِلَّا الْأَشْقَی فرمود باین آتش دشمن آل محمّد گرفتار می شود وَ سَیُجَنَّبُهَا الْأَتْقَی و از آن فاصله دارد امیر المؤمنین و شیعه او.

فیض بن مختار: از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که ایشان آیه را چنین قرائت نمود ان علیا للهدی و ان له الآخره و الاولی چون از امام

راجع بقرآن پرسیده بودند فرمود در آن عجائبی است در قرآن است کَفَی اللَّهُ الْمُؤْمِنِینَ الْقِتالَ بعلی.

این خبر را تأیید می کند روایتی که یونس بن ظبیان از حضرت صادق نقل کرده

امامت، ج ۲، ص: ۳۲۹

که فرمود: وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشی . وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّی. اللَّه خالق الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثی . و لعلی الآخره و الاولی.

دو روایت دیگر در همین مورد هست و این خبر را تأیید میکند آنچه در دعا وارد شده باین عبارت:

«سبحان من خلق الدنیا و الآخره و ما سکن فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ لمحمّد و آل محمّد»

علامه در کشف الحق در باره آیه لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ إِنَّ اللَّهَ کانَ بِکُمْ رَحِیماً از ابن عباس نقل کرده یعنی نکشید اهل بیت پیامبرتان را «۱».

توضیح: یعنی اهل بیت پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم بمنزله جان شما هستند باید همان طور که بجان خود علاقه دارید بآنها نیز احترام نمائید بلکه آنها از جان شما باید در نظرتان بالاتر باشند.

اختصاص: جابر جعفی گفت حضرت باقر علیه السّلام فرمود چرا جمعه را باین نام نامیده اند گفتم فدایت شوم علت آن را نمی فرمائید فرمود برایت تأویل و تفسیر اعظم آن را نگویم؟! عرضکردم چرا یا ابن رسول اللَّه بفرمائید.

فرمود: جابر! این روز را جمعه نامیده اند چون در این روز خدا جمع کرد تمام جهانیان را از اولین و آخرین و هر چه آفریده از جن و انس و تمام مخلوقات آسمانها و زمین و دریاها و بهشت و جهنم و هر چه بوجود آورده در میثاق (محل پیمان نامه).

از تمام آنها پیمان گرفت بربوبیت و برای محمّد به نبوت و برای علی بولایت در همین

روز خداوند بآسمانها و زمین فرمودائْتِیا طَوْعاً أَوْ کَرْهاً. قالَتا أَتَیْنا طائِعِینَ

این روز را جمعه نامید چون همه جهانیان را جمع کرد بعد میفرماید یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا نُودِیَ لِلصَّلاةِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَهِ وقتی دعوت بنماز میشوید

امامت، ج ۲، ص: ۳۳۰

در روز جمعه همین روزی که جمع نمود شما را در آن منظور از صلاه امیر المؤمنین است یعنی ولایت و آن ولایت کبری است در همین روز انبیاء و رسل و ملائکه و هر چه آفریده و جن و انس، آسمانها و زمینها و مؤمنین لبیک گویان آمدند فامضوا الی ذکر اللَّه «۱» بجانب ذکر خدا بروید ذکر خدا امیر المؤمنین است.

وَ ذَرُوا الْبَیْعَ واگذارید بیع را یعنی اولی ذلِکُمْ یعنی بیعت امیر المؤمنین و ولایت او خَیْرٌ لَکُمْ بهتر است از بیعت اولی و ولایتش إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فَإِذا قُضِیَتِ الصَّلاهُ یعنی وقتی تمام شد بیعت امیر المؤمنین فَانْتَشِرُوا فِی الْأَرْضِ منظور از ارض اوصیاء است که خدا امر باطاعت و ولایت آنها می کند چنان که دستور اطاعت پیامبر و علی را داده بجای نام آنها کنایه آورده و (ارض) فرمود: وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ.

جابر گفت عرضکردم: وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ است فرمود: تغییر داده شده چنین نازل شده است و ابتغوا فضل اللَّه علی الاوصیاء وَ اذْکُرُوا اللَّهَ کَثِیراً لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ از این جا خداوند خطاب بحضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم مینماید فرمود: یا محمّد إِذا رَأَوْا وقتی شکاکان و منکران ببینند تِجارَهً یعنی اولی را أَوْ لَهْواً دومی انصرفوا الیها گفتم انْفَضُّوا إِلَیْها است فرمود تحریف است! این طور نازل شده.

وَ تَرَکُوکَ ترا وامیگذارند یا

علی قائِماً قُلْ یا محمّد ما عِنْدَ اللَّهِ بگو ای محمّد آنچه نزد خداست از ولایت علی و اوصیاء بهتر است از لهو و تجارت یعنی بیعت اولی و دومی لِلَّذِینَ اتَّقَوْا عرضکردم این قسمت در قرآن نیست فرمود چرا این طور نازل شده و پرهیزگاران شما هستید وَ اللَّهُ خَیْرُ الرَّازِقِینَ «۲».

تفسیر قمی: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَکَّاها حضرت صادق فرمود امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب است که پیامبر اکرم او را تزکیه نمود.

امامت، ج ۲، ص: ۳۳۱

توضیح: «بنا بر این تأویل، مراد از نفس در آیه نفس امیر المؤمنین است که خدا باو خیر و شر را الهام نموده و منظور از مَنْ دَسَّاها کسی است که فضل و مقام او را پنهان کرده.

کافی: هشام بن حکم از حضرت صادق در باره آیه لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمانِها خَیْراً فرمود منظور اقرار بانبیاء و اوصیاء و بامیر المؤمنین مخصوصا میباشد فرمود سود نمیدهد ایمانش چون از او گرفته شده.

توضیح: شاید کسب خیر را تفسیر نموده باقرار نسبت بانبیاء و اوصیاء در دنیا وقتی این کار را نکردند ایمان و میثاق آنها سودی نخواهد داشت چون از دست داده اند.

کافی: ابو حمزه از حضرت باقر یا صادق علیهما السّلام نقل کرده در باره آیه بَلی مَنْ کَسَبَ سَیِّئَةً وَ أَحاطَتْ بِهِ خَطِیئَتُهُ فرمود وقتی امامت امیر المؤمنین را انکار کنند فَأُولئِکَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فِیها خالِدُونَ.

کنز جامع: ابو الورد از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه أَ فَمَنْ یَعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ الْحَقُّ کسی که میداند آنچه بر تو از پروردگارت نازل شده حق است

فرمود یعنی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و اعمی و کور در آیه دشمن اوست و اولو الالباب (خردمندان) شیعیان علی هستند که چنین توصیف شده اند الَّذِینَ یُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لا یَنْقُضُونَ الْمِیثاقَ کسانی که بعهد و پیمان خدا وفا دارند و میثاقی که در عالم ذر از آنها گرفته شده و در روز غدیر راجع بولایت علی نمیشکنند.

کنز: عیسی بن داود گفت موسی بن جعفر علیه السّلام فرمود از پدرم راجع باین آیه پرسیدم: وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِینَ بشارت ده فروتنان را فرمود در باره ما فقط نازل شده.

امامت، ج ۲، ص: ۳۳۲

کافی: حفص از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده در باره آیه وَ الَّذِینَ یُؤْتُونَ ما آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلی رَبِّهِمْ راجِعُونَ فرمود: چه آوردند؟ بخدا قسم اطاعت خدا با محبت و ولایت را آوردند با تمام اینها بیمناکند نه اینکه ترس آنها ترس شک و تردید باشد و لکنهم خافوا ان یکونوا مقصرین فی طاعتنا و ولایتنا میترسند که مبادا کوتاهی در اطاعت و ولایت ما کرده باشند.

خِتامُهُ مِسْکٌ وَ فِی ذلِکَ فَلْیَتَنافَسِ الْمُتَنافِسُونَ آری بخدا چنین است یا بن رسول اللَّه از کوتاهی و تقصیر خود زیاد بیمناکیم. موسی خسروی

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹